

فصلنامه علمی

راهبرد اجتماعی فرهنگی

۳۳

سال هشتم - شماره سی و سوم - زمستان ۱۳۹۸

هیئت تحریریه

محمدباقر خرمشاد / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مهرداد نوابخش / استاد دانشکده ادبیات دانشکده علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

بهرام بیات / استاد جامعه شناسی دانشگاه عالی دفاع ملی

غلامرضا خواجه سروری / استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مرتضی فرهادی کمره‌ای / استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

محبوبه مباشری / دانشیار ادبیات دانشگاه الزهرا

ابراهیم فیاض / دانشیار انسان شناسی دانشگاه تهران

حمید پارسانیا / دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران

سیدمحمد حسینی / دانشیار الهیات دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان آیت‌الله طالقانی، نرسیده به پل حافظ، پلاک ۳۷۶

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۶۶۹۷۱۶۸۱ نمابر: ۶۶۴۹۹۱۲۱

وبسایت: rahbordfathangi.csr.ir

پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

بسم الله الرحمن الرحیم



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

محسن رضایی میرقائد
دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)

سردبیر

محمدباقر خرمشاد
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

ویراستار

سمیه صالح‌نیا

صفحه‌آرا

نجمه قادری

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: ۶۵۸۸-۲۵۸۸
تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۲۵۴) (Giddens, 2009: 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر، نام ناشر، نوبت چاپ

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه) نام نشریه، شماره دوره، صفحات مقاله (از ص تا ص)

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان مقاله (درون گیومه)، نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر، نام ناشر، شماره صفحات مقاله (از ص تا ص)

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام، (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع (درون گیومه)، نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام، سال انتشار (درون پرانتز)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راہبرد اجتماعی فرهنگی

شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۸، سال هشتم

فہرست مطالب

نیازسنجی در شهر: مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده درباره سنجش نیازهای شهری

زہرا ناجی اصفہانی، مینا جلالی، مہدی ڈیانپور / ۵

بررسی وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران

مریم جمالی، علیرضا صادق‌زادہ قمصری، سیدرضا صالحی امیری، محسن فرمہینی فراہانی / ۳۱

رویکردی میان‌رشته‌ای بہ مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی‌گذاری عمومی

مرتضی گودرزی، علی اصغر پورعزت، احمد توکلی / ۵۳

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعارض‌های فرهنگی فراروی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره))

محمد رحیم عیوضی، امیر گروسی / ۸۳

بررسی نظریہ ہیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاہ قرآن

احمد شفازادہ / ۱۰۹

گونه‌شناسی الگوهای ذهنی شهروندان در توسعه فرهنگی غرب کشور (مطالعه موردی استان‌های

کردستان، کرمانشاه، و ایلام)

خلیل نوروزی، احسان ملانوری شمسی، حامد ملانوری شمسی / ۱۳۵

شناسایی و اولویت‌بندی موانع و تبیین الگوی ساختاری-تفسیری توسعه گردشگری ورزشی ایران

زہرا کیوانی ہفشجانی، علی محمد صفانیا، محمد پورکیانی، محسن باقریان فرح‌آبادی / ۱۶۷

اسامی داوران

محمدباقر خرمشاد/ بهرام بیات/ حمیدرضا ملک محمدی/ یاسر برخورداری/

محبوبه مباشری/ علی اصغر پورعزت/ جعفر هزارجریبی/ محمدرضا حسینی/

سعید غیاثی/ غلامحسین بیابانی/ مهدی میرزائی/ بهالدین قهرمانی نژاد/

محمدرضا پویافر/ بهبود یاری قلی/ مصطفی عباسی مقدم

نیازسنجی در شهر: مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده درباره سنجش نیازهای شهری^۱

زهرناجی اصفهانی*

مینا جلالی**

مهدی زیانپور***

چکیده

شرایط زندگی شهری امروز، نیازهای شهروندان را متنوع، متکثر، و پیچیده کرده است. اجرای طرح‌های نیازسنجی در شهر، تمهیدی برای شناسایی نیازهای مهم شهروندان، فراهم کردن زمینه‌های تحقق آن‌ها، و شناخت تغییرات پیاپی زیست شهری است. در مقاله حاضر با استفاده از روش اسنادی و مرور نظام‌مند مطالعات نیازسنجی — که در شهرها انجام شده‌اند — پیشنهادهایی در مورد چگونگی سنجش نیازهای شهری ارائه شده است. یافته‌ها حاکی از این است که در طرح‌های نیازسنجی شهری انجام‌شده، کاستی‌های روش‌شناسی‌ای مانند عدم تناسب گستره جامعه مورد مطالعه و اهداف نیازسنجی با روش اتخاذشده، محدود بودن پیمایش‌ها به پرسش‌های بسته، توجیه نداشتن بهره‌گیری از شیوه‌های نمونه‌گیری در گردآوری داده‌ها، عدم اتخاذ رویکرد نمونه‌گیری درست، و همچنین، کاستی‌هایی در مورد نحوه استخراج مفهوم نیازها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: شهر، نیازهای شهری، نیازسنجی، مرور نظام‌مند

۱. این مقاله، برگرفته از طرح پژوهشی‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی مطالعات نیازسنجی شهری با تأکید بر تجارب شهر اصفهان» است که توسط گروه پژوهشی مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهر جهاد دانشگاهی واحد اصفهان انجام شده است.

* دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی، استادیار پژوهش در گروه مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهر جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان
Naji.zahra@gmail.com

** دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، کارشناس پژوهش گروه مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهر جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان (نویسنده مسئول)
Jalali_mina64@yahoo.com

*** دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی، استادیار پژوهش در گروه مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهر جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان
Zhianpourmehdi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰

فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۹-۵

مقدمه

افزایش شهرها و پویایی محیط شهری، به متنوع‌تر و پیچیده‌تر شدن نیازها و مسائل این شکل از زندگی انجامیده است. انجام نیازسنجی‌ها توسط سازمان‌های متولی مدیریت شهری، تمهیدی جدی برای شناسایی این نیازها و فراهم کردن زمینه‌های تحقق آن‌ها است؛ بنابراین، نیازسنجی، به‌عنوان یکی از اصول استانداردسازی مدیریت شهری، می‌تواند در تصمیم‌سازی برای تدوین الگوها، هنجارها، و استانداردهای خدمات شهری، مؤثر و کارآمد باشد، به‌مدیران شهری برای رویارویی با مسائل و تغییرات مداوم زیست و کالبد شهری کمک کند، و با تمرکز بر نیازهای شهروندانی که به آن‌ها خدمات ارائه می‌کند، مسیر جلب مشارکت، تأمین عدالت اجتماعی، رفاه شهروندان، و حل مشکلات مرتبط با خدمات شهری را هموار کند. براین‌اساس، بازخوانی نیازسنجی‌های انجام‌شده، به‌منظور تدوین شیوه‌ اجرای نیازسنجی‌های بعدی، دربردارنده‌ تجربه‌های ارزشمندی برای پژوهشگران خواهد بود. در این مقاله تلاش کرده‌ایم با بررسی نیازسنجی‌های داخلی و خارجی، ضمن توصیف مختصر و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، نکته‌های موجود در این پژوهش‌ها را در دو محور روش‌شناختی (اعم از روش‌های انتخابی، شیوه‌های نمونه‌گیری، نحوه استخراج، و شیوه سنجش نیازها) و شیوه استخراج مفهوم نیازها، تشریح کنیم و در پایان مقاله نیز با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده، پیشنهادهایی برای انجام نیازسنجی‌های شهری آینده ارائه شده است. براین‌اساس، اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- شناسایی خلأهای کاربردی در سنجش نیازهای شهری؛

- شناسایی ضعف‌های علمی/روشی در سنجش نیازهای شهری؛
 - ارائه پیشنهاداتی جهت انجام نیازسنجی‌های شهری.
- با توجه به اهداف یادشده در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستیم:
- ضعف‌های روش‌شناختی سنجش، اجرا، و استخراج نیازهای شهری چه مواردی هستند؟
 - چه شکاف‌هایی میان استلزامات علمی-روشی و اجرای طرح‌های سنجش نیازهای شهری در واقعیت وجود دارد؟

۱. ادبیات پژوهش

لئونارد دهل (واضع ایده شهر سالم) نیازهای شهری را در پنج محور نیازهای اساسی و اولیه، عملکردی و هنری، ارتباطی و شبکه‌ای، زیرساخت‌ها، و ملاحظات اکولوژیک بررسی کرده است. نیازهای اساسی و اولیه، به توانایی هر شهر در تأمین نیازهای اساسی شهرنشینان خود (مانند غذا، لباس، خانه، امنیت، مراقبت‌های بهداشتی، و...) اشاره دارد. در عرصه تأمین نیازهای عملکردی و هنری، زمینه‌هایی فراهم می‌شود که برای تولد، رشد، آموزش، کار، و تفریح شهروندان هر شهر لازم هستند و باید قابلیت تحقق را برای همگان داشته باشند. نیازهای ارتباطی و شبکه‌ای، به انواع ارتباطات در ابعاد مختلف، اعم از راه‌های انتقال غذا یا پول، ارتباط عقاید، تغذیه ارزش‌ها، تماس‌های اجتماعی و ارتباط با سایر شهرها و کشورها اشاره دارد. نیازهای زیرساختی، دربردارنده زیرساخت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی، پنهان و منعطف (مانند قوانین و مقررات، نظام‌ها و الگوهای رفتاری) است که روی هم‌رفته، نحوه مدیریت جامعه را شکل می‌دهند. درنهایت، دهل با تأکید بر ملاحظات و سپس، نیازهای اکولوژیک، درعمل، مفهوم توسعه پایدار را وارد مفاهیم شهرسازی می‌کند. به نظر او، این‌دسته از نیازها، اساسی‌ترین و درازمدت، جزء مهم‌ترین نیازها هستند (اسماعیلی صالحی، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷).

ماتسوکا و کاپلان، نیازهای موجود در شهر را به دو بخش کلی نیازهای طبیعی و نیازهای تعامل انسانی، تقسیم کرده‌اند. از دید آنان، تفاوت این دو نیاز، در تماس فیزیکی با محیط طبیعی است. نیازهای طبیعی، نیازها و اهدافی هستند

که توسط محیط طبیعی و با احساس رضایت و سلامت فیزیکی، عاطفی، و روحی در تماس با محیط برآورده می‌شوند. این نیازها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته نخست، به استفاده از پارک‌ها، جنگل‌های شهری، فضای سبز بیمارستان‌ها، مدارس، و سایر چشم‌اندازهای طبیعی اشاره دارد؛ دسته دوم، به نیازهای زیبایی‌شناختی‌ای مانند مناظر طبیعی، تمیزی آن، و صداهای دلنواز مربوط است؛ و دسته سوم، نیازهای تفریح و سرگرمی مانند پیاده‌روی، دویدن، دوچرخه‌سواری، و سایر ورزش‌ها و بازی‌ها را دربر می‌گیرد. بخش دوم نیازها، به تعامل انسانی و حفظ حریم خصوصی، مشارکت شهروندی، و هویت اجتماعی مربوط می‌شود (ماتسوکا و کاپلان، ۲۰۰۸: ۹-۱۲).

با توجه به جهت‌گیری‌های مختلف در تعریف نیاز، این مفهوم را می‌توان به‌مثابه فاصله یا شکاف^۱ (ارزیابی عینی نیاز براساس تفاوت میان عملکرد مطلوب و عملکرد مشاهده‌شده یا پیش‌بینی‌شده)، خواست یا ترجیح^۲ (ارزیابی ذهنی نیاز براساس توجه به خواسته‌ها و دیدگاه‌های افراد مورد مطالعه) و عیب یا کاستی^۳ (درنظر گرفتن نقص یا مسئله در یک زمینه خاص به‌عنوان نیاز) درنظر گرفت. براساس این تعریف‌ها، رویکردهای سنجش نیاز را می‌توان در قالب چهار رویکرد نیازسنجی هدف‌محور (نیاز به مثابه فاصله یا شکاف)، توافق‌سنج (نیاز به مثابه خواست یا ترجیح)، مسئله‌محور (نیاز به مثابه عیب یا کاستی) و جامع‌نگر (نیاز به مثابه شکاف، خواست و کاستی) معرفی کرد. این رویکردها، تنها به سنجش نیازهای شهری اختصاص ندارند، اما در مطالعات مختلف سنجش نیازهای شهری، به‌کار رفته‌اند.

در نیازسنجی‌های هدف‌محور، فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برای رسیدن به هدف تعیین‌شده، درنظر گرفته می‌شود. نیاز، شکاف قابل‌اندازه‌گیری بین دو وضعیت است: «چه هست؟» (وضعیت و حالت موجود) و «چه باید باشد؟» (وضعیت و حالت مطلوب). این دو وضعیت، باید اندازه‌گیری

1. Discrepancy View

2. Want & Preference

3. Felt Needs

شده و این اختلاف بین آن‌ها توضیح داده شود. انجام نشدن این کار، به این معنا است که ما به‌طور مستقیم، یک نیاز را تشخیص نداده‌ایم (آلتشود و کومار، ۲۰۱۰: ۳). با استفاده از این نوع نیازسنجی، برای تعیین فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، لازم است که با مشارکت سازمان‌های متولی مدیریت شهری، وضع موجود خدمات ارائه شده و وضع مطلوب بر اساس استانداردهای موجود بررسی شده و براساس فاصله میان آن‌ها، میزان نیاز شهروندان به‌دست آید.

در نیازسنجی توافق‌سنج، «نیاز»، تداعی‌کننده خواست یا ترجیح افراد است و دیدگاه‌ها و عقاید آنان در مورد نیازها، کانون اصلی نیازسنجی خواهد بود. هدف این نوع نیازسنجی، فرایند گردآوری و ایجاد توافق بین دیدگاه‌ها و ایده‌های گوناگون است (یارمحمدیان و بهرامی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۶ و نوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۲). در این نوع نیازسنجی، تنها وضعیت مطلوب از نظر افراد سنجیده می‌شو و از شهروندان پرسیده می‌شود که به چه چیز نیاز دارند؟

در نیازسنجی مسئله‌محور، «نیاز»، به عنوان نوعی عیب یا کاستی در نظر گرفته می‌شود و نیازسنجی عبارت است از: شناسایی مسائل و مشکلات برای انجام اقدامات اصلاحی و افزایش کارایی (نوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۳). این شیوه نیازسنجی، دارای مفهومی از مشکل و نیاز است، ولی برخلاف رویکرد هدف‌محور، نشانی از یک اختلاف قابل‌اندازه‌گیری ندارد؛ به این معنا که نیاز به واسطه مقایسه «وضعیت مطلوب» و «وضعیت موجود» مشخص نشده و احتمالاً به شرایط مطالعه‌نشده‌ای مربوط است که می‌تواند راه‌حل‌های فراوانی داشته باشد (آلتشود و کومار، ۲۰۱۰: ۴). هدف از سنجش نیازهای شهری در این رویکرد، شناخت مسائل، مشکلات، و معایب موجود در عملکرد شهر یا سازمان‌های متولی مدیریت شهری است.

در کنار این سه رویکرد، می‌توان به رویکرد چهارمی به عنوان رویکردی جامع‌نگر اشاره کرد که در پی شناخت نیاز از جنبه‌های متفاوت ذهنی و عینی است. در این رویکرد برای مشخص کردن نیاز، به مقایسه شرایط فعلی با شرایط مطلوب، در نظر گرفتن مشکلات، کاستی‌ها، ترجیحات، علایق، و انتظارات توجه

می‌شود و پس از گردآوری اطلاعات از این مجراهای چندگانه به راهبردهای رفع نیاز و انجام اقدامات لازم فکر می‌شود. از این رو، نیازسنجی از این منظر، با هدف حل مشکلات جاری، پرهیز از تکرار مشکلات فعلی یا گذشته، استفاده از فرصت‌های آتی، و ایجاد فرصت یادگیری، رشد و توسعه انجام می‌شود (گوپتا و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۵-۱۴). چنانچه از این رویکرد در سنجش نیازهای شهری بهره برده شود تلاش خواهد شد همه جنبه‌های سه رویکرد پیشین برای سنجش نیازهای شهری در نظر گرفته شود.

۲. روش پژوهش

یکی از شناخته شده‌ترین روش‌ها برای مرور پژوهش‌های گذشته، تحلیل اسنادی در قالب مروری نظام‌مند است. نویسندگان مختلف، فرایندهای نسبتاً مشابهی را برای مرور نظام‌مند پژوهش‌ها مطرح کرده‌اند؛ به عنوان نمونه پایگاه اطلاعاتی کوکران، در این راستا، هفت مرحله را پیشنهاد کرده است: ۱. انتخاب پرسش پژوهش؛ ۲. تعریف معیارهای ورود مطالعات؛ ۳. یافتن مطالعات مرتبط؛ ۴. انتخاب مطالعات؛ ۵. ارزیابی کیفیت مطالعات؛ ۶. استخراج داده‌ها؛ ۷. تحلیل و بیان نتایج (پرتو و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۸). در پژوهش حاضر نیز با استفاده از این پروتکل، اقدام به مرور نظام‌مند موضوع پژوهش کردیم. معیار ورود طرح‌ها و مقاله‌ها برای مرور نظام‌مند، انتشار آن‌ها در یک بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ و ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵) بوده و به لحاظ زبان پژوهش‌ها به دلیل محدودیت‌های زمانی، مالی، و نیروی انسانی — تنها پژوهش‌های نوشته شده به زبان انگلیسی یا فارسی، جست‌وجو شده‌اند؛ به لحاظ نوع مطالعات نیز، با توجه به محوریت موضوع سنجش نیازهای شهری در این پژوهش، تنها پژوهش‌هایی که به سنجش نیازهای شهری و نیازسنجی در این موضوع پرداخته‌اند، در جامعه آماری گنجانده شده‌اند. برای یافتن پژوهش‌های مرتبط، به وبسایت سازمان‌های پژوهشی و سایر وبسایت‌های معتبر مانند "sid.ir"، "noormags.com"، "irandoc.com"، "ensani.ir"، "scholar.google.com"، "civilica.com"، "hakim.hbi.ir"، "undp.org"، "osce.org"، "proquest.com"، "ebsco.com" مراجعه شد. در منابع

فارسی، با جست‌وجوی واژه‌هایی مانند «نیازسنجی»، «نیازسنجی شهری»، و «نیازهای شهری»، و در منابع انگلیسی، با جست‌وجوی واژه‌هایی مانند "Needs Assessment"، "Need Assessment in city"، "Need Assessment of citizen"، و "Urban Needs Assessment"، مرتبط‌ترین پژوهش‌های مربوط به نیازسنجی‌های شهری انتخاب، و سایر مطالعات نیازسنجی، اعم از نیازسنجی‌های آموزشی، بهداشتی، و سازمانی، از فرایند بررسی حذف شدند. برخی از پژوهش‌های سازمانی، با مراجعه حضوری به سازمان مربوطه، کتابخانه‌ها، یا مراکز اسناد و پژوهش‌ها، و برخی دیگر، از طریق سایت سازمان‌های پژوهشی و سایر وبسایت‌های یادشده، تجزیه و تحلیل شدند.

۳. جامعه آماری و نمونه مورد مطالعه

همان‌گونه که اشاره شد، جامعه آماری این مطالعه، پژوهش‌هایی هستند که در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ و ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، نیازهای شهری را بررسی کرده‌اند. پس از بررسی پژوهش‌های گردآوری‌شده و تعیین ارتباط با موضوع و اهداف پژوهش، روی هم‌رفته ۲۹ پژوهش، برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. همان‌گونه که در جدول‌های ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، پژوهش‌ها براساس روش پژوهش، شیوه‌های انتخاب موارد یا گردآوری داده‌ها، شیوه نمونه‌گیری، گستره نیاز، و نحوه استخراج و سنجش نیازها، تلخیص، بازبینی، و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

جدول ۱. طرح‌ها و پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه سنجش نیازهای شهری

عنوان پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	روش استخراج و سنجش نیازها
نیازسنجی پژوهشی منطقه پایگاه تحقیقات توسعه و ارتقای سلامت شهر فرخ‌شهر استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۸۳)	روش کیفی	پژوهش مشارکتی و ارزیابی سریع نیاز بر مبنای سه اصل مشاهده، مصاحبه با گروه‌های مختلف مردم، و داده‌های گردآوری‌شده از منطقه	احتمالی (تصادفی منظم)	توسعه اجتماعی و سلامت جامعه	در نظر گرفتن نیاز به مثابه مشکل (مشکلات سالمندان، فرهنگی، عمرانی، ورزشی، زنان، بهداشت، جوانان، امنیت اجتماعی و اشتغال)
نیازسنجی مقدماتی در پایگاه تحقیقات جمعیتی شهرستان دنا (۱۳۸۴)	روش کیفی	بحث‌های گروهی متمرکز با گروه‌های مختلف مردمی اعم از شهری و روستایی	هدفمند	نیازهای بهداشتی محیط و اجتماعی-اقتصادی	در نظر گرفتن نیاز به مثابه کمبودها، معضلات، و مشکلات موجود (معضلات بهداشتی محیط و مشکلات اجتماعی-اقتصادی)
نیازسنجی فرهنگی محلات شهر اصفهان (محله شمس‌آباد) (۱۳۸۵)	روش کمی	پیمایش از ساکنان محله با استفاده از پرسش‌نامه	احتمالی (خوشه‌ای تصادفی)	نیازهای فرهنگی	در نظر گرفتن نیاز به مثابه مهم‌ترین مشکلات اجتماعی و معضلات محله
نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی محله‌های اصفهان (محله حسین‌آباد-خانه فرهنگ اندیشه) (۱۳۸۵)	روش کمی	پیمایش از ساکنان محله با استفاده از پرسش‌نامه	احتمالی (خوشه‌ای تصادفی)	نیازهای فرهنگی و اجتماعی	در نظر گرفتن نیاز به مثابه معضلات محله
مطالعه تطبیقی نیازهای فرهنگی برای گذراندن اوقات فراغت در شهر اصفهان؛ مطالعه موردی مناطق رهنان و خانه اصفهان (۱۳۸۶)	روش کمی	پیمایش از ساکنان این محله‌ها با استفاده از پرسش‌نامه	غیراحتمالی (سهیمه‌ای به نسبت جنس و سن مناطق)	نیازهای فرهنگی	استخراج نیاز از طریق بررسی میزان وجود امکانات فرهنگی در منطقه و در نظر گرفتن نیاز به مثابه کمبود این امکانات
نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی محلات شهر اصفهان (محله رهنان) (۱۳۸۶)	روش کمی	پیمایش از ساکنان این محله‌ها با استفاده از پرسش‌نامه	احتمالی (خوشه‌ای تصادفی)	نیازهای فرهنگی-اجتماعی	در نظر گرفتن نیاز به مثابه کمبود امکانات و مشکلات فرهنگی-اجتماعی محله
نیازسنجی و اولویت‌بندی مشارکتی مشکلات اجتماعی-اقتصادی ساکنین	روش کیفی	پژوهش مشارکتی، ارزیابی سریع بر مبنای به کارگیری روش مثلث‌بندی	احتمالی (تصادفی برای تشکیل گروه متمرکز) و هدفمند برای	نیازهای اجتماعی-اقتصادی	در نظر گرفتن نیاز به مثابه مشکلات اجتماعی-اقتصادی

عنوان پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	روش استخراج و سنجش نیازها
منطقه ۱۷ تهران (۱۳۸۶)		(مشاهده، مصاحبه، و منابع ثانویه)	مصاحبه		
بررسی نیازهای بهداشتی و اجتماعی ساکنین منطقه ۱۷ شهرداری تهران (۱۳۸۶)	روش کمی و کیفی	پرسش‌نامه استاندارد بررسی جهانی سلامت سازمان جهانی بهداشت، تحقیق مشارکتی و بحث‌های گروهی	احتمالی (خوشه‌ای) و هدفمند	نیازهای بهداشتی-اجتماعی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه مشکلات
نیازسنجی محله ۱۱ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران (۱۳۸۶)	روش کمی	پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه نیمه‌ساخت‌یافته	احتمالی (تصادفی خوشه‌ای)	نیازهای اجتماعی، فرهنگی، و کالبدی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه مشکلات محله و تممیم آن به سایر محله‌های مناطق تهران
بررسی نیازهای فرهنگی مردم شهر کرج در سال (۱۳۸۶)	روش کمی	پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه	غیراحتمالی (سه‌میه‌ای)	نیازهای فرهنگی و هنری	سنجش مستقیم نیاز در پنج سطح (از نیاز خیلی زیاد تا خیلی کم)
نیازسنجی تفریحی شهروندان ۱۵ تا ۴۰ سال شهر اصفهان (۱۳۸۷)	روش کمی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه (پرسش‌های باز و بسته)	احتمالی (خوشه‌ای چندمرحله‌ای)	نیازهای تفریحی، فرهنگی، اجتماعی، و آموزشی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه شکاف وضع موجود (آنچه اکنون وجود دارد) و وضعیت مطلوب (آنچه به آن نیاز است)
تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای (مطالعه محلات شهر اصفهان) (۱۳۸۷)	روش کمی و کیفی	پیمایش از شهروندان با پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق با شهرداران مناطق سیزده‌گانه شهر اصفهان	احتمالی (نمونه‌گیری مختلط: طبقاتی و خوشه‌ای چندمرحله‌ای) و هدفمند	نیازهای فضای کالبدی و فضای اجتماعی اجتماع محله‌ای	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه مسائل و مشکلات برای برخی از شاخص‌ها و پرسش از نیاز مستقیم به امکانات و تسهیلات در محل برای برخی دیگر
نیازسنجی و توسعه‌ی فضاهای فرهنگی شهروندان نجف‌آباد (۱۳۸۹)	روش کمی	پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه	احتمالی (خوشه‌ای چندمرحله‌ای از شهروندان) سرشماری از مدیران	نیازهای فضاهای فرهنگی	استخراج نیاز از طریق بررسی نوع، تعداد، و مکان استقرار فضاهای فرهنگی و شناخت اولویت این موارد از دیدگاه مدیران و شهروندان
نیازسنجی عمومی شهر اصفهان در موضوعات شهری با رویکرد محله‌محوری	روش کمی و کیفی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه	احتمالی (خوشه‌ای) و هدفمند	نیازهای کالبدی، اجتماعی، و	استخراج نیاز براساس تضارب کمیت در کیفیت یا میزان درگیری در کیفیت

عنوان پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	روش استخراج و سنجش نیازها
(۱۳۸۹)				فرهنگی	موضوعات شهری
نیازسنجی فرهنگی، ورزشی، تفریحی شاهین شهر (۱۳۸۹)	روش کمی و کیفی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه (باز و بسته) و بحث متمرکز گروهی با کاربران اصلی مراکز فرهنگی و ورزشی وابسته به سازمان رفاهی تفریحی	احتمالی (خوشه‌ای دومرحله‌ای) و هدفمند	نیازهای فرهنگی، ورزشی، و تفریحی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه وضع مطلوب (تعیین چیزهایی که پاسخ‌گویان آن را مطلوب می‌دانند)
نیازسنجی تفریحی شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اصفهان در ابعاد فردی، محیطی، اجتماعی، و فرهنگی (۱۳۹۰)	روش کمی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه با پرسش‌های بسته و باز	احتمالی (طبقاتی متناسب با حجم)	نیازهای تفریحی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه وضعیت مطلوب (فعالیت‌ها، برنامه‌ها، و امکاناتی که باید فراهم شود).
نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی دختران ۱۳ تا ۱۸ ساله اصفهان (۱۳۹۰)	روش کمی و کیفی	مصاحبه با دختران به‌منظور تدوین پرسش‌نامه و پیمایش از آنان با استفاده از پرسش‌نامه	غیراحتمالی (سهمیه‌ای براساس متغیرهای گروه سنی و منطقه محل زندگی)	نیازهای فرهنگی-اجتماعی	استخراج نیاز از طریق شاخص‌سازی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی در قالب طیف لیکرت
ارزیابی مقطعی نتایج نیازسنجی مشارکتی محله‌محور در منطقه ۱۷ تهران: سه سال بعد از مداخله (۱۳۹۰)	روش کمی و کیفی	مصاحبه فردی براساس راهنمای نیمه‌ساخت‌یافته با شورایاران و مسئولان محلی و پیمایش برای ارزیابی کیفیت مداخله‌های انجام‌شده	احتمالی (خوشه‌ای) و هدفمند	نیازهای اجتماعی، فرهنگی، و کالبدی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه مشکلات
رضایت‌سنجی و نیازسنجی طرح احیای میدان امام علی (۱۳۹۱)	روش کمی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه با پرسش‌های باز و بسته (به‌تفکیک برای گروه‌های هدف)	نظام‌مند از افراد و نمونه‌گیری طبقه‌ای از خودروها براساس معیار زمان	نیازهای کالبدی، اجتماعی طرح عمرانی شهرداری	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه ایرادهای طرح
سنجش نیازهای شهروندان شهر اصفهان در سه سطح شهر، منطقه، و محله (با تأکید بر مفهوم کیفیت زندگی) (۱۳۹۱)	روش کمی	پیمایش از شهروندان با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد شده و هماهنگ با متن شهر اصفهان و مأموریت‌های شهرداری	احتمالی (خوشه‌ای دومرحله‌ای)	نیازهای کالبدی، رفاهی، تفریحی، اجتماعی، و فرهنگی، حکمرانی	استخراج نیاز بر مبنای تقاطع وجود-رضایت، استفاده-رضایت، درگیری-رضایت، دسترسی-رضایت، و اهمیت-رضایت به امکانات شهری

عنوان پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	روش استخراج و سنجش نیازها
				و انجام خدمات توسط شهرداری	
نیازسنجی عمومی شهروندان به‌منظور استفاده در تدوین برنامه‌بودجه ۱۳۹۴ (۱۳۹۳)	روش کمی و کیفی	پیمایش با پرسش‌های باز و بسته و سنجش نیازهای شهروندان در سه سطح شهر، منطقه و محله (با تأکید بر مفهوم کیفیت زندگی) و مصاحبه با شهرداران مناطق پانزده‌گانه اصفهان و بحث متمرکز گروهی با معتمدان محله‌ها	احتمالی (خوشه‌ای دومرحله‌ای) و هدفمند	نیازهای کالبدی، رفاهی، تفریحی، فرهنگی، و حکمرانی و انجام خدمات توسط شهرداری	استخراج نیاز بر مبنای تقاطع وجودرضایت، استفاده‌رضایت، درگیری-رضایت، و اهمیت‌رضایت به امکانات شهری

جدول ۲. طرح‌ها و پژوهش‌های خارجی انجام‌شده در راستای سنجش نیازهای شهری

پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	نحوه استخراج و سنجش نیازها
نیازسنجی توسعه خدمات شهری (۲۰۰۵)	روش کیفی	مصاحبه، نشست متمرکز با افراد	هدفمند	نیاز به تجهیزات و امکانات مراکز ارائه‌دهنده خدمات شهری	بررسی میزان وجود و دسترسی به خدمات و در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه کمبود این خدمات
نیازسنجی سریع افراد تازه‌آواره‌شده منطقه کردستان عراق (۲۰۰۷)	روش کیفی	نیازسنجی سریع	هدفمند	نیازهای بهداشتی، معیشتی، و اجتماعی	بررسی میزان دسترسی به خدمات، در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه کمبود این خدمات و اولویت‌بندی آن
نیازسنجی بی‌خانمان‌های سیاتل (۲۰۰۹)	روش کمی و کیفی	پیمایش و مصاحبه با بی‌خانمان‌ها با پرسش‌نامه پرسش‌های بسته	احتمالی (خوشه‌ای) و هدفمند	نیازهای بهداشتی، معیشتی، و اجتماعی	بررسی میزان وجود و استفاده از خدمات ارائه‌شده و در نظر گرفتن

پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده‌ها	نمونه‌گیری / شیوه‌های انتخاب موارد	گستره سنجش نیازهای شهری	نحوه استخراج و سنجش نیازها
					نیاز به‌مثابه کمبود این خدمات
نیازسنجی سریع در برج‌البراجنه (۲۰۱۳)	روش کیفی	نیازسنجی سریع	هدفمند	نیازهای حوزه سلامت، آموزشی، و معیشتی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه شکایات‌ها و مشکلات زمان حاضر (وضعیت موجود) و آرزوها و درخواست‌ها برای آینده (وضعیت مطلوب)
گزارش نیازسنجی شهرداری به‌منظور کاهش تأثیر بحران پناهندگان سوریه بر جوامع میزبان آسیب‌پذیر در اردن (۲۰۱۴)	روش کمی و کیفی	پیمایش از طریق پرسش‌نامه (با شهرداران مناطق، سران شوراها، رؤسای خدمات اجتماعی) و برگزاری نشست متمرکز گروهی (با اعضای شورای شهر جدید، شهردار، اعضای شهرداری، بزرگان قوم‌ها، مدیران مدارس، پزشکان، امام جماعت مساجد، و اعضای سابق شورای شهر)	احتمالی (تصادفی) و هدفمند	نیازهای سلامت، اجتماعی، اقتصادی، و معیشتی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه مشکلات و اولویت‌بندی آنان
نیازهای عابران پیاده: بررسی وضعیت پیاده‌روهای مانیلا (۲۰۱۵)	روش کمی	پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه با رویکرد AHP	احتمالی (خوشه‌ای چندمرحله‌ای)	نیازهای کالبدی	در نظر گرفتن نیاز به‌مثابه اولویت افراد برای انتخاب یک پیاده‌رو برای پیاده‌روی (وضع مطلوب)
نیازسنجی خدمات شهری و بهداشت در بین فقرای شهری شهر ماهاراشترا (۲۰۱۵)	روش کمی	تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش خانوار در منطقه ۱ (سال ۲۰۰۷)	احتمالی (خوشه‌ای)	نیازهای خدمات شهری و بهداشتی	استخراج نیاز از طریق بررسی میزان پوشش بهداشت عمومی و بهداشت کودکان

1. District Level Household Survey

۴. یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در پژوهش‌های مرورشده، از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است، اما غلبه با روش کمی است. ۴۵ درصد مطالعات با استفاده از روش کمی و اجرای پیمایش به نیازسنجی پرداخته‌اند. ۶۲ درصد از نیازسنجی‌ها، نیازهای شهری را در سطح شهر و ۳۸ درصد، در سطح مناطق شهری و محلی بررسی کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های مربوط به سنجش نیازهای شهری، همه نیازهای موجود در سطح شهر (اعم از نیازهای کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، تفریحی، و ورزشی) را مطالعه کرده‌اند و شیوه نمونه‌گیری از موارد مورد مطالعه، به تناسب روش‌های پژوهش، احتمالی، غیراحتمالی، و ترکیبی بوده است؛ از آنجاکه بسیاری از نیازسنجی‌ها روش کمی را به کار برده‌اند، شیوه نمونه‌گیری بیشتر آن‌ها نیز (به استثنای ۳ مطالعه که از روش سهمیه‌ای استفاده کرده‌اند) احتمالی و با در نظر گرفتن شانس یکسان برای انتخاب شدن موردهای مورد مطالعه بوده است. برای استخراج و سنجش نیازهای شهری نیز از انواع رویکردهای سنجش نیاز بهره گرفته شده است، اما در بسیاری از آن‌ها، نیاز به مثابه عیب یا کمبود امکانات یا خدمات شهری (در نظر گرفتن مشکلات، معضلات، و کمبودها) در نظر گرفته شده است.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی به دست آمده از مرور نظام‌مند

مورد	ویژگی	درصد	فراوانی
روش تحقیق	کمی	۴۵	۱۳
	کیفی	۲۱	۶
	کمی/کیفی	۳۴	۱۰
جامعه آماری	شهری	۶۲	۱۸
	منطقه‌ای/محلی	۳۸	۱۱
گستره سنجش نیازها	عمومی (اعم از کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، تفریحی، و ورزشی)	۶۵	۱۹
	موضوعی خاص (فرهنگی، فرهنگی-اجتماعی، فرهنگی-هنری، تفریحی، یا کالبدی)	۳۵	۱۰
نمونه‌گیری/شیوه انتخاب موارد	احتمالی	۷	۲
	تصادفی ساده	۳	۱
	خوشه‌ای	۳۱	۹

مورد	ویژگی	درصد	فراوانی
	غیر احتمالی	هدفمند	۴
		سهمیه‌ای	۳
	ترکیبی	۳۴	۱۰
نحوه استخراج و سنجش نیازها	نیاز به مثابه عیب یا کمبود (در نظر گرفتن مشکلات، معضلات، و کمبودها)	۵۹	۱۷
	خواست یا ترجیح (پرسش مستقیم از نیاز، پرسش از وضعیت مطلوب)	۲۴	۷
	شکاف بین وضع موجود و مطلوب	۷	۲
	جامع‌نگر (بر مبنای وجود رضایت، استفاده‌رضایت، درگیری-رضایت، دسترسی-رضایت، و اهمیت‌رضایت به امکانات شهری)	۱۰	۳

در ادامه برخی از یافته‌های تحلیلی حاصل از مرور نظام‌مند پژوهش‌های مربوط به سنجش نیازهای شهری در زمینه تناسب گستره سنجش نیاز شهری با روش، ادعای تعمیم، شیوه نمونه‌گیری، و نحوه استخراج مفهوم نیازهای شهری ضروری توضیح داده شده‌اند.

۴-۱. تناسب گستره با روش، ادعای تعمیم و شیوه نمونه‌گیری

روش‌های کمی، برای انجام نیازسنجی‌های گسترده (سطح شهر) و عمومی (انواع نیازهای شهری اعم از نیازهای کالبدی، اجتماعی، و فرهنگی)، سنجش گستره متنوعی از نیازها، اطمینان از اعتبار درونی و بیرونی فرایند انجام کار، و تعمیم‌پذیری نتایج به همه شهر، مفید هستند. همچنین استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد در فرایند انجام پیمایش‌ها با روش کمی، امکان مطالعه تطبیقی نتایج و دستیابی به روند تغییرات در طول زمان را فراهم می‌کند. اما چنانچه نیازهای شهری در سطح مناطق و محله‌ها سنجیده شوند، و هدف پژوهش، مطالعه تطبیقی نیازهای مناطق و محله‌های مختلف شهری با یکدیگر در یک زمان یا در گذر زمان (مطالعات پانل یا روندپژوهی) نباشد، استفاده از روش‌های کیفی — به دلیل شناخت عمیق‌تری که در پی دارد — توجه‌پذیرتر است. شروع فرایند شناخت و فهم نیازها، بدون تحمیل یک طرح از پیش تعریف‌شده که ویژگی منحصر به فرد روش کیفی است، این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد که نیازهای پیش‌بینی نشده را در هر مرحله از پژوهش، شناسایی کند؛ بنابراین، استفاده صرف از روش‌های کمی در این سطح، نه تنها به تعمیق شناخت نیاز کمکی نمی‌کند، بلکه به لحاظ کاربردی نیز

چندان مورد استفاده بهره‌برداران از طرح‌های شهری نیست.

فنون پژوهش باید براساس موضوع، شرایط و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان انتخاب شوند، در غیراین صورت، نتایج قابل‌اعتنایی به‌دست نخواهد آمد. مصاحبه، بحث متمرکز گروهی و ارزیابی سریع، از جمله فنون مورد استفاده در نمونه‌های نیازسنجی‌ای است که از روش کیفی استفاده کرده‌اند. استفاده از فن ارزیابی سریع، به درک اولیه و کیفی موقعیت، فراهم کردن سریع اطلاعات دقیق و ارزان، تصمیم‌گیری‌های اولیه برای طراحی و اجرای فعالیت‌های کاربردی، تصمیم‌گیری برای انجام پژوهش‌های بیشتر، و بهره‌گیری از یک گروه دو یا چند نفری (معمولاً به‌طور جداگانه به‌نماینده‌گی از رشته‌های مختلف دانشگاهی) کمک می‌کند و اغلب پس از وقوع یک فاجعه یا در شرایط اضطراری از آن بهره گرفته می‌شود. به‌کارگیری این فن، به‌ویژه هنگامی که محدودیت‌های زمانی، مانعی برای استفاده از روش‌های کیفی هستند و لازم است به‌سرعت اطلاعات دقیق، کلی، و ارزانی گردآوری شود، قابل‌توجیه است (بیه، ۱۹۹۵: ۴۲)؛ به‌عنوان مثال، استفاده از این فن در شرایط اضطراری و پس از وقوع فاجعه‌ای مانند جنگ، در پژوهش‌های «نیازسنجی افراد به‌تازگی آواره‌شده در منطقه کردستان» و «نیازسنجی در برج البراجنه در بین پناهندگان سوری» که درک اولیه موقعیت در کوتاه‌ترین زمان، مستلزم شناخت نیاز افراد آواره و پناهنده بوده است، منطقی و موجه به‌نظر می‌رسد.

شیوه نمونه‌گیری احتمالی، از جمله شیوه‌های موثق و متداول نمونه‌گیری در روش‌های کمی است. همان‌گونه که مشاهده شد، در بیشتر نیازسنجی‌های انجام‌شده نیز از نمونه‌گیری احتمالی و عمدتاً از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است، زیرا این شیوه نمونه‌گیری در مناطق گسترده، احتمال انتخاب همه افراد جامعه آماری را به‌نسبت جمعیت هر خوشه (در مطالعات شهری مناطق) با تخصیص متناسب جمعیت، فراهم می‌کند، اما در برخی از نیازسنجی‌های مرور شده از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است که از جمله نمونه‌گیری‌های غیراحتمالی است؛ به‌این معنا که همه افراد جامعه آماری، شانس یکسانی برای

انتخاب شدن در نمونه مورد مطالعه ندارند؛ از این رو، قابلیت تعمیم نتایج به دست آمده از اجرای این شیوه نمونه گیری به جامعه آماری، مورد تردید است. افزون بر این، زمانی از نمونه گیری سهمیه ای استفاده می شود که اطلاعات جامعی از جمعیت مورد مطالعه به منظور انتخاب نمونه به طور تصادفی — وجود نداشته باشد. از آنجا که جامعه آماری نیازسنجی های شهری، شهروندان ساکن در شهرها هستند و اطلاعات مورد نیاز مربوط به شهروندان، به تفصیل در آمارنامه های جمعیتی شهرها وجود دارد، استفاده از نمونه گیری های غیر احتمالی برای نیازسنجی های شهری، نه تنها قابل توجیه نیست، بلکه ادعای تعمیم نتایج آن ها به شهر نیز قابل تردید است.

با در نظر گرفتن اینکه پژوهش های کیفی، مدعی تعمیم یافته های خود به کل شهر نیستند و در صدد توضیح نیازهای یک محله یا منطقه به صورت عمیق و پرمایه هستند، مشارکت کنندگان در این نوع نیازسنجی ها نیز باید افراد ویژه ای باشند (اعم از مدیران و ساکنان محله ها و مناطق) که شناخت کامل و اطلاعات ویژه ای از این محدوده ها داشته باشند. هدفمندی در انتخاب مشارکت کنندگان تا اشباع اطلاعاتی ادامه می یابد و مشارکت کنندگان با توجه به موضوع و نیاز اطلاعاتی پژوهش به منظور مطالعه عمیق، انتخاب می شوند.

۴-۲. نحوه استخراج مفهوم نیازها

متداول ترین تعریف نیاز در نیازسنجی ها، در نظر گرفتن این مفهوم به مثابه فاصله یا شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. بسیاری از صاحب نظران این حوزه، از این تعریف به عنوان تعریفی عینی و قابل سنجش یاد می کنند که مورد اقبال بسیاری از بحث های نیازسنجی است. برخی از پژوهش های مرور شده در این مقاله نیز از آن بهره برده اند؛ اما استفاده از این شیوه، تنها در سطح متخصصان قابل بهره برداری است، زیرا تنها متخصصان و متولیان امور شهری، از شاخص های کارشناسی شده عینی (وضعیت موجود) و استانداردهای تعریف شده (وضعیت مطلوب) آگاهی دارند و قادر به ترسیم این شکاف به گونه ای عینی و دقیق هستند. افزون بر این، از آنجا که هدف از سنجش نیازهای شهری، برطرف کردن

نیازهای شهروندان است، تأکید صرف بر این دیدگاه و اولویت بخشیدن به نظر متخصصان و صاحب‌نظران، نادیده گرفتن انتظارات، خواسته‌ها، و ایده‌آل‌های شهروندان را در پی خواهد داشت.

سنجش نیاز باید به گونه‌ای غیر مستقیم اتفاق افتد تا پاسخ‌های نزدیک به واقعیت را در اختیار محقق قرار دهد و سوگیری ناشی از ابراز نیازمندی‌های کلیشه‌ای کنترل می‌شود. در برخی از مطالعات مرور شده نیاز به طور مستقیم (پرسش از میزان نیاز به برخی از امکانات شهری و درخواست از شهروندان برای مشخص کردن میزان نیازشان به این امکانات در قالب طیف‌های پنج‌تایی) مورد پرسش قرار گرفته است. این شیوه پرسش، با سوگیری همراه خواهد بود زیرا بهره‌گیری از لفظ نیاز در طرح سوال، برای پاسخگو تحریک‌کننده خواهد بود و موضع‌گیری او را در پی خواهد داشت؛ در نتیجه، پاسخ‌ها به‌سوی تمایل به اظهار نیاز (حتی اگر درواقع نیاز چندانی به آن احساس نشود) گرایش پیدا می‌کند.

سنجش نیاز به مثابه عیب یا کاستی، فاقد حمایت‌های جدی نظری و نیز دقت لازم برای سنجش نیازهای شهری است، اما بسیاری از مطالعات مرور شده در پژوهش حاضر، براین مبنا انجام شده‌اند. در این رویکرد حتی اگر سنجش سطح حداقل رضایت (سطحی از عملکرد که در آن هدف و منظور تعیین شده محقق نشده باشد) را مترادف نیاز در نظر بگیریم، مشخص کردن سطح حداقل، مبهم و بحث‌برانگیز است. تعیین این سطح حداقل، تنها بر مبنای تجربه و به‌ویژه اجماع دیدگاه‌های افراد متخصص و حرفه‌ای امکان‌پذیر است. افزون‌براین، همان‌گونه که راجر کافمن و سایر منتقدان این رویکرد استدلال می‌کنند، شناسایی مسائل و مشکلات، مرحله‌ای پس از شناسایی نیازها است. به عبارت دیگر پس از شاخص‌سازی و فرایند سنجش نیازها، تنها نیازی که به‌عنوان نیاز مهم و اولویت‌دار در سطح شهر، منطقه، یا محله انتخاب شده و در راستای حذف یا کاهش آن برنامه‌ریزی می‌شود، نقص یا مشکل نام دارد و نمی‌توان از همان ابتدا سراغ نقص و عیب‌ها رفت (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸).

از آنجاکه نیاز، مفهوم پیچیده‌ای است و هریک از این تعریف‌ها بر جنبه‌ای از

این مفهوم تأکید دارند، در نظر گرفتن نیاز به عنوان ترکیبی از این مفاهیم، امکان ارائه تصویر جامع تری از نیاز را فراهم می کند. برخی از طرح های مطالعه شده در پژوهش حاضر نیز به منظور شناخت نیاز، آن را در قالب چندین تعریف بررسی کرده اند، اما در این مطالعات، نیاز، حاصل ترکیب این مفاهیم نیست، بلکه به گونه ای جداگانه براساس موضوعات شهری، نیاز به مثابه نقص در کنار نیاز به مثابه فقدان یا نیاز به مثابه ترجیح، بررسی شده و در نهایت نیز به گونه ای جداگانه گزارش شده است. سنجش نیاز به مثابه مفهومی جامع و ترکیبی، زمانی امکان پذیر است که ضمن سنجش چندوجهی این مفهوم، در فرایند تحلیل نیز این مفاهیم با هم تلفیق شوند. چنین اقدامی در مطالعه « نیازسنجی عمومی شهر اصفهان در موضوعات شهری با رویکرد محله محور » مبتنی بر تضارب کمیت در کیفیت یا میزان درگیری در کیفیت موضوعات شهری، و در دو نیازسنجی دیگر از شهروندان شهر اصفهان در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ براساس تقاطع وجود (یا دسترسی) رضایت، درگیری (یا استفاده) رضایت و اهمیت- رضایت از امکانات شهری سنجش شده است. در این دو مطالعه، نیاز، مفهومی ترکیبی از نقص یا مشکل (با سنجش میزان رضایت از موضوعات شهری)، فقدان یا ضرورت (با سنجش میزان وجود/ دسترسی و درگیری/ استفاده از موضوعات شهری) و خواست یا ترجیح (با سنجش میزان اهمیت موضوعات شهری) است. اگرچه این نوع سنجش نیاز در موضوعات شهری نیز ذهنی است و بی توجهی به تعیین عینی شکاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (براساس تعریف نیاز به مثابه فاصله یا شکاف) در آن مشاهده می شود، اما باید در نظر داشت که نفس سنجش نیاز شهروندان، مستلزم اتخاذ رویکردی ذهنی است، زیرا افراد، نیازهایشان در حوزه های شهری را براساس فهم ذهنی خود (تجربه ها، برداشت های ذهنی، و پیش انگاشته ها) و نه شواهد عینی (استانداردهای تعریف شده) ابراز می کنند.

نتیجه گیری

در این بخش، به منظور پر کردن شکاف های موجود میان استلزامات علمی و روشی و اجرای نیازسنجی در واقعیت و براساس آسیب های شناسایی شده از

مطالعات سنجش نیازهای شهری در مقاله حاضر، پیشنهادهایی برای اجرای علمی‌تر و روشمندتر نیازسنجی‌های شهری ارائه می‌شود.

۱. انتخاب رویکرد جامع‌نگر در صورت‌بندی مفهوم نیاز: پژوهشی در سنجش نیازهای شهری، موفق است که در تعریف و سنجش نیازها، رویکردی جامع اتخاذ نماید. در این رویکرد، افزون‌بر شناخت ذهنیت شهروندان از مفهوم نیاز، می‌توان از قابلیت‌های رویکرد هدف‌محور نیز استفاده نمود و با استفاده از دانش متخصصان و دیدگاه متولیان شهری، نتایج به‌دست آمده از نیازسنجی شهروندان را عینی‌تر و کاربردی نمود. همچنین پس از گردآوری اطلاعات از این مجراهای چندگانه، محققان مکلفند که به راهبردهای رفع نیاز و انجام اقدامات لازم نیز فکر کنند و آن‌ها را پیشنهاد دهند. از این‌رو پرداختن به نیازهای شهری، از این منظر پرهیز از تکرار مشکلات فعلی یا گذشته، استفاده از فرصت‌های آتی و ایجاد فرصت یادگیری، رشد و توسعه شهر را به دنبال دارد.

۲. انتخاب درست نوع روش انجام نیازسنجی (روش کمی، روش کیفی، هردو، یا ترکیبی): بر مبنای مقتضیات هریک از رویکردهای نیازسنجی، می‌توان از انواع روش‌های کمی، کیفی، یا ترکیبی استفاده کرد. روش‌های کمی، در جایگاه داوری تجربی، درجه عینیت نیازها را افزایش می‌دهند؛ بنابراین، می‌تواند در نیازسنجی‌های عینی و هدف‌محور که در پی اندازه‌گیری نیازها و تعیین اولویت‌ها برای عمل هستند، به کار روند. در نیازسنجی‌های ذهنی (مبتنی بر خواست و ترجیح یا احساس فقدان و ضرورت) که در پی دریافت دیدگاه شهروندان، شورایاری‌های محله، معتمدان، یا افراد محلی دارای تعامل زیاد با محیط مورد مطالعه هستند، می‌توان از روش‌های کمی و همچنین کیفی استفاده کرد. در نیازسنجی‌های شهری ذهنی، هنگامی باید از روش کمی استفاده شود که جامعه آماری مورد مطالعه، عموم شهروندان باشد، زیرا در چنین شرایطی، با جامعه آماری گسترده‌ای روبه‌رو هستیم و اندازه‌گیری میزان نیاز، عوامل مؤثر بر آن و تعمیم نتایج، از جمله اهداف این نیازسنجی‌ها است؛ بنابراین، امکان بهره‌گیری از روش‌های کیفی وجود ندارد. در مقابل، زمانی که جامعه مورد مطالعه، محدود به اجتماع خاصی (مانند محله) بوده

و هدف پژوهشگر، کشف و فهم معانی ذهنی اعضای اجتماع (مانند ساکنان محله) در مورد نیازهای شهری باشد بهتر است از روش‌های کیفی برای نیازسنجی‌های ذهنی استفاده شود.

استفاده از روش ترکیبی، امکان اندازه‌گیری نیازها و تعیین اولویت‌ها (در روش کمی) را همراه با کشف و شناسایی معانی نهفته در ذهنیت جامعه مورد مطالعه از نیاز (در روش کیفی) فراهم می‌کند. با استفاده از طرح تحقیق ترکیبی برای نیازسنجی، می‌توان اهدافی مانند چندزاویه‌نگری (همگرایی، جمع‌بندی، و هماهنگی نتایج برگرفته از روش‌های متفاوت)، مکمل بودن (تفصیل، ارتقا، تشریح، و روشن‌سازی نتایج برگرفته از یک روش با نتایج روش دیگر)، یا توسعه‌ای (استفاده از نتایج یک روش برای کمک به توسعه و رهنمون‌سازی روش دیگر) را دنبال کرد (گرین و همکاران، ۱۹۸۹، به نقل از: محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸). در صورتی که ورود پژوهشگران به میدان به شیوه کیفی باشد، این امکان وجود دارد که نیازها بدون تکیه بر پیش‌فرض نظری خاص و با اتکا به یافته‌های به‌دست‌آمده از بافت مورد مطالعه، شناسایی شده و الگوی معتبری برای انجام یک نیازسنجی کمی طراحی شود. در مقابل، اگر اقتضاهای طرح (موضوع، اهداف، هزینه‌ها، و زمان) بر شروع مطالعه با روش کمی قرار گیرد، در پایان، بهره‌گیری از یافته‌های کیفی می‌تواند بار معنایی یافته‌های کمی و نقاط ابهام در نتایج را عمیق‌تر و روشن‌تر کند؛ به عنوان مثال، می‌توان ابعاد و ویژگی‌های اولویت‌های نیاز برگرفته از روش کمی را با انجام پژوهش کیفی در سطح محلات شناسایی کرد. استفاده هم‌زمان از هر دو روش کمی و کیفی، سبب کامل‌تر شدن یافته‌های نیازسنجی خواهد شد و امکان فهم و تفسیر نیازهای مختص به محله‌ها و مناطق و همچنین، تبیین و تعمیم نیازها به سطح شهر را فراهم خواهد کرد.

جدول ۴. نیازسنجی براساس نوع روش

روش قابل اجرا	مدل‌های نیازسنجی
کمی (شهر)/ کیفی (اجتماع خاص)	نیازسنجی ذهنی
کمی	نیازسنجی عینی
ترکیبی	نیازسنجی جامع‌نگر (ذهنی و عینی)

۳. انتخاب روش براساس قلمرو: چنانچه قلمرو سنجش نیاز تنها در سطح مناطق یا محله‌ها باشد، استفاده از روش‌های کیفی به کشف و شناخت عمیق نیازهای مختص به این مناطق و محله‌ها می‌انجامد و نیازهای منحصربه‌فرد این مناطق، بدون تحمیل یک طرح ازپیش تعریف‌شده، شناسایی می‌شود. درمقابل، در صورتی که گستره سنجش نیازها، گسترده (سطح شهر) و عمومی (انواع نیازهای شهری، اعم از نیازهای کالبدی، اجتماعی و فرهنگی) باشد، به دلیل تنوع نیاز و تلاش برای تعمیم‌پذیر کردن نتایج به دست آمده برای همه شهر و مناطق، روش‌های کمی مناسب هستند. چنانچه گستره نیازسنجی، هر سه قلمرو شهری (شهر، منطقه، و محله) باشد، استفاده از هر دو روش کمی و کیفی در قالب روش‌های ترکیبی، توصیه می‌شود.

جدول ۵. روش قابل اجرا براساس قلمرو سنجش نیازهای شهری

روش قابل اجرا	قلمرو و جامعه آماری
کیفی	منطقه یا محله
کمی	شهر
ترکیبی	شهر، منطقه و محله

۴. انتخاب شیوه گردآوری داده‌ها براساس گروه‌های مورد مطالعه: کاربردی‌ترین شیوه برای سنجش نیازهای شهری از عموم شهروندان، پیمایش است. زیرا در نیازسنجی‌هایی که مخاطب آن، عموم شهروندان هستند امکان انجام مصاحبه‌های عمیق یا برگزاری بحث گروهی متمرکز با تعداد زیادی از افراد وجود ندارد و تنها راه، انجام پیمایش و انتخاب یک نمونه معرف احتمالی که نماینده دیدگاه‌های کل شهروندان باشد، است. چنانچه گروه‌های مورد مطالعه به منظور شناسایی نیازهای خاص یک محله، مخاطبان خاصی (اعم از شورایاری‌های محله، معتمدان، و شهروندانی که بیشترین درگیری را در محیط مورد مطالعه دارند) باشند، انجام مصاحبه و برگزاری بحث گروهی متمرکز به منظور درک معانی ذهنی آن‌ها از نیاز، مفید خواهد بود. در کنار این گروه از افراد، نخبگان و بهره‌برداران سازمانی، می‌توانند بخش دیگری از گروه مورد مطالعه را تشکیل دهند که برای این گروه نیز انجام مصاحبه و برگزاری بحث گروهی متمرکز می‌تواند به گردآوری اطلاعات

منجر شود. در کنار این فنون، اجرای روش دلفی نیز برای گروه متخصصان پیشنهاد می‌شود تا آن‌ها مجموعه دانش ناقص و نامطمئن در دسترس را ارزیابی و اصلاح کنند. در راستای شناخت همزمان دیدگاه مجموعه آگاهان (مخاطبان خاص، بهره‌برداران، مدیران شهری، و نخبگان) و پر کردن شکاف دیدگاه آن‌ها می‌توان با بهره‌گیری از فن گروه اسمی^۱ مجموع دیدگاه‌های این مطلعان را برای کشف و شناسایی نیازهای شهری به‌دست آورد. تکنیک گروه اسمی در نیازسنجی‌های شهری که با ذی‌نفعان مختلف اعم از کارشناس و غیر کارشناس (شورایاری‌های محله، معتمدان، شهروندانی که بیشترین درگیری را در محیط مورد مطالعه دارند، نخبگان، بهره‌برداران و مدیران شهری) مواجه است، به حضور همزمان آن‌ها در کنار یکدیگر و بارش فکری بین آن‌ها منجر می‌شود. بنابراین شیوه‌ای کم‌هزینه و کارآمد برای اکتشاف، تعمیق و اولویت‌بندی نیازهای شهری است و به شناخت دقیق و اجماع نظر در مورد اولویت نیازهای محلات منجر خواهد شد.

جدول ۶. روش انجام نیازسنجی براساس گروه‌های مورد مطالعه

گروه مورد مطالعه	شیوه گردآوری اطلاعات
عموم شهروندان (در سطح شهر)	پیمایش
مخاطبان خاص (شورایاری‌های محله، معتمدان، شهروندانی که بیشترین درگیری را در محیط مورد مطالعه دارند)	مصاحبه و بحث گروهی متمرکز
بهره‌برداران و نخبگان	مصاحبه، بحث گروهی متمرکز و دلفی
مجموعه آگاهان (مخاطبان خاص، بهره‌برداران، مدیران شهری، و نخبگان)	گروه اسمی

منابع

- احمدی رنانی، زهرا (۱۳۸۱)، «مطالعه تطبیقی نیازهای فرهنگی برای گذران اوقات فراغت در شهر اصفهان (مطالعه موردی: مناطق رهنان و خانه اصفهان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۷۹)، «نیازسنجی شهری: معرفی نظریه لئوناردجی-دهل»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره اول، صص ۶۹-۶۶.
- امیری اسفرجانی، زهرا (۱۳۹۰)، «نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی دختران ۱۳ تا ۱۸ ساله اصفهان»، طرح پژوهشی به کارفرمایی سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
- آمار گستران اسپادانا (۱۳۸۹)، نیازسنجی عمومی شهر اصفهان در موضوعات شهری با رویکرد محله‌محوری، به کارفرمایی شهرداری اصفهان.
- بابایی، محمود (۱۳۸۶)، نیازسنجی اطلاعات، تهران: نشر پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- پرتو، شهرزاد؛ ایزدی، محمدسعید؛ کریمی مشاور، مهرداد و زابلی، روح‌الله (۱۳۹۸)، «فضای باز عمومی، حامی فعالیت فیزیکی و ارتقای سلامت شهروندان: یک مرور نظام‌مند»، فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، دوره هفتم، شماره دوم، صص ۱۴۲-۱۲۶.
- جناب، سارا (۱۳۸۶)، «نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی محلات شهر اصفهان (محله رهنان منطقه ۱۱)»، طرح پژوهشی به کارفرمایی مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
- خراسانی، اباصلت (۱۳۸۶)، نیازسنجی آموزشی (استراتژی و راهبردهای عملیاتی)، تهران: نشر مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- خمسه، سمیرا و رضاییان، مجید (۱۳۸۶)، «بررسی نیازهای فرهنگی مردم شهر کرج در سال ۱۳۸۶»، مجله رهپویه هنر، دوره دوم، شماره چهارم، صص ۴۳-۵۰.
- دالوند، جواد (۱۳۸۷)، «نیازسنجی تفریحی شهروندان ۴۰-۱۵ ساله شهر اصفهان در سال ۱۳۸۷»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، طرح پژوهشی به کارفرمایی سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.

رضایی، ناصر؛ صادقی، هیبت‌اله؛ ماری اریاد، حسین و افشون، اسفندیار (۱۳۸۴)، «نیازسنجی مقدماتی در پایگاه تحقیقاتی جمعیت شهرستان دنا»، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، شماره بیست و دوم.

رئسی، رویا و همکاران (۱۳۸۵)، «نیازسنجی پژوهشی منطقه پایگاه تحقیقات توسعه و ارتقای سلامت شهر فرخ شهر استان چهارمحال و بختیاری، سال ۱۳۸۳، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ویژه‌نامه تحقیقات جمعیتی، صص ۶-۱.

شاهنده، خندان و همکاران (۱۳۹۰)، «ارزیابی مقطعی نتایج نیازسنجی مشارکتی محله‌محور در منطقه ۱۷ تهران: سه سال بعد از مداخله»، مجله تحقیقات نظام سلامت حکیم، سال چهاردهم، شماره چهارم، صص ۲۲۶-۲۱۹.

طالبی، محمود (۱۳۸۵)، «نیازسنجی فرهنگی-اجتماعی محله‌های اصفهان (حسین آباد)»، به کارفرمایی مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.

فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۸)، «نیازسنجی آموزشی: الگوها و فنون، تهران: نشر آییژ.

فخیم پور، مریم‌سادات (۱۳۹۰)، «نیازسنجی تفریحی شهروندان ۶۴-۱۵ ساله شهر اصفهان در ابعاد فردی، محیطی، اجتماعی، و فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، طرح پژوهشی به کارفرمایی سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.

قاسمی، وحید (۱۳۹۱)، «رضایت‌سنجی و نیازسنجی طرح احیای میدان امام علی»، به کارفرمایی شهرداری اصفهان.

کانون مهراندیشان ایران زمین (۱۳۸۵)، «نیازسنجی فرهنگی محلات شهر اصفهان (محله شمس آباد)»، به کارفرمایی شهرداری اصفهان.

مرادی، علیرضا؛ گلستانی، سیدهاشم و اسماعیلی، رضا (۱۳۸۹)، «نیازسنجی توسعه فضاهای فرهنگی شهر نجف‌آباد»، مجله برنامه‌ریزی درسی دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره بیست و هفتم، صص ۷۸-۵۳.

معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی اصفهان (۱۳۸۹)، «نیازسنجی فرهنگی ورزشی، و رفاهی-تفریحی شاهین‌شهر»، به کارفرمایی سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری شاهین‌شهر.

معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی اصفهان (۱۳۹۱)، «سنجش نیازهای شهروندان شهر اصفهان در سه سطح شهر، منطقه، و محله (با تأکید بر مفهوم کیفیت زندگی)»، به کارفرمایی شهرداری اصفهان.

معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی اصفهان (۱۳۹۳)، «نیازسنجی عمومی شهروندان به منظور استفاده در تدوین برنامه و بودجه ۱۳۹۴»، به کارفرمایی شهرداری اصفهان.

معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی (۱۳۸۶)، «نیازسنجی و اولویت‌بندی مشارکتی مشکلات اجتماعی-اقتصادی ساکنین منطقه ۱۷ تهران.

معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی (۱۳۸۶). «بررسی نیازهای بهداشتی و اجتماعی

ساکنین منطقه ۱۷ شهرداری تهران». معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی (۱۳۸۶)، «نیازسنجی محله ۱۱ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران». نوری، کمیل؛ یزدانی، حمیدرضا و خنیفر، حسین (۱۳۹۸)، «به‌گزینی روش‌های نیازسنجی آموزشی با استفاده از تکنیک TOPSIS»، *دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، دوره هشتم، شماره پانزده، صص ۹۶-۱۲۰. یارمحمدیان، محمدحسین و بهرامی، سوسن (۱۳۸۳)، *نیازسنجی در سازمان‌های بهداشتی، درمانی، و آموزشی*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.

- Amel Association International (2013), *Rapid Needs Assessment: Haret Hreik*, South Beirut, Burj el Barajneh.
- Altschuld, James W and Kumar, David Devraj (2010), *Needs Assessment an Overview*, SAGE.
- Beebe, J.(1995), "Basic Concepts and Techniques of Rapid Appraisal", *Human Organization*, Vol. 54, No. 1, 42.
- Chokhandre, P. and Kumar, A. (2015), "Civic Services and Health Need Assessment of Urban Poor in Maharashtra", *International Journal of Advanced Health Sciences*, Vol 1, Issue 9.
- Gupta, K., Sleezer, C.M., Russ-Eft, D.F.(2007), *A Practical Guide to Needs Assessment*, San Francisco: John Wiley & Sons.
- Mateo-Babiano, I. (2015), "Pedestrian's Needs Matters: Examining Manila's Walking Environment", *Transport Policy*, 45, 107-115.
- Matsuoka, R. H., & Kaplan, R.(2008), "People Needs in the Urban Landscape: Analysis of Landscape and Urban Planning Contributions", *Landscape and Urban Planning*, 84, 7-19.
- United Nations Development Program (2014), "Municipal Needs Assessment Report Mitigating the Impact of the Syrian Refugee Crisis on Jordanian Vulnerable Host Communities", available at: <http://www.undp.org/>.
- United Nations High Commissioner for Refugees (2007), *Rapid Need Assessment (RNA) of Recently Displaced Persons in the Kurdistan Region*, Dahuk Governorate.
- United Way of King County, City of Seattle and Committee to End Homelessness .(2009), *Seattle Homeless Needs Assessment*, Seattle.
- Weitz Center for Development Studies (2005), "Needs Assessment of Municipal Services Development", available at: <http://www.osce.org/>.

بررسی وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران

مریم جمالی*

علیرضا صادق زاده قمصری**

سیدرضا صالحی امیری***

محسن فرمehنی فراهانی****

چکیده

در جهان کنونی، محتوا و صورت زندگی در ابعاد مختلف، شکلی فرهنگی به خود گرفته و از همین رو، اهمیت مدیریت فرهنگی بیش از پیش نمایان شده است. در این مقاله، به منظور تبیین وضعیت موجود، پس از پژوهش و مطالعه اسناد، کتاب‌ها، و مصاحبه با استادان و متخصصان مدیریت فرهنگی و آموزش و پرورش، ۳۳ مورد شناسایی شده و نتیجه در قالب پرسش‌نامه (پس از تأیید اعتبار و روایی و همچنین، تأیید استادان فن) بین ۳۰ نفر از مدیران حوزه‌های مختلف ستادی، اجرایی، و میانی آموزش و پرورش توزیع شده است. سپس، داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم افزار Minitab 16 و آزمون T مستقل، تحلیل، و در نهایت، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدها براساس دیدگاه مخاطبان تعیین شده‌اند. پس از بررسی نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها، «تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی» به عنوان نقطه ضعف و «وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی»، «سند برنامه درسی ملی»، «سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)»، و «فراوان بودن چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی» به عنوان نقاط قوت، در تعیین وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش، مواردی هستند که توسط مخاطبان تأیید نشده‌اند.

* دانشجوی دکترای مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
Maryjamali48@yahoo.com

** استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Alireza_sadeqzadeh@yahoo.com

*** دانشیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
Dr.salehiamiri@gmail.com
**** دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
Farmahinifar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۵

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۱-۳۱

همچنین، مخاطبان، موارد «برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها» و «قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی در کشور» را از بین فرصت‌ها و موارد «قدرت هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی در شرایط بحرانی» و «ناتوانی هنجارها و ابزارهای فرهنگی در مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه» را از بین تهدیدها، تأیید نکرده‌اند. موارد دیگر مطرح‌شده در پرسش‌نامه، مورد تأیید پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: وضعیت موجود، سواد فرهنگی، ارتقا، مدیریت، مدیریت فرهنگی

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش نقش بی‌بدیلی را در آینده جامعه ایفا می‌کند. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، توسعه پایدار، تعالی انسانیت، صلح و دوستی، همگی به آموخته‌ها و آموزه‌های آموزش و پرورش وابسته است، لیکن تنها آموخته‌های دوران مدرسه و عدم همراهی مؤلفه‌های ارزشی فرهنگ کشور، برای رسیدن به چنین اهداف متعالی‌ای، نارسا جلوه می‌کند. در نتیجه، یک بازاندیشی بنیادین در ساختار، روش‌ها، محتوا، شیوه‌های سازماندهی، و به‌ویژه تمرکز بر راهبردهای یادگیری در حوزه‌های فرهنگی ارزش‌های جامعه، که سبب بهسازی آموزش و پرورش شود، ضرورت دارد؛ به گونه‌ای که فرد در یک فرایند دائمی، آگاهانه، و مسئولانه، مشغول یادگیری ارزش‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی شود و تعهد خود را به میهن و سرزمینش به صورت مادام‌العمر تضمین کند (صباغ اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

اما واقعیت این است که ایران، کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی و زبانی، یکی از ویژگی‌های شاخص آن است؛ در نتیجه، الگوی ملت در این کشور، ترکیبی و نامتوازن است. به این ترتیب که بخش بزرگی از ملت — که در یک یا چند ویژگی و خصیصه ترکیبی مشترک اکثریت دارند — هیئت کلی ملت ایران را تشکیل می‌دهند و بخش کوچک‌تری از ملت نیز، به دلیل داشتن یک یا چند ویژگی، با بخش اکثریت ملت تجانس کامل ندارند و در جایگاه اقلیت، اجزا و پاره‌های کوچک‌تر ملت ایران به شمار می‌آیند.

در صورت عدم حضور مدیریت سواد فرهنگی، شاهد درگیری‌های قومی و

ملیتی افراد جامعه و عدم همزیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها خواهیم بود که در طول تاریخ ایران، بارها شاهد بروز آن بوده‌ایم؛ بنابراین، با بررسی وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان، شیوه حرکت به سوی وضعیت مطلوب را می‌توان تعیین کرد.

در یک جامعه چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل، و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگوی آزادانه بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف، احترام به عقاید دیگران، و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. افزون‌براین، اگر بپذیریم که جامعه ایرانی، همانند بسیاری از جوامع دیگر، به سوی تبدیل به یک جامعه مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آن‌ها خود از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی‌شان را عمق ببخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آن‌ها مبادرت ورزند (رومیانی، ۱۳۹۴).

فیلیپ کومبز^۱ در کتاب «بحران جهانی تعلیم و تربیت» می‌گوید: «اگر قرار است تحولی در عرصه تعلیم و تربیت رخ دهد، این تحول و دگرگونی باید از مدیریت و آموزش‌وپرورش آغاز شود». وی دلیل اصلی مشکلات فرهنگی و تعلیم و تربیت را نوع مدیریت^۲ می‌داند (فیلیپ کومبز، ۱۹۱۵: ۱۲۴).

هرگونه مدیریت فعالیت‌های فرهنگی در جامعه، مستلزم شناخت اهداف و برنامه‌ها، شیوه‌های سازماندهی، امکانات و منابع، و نحوه کنترل و نظارت بر این گونه فعالیت‌ها است. شناخت وضعیت فعلی و بررسی نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها گامی اساسی در زمینه مدیریت ارتقای سواد فرهنگی است. این مقاله درصدد است که با شناسایی وضعیت موجود، نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدها به بهبود شرایط مدیریت ارتقای سواد فرهنگی کمک کند.

دراین راستا پرسش اصلی پژوهش این است که «وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش‌وپرورش ایران چگونه است؟». پرسش‌های فرعی

1. Coomps, Philip Hall

2. Managment

پژوهش نیز عبارتند از: «نقاط قوت مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران چه مواردی هستند؟»، «نقاط ضعف مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران کدام موارد هستند؟»، «فرصت‌های مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران چه مواردی هستند؟»، «تهدیدهای مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران کدام موارد هستند؟»

۱. مبانی نظری

وضعیت موجود: وضعیت موجود شامل بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت، و تهدید است.

نقاط قوت: قوت، منبع توانمندی و برتری یک مؤسسه نسبت به رقبا و نیازهای بازارهایی که مؤسسه در آن‌ها کار می‌کند یا خواهد کرد. قوت، یک شایستگی متمایز است که سبب مزیت مقایسه‌ای مؤسسه در بازار می‌شود. منابع مالی، تصویر ذهنی، رهبری بازار، و روابط با خریداران و تأمین‌کنندگان، نمونه‌هایی از این موضوع هستند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۸).

نقاط ضعف: ضعف به معنای محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها، و توانایی‌هایی است که مانع عملکرد اثربخش می‌شود. این ضعف ممکن است در تجهیزات، منابع مالی، توانایی‌های مدیریتی، مهارت‌های بازاریابی، و تصویر ذهنی نمود پیدا کند (پیرس، رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

فرصت: فرصت، یک موقعیت مطلوب، عمدتاً در محیط سازمان و نهاد، است. روندهای کلیدی یکی از منابع فرصت به‌شمار می‌آیند. شناخت یک بخش از بازار که پیش‌ازاین فراموش شده بود، تغییر در وضعیت رقابتی یا قانونی، تغییرات فن‌شناختی، و بهبود روابط با خریداران یا تأمین‌کنندگان، می‌توانند برای مؤسسه فرصت به‌شمار آیند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

تهدید: تهدید، یک موقعیت نامطلوب، عمدتاً در محیط مؤسسه، است که مانع یا محدودیت کلیدی‌ای در موقعیت جاری یا آینده به‌شمار می‌آید. ورود یک کامپیوتر جدید، رشد کند بازار، افزایش قدرت چانه‌زنی خریداران یا تأمین‌کنندگان کلیدی، تغییرات عمده فن‌شناختی، و تغییر مقررات و قوانین می‌توانند تهدیدهای

عمده‌ای برای موفقیت آینده مؤسسه باشند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

فرهنگ: فرهنگ، مجموعه راهکارهای شایع موجه در یک جامعه برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی و عاملی همواره نرم‌افزاری است. به عبارت ساده‌تر، فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند و از آن مردم است (تایلور، ۱۹۱۷). فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادت‌ها و هرچه فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد، تعریف می‌کند (همان). هر منطقه یک کشور می‌تواند فرهنگ متفاوتی با مناطق دیگر آن داشته باشد که از طریق آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود، درحالی‌که ژنتیک از طریق وراثت منتقل می‌شود؛ به عنوان مثال، گفت‌وگو به زبان فارسی، راهکاری برای رفع نیاز به رودرو سخن گفتن و زبان چینی راهکار دیگری برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز به شمار می‌آید.

فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه، و دین است. فرهنگ‌ها دارای عناصر بسیاری هستند که به طور آمیزه و نامیزه‌ی معنایی در جامعه شناورند و درست از میان خودآگاه و ناخودآگاه هوشیاری اجتماعی عبور می‌کنند. مردم باید برای تغییر فرهنگ خود زحمت زیادی بکشند.

سواد فرهنگی: ای‌دی‌هیرچ در سال ۱۹۹۵ در کتاب خود با عنوان «سواد فرهنگی: آنچه هر آمریکایی‌ای باید بداند»، این ایده و مفاهیم بنیادین آن را مطرح کرد. به نظر او، سواد فرهنگی، مجموعه‌ای از اطلاعات بنیادین است که هر شهروند برای پیشرفت و کامیابی خود در دنیای مدرن به آن نیاز دارد. هیرچ، سواد فرهنگی را شبکه‌ای از اطلاعات می‌داند که برای ارتباط مؤثر میان افراد، ضروری است.

منظور از سواد فرهنگی، شناخت «میدان‌های» فرهنگی مختلف (به تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها، و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. این شناخت، سواد خاصی را در مورد «میدان» معینی در اختیار افراد قرار می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد که بدانند چه اتفاقاتی پیرامون آن‌ها در حال وقوع است تا بتوانند در مورد نحوه تعامل با آن میدان‌ها تصمیم بگیرند؛

یعنی بتوانند تشخیص دهند که چه رفتارها، کردارها، گونه‌ها، یا گفتمان‌هایی در شرایط خاصی مناسب یا مقتضی هستند. از آنجاکه معناسازی با توجه به «میدان» انجام می‌شود، میزان آشنایی افراد با نظام‌های معنایی مختلف (به‌عنوان مثال، زبان بدن یا مد) و کنش‌های مرتبط با آن‌ها و همچنین، توانایی افراد در خوانش و استفاده از نظام‌های معنایی گوناگون، میزان برخورداری آنان از سواد فرهنگی را مشخص می‌کند (مصطفی جعفری و همکاران، ۱۳۹۳).

پولستین (۲۰۰۹) بر این نظر است که سواد فرهنگی، به معنای کسب صلاحیت فرهنگی می‌شود، اما باید به توانایی واکنش مناسب و تغییرات ضروری در فرهنگ خود شخص نیز توجه داشته باشد. همچنین، سواد فرهنگی دربردارنده توانایی تحلیل جدی رفتارهای فرهنگ‌های مسلط در روابط با فرهنگ‌های دیگر است که به‌عنوان مثال، تأثیر جهانی‌سازی یا مشارکت بینافرهنگی بر فرهنگ‌های محلی سراسر جهان را دربر می‌گیرد. چهار مهارت سواد فرهنگی عبارتند از:

- آگاهی بینافرهنگی؛
 - آگاهی فرهنگی محلی؛
 - مهارت تفکر و تأمل منتقدانه؛
 - مهارت‌های شخصی رویارویی با عامل تغییر.
- مدیریت: مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی موردقبول انجام می‌شود (هارولد کونتز و همکاران، ۱۳۸۰).

مدیریت فرهنگی: مدیریت فرهنگی به معنای مدیریت در عرصه فرهنگ است. به عبارت روشن‌تر، منظور علم و هنر به‌کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت، و کنترل آن‌ها برای دستیابی به اهداف تعیین شده در عرصه فرهنگ (عقاید، باورها، ارزش‌ها، و هنجارهای مشترک در جامعه و محصولات هنری) است (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۷).

ارتقا: به معنای کمک یا تشویق به ایجاد یا شکوفایی بیشتر هر امری مانند

ارتقای صلح جهانی است.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین بار هیرش، در سال ۱۹۸۲، مفهوم سواد فرهنگی را مطرح و تعریف کرد (هیرش، ۱۹۸۲). وی در کتاب معروف خود با عنوان «سواد فرهنگی: آنچه هر آمریکایی ای باید بداند»^۱ استدلال کرد که سواد فرهنگی در جامعه آمریکا، دربردارنده شناخت کافی از ۵۰۰۰ موضوع مختلف است که یکی از آن‌ها شناخت امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بود.

دانای طوسی و کیامنش (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد»، بر مبنای شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، و... بر این نظر است که سواد را باید از چشم‌انداز بسیار گسترده‌ای نگریست و درک کرد، زیرا آنچه در یک بافت فرهنگی-اجتماعی، سواد به‌شمار می‌آید، ممکن است در بافت فرهنگی-اجتماعی دیگر، این‌گونه نباشد.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش «رابطه سواد فرهنگی و ملیت مترجم»، با نگاهی به تشخیص و ترجمه تلمیح، هدف خود از نگارش این پژوهش را تأکید بر سواد فرهنگی و لزوم برگزاری دوره‌های کسب این قابلیت در بافتار دانشگاهی کشور عنوان کرده‌اند. طبقه‌بندی تلمیحات فارسی (شمیسا، ۱۹۷۸)، طبقه‌بندی اطلاعات لازم و اطلاعات دردسترس (گات، ۲۰۰۶)، الگوی تشخیص و فعال‌سازی تلمیح (بن‌پورات، ۱۹۷۸)، و نظریه سواد فرهنگی (هرش، ۱۹۸۷) چارچوب نظری این تحقیق را تشکیل داده‌اند. نویسندگان درنهایت، این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که سواد فرهنگی، قابلیت اکتسابی و قابل‌آموزش است که مترجمان هر زبان، فارغ از ملیت و فرهنگ خود می‌توانند از طریق روند آگاهانه یادگیری به آن دست یابند و پیشنهاد کرده‌اند که پژوهش مشابهی در مورد ترجمه‌های ترجمه‌آموزان ایرانی و غیرایرانی انجام شود.

جعفری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی» به بررسی و تعریف گردشگری فرهنگی، فواید، و

1. Cultural Literacy, What Every American Needs to Know

راهکارهای توسعه گردشگری فرهنگی برپایه سواد فرهنگی پرداخته‌اند و بر این نظرند که هرچقدر سواد فرهنگی افراد جامعه افزایش می‌یابد، فرهنگ گردشگری توسعه پیدا می‌کند و نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در راستای افزایش سواد فرهنگی هنری موجب توسعه ابعاد مختلف گردشگری فرهنگی خواهد شد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش «تأثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی محور» در پی بررسی نقش سواد فرهنگی بر جامعه مبتنی بر دانایی بوده‌اند؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش آن‌ها این است که سواد فرهنگی چه نقشی را در جامعه مبتنی بر دانایی ایفا می‌کند. سواد، شالوده آگاهی‌ها و تفکر انسان‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد فرهنگی مفید و کافی برخوردار باشند. در دنیای درحال تحول امروز، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل، و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگوی آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف، و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. افزون بر این، اگر بپذیریم که جامعه ایرانی، همانند بسیاری از جوامع دیگر، به سوی تبدیل شدن به یک جامعه مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، شهروندان چنین جامعه‌ای به توانمندی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که خودشان، از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق ببخشند و برای گردآوری و استفاده کارآمد از آن‌ها اقدام کنند. به این ترتیب، یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد فرهنگی به توانمندی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود؛ بنابراین، سواد فرهنگی، همانند مفاهیم مکمل آن، یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعاتی، و سواد سمعی و بصری، زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید.

هوشمند وزیری و الوانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر موزه‌ها بر سواد فرهنگی در ایران (مطالعه موردی غار موزه وزیری)» بر این نظرند که در گذشته، استقبال از موزه‌ها بسیار اندک بود و تنها قشر خاصی از این مکان‌ها بازدید می‌کردند، اما پیشرفت علم و فناوری در عصر حاضر و بالا رفتن بینش فرهنگی

افراد، موجب شده است که به تدریج نقش آن‌ها در جامعه پررنگ‌تر شود. از آنجاکه انسان، موجودی فرهنگی است، بازدید از موزه‌ها بر افزایش علم و دانش، یا به عبارتی، سواد فرهنگی او مؤثر است. موزه‌ها از جمله مراکز مهم آموزشی در جامعه به شمار می‌آیند. براین اساس، فرض پژوهش مبنی بر تأثیر موزه بر سواد فرهنگی، تأثیر معناداری دارد.

رضایی (۱۳۹۵) در پژوهش «نقش به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقای سواد زیست محیطی و تدوین الگوی مطلوب برای آموزش‌های زیست محیطی» بر این نظر است که الگوی مطلوب برای آموزش‌های محیط زیستی از طریق آزمون آماری چارچوب نظری پژوهش در قالب یک الگوی تبیینی، ارائه شده است. براساس نتایج پژوهش در زمینه اولویت بندی فناوری‌های مورد مطالعه برپایه معناداری کاربرد و اندازه اثر آن‌ها، در بعد آگاهی از ابعاد سواد محیط زیستی به ترتیب، پست الکترونیک، تلگرام، وبلاگ، اینستاگرام، تلویزیون، و رادیو، در بعد نگرش، به ترتیب اینستاگرام، پست الکترونیک، تلگرام، تلویزیون، و رادیو و در بعد رفتار، به ترتیب فناوری‌های اینستاگرام، تلگرام، و رادیو اولویت داشته‌اند. همچنین روی هم رفته، کاربرد فاوا به ترتیب حدود ۱۴، ۱۳ و ۸ درصد واریانس آگاهی، نگرش، و رفتار محیط زیستی دانشجویان را تبیین کرده است؛ بنابراین، در بعد آگاهی محیط زیستی، به ترتیب رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی مبتنی بر فاوا، اولویت داشته‌اند. در بعد نگرش، به ترتیب، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی، و در بعد رفتار محیط زیستی نیز شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی از اولویت برخوردار شده‌اند.

سبطی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی برنامه سازی تلویزیون با رویکرد افزایش سواد فرهنگی مخاطبان» بر این نظر بوده‌اند که سواد فرهنگی، دربردارنده چهار مهارت آگاهی بینا فرهنگی، آگاهی فرهنگی محلی، مهارت تفکر و تأمل منتقدانه، و مهارت‌های شخصی رویارویی با عامل تغییر است. صباغ/اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق «بررسی مؤلفه‌های سواد

فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش»، از میان بیش از شانزده مؤلفه اصلی سواد فرهنگی، ده مؤلفه را شناسایی کرده‌اند. آنان پس از تعیین، و تبیین رسالت، و نقش و کارکرد آن‌ها در نظام آموزش و پرورش، راهکارهایی همچون تدوین «ماتریس سواد فرهنگی»، «گفتمان‌شناسی سواد فرهنگی» و طراحی «بانک اطلاعات سواد فرهنگی» ارائه کرده‌اند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، به‌منظور بررسی و ارزیابی وضعیت موجود، پس از مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه با متخصصان امر تعلیم و تربیت و مدیریت فرهنگی، پرسش‌نامه‌هایی تهیه، و با توزیع آن‌ها بین استادان تعلیم و تربیت و مدیریت فرهنگی، اطلاعات لازم گردآوری شد.

پس از مطالعه کتاب‌ها و اسناد و منابع مختلف در مورد نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدهای حاکم بر مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، ۳۳ مورد مشخص شد که به‌صورت یک پرسش‌نامه با طیف استاندارد پنج‌تایی لیکرت آماده و پس از تأیید متخصصان فن و تعیین آلفای کرونباخ ۰/۷۵، بین ۳۰ نفر از مدیران حوزه اجرایی، حوزه میانی، و حوزه ستادی توزیع شد؛ ۲۷ مورد از این پرسش‌نامه‌ها بازگشت که مشخصات پاسخ‌دهندگان آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات پاسخ‌دهندگان

توزیع جنسیت	مرد	۴۲ درصد	زن	۵۸ درصد	
تحصیلات	دکتری	۴ درصد	فوق لیسانس	۶۴ درصد	لیسانس ۳۲ درصد
محل کار	حوزه ستادی	۳۳ درصد	حوزه میانی	۴۱ درصد	حوزه اجرایی ۲۶ درصد
سابقه کار	بالای ۳۰ سال	۱۲ درصد	۲۰-۳۰ سال	۶۸ درصد	زیر ۱۰ سال ۴ درصد

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Minitab 16 و آزمون T میانگین مستقل استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از تحلیل ۳۳ پرسش‌نامه توزیع شده در قالب نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدها به تفکیک در جدول‌های زیر ارائه شده‌اند.

جدول ۲. نقاط ضعف

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۱	عدم استقبال منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر از جذب شدن در آموزش و پرورش	۴/۱۷۴	۱/۱۵۴	۰/۲۴۱	۳/۶۷۵	۴/۶۷۳	۴/۸۸	۰
۶	تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی	۳/۳۳۳	۱/۲۰۴	۰/۲۴۶	۲/۸۲۵	۳/۸۴۲	۱/۳۶	۰/۱۸۸
۷	عدم نگرش به آموزش و پرورش به عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی و اجتماعی	۴/۱۲	۱/۰۵۴	۰/۲۱۱	۳/۶۸۵	۴/۵۵۵	۵/۳۲	۰

پرسش ۱ و ۷ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ بوده‌اند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، این موارد، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش ۶ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ و ضریب معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید نبوده و از دید مخاطبان، این موارد، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۳. نقاط قوت

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۴	تلاش برای نهادینه کردن بخشی از الگوهای رفتاری و فرهنگی در نسل جدید	۳/۷۶	۱/۰۱۲	۰/۲۰۲	۳/۳۴۲	۴/۱۷۸	۳/۷۶	۰/۰۰۱
۸	افزایش تمایل خانواده‌ها به داشتن نقش فعال در آموزش و پرورش فرزندان	۳/۸۸	۱/۲۰۱	۰/۲۴	۳/۳۸۴	۴/۳۷۶	۳/۶۶	۰/۰۰۱
۹	وجود مراکز و رشته‌های تخصصی مرتبط با نیازهای آموزش و پرورش، خارج از نظام آموزش و پرورش	۳/۷۶	۱/۱۶۵	۰/۲۳۳	۳/۲۷۹	۴/۲۴۱	۳/۲۶	۰/۰۰۳
۱۰	رشد فرهنگ اجتماعی و افزایش مطالبات از آموزش و پرورش	۴	۰/۹۵۳	۰/۱۹۹	۳/۵۸۸	۴/۴۱۲	۵/۰۳	۰
۱۱	وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی	۳/۲۴	۱/۲۳۴	۰/۲۴۷	۲/۷۳۱	۳/۷۴۹	۰/۹۷	۰/۳۴۱
۱۴	گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات؛	۴/۰۸	۰/۸۶۲	۰/۱۷۲	۳/۷۲۴	۴/۴۳۶	۶/۲۶	۰
۱۵	سند برنامه درسی ملی	۳/۲۸	۱/۳۳۹	۰/۲۶۸	۲/۷۲۷	۳/۸۳۳	۱/۰۵	۰/۳۰۶
۱۶	سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)	۳/۴۴	۱/۱۹۳	۰/۲۳۹	۲/۹۴۸	۳/۹۳۲	۱/۸۴	۰/۰۷۸
۱۷	حرکت به سوی سامان‌دهی نیروی انسانی متناسب با صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی	۳/۷۶	۱/۰۵۲	۰/۲۱	۳/۳۲۶	۴/۱۹۴	۳/۶۱	۰/۰۰۱
۲۵	فراوانی چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی	۳/۲۱۷	۱/۲۰۴	۰/۲۵۱	۲/۶۹۷	۳/۷۳۸	۰/۸۷	۰/۳۹۶

پرسش‌های ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، و ۱۷ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ هستند؛ بنابراین، فرضیه صفر، قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۱۱، ۱۵، ۱۶، و ۲۵ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر

قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۴. فرصت‌ها

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۱۲	جوان بودن جمعیت کشور	۳/۷۲	۰/۹۸	۰/۱۹۶	۳/۳۱۶	۴/۱۳۴	۳/۶۷	۰/۰۰۱
۱۳	برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها	۳/۴۴	۱/۴۴۶	۰/۲۸۹	۲/۸۴۳	۴/۰۳۷	۱/۵۲	۰/۱۴۱
۱۸	وجود بسترها و زمینه‌های لازم برای استفاده از مشارکت بخش غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۳/۵۲	۱/۰۰۵	۰/۲۰۱	۳/۱۰۵	۳/۹۳۵	۲/۵۹	۰/۰۱۶
۱۹	تراکم قابلیت‌های اشتراک‌ساز مذهبی، قومی، نژادی، و گویشی در چند افق جغرافیایی و ملی	۳/۴۱۷	۰/۸۳	۰/۱۶۹	۳/۰۶۶	۳/۷۶۷	۲/۴۶	۰/۰۲۲
۲۰	سابقهٔ دوستی و همزیستی دیرینه اقوام و ادیان ایرانی در چارچوب مرزهای ملی	۳/۴۱۷	۰/۸۸۱	۰/۱۸	۳/۰۴۵	۳/۷۸۸	۲/۳۲	۰/۰۳
۲۱	امکان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در راستای جذب مخاطبان و اطلاع‌رسانی فرهنگی با ابزارهای مدرن	۳/۶۲۵	۱/۰۵۶	۰/۲۱۵	۳/۱۷۹	۴/۰۷۱	۲/۹	۰/۰۰۸
۲۲	حضور قابل توجه صداوسیما در قریب‌به‌اتفاقی اسکان جمعیتی (بالتر از ۸۰ درصد)	۳/۶۵۲	۱/۱۹۱	۰/۲۴۸	۳/۱۳۷	۴/۱۶۷	۲/۶۳	۰/۰۱۵
۲۴	قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی در کشور	۳/۰۴۲	۱/۱۹۷	۰/۲۴۴	۲/۵۳۶	۳/۵۴۷	۰/۱۷	۰/۸۶۶

پرسش‌های ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، و ۲۲ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ هستند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۱۳ و ۲۴، از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر، قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی

دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۵. تهدید

شماره		میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۲	فراهم بودن شرایط و فضای حضور و بروز چالش‌ها و تنش‌برانگیز خرد فرهنگ‌ها و قومیت‌ها	۳/۷۲	۰/۹۸	۰/۱۹۶	۳/۳۱۶	۴/۱۲۴	۳/۶۷	۰/۰۰۱
۳	مصادره فرهنگی حوزه‌های پویایی و نشاط ملی توسط عوامل غیرخودی	۳/۶۶۷	۱/۱۲۹	۰/۲۳۱	۳/۱۹۰	۴/۱۴۴	۲/۸۹	۰/۰۰۸
۵	نا توانی در معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و شایسته فرهنگی به نسل نو	۳/۷۹۲	۱/۰۲۱	۰/۲۰۸	۳/۳۶۱	۴/۲۲۳	۳/۸	۰/۰۰۱
۲۳	قدرت هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی در شرایط بحرانی	۳/۲۹۲	۱/۳۰۱	۰/۲۶۶	۲/۷۴۲	۳/۸۴۱	۱/۱	۰/۲۸۴
۲۶	کاهش تعلق به هویت دینی-ملی	۳/۵۸۳	۱/۰۶	۰/۲۱۶	۳/۱۳۶	۴/۰۳۱	۲/۷	۰/۰۱۳
۲۷	تبدیل شدن فرهنگ‌سازان به سیاست‌بازان	۴	۱/۰۶۹	۰/۲۲۸	۳/۵۲۶	۴/۴۷۴	۴/۳۹	۰
۲۸	افت شدید اعتبار گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی در کشور	۳/۸۷	۰/۹۶۸	۰/۲۰۲	۳/۴۵۱	۴/۲۸۸	۴/۳۱	۰
۲۹	نا توانی هنجارها و ابزارهای فرهنگی در مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه	۳/۵۴۲	۱/۳۱۸	۰/۲۶۹	۲/۹۸۵	۴/۰۹۸	۲/۰۱	۰/۰۵۶
۳۰	مصرف‌گرایی مفرط فرهنگ غیرخودی	۳/۷۹۲	۱/۱۰۳	۰/۲۲۵	۳/۳۲۶	۴/۲۵۷	۳/۵۲	۰/۰۰۲
۳۱	بی‌توجهی به اصل نشاط و پویایی در نهادینه‌سازی فرهنگی	۳/۹۵۸	۰/۸۰۶	۰/۱۶۵	۳/۶۱۸	۴/۲۹۹	۵/۸۲	۰
۳۲	پرهزینه‌سازی فعالیت فرهنگی در قبال فعالیت‌های اجتماعی	۳/۶۶۷	۰/۹۱۷	۰/۱۸۷	۳/۲۸۰	۴/۰۵۴	۳/۵۶	۰/۰۰۲
۳۳	عدم انطباق تقاضاهای فرهنگی با امکانات و تمهیدات فرهنگی	۳/۷۹۲	۱/۰۲۱	۰/۲۰۸	۳/۳۶۱	۴/۲۲۳	۳/۸	۰/۰۰۱

پرسش‌های ۲، ۳، ۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، و ۳۳ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ بوده‌اند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۲۳ و ۲۹ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای شناسایی شده توسط مخاطبان به شرح زیر است.

نقاط قوت عبارتند از:

- گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (در حوزه آموزش و پرورش)؛

- رشد فرهنگ اجتماعی و افزایش مطالبات از آموزش و پرورش؛

- افزایش تمایل خانواده‌ها به داشتن نقش فعال در آموزش و پرورش فرزندان؛

- وجود مراکز و رشته‌های تخصصی مرتبط با نیازهای آموزش و پرورش،

خارج از نظام آموزش و پرورش؛

- حرکت به سوی سامان‌دهی نیروی انسانی، متناسب با صلاحیت‌های

حرفه‌ای و تخصصی (در حوزه آموزش و پرورش)؛

- تلاش در راستای نهادینه کردن بخشی از الگوهای رفتاری و فرهنگی برای

نسل نو.

نقاط ضعف عبارتند از:

- عدم استقبال منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر از جذب شدن در

آموزش و پرورش؛

- عدم نگرش به آموزش و پرورش به عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی

و اجتماعی؛

فرصت‌ها عبارتند از:

- جوان بودن جمعیت کشور؛
- حضور قابل توجه صداوسیما در قریب به اتفاق اسکان جمعیتی (بالتر از ۸۰ درصد)؛
- امکان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در راستای جذب مخاطبان و اطلاع‌رسانی فرهنگی با ابزارهای مدرن؛
- وجود بسترها و زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از مشارکت بخش غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- سابقه دوستی و همزیستی دیرینه اقوام و ادیان ایرانی در قالب مرزهای ملی؛
- تراکم قابلیت‌های اشتراک‌ساز مذهبی، قومی، نژادی، و گویشی در چند افق جغرافیایی و ملی.

تهدیدها عبارتند از:

- تبدیل شدن فرهنگ‌سازان به سیاست‌بازان؛
- بی‌توجهی به اصل نشاط و پویایی در نهادهای سازی فرهنگی؛
- افت شدید اعتبار گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی در کشور؛
- مصرف‌گرایی مفرط فرهنگ غیرخودی؛
- عدم انطباق تقاضاهای فرهنگی با امکانات و تمهیدات فرهنگی؛
- فقدان توانایی در معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و شایسته فرهنگی برای نسل نو؛

• فراهم بودن شرایط و فضای حضور و بروز چالش‌زا و تنش‌برانگیز خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها؛

- مصادره فرهنگی حوزه‌های پویایی و نشاط ملی توسط عوامل غیرخودی؛
- پرهزینه‌سازی فعالیت فرهنگی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی؛
- کاهش تعلق به هویت دینی-ملی.

مخاطبان، از بین ۳۳ مورد مطرح شده، گزینه‌های زیر را تأیید نکرده‌اند. به عبارت روشن‌تر، این عوامل را در تعیین وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، دخیل ندانسته‌اند. فرصت‌های حذف شده عبارتند از: برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها، قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی، و... در کشور.

تهدیدهای حذف شده عبارتند از: ناتوانی هنجارها و ابزارهای فرهنگی در مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه و هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی در شرایط بحرانی. نقاط قوت حذف شده عبارتند از: سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)، فراوانی چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی، وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی، و سند برنامه درسی ملی. نقاط ضعف حذف شده عبارتند از: تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی.

پیشنهادهای

لازم است که در راستای بهینه‌سازی مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، اقدامات زیر انجام شود:

- آشنایی بیشتر با سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)؛
- عدم تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی؛
- توانمندسازی هنجارها و ابزارهای فرهنگی برای مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه؛

- آموزش بیشتر سواد رسانه‌ای؛
- ترویج هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی، و... در کشور؛
- به کارگیری چهره‌های فرهنگی در مناصب سیاسی؛
- تعریف پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در راستای تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی؛

- آشنایی بیشتر مخاطبان با سند برنامه درسی ملی؛
- توجه به اصل نشاط و پویایی در نهادینه‌سازی فرهنگی؛

- اعتباربخشی به گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی در کشور؛
- تولید صنایع فرهنگی باکیفیت خودی؛
- گسترش امکانات و تمهیدات فرهنگی در راستای انطباق با نیازهای فرهنگی؛
- معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و شایسته فرهنگی برای نسل نو؛
- جلوگیری از ایجاد فضای حضور و بروز چالش‌زا و تنش‌برانگیز خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها؛
- ایجاد فضاهای بانشاط فرهنگی؛
- کاهش هزینه‌های فعالیت فرهنگی؛
- تقویت هویت دینی-ملی؛
- ایجاد جذابیت برای منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر به‌منظور جذب آن‌ها در آموزش و پرورش؛
- تقویت نگرش به آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی و اجتماعی؛
- تقویت باورپذیری مدیران در زمینه توانمندی‌های ارتقای سواد فرهنگی؛
- تربیت مدیران آشنا به حوزه فرهنگ و سواد فرهنگی؛
- تخصیص اعتبارات کافی؛
- ثبات مدیریت در حوزه فرهنگ؛
- کاهش بوروکراسی؛
- تألیف کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی در راستای ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان؛
- تقویت دولت برای ارتقای سواد فرهنگی شهروندان؛
- تقویت نظام برنامه‌ریزی فرهنگی؛
- تربیت معلمان آشنا با حوزه فرهنگ و سواد فرهنگی؛
- آگاه‌سازی خانواده‌ها در مورد سواد فرهنگی و مؤلفه‌های آن.

منابع

- صباغ اسماعیلی، رعنا؛ فرمehنی فراهانی، محسن؛ بخشی، حامد (۱۳۹۵)، «بررسی مؤلفه‌های سواد فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش»، دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
- رومیانی، فاطمه (۱۳۹۴)، «تأثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی‌محور»، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
- کومبز، فیلیپ (۱۹۱۵)، بحران جهانی تعلیم و تربیت، ترجمه حسن صفاری و کوکب صفاری، ص ۱۲۴.
- پیرس، جان؛ رابینسون، ریچارد (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ص ۲۶۱.
- حبیبی، زهرا؛ پورشافعی، هادی (۱۳۹۴)، «فرهنگ آموزش و یادگیری»، دومین کنفرانس بین‌المللی آینده‌پژوهی، مدیریت، و توسعه اقتصادی، دانشگاه تربت حیدریه.
- جعفری، مصطفی؛ رئیس‌میرزایی، نرگس (۱۳۹۳)، «تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی»، دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، اصفهان.
- کونتز، هارولد و همکاران (۱۳۸۰)، اصول مدیریت، ترجمه محمدهادی چمران، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات علمی، ص ۱۳۵.
- باهنر، ناصر؛ چابکی، رامین (۱۳۹۳)، «تحلیل سواد رسانه‌ای براساس مدل EC؛ مورد مطالعه: سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۱۵ (۲۸).
- صالحی امیری، رضا؛ کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۷)، فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس، تهران، ص ۱۸۷.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ عظیمی‌دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، انتشارات ققنوس.
- دانای طوسی، مریم؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸)، رویکردهای زیربنای تعریف سواد. مجله نوآوری‌های آموزشی، دوره ۸، شماره ۳۱.
- صادقی، الهام؛ تجویدی، غلامرضا؛ ملانظر، حسین (۱۳۸۹)، «رابطه سواد فرهنگی و ملیت

مترجم؛ با نگاهی به تشخیص و ترجمه تلمیح»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. هوشمند وزیری، رکسانا؛ الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، «تأثیر موزه‌ها بر سواد فرهنگی در ایران (مطالعه موردی غارموزه وزیری)»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری.

رضایی، مهدیه؛ شبیری، سید محمد (۱۳۹۵)، رابطه میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (با تاکید بر اینترنت) با سواد زیست محیطی دانشجویان، مجله آموزش و توسعه پایدار، شماره ۴

- Hirsch, E.D. (1987), *Cultural Literacy-What Every American Needs to Know*, Houghton Mifflin Company, Boston.
- Hirsch, E.D. (1989), *A First Dictionary of Cultural Literacy*, Houghton Mifflin Company, Boston.
- Schultz, Fred. (2001), *Notable Selections in Education*, McGraw-Hill/Dushkin, Connecticut.
- Majzub, R. M., Hashim, S., & Elis Johannes, H. S. (2011), "Cultural Awareness Among Preschool Teachers in Selangor", In: *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 15, pp. 1573-1579.
- Tylor, Edward B., *Religion in Pprimitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art and Custom*, Kessinger Publishing, 2007.

رویکردی میان‌رشته‌ای به مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی‌گذاری عمومی

مرتضی گودرزی*

علی اصغر پورعزت**

احمد توکلی***

چکیده

در نظام‌های حقوقی گوناگون دنیا، معمولاً مسئولیت مدنی دولت‌ها را بر مبنای نظریه تقصیر بنا می‌کنند؛ به این معنا که تا زمانی که دولت، مرتکب نقض قانون نشود، محکوم کردن آن به پرداخت غرامت امکان‌پذیر نیست، اما سیر تحول نظریه‌های حقوقی به این سو پیش رفته است که در برخی کشورها، با در نظر گرفتن شرایطی، مسئولیت دولت را حتی بدون ارتکاب تقصیر نیز شناسایی می‌کنند. با این حال، جبران زیان وارد شده در موارد عدم تقصیر دولت، بیشتر در وقایع خاص و عینی انجام می‌شود و معمولاً زیان وارد شده به مردم در نتیجه اقدامات کلان دولت در سطح خط‌مشی عمومی، جبران نمی‌شود. یکی از دلایل این امر، این است که حتی اگر خط‌مشی‌های عمومی با کاستی‌های فراوانی اجرا شوند، چون این خط‌مشی‌ها در قالب اقدامات حاکمیتی یا تصدی‌گری دولت و با پوشش عمل قانونی انجام می‌شوند، در عمل، دست زیان‌دیدگان و نظام قضایی در حساب‌کشی از سازمان‌های دولتی بسته است؛ بنابراین، ممکن است در خط‌مشی‌های عمومی، برخی از بزرگ‌ترین ظلم‌ها به صورت آشکار و پنهان رخ دهد، در حالی که در چارچوب مسئولیت مدنی دولت، تعریف و رسیدگی نشوند.

به نظر می‌رسد، در امتداد سیر تحولات نظریه‌های حقوقی و مدیریتی، می‌توان دامنه مسئولیت دولت را در اقدامات و خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی نیز ردیابی، و امکان پاسخ‌گو کردن خط‌مشی‌گذاران را با قدرت بیشتری فراهم کرد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، ارزشیابی خط‌مشی، ظلم، نظام قضایی

* دانشجوی دوره دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
M.goodarzi9109@yahoo.com

** استاد، گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Pourezzat@ut.ac.ir

*** استادیار (بازنشسته)، گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Ahmad1330@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۳-۸۲

مقدمه

تاریخ زندگی بشر همواره صحنه نبرد برای برقراری رابطه منطقی و عادلانه میان مردم و حاکمان بوده است. گاهی تقدیس حاکمان، به عنوان سایه خدا بر زمین، و تبیین ایزدی بودن حاکمیت پادشاه، رمز مصونیت دولتمردان به شمار آمده و تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت، وصفی بود که تنها به رفتار سایر اشخاص حقیقی نسبت داده می شد. این مصونیت، با گذشت عصر پادشاهان، به عنوان میراث شاه، به دولت رسید، اما به تدریج با تحقق عواملی، فروکاسته شد و اصل مصونیت، جای خود را به مسئولیت دولت داد (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۳: ۱۴۷).

از زمان منسوخ شدن مصونیت و غلبه تفکر مسئولیت و پاسخ گویی زمامداران، این مقوله همواره در حال تغییر و دگرگونی بوده و دستخوش تحولات فراوانی شده است؛ به گونه ای که در ابتدای پذیرش اصل لزوم پاسخ گویی دولت ها، این مسئولیت تنها ناظر بر اعمال زیان بار دولتی به صورت ایجابی (فعل)، تکلیفی، غیرقانونی، و تصدی بود؛ بنابراین، ترک فعل ها، صلاحیت تشخیصی، اقدامات قانونی، و اعمال حاکمیتی — بیشتر به منظور حفظ حاکمیت و اقتدار حکومت — اگر به زیانی می انجامید، سبب مسئولیت دولت نمی شد. اکنون این مرزبندی تا حدی از بین رفته است و در برخی نظام های حقوقی دنیا، پذیرفته شده است که اقدامات زیان بار، افزون بر صورت های کلاسیک خود، می تواند به صورت ترک فعل، صلاحیت های تشخیصی، اقدام کاملاً قانونی، و عمل حاکمیتی نیز نمود یابد و بدین لحاظ، دولت را ملزم به پرداخت غرامت کند (رضایی زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۱۲).

در سال های گذشته، درباره مسئولیت دولت و گستره آن، بحث های متنوعی

مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که شناخت مسئولیت دولت در برابر مردم در انجام امور عمومی و ادای حقوق مردم، مستلزم دست یازیدن به مبانی معرفت‌شناسانه حقوق عمومی و شناخت مسائل و ماهیت مفاهیم گنجانده‌شده در آن است (رضوانی‌فر، ۱۳۹۶: ۳۲). افزون‌براین، موضوعات مرتبط با مسئولیت مدنی دولت در قبال اقدامات کارگزاران را می‌توان در ارزیابی خط‌مشی‌گذاری عمومی ردیابی کرد و به‌این‌ترتیب، بحث از نظریه‌های مدیریتی، به‌ویژه مبانی مدیریت دولتی، به‌میان می‌آید.

براین‌اساس، ارزیابی تصمیم‌ها و خط‌مشی سازمان‌های دولتی، از منظر حقوقی و مدیریتی و همچنین، از منظر رهنمودهای دینی، بررسی می‌شود. ارزیابی خط‌مشی با رویکرد حقوقی-قضایی، به جنبه‌های قانونی شیوه‌های اجرای خط‌مشی می‌پردازد؛ درواقع، در این روش تلاش می‌شود تا با کمک ابزارهای حقوقی و قانونی، نحوه اجرا و نتایج خط‌مشی‌ها بررسی شود (رضوانی‌فر، ۱۳۹۶: ۳۶). در علم مدیریت نیز اخیراً بر اهمیت ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی تأکید بیشتری شده است و ارزیابی خط‌مشی، نقش بی‌بدیلی در ارتقای پاسخ‌گویی ایفا می‌کند (واعظی و محمدی، ۱۳۹۶: ۴۸). در رویکرد اسلامی به دولت، مسئولیت دولت، جایگاه ویژه و مستحکمی دارد و وظایف حاکم اسلامی در به‌جای آوردن حقوق آحاد مسلمین، چشم‌پوشی‌ناپذیر است. دراین‌باره، می‌توان به نامه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به کارگزاران خود و برخی روایت‌های معتبر دیگر اشاره کرد.

براساس آنچه مطرح شد، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که «با توجه به تحولات به‌وجودآمده در نظام‌های حقوقی دنیا و نیز قوانین و مقررات حاکم بر نظام حقوقی ایران، آیا در کشور ما، زیان‌بار بودن اقدامات و خط‌مشی‌های عمومی و پایمال شدن حقوق مردم در فرایند اجرای خط‌مشی عمومی می‌تواند سبب ایجاد مسئولیت مدنی برای دولت شود؟» اگر چنین نیست، «آیا می‌توان از ظرفیت رهنمودهای دینی و مفاهیم تأسیسی اسلام، برای تعیین حوزه مسئولیت حکومت، در راستای پاسداشت حقوق مردم استفاده کرد؟»

در این نوشتار، ابتدا مسئولیت مدنی دولت و مسائل مرتبط با آن در خط‌مشی عمومی را به‌اختصار بررسی، و سپس، خط‌مشی عمومی در دانش مدیریت را

به گونه‌ای گذرا ارزیابی خواهیم کرد. پس از آن، به بررسی جایگاه نظام قضایی، و در پایان، به معرفی الگوی ابتکاری ظلم‌شناسی (با تأکید بر رهنمودهای دینی) خواهیم پرداخت و براساس آن، بر ضرورت ظلم‌ستیزی در نظام حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران تأکید خواهیم کرد.

۱. مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی عمومی

در حال حاضر، مسئولیت مدنی دولت و لزوم جبران در صورت انجام افعال زیان‌بار، یک اصل مسلم حقوقی و یک امر پذیرفته‌شده در همه کشورهای دنیا است؛ هرچند در مورد حدود و ثغور آن، میان نظام‌های حقوقی گوناگون، تفاوت‌های فراوانی به چشم می‌خورد، ولی وجه مشترک همه این نظام‌ها، این است که قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی دولت، با موازین موجود در مسئولیت مدنی اشخاص حقوق خصوصی تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ از این رو، شناخت مسئولیت مدنی دولت، مستلزم مطالعه و موشکافی بیشتری است. براساس نظریه‌های موجود، مسئولیت مدنی دولت بر دو مبنا استوار شده است که عبارتند از: نظریه تقصیر، و نظریه عدم تقصیر (رضایی‌زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۱۸).

۱-۱. نظریه تقصیر

به‌طور کلی، در نظریه مبتنی بر تقصیر، تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را برای جبران خسارتی توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر است؛ یعنی کسی مسئول است که در نتیجه تقصیر او، ضرری به وجود آمده باشد. در مورد اقدامات دولتی، تقصیر، به معنای نقض قانون است؛ یعنی هرگاه بحث تقصیر مطرح می‌شود، منظور این است که عمل منجر به زیان، غیرقانونی بوده است. اصولاً مسئولیت مدنی دولت در کشورهای گوناگون برپایه نظریه تقصیر بنا شده است؛ یعنی اگر دولت هنگام انجام اقدامات عام‌المنفعه خود، خسارتی به دیگران وارد کند، مجبور به جبران خسارت نیست، مگر اینکه زیان‌دیده بتواند تقصیر دولت را اثبات کند (رضایی‌زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۱۸)، بنابراین، براساس نظریه تقصیر، دولت اصولاً در اجرای خط‌مشی عمومی خود، که براساس موازین قانونی انجام

می‌شود، پاسخ‌گو نیست، و چنانچه در نتیجه اجرای این خط‌مشی‌ها ضرری بدون ارتکاب تقصیر— به دیگران وارد آید، مصون خواهد بود.

در برخی کشورهای توسعه‌یافته (از جمله فرانسه) در راستای تعیین ضابطه‌ای برای تشخیص مسئولیت مدنی دولت، مراتب گوناگونی برای مفهوم تقصیر (تقصیر سنگین، سبک و خیلی سبک) مشخص شده است، اما در حقوق ایران، به‌صراحت به مراتب تقصیر اشاره نشده است، ضمن اینکه در رویه جاری، دولت در اعمال حاکمیت، مسئول شناخته نمی‌شود (خوینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶).

۱-۲. نظریه عدم تقصیر

در اواخر قرن نوزدهم، نظریه جدیدی درباره مسئولیت مدنی دولت ارائه شد که دایره مسئولیت دولت را به‌گونه‌ای قابل توجه گسترش داد. این نظریه، دولت را مکلف می‌کند که در بعضی موارد، خسارت‌هایی که بر اثر اعمال او به اشخاص وارد شده است را جبران کند، حتی اگر ارتکاب این اعمال، عاری از هرگونه تقصیر و به‌عبارت دیگر، به حکم قانون انجام شده باشد. امروزه با توجه به فراگیر شدن مبانی فکری دولت رفاه، این نظریه — که به نظریه عدم تقصیر شهرت دارد — در بسیاری از کشورها پذیرفته شده و دادگاه‌ها در شرایط معینی، دولت را مسئول جبران خسارت‌های وارد شده به شهروندان می‌دانند، بدون اینکه نهادهای عمومی یا کارکنان آن‌ها، قانونی را نقض کرده باشند. استدلال کسانی که از این نظریه طرفداری می‌کنند، این است که نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به‌تنهایی کافی نیست، زیرا براساس این نظریه، بسیاری از خسارت‌هایی که از اعمال و اقدامات دولت به افراد وارد می‌شود، بدون جبران خواهد ماند؛ درحالی‌که انصاف و عدالت ایجاب می‌کند که زیان‌های یادشده، جبران و ترمیم شوند. تفاوت عمده این رویکرد با نظریه تقصیر این است که مسئولیت مدنی نهادهای دولتی بر سه پایه تحقق ضرر، فعل یا ترک فعل زیان‌بار، و سببیت، استوار خواهد شد؛ ازاین‌رو، به‌محض احراز رابطه علیت میان اقدام زیان‌بار دولت و خسارت وارد شده به زیان‌دیده، دولت توسط مراجع قضایی ملزم به پرداخت غرامت خواهد شد (رضایی‌زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۲۰).

در توجیه نظریه عدم تقصیر، مبانی فراوانی را می‌توان مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها، «نظریه خطر» است.

براساس این نظریه -که در سال‌های اخیر توانسته است وزن قابل‌توجهی از گفتمان اندیشه حقوقی را به خود اختصاص دهد- هر فعالیتی که ذاتاً خطرناک باشد، اگر به زبانی منجر شود، به‌طور خودکار، مسئولیت دولت را در پی خواهد داشت؛ یعنی شخصی که اقدام به فعالیت ذاتاً خطرناکی می‌کند، باید پرداخت غرامت ناشی از این فعالیت را نیز بپذیرد. برپایه نظریه خطر، فعالیت‌های دولت، حتی اگر بدون تقصیر نیز انجام شوند، می‌توانند موجب خطر باشند. افزون‌براین، اگر فعالیت خطرسازی در جامعه انجام شود و دراین‌میان، افرادی آسیب ببینند، عامل زیان‌رسان مسئول است، حتی اگر نهایت دقت و مراقبت را به‌عمل آورده باشد. این نظریه توانسته است در برخی کشورها (به‌ویژه در فرانسه)، مبنای آرای صادرشده از مراجع قضایی در مورد محکومیت دولت به پرداخت خسارت، بدون ارتکاب تقصیر شود (رضایی‌زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۲۲).

افزون‌براین، مطالبه‌گری در قبال اقدامات زیان‌بار و آسیب‌های واردشده به اشخاص از سوی دولت را می‌توان در آثار مربوط به جرم‌شناسی پست‌مدرن نیز مشاهده کرد (هنری و لنیر^۱، ۱۹۹۸: ۶۰۹). هنری و میلوانوویچ^۲ (۱۹۹۱؛ ۱۹۹۶) که از معروف‌ترین صاحب‌نظران جرم‌شناسی پست‌مدرن به‌شمار می‌آیند، (کالینگ^۳، ۲۰۰۶)، جرم را در قالب مفهوم پست‌مدرن، به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که با گسترش ابعاد آن، همه شکل‌های آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌ها را دربر بگیرد (مادفیس^۴، ۲۰۱۴: ۲). آن‌ها در این مفهوم‌سازی، جرم را «قدرت نفی توانایی دیگران برای ایجاد تغییر» تعریف می‌کنند (کارابین و دیگران^۵، ۲۰۰۹: ۱۲۲). به‌نظر آن‌ها، «آسیب»^۶

1. Henry and Lanier

2. Henry and Milovanovic

3. Cowling

4. Madfis

5. The Power to Deny Others their Ability to Make a Difference'

6. Carrabine and et al.

7. Harm

ناشی از روابط نابرابر بی‌شماری است که در آن، مردم اساساً مورد اهانت قرار می‌گیرند یا از تبدیل شدن به «موجودات کاملاً اجتماعی»، منع می‌شوند. هنری و میلوانوویچ (۱۹۹۶) جرم را به دو نوع تقسیم می‌کنند.

در نوع نخست، جرم، نشان‌دهنده هرگونه کاستی و خسارتی نسبت به شرایط پیشین شخص است؛ این نوع جرم ممکن است ضرر و زیان مالی، مانند سرقت، از دست دادن سلامتی، یا زندگی مانند حمله یا قتل، یا از دست دادن کرامت، مانند تجاوز به عنف باشد.

نوع دوم، جرم «سرکوب»^۱ است که در مواردی اتفاق می‌افتد که افراد در انسانیت و ظرفیت کامل خود، محدود می‌شوند.

هنری و میلوانوویچ، مردمی را که از طریق عوامل خارجی، گرفتار فقر، نژادپرستی، یا هرگونه محدودیت نهادینه‌شده دیگری می‌شوند (براساس جرم‌شناسی پست‌مدرن)، قربانی جرم می‌دانند (مادفیس، ۲۰۱۴: ۲). در اینجا، جرم و جنایت توسط هرکسی اعمال شود، عامل سلطه به‌شمار می‌آید؛ چه توسط اشخاص حقیقی، چه اشخاص حقوقی و گروه‌ها، و چه دولت (کارابین و همکاران،^۲ ۲۰۰۹: ۱۲۲).

باوجود، تحولات نظری و عملی در عرصه حقوقی و قضایی در جهان، در نظام حقوقی ایران، مبنا و منبع اصلی مسئولیت مدنی دولت، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و بیشتر، ماده ۱۱ این قانون است و مسئولیتی که براساس این قانون، برای دولت و مستخدمان آن شناخته شده است، مبتنی بر تقصیر است^(۱) (ادیبی مهر و سلطانی، ۱۳۹۷: ۲۸).

در نظام حقوقی ایران، به‌صراحت نامی از نظریه خطر (به‌منزله یکی از مهم‌ترین نظریه‌های عدم تقصیر) برده نشده است و تنها در برخی از قوانین و آرای قضایی، براساس این نظریه عمل شده است (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در موارد اندکی از قوانین، بر مسئولیت

1. Repression

2. Carrabine et all.

دولت در موارد عدم تقصیر تصریح شده است؛ برای مثال، می‌توان به امکان شکایت مردم از دولت در صورت انجام اعمال زیان‌بار قضایی در اصل ۱۷۱ «قانون اساسی»، ماده ۷۸ «قانون تجارت الکترونیک»، ماده ۲۴ «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی» مصوب ۱۳۷۹ (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۸)، قوانین مربوط به تملک املاک خصوصی واقع در طرح‌های عمومی توسط نهادهای دولتی، ماده ۱۰ قانون حفظ نباتات، ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، ماده ۳ قانون حفظ و تثبیت کناره و بستر رودخانه‌های مرزی، و ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب اشاره کرد که در همه آن‌ها، دولت بدون ارتکاب هیچ‌گونه تقصیری، ملزم به جبران خسارت‌هایی شده که بر اثر اقدامات قانونی آن پدید آمده است (رضایی‌زاده و عطریان، ۱۳۹۲: ۲۱).

بررسی موارد محدود پذیرش نظریه عدم تقصیر در حقوق ایران، نشان می‌دهد که جبران زیان وارد شده به مردم در موارد عدم تقصیر دولت، بیشتر در وقایع خاص و عینی رخ داده است؛ بنابراین، زیان وارد شده به مردم در اقدامات کلان دولت در سطح خط‌مشی عمومی، جبران نمی‌شود. یکی از دلایل این امر، این است که حتی اگر خط‌مشی‌های عمومی، با کاستی‌های فنی و ایرادهای فراوانی تدوین و اجرا شوند، چون معمولاً در پوشش اقدامات قانونی دولت در امور حاکمیتی و تصدی‌گری انجام می‌شوند، در عمل، دست زیان‌دیدگان و نظام قضایی در حساب‌کشی از دولت بسته است؛ از این رو، ممکن است در اجرای خط‌مشی‌های عمومی، بزرگ‌ترین ظلم‌ها به گونه‌ای آشکار و پنهان رخ دهد، درحالی‌که این مظالم در چارچوب مسئولیت مدنی دولت، قابل تعریف و رسیدگی نباشند.

۲. ارزیابی خط‌مشی عمومی، از منظر دانش مدیریت

یکی از مهم‌ترین مسائل حکومت‌ها در سطح کلان خط‌مشی‌گذاری، حفظ شأن پاسخ‌گویی، بهبود فراگرد و خروجی خط‌مشی‌های عمومی، یا به دیگر سخن، بهبود عملکرد حکومت در خط‌مشی‌گذاری بوده است که دستیابی به هردو، تنها با ارزیابی دقیق و دانش‌محور امکان‌پذیر می‌شود. با وجود اینکه در ایران به ارزیابی خط‌مشی^۱

کمتر توجه شده است، سال‌ها است که این موضوع، با عنوان‌های گوناگونی در محافل دانشگاهی کشورهای توسعه‌یافته در حال بررسی است و در نهادهای عمومی مطرح می‌شود. در بسیاری از دانشگاه‌های مشهور جهان، دست‌کم یک دورهٔ روش ارزیابی متفاوت با روش تحقیق، ارائه می‌شود (واعظی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲).

دیوید ناشمیاس^۱، چهرهٔ برجسته رشته خط‌مشی‌گذاری عمومی، ارزیابی خط‌مشی عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند: «بررسی عینی، منظم، و تجربی آثار جاری خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عمومی بر گروه‌های هدف، تا آنجاکه به اهداف موردنظر مربوط می‌شود». براساس این تعریف خردگرایانه، آثار یک خط‌مشی برای دستیابی به اهداف آن، باید به شیوه‌ای عینی، منظم، و تجربی بررسی شود، اما معمولاً در خط‌مشی‌های عمومی، اهداف، آنچنان واضح بیان نمی‌شوند که بتوان میزان تحقق آن‌ها را تعیین کرد. امکان تحلیل عینی نیز محدودیت دیگری در این راستا است، زیرا در عرصهٔ تدوین معیارهای عینی‌ای که بتوان از طریق آن‌ها میزان موفقیت دولت در زمینهٔ ادعاهای فنی و مشکلات اجتماعی را ارزیابی کرد، دشواری‌های فراوانی وجود دارد (هاولت و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۳۱۸).

اقدامات گوناگون و جداگانهٔ ارزیابان خط‌مشی، سبب شکل‌گیری انواع مختلف تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها شده است. روی هم رفته، ارزیابی خط‌مشی را می‌توان در سه دسته گسترده دسته‌بندی کرد که عبارتند از: ارزیابی اداری، ارزیابی قضایی، و ارزیابی سیاسی؛ سه دسته‌ای که ممکن است به لحاظ شیوهٔ اجرا و مدیریت، بازیگران مشمول، و نوع کار متفاوت باشند (هاولت و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۲۹).

در ادبیات دانشگاهی برای ارزیابی خط‌مشی، به عملکرد اداری بسیار توجه شده است. عملکردهای اداری به شکل‌های گوناگونی انجام می‌شوند که به لحاظ سطح تفصیل و رسمیت، با یکدیگر متفاوت هستند. ارزیابی نیز عموماً به انواع متفاوتی مانند ارزیابی فرگرد، ارزیابی تلاش، ارزیابی عملکرد، ارزیابی کارایی، و ارزیابی اثربخشی، تقسیم می‌شود (هاولت و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۳۰).

1. David Nachmias

2. Howlett and et all

ارزیابی سیاسی خط‌مشی‌های حکومت را هرکسی، با هر سطحی از منفعت در عرصه سیاسی می‌تواند انجام دهد. ارزیابی سیاسی — برخلاف ارزیابی اداری — معمولاً نه سامان‌مند است و نه به‌لحاظ فنی — مفصل. این ارزیابی‌ها، ذاتاً جانبدارانه، یک‌سویه، و دارای تورش هستند و ارزیابان این عرصه، با برجسب‌های موفق یا شکست‌خورده، درصدد تداوم یا تغییر آن‌ها هستند. این عمل، از اهمیت کار ارزیابی سیاسی نمی‌کاهد، زیرا این‌گونه ارزیابی‌ها با هدف حمایت از خط‌مشی‌های عمومی خوب یا به‌چالش کشیدن خط‌مشی‌های مشکل‌دار انجام می‌شوند.

ارزیابی قضایی، به‌خودی‌خود، به‌بودجه، اولویت‌ها، کارایی، و هزینه توجهی ندارد، بلکه به رعایت جنبه‌های قانونی و شیوه اجرای برنامه‌های حکومت می‌پردازد. در ارزیابی قضایی، نگرانی‌های ناشی از امکان به‌وجود آمدن تعارض بین اقدامات حکومت و اصول قانون اساسی یا استانداردهای موضوعه برای اداره امور و رعایت حقوق افراد، درنظر گرفته می‌شود. قوه قضائیه باید رأساً یا به درخواست افراد یا سازمان‌هایی که به عملکرد مؤسسه‌های دولتی اعتراض دارند و دادخواست خود را به مراجع قضایی تسلیم می‌کنند، به اقدامات دولت رسیدگی کند. اگرچه زمینه‌های بررسی‌های قضایی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما همواره بر ضرورت بررسی دقیق حقوق اساسی خط‌مشی‌های درحال‌اجرا تأکید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در مراحل تدوین آن‌ها، اصول حقوق طبیعی یا عدالت را براساس مردم‌سالاری در جوامع مردم‌سالار یا رهنمودهای دینی یا ایدئولوژیک نقض نکرده باشند. دادگاه‌ها، به‌ویژه در نظام‌های ریاستی با حقوق اساسی مبتنی بر تفکیک قوا، دارای نقش حقوقی به‌مراتب متفاوتی هستند؛ به‌این‌معنا که اختیار دارند و از مشروعیت لازم برای زیر سؤال بردن قوه قانون‌گذاری و مجریه برخوردارند؛ درنتیجه، خواستار ارزشیابی انحرافات رفتارهای اداری از حقایق و خطاهای قانونی بوده و تمایل دارند که فعال‌تر باشند.

تاکنون الگوهای ارزیابی فراوانی، براساس شرایط زمانی و مکانی و چارچوب‌های معرفت‌شناسانه، ایجاد شده‌اند که در نگاه نخست، پراکنده و غیرمرتبط به‌نظر می‌رسند، اما با وجود تعدد اسامی و تنوع الگوها، به‌لحاظ جوهره

ارزیابی، به هم مرتبط می‌شوند. درهمین‌راستا، تلاش‌های زیادی برای شناخت و ترسیم روند مطالعات ارزیابی، انجام شده است. از میان این تلاش‌ها می‌توان به گونه‌شناسی آلکین و کریستی^۱ (۲۰۱۲) اشاره کرد. به‌نظر این دو پژوهشگر، به‌طورکلی، الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از: روش‌محور، ارزش‌محور، و کاربردی. الگوی روش‌محور، درصدد ارزیابی و سنجش فنون علمی اثبات‌گرایانه است؛ الگوی ارزش‌محور، درصدد استفاده از روش‌های تعاملی و گفت‌وگویی برای ایجاد ادراک مشترک جمعی است؛ و الگوی کاربردی، مترصد ترکیب اقتضایی رویکردهای روش‌محور و ارزش‌محور، به‌فراخور مسئله موردبررسی است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵).

یکی از رویکردهای نوین به ارزیابی خط‌مشی عمومی، متناسب با موضوع این نوشتار، «رویکرد فرانوگرا» است که در ادبیات تحلیل خط‌مشی نیز تاحدودی تجلی یافته است (شرام^۲، ۱۹۹۳: ۲۵۲). در رویکرد فرانوگرا به خط‌مشی‌گذاری، کانون‌های قدرت —در قالب ساختارها و نهادهای گوناگون— درمورد اینکه کدام مسئله از دستورکار حذف شود و کدام‌یک در دستورکار خط‌مشی‌گذاران قرار گیرد، نقش بسزایی دارند؛ یعنی طرح مسئله، به‌هیچ‌روی، بر رویکرد عقلایی مبتنی نمی‌شود، بلکه تنها به خواسته‌ها و منافع کانون‌های قدرت و گروه‌های فشار وابسته می‌شود (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

افزون‌بر رویکرد فرانوگرا، نظریه «ساخت واقعیت اجتماعی» نیز به موضوع بحث نزدیک است. «نظریه ساخت اجتماعی»^۳ و رویکرد «طراحی خط‌مشی»، از بهترین بحث‌های پیش‌رو برای شناخت فراگرد خط‌مشی به‌شمار می‌آیند (آن‌شنایدر و هلن‌انگرام^۴ دراین‌باره مطالعاتی انجام داده‌اند). براساس این رویکرد، ساخت اجتماعی و قدرت گروه‌های هدف^۵ در هم آمیخته می‌شوند تا شناخت

1. Alkin & Christie

2. Schram

3. the Theory of Social Construction

4. Anne Schneider and Helen Ingram

5. Target Populations

کافی درباره روند شکل گیری و پیامدهای طراحی خطمشی، به دست آید. این نظریه، با هدف درک دلایل ناکامی خطمشی های عمومی در حل مشکلات عمومی یا ایجاد عدالت برای شهروندان، شکل گرفته است (پیرس و همکاران^۱، ۲۰۱۴: ۱). شنایدر و اینگرام بر این نظرنند که ساخت اجتماعی مطلوب گروه های هدف و در نتیجه مستحق^۲ یا نامستحق^۳ دانستن آنها، شیوه توزیع منافع عمومی و اجتماعی را به گونه ای تحت تأثیر قرار می دهد که افراد دارای قدرت و فعال در ساخت اجتماعی مطلوب، روزبه روز بهره مندتر، و افراد ضعیف و فعال در ساخت اجتماعی نامطلوب، روزبه روز بیشتر از مزایای اجتماعی محروم می شوند (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸: ۷۷). اینگرام و همکاران^۴ (۲۰۰۷) بر این نظرنند که نظام خطمشی گذاری، پیام های متفاوتی را درباره نحوه رفتار دولت و شیوه برخورد با آنها توسط دولت، به گروه های هدف متفاوت ارسال می کند. تخصیص مزایا و متحمل شدن هزینه برای گروه های هدف در خطمشی گذاری عمومی، به میزان قدرت سیاسی و ساخت اجتماعی مثبت یا منفی آنها به لحاظ مستحق بودن یا مستحق نبودن بستگی دارد (پیرس و دیگران، ۲۰۱۴: ۱).

اینگرام و همکاران (۲۰۰۷) در قالب نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، نوعی الگوی دوبعدی را ارائه کرده اند که یک بعد آن، مبتنی بر قدرت سیاسی گروه های هدف است و بعد دوم آن، به ساخت اجتماعی مثبت یا منفی مخاطبان خطمشی عمومی اشاره دارد. براساس این الگوی دوبعدی، چهار نوع گروه هدف قابل شناسایی هستند (دانایی فرد و جوانعلی آذر، ۱۳۹۸: ۷۷):

- برخوردارها^۵ که از قدرت سیاسی بالایی برخوردارند و معمولاً مزایای زیادی از خطمشی عمومی دریافت می کنند؛

1. Pierce et all.

2. Deserving and Entitled

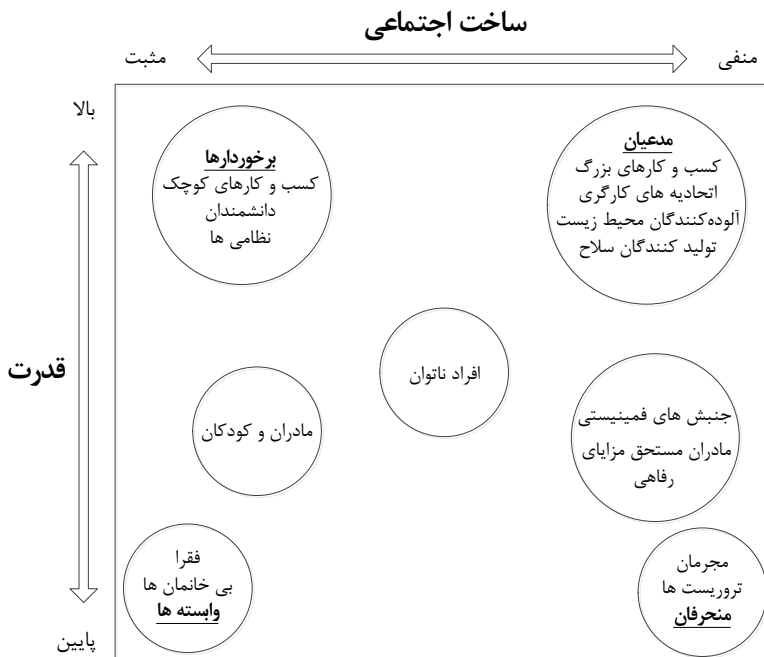
3. Undeserving and Unentitled

4. Ingram et all.

5. Advantaged

- مدعیان^۱ که منابع سیاسی اساسی‌ای را در اختیار دارند. آن‌ها نوعی تصویر منفی در جامعه دارند و به‌همین دلیل، مزایایی که از محل خط‌مشی دریافت می‌کنند، اغلب مجرمانه است؛ یعنی در جزئیات قانون‌گذاری پنهان شده و شناسایی آن دشوار است؛
- وابسته‌ها^۲ که فاقد قدرت سیاسی هستند و به‌دلیل نداشتن قدرت، از مزایای دولتی بسیار کمتری بهره‌مند می‌شوند؛
- منحرفان^۳ که نه قدرت سیاسی بالایی دارند و نه از ساخت اجتماعی مثبتی برخوردارند. پیامی که آنان از خط‌مشی دولتی دریافت می‌کنند، این است که خود، مسئول مشکلاتشان هستند!

نمودار ۱. موقعیتیابی گروه‌های هدف خط‌مشی‌های عمومی، براساس الگوی اینگرام و همکاران



منبع: دانایی‌فرد و جوانعلی‌آذر، ۱۳۹۸: ۸۳

1. Contenders
2. Dependents
3. Deviants

پیرس و دیگران (۲۰۱۴) در بررسی ۱۱۱ پژوهش تجربی کاربردی از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ به یک نتیجه جالب رسیده‌اند، دال بر اینکه ۶۷ درصد پژوهش‌های یادشده، در مورد گروه‌های هدف وابسته‌ها و منحرفان انجام شده‌اند (پیرس و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۳). نتیجه پژوهش آن‌ها به این سبب برای ما اهمیت دارد که اذعان می‌کنند، این میزان پژوهش، در مورد گروه‌های هدفی انجام شده است که قدرت کمی دارند و فاقد توانایی تغییر و تأثیرگذاری بر خط‌مشی عمومی هستند!

۳. نظام قضایی و پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی

در مقدمه قانون اساسی، در بخش «قضا در قانون اساسی»، چنین آمده است: «مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی؛ از این رو، ایجاد نظام قضایی برپایه عدل اسلامی و متشکل از قضاات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی، پیش‌بینی شده است؛ این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد...». همچنین، براساس اصل ۱۵۶، «قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبيه که قانون معین می‌کند؛

- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛

- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات

مدون جزایی اسلام؛

- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

براساس قانون اساسی، قوه قضائیه وظایف و اهداف گسترده و بسیار مهمی دارد؛ به گونه‌ای که برخلاف تلقی رایج، منحصر به دادرسی نبوده، و پاسداری از حقوق مردم نیز به پاسداری از حقوق اشخاص در مواقع نزاع و مراجعه به دادگاه محدود

نمی‌شود، بلکه پاسداری از حقوق مردم را به‌طور کلی در نظر گرفته است تا همه ابعاد حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی را دربر گیرد (پروین، ۱۳۸۲). یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های تکامل دولت‌های دموکراتیک، افزایش ارتباط نظام قضایی با ابعاد سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی جامعه است (فدریکو^۱، ۲۰۱۲: ۸۷). مسیر حرکت نظریه‌های حقوقی و قضایی پیش رو نیز به‌سوی گسترش دامنه مداخله در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و افزایش پاسخ‌گویی دولت‌ها بوده است (اندرسون و دیگران^۲، ۲۰۰۵: ۱۳). بررسی ادبیات مربوط به اصلاحات قضایی نیز نشان می‌دهد که مبانی منطقی یا عقلانی اصلاحات قضایی، از رشد اقتصادی و توانمندسازی بازار از طریق نهادگرایی نئولیبرال گرفته تا کاهش فقر، حکمرانی خوب، دسترسی به عدالت و توانمندسازی فقرا، تغییر کرده است (آرمیتاژ^۳، ۲۰۱۱: ۷۰). براین اساس، اقدام قضایی یکی از رویکردهای طلایی برای حفاظت از ابعاد گوناگون حقوق عمومی، مانند حفاظت از حقوق اساسی، امنیت زندگی، آزادی، سرمایه و مالکیت، حقوق زنان و اقلیت‌ها، و حمایت کلی از منافع عمومی است (ملا^۴، ۲۰۱۴: ۴۸۷).

باوجود روند اصلاح‌گرایانه نظام‌های قضایی دنیا، به‌ویژه در کشورهای اروپایی و شرق و جنوب شرق آسیا، متأسفانه قوه قضائیه ایران، در حال حاضر، همه توان خود را برای رسیدگی به مسائل حقوقی، کیفری، و امور حسبی به‌کار گرفته و از سایر وظایف مطرح‌شده در قانون اساسی غافل مانده است. این نکته بسیار مهم است که قوه قضائیه، اهداف و وظایف اساسی دیگری نیز دارد که مهجور مانده‌اند (پروین، ۱۳۸۲). صیانت از حقوق جمعی مردم در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی، و حسابرسی تصمیم‌گیرندگان و مجریان کلان خط‌مشی‌های عمومی، نشان‌دهنده توجه خبرگان قانون اساسی به این امر است (ر.ک: اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

1. Federico

2. Anderson et all.

3. Armytage

4. Mollah

از آنجاکه دولت و سازمان‌های دولتی، مهم‌ترین منابع مالی کشور را در اختیار دارند، احتمال اقدامات فسادآلود، در قالب خط‌مشی‌های دولتی به شدت افزایش می‌یابد (فدریکو، ۲۰۱۲: ۸۷). چنانچه نهادهای ارزیابی‌کننده خط‌مشی عمومی فعال نباشند و عملکرد نهادهای خط‌مشی‌گذار را رصد نکنند، در قالب همین خط‌مشی‌ها و اقدام‌های نهادهای دولتی، ممکن است بزرگ‌ترین ظلم‌ها و فسادها رخ دهند. از این منظر، پابرهنگان تنگدست و فقیران مستضعف، بیش از آنکه از ناتوانی خود رنج ببرند، گرفتار خط‌مشی‌گذاران و کارگزاران بی‌کفایت و فاسد می‌شوند؛ از این رو، لازم است که عملکرد زمامدارانی که فقر و تنگدستی مردم، زائیده خط‌مشی‌گذاری آنان است، به گونه‌ای دقیق، صریح، قاطعانه و درعین حال منصفانه ارزیابی شود. نظام قضایی، از طریق ارزشیابی عملکرد مقامات دولتی، به ایجاد اعتماد عمومی کمک می‌کند و نقش کلیدی‌ای را در تحقق حاکمیت مطلوب ایفا می‌کند (کیم، ۲۰۰۷: ۱۵).

اگر تاکنون برخی از آسیب‌های اجتماعی، مانند فقر، را از دیدگاه اقتصادی تحلیل کرده‌ایم و اگر بیشتر توجه‌مان به فقر و تنگدستی مستضعفان و محرومان بوده است و، گاه‌وبیگاه، درصدد ترسیم خط فقر بوده‌ایم، امروز لازم است که برای «پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی» مسیر توجه خود را به‌سوی مسائل مهم‌تری روانه کنیم. برای فهم معضل فقر و تنگدستی و چشم‌انداز رفع آن، باید بی‌پرده به ارزیابی خط‌مشی‌های اجراشده بپردازیم. باید درک کنیم که عوامل ناپیدا و پنهان به‌وجودآورنده فقر و فلاکت مردم چه مواردی هستند؟ بی‌تردید، حقوق انکارشده مردم، آزادی‌های مصادره‌شده، سیاست‌های کثیف قدرت‌طلبانه، خدمات عمومی انجام‌نشده، فرصت‌های ازدست‌رفته، منابع عمومی تاراج‌شده، حس کرامت ازدست‌رفته و نظایر آن، از عوامل مهمی هستند که باید موردتوجه ارزشیابان خط‌مشی‌های عمومی قرار گیرند (بانک توسعه آسیایی، ۱۳۹۵). جبران عقب‌افتادگی ارزشیابی خط‌مشی در ایران و ضرورت حساب‌کشی از خط‌مشی‌هایی که فاجعه به‌بار می‌آورند و پیامدهایی که حتی ممکن است نسل‌های آینده را درگیر کنند،

اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این شرایط و در زمانه‌ای که دولت‌ها معمولاً مایل نیستند شکست‌های خود را که موفقیت می‌پندارند، آشکار شده و کالبدشکافی شده بیابند (هاولت و دیگران، ۲۰۰۶: ۳۳۳)، لازم است ارزشیابی خط‌مشی‌ها از حالت حاشیه‌ای و جانبی خارج شده و به یک ضرورت تبدیل شود (معمارزاده طهران و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲). براین اساس، جایگاه و اهمیت ارزیابی قضایی و غیرقضایی خط‌مشی با همکاری نظام قضایی قدرتمند و مستقل، نمایان‌تر می‌شود.

۴. ظلم‌شناسی؛ مفهوم‌پردازی براساس رهنمودهای اسلامی

یکی از کلیدواژه‌های قرآنی که در مقابل عدالت و حق قرار می‌گیرد، مفهوم ظلم است. براساس رهنمودهای دینی، هرچه قسط و عدل باعث آبادانی و تعالی جوامع می‌شود، پیامد ظلم، سبب خسران و هلاکت می‌شود؛ بنابراین، بقا و تعالی جامعه را می‌توان در محترم انگاشتن و استیفای حقوق مردم دانست و هلاکت و سرنگونی آن را در ظلم‌گستری یا بی‌توجهی به ظلم.

ظلم نزد اهل لغت، عبارت است از نهادن چیزی در غیر جای ویژه آن (کمتر یا بیشتر)، یا آن را در وقت و مکان خود انجام ندادن. در سامانه آفرینش، هرچیزی جایگاه و حد ویژه‌ای دارد که اگر در آن حد و جایگاه قرار گرفت، عدل، و اگر قرار نگرفت، ظلم تحقق می‌یابد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

از امام علی (ع) چنین روایت شده است که ظلم، سه گونه است؛ ظلمی که هرگز بخشیده نمی‌شود، ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، و ظلمی که بخشیده می‌شود و بازخواست ندارد؛ اما ظلمی که بخشیده نمی‌شود، شرک به خداست؛ ظلمی که بخشیده می‌شود، ظلمی است که انسان با لغزش‌ها (و ارتکاب گناهان صغیره) به خود روا می‌دارد؛ و ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند، ظلم بعضی از بندگان بر بعضی دیگر است^(۳) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶: ۲۴۰).

به نظر می‌رسد براساس این حدیث، ظلم را می‌توان به سه قسم کلی تقسیم کرد: ظلم عقیدتی، ظلم فردی، و ظلم اجتماع؛ گویا عدل نیز دارای همین اقسام است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

ظلم عقیدتی، عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور در عقیده و

باور. از دیدگاه اسلام، توحید، عدل است و شرک، ظلم؛ توحید، عدل عقیدتی است و شرک، ظلم عقیدتی. قرآن کریم از شرک به منزله ظلم عظیم یاد می‌کند^(۳). ظلم فردی، عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی امور، در مورد حقوق خود. کسی که کاری می‌کند که برای جسم یا جان او در حال حاضر یا در آینده زیان‌آور است، به حق فطری و طبیعی خود تجاوز کرده و به خود ظلم روا داشته است. ظلم اجتماعی، عبارت است از رعایت نکردن جایگاه واقعی حقوق مردم و تخلف از قوانینی که موجب تأمین نیازهای واقعی جامعه می‌شوند. کسی که حقی را که مربوط به دیگری است، غصب می‌کند، جایگاه واقعی آن حق را رعایت نکرده، از قانون جامعه تخلف کرده، و به همین سبب، مرتکب ظلم اجتماعی شده است. براساس آیه‌های قرآن کریم، مال یتیم باید نصیب یتیم شود؛ پس اگر به ناحق، نصیب دیگری شد، در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته و ظلم تحقق یافته است.

بنابراین، مفهوم ظلم را می‌توان یک مفهوم تأسیسی اسلامی به‌شمار آورد که در آیه‌های قرآن کریم و روایت‌های رسیده از معصومان حساسیت بالایی دارد. در اسلام، همان‌گونه که بر قسط و عدل تأکید شده است، درمقابل، از ستم و ظلم نیز نهی شده است. این مفهوم‌پردازی از واژه ظلم، خاص عالم اسلام است و شاید نتوان چنین مفهومی درباره ظلم را از نظام حقوقی جوامع غربی استنباط کرد.

در بخش پیشین اشاره شد که وظایف قوه قضائیه تقریباً به رسیدگی به پرونده‌های قضایی محدود شده است و گویا همه توجه این قوه، بر رسیدگی به حجم بالای پرونده‌ها متمرکز است؛ درحالی‌که منحصر و محدود کردن وظایف قوه قضائیه به رسیدگی به پرونده‌های قضایی، با ماهیت وجودی نظام قضایی جامعه اسلامی، هماهنگ نیست. ضرورت احیای حقوق عامه مردم، به‌منزله یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه، ایجاب می‌کند که نظام قضایی کشور، به ظلم‌های بزرگی که در قالب خط‌مشی‌های عمومی، حقوق مردم را زایل می‌کند، بی‌توجه نباشد.

با این شرح، پرسش‌های زیر مطرح می‌شوند:

الف) آیا می‌توان از این مفهوم تأسیسی اسلام که مورد توجه شارع مقدس است، به نفع محرومان و مستضعفان، در مسیر عدالت و حق‌طلبی استفاده کرد؟ (ب)

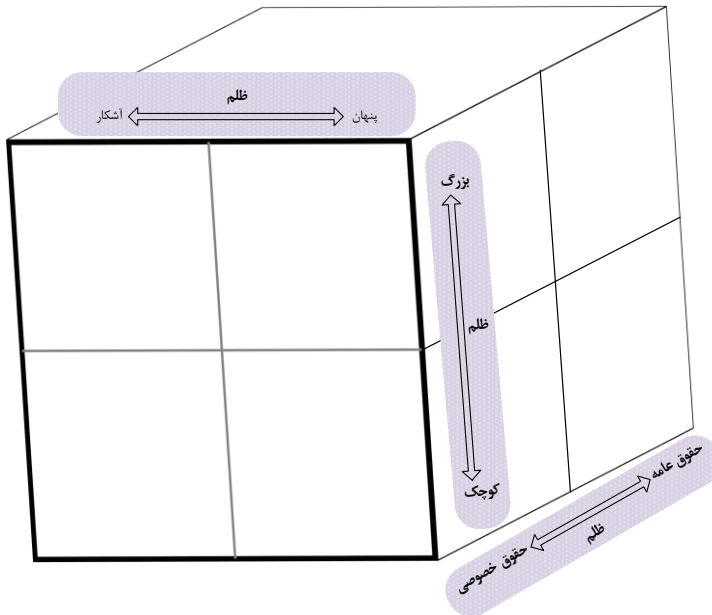
چه سازوکاری می‌توان برای دوری از ظلم و نزدیکی به عدل در راستای تعالی حقوق مردم اتخاذ کرد؟ (ج) چگونه می‌توان مفهوم موسع ظلم را صورت‌بندی کرد تا ایده‌هایی برای مبارزه با همه مظاهر آن، در قالب یک الگو، شکل بگیرد؟

با تأمل در گستره مفهوم ظلم در قرآن و روایت‌های معصومان و همچنین، با استفاده از دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان، می‌توان به ایده مناسبی برای ارائه الگویی درباره مفهوم ظلم و طراحی چارچوب کاربردی مناسبی برای مبارزه با آن، دست یافت. *ابن خلدون*، اندیشمند مسلمان مغربی، در تشریح اهمیت عدالت‌گستری و نقش آن در قوام و پایداری حکومت‌ها، به صراحت به مفهوم ظلم پرداخته است؛ به عقیده او، ظلم دو نوع است: ۱. ظلم‌های کوچک و آشکار، مانند حالتی که کسی اموال دیگری را بدزدد یا به حریم دیگری تجاوز کند؛ ۲. ظلم‌های بزرگ و پنهان، مانند ظلمی که حکومت یا قانون‌گذار انجام می‌دهد. این ظلم، آشکار نیست، چون خود حکومت، بنیان‌گذار قوانین اشتباه است؛ بنابراین، ظلم آن به‌ظاهر ظلم دیده نمی‌شود، اما به ویرانی جامعه می‌انجامد. *ابن خلدون* چنین ظلمی را خطرناک‌ترین نوع ظلم می‌داند (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۰).

ابن خلدون با درنظر گرفتن مراتب ظلم، بر این موضوع مهم تأکید می‌کند که ظلم‌ها بسته به میزان کوچک بودن یا بزرگی آن‌ها، در ویرانی بنیان جوامع و فروپاشی حکومت‌ها، نقش متفاوتی دارند. وی بر این نظر است که ظلم‌های کوچک را می‌توان برطرف کرد، اما مقابله با ظلم‌های بزرگ، که از صاحبان قدرت و زور صادر می‌شوند، دشوار است؛ درحالی‌که ویرانی و خرابی ناشی از این‌گونه ظلم‌ها، بسیار بیشتر است (*ابن خلدون*، ۱۳۳۶: ۴۸۵).

با بهره‌گیری از بحث‌های پیش‌گفته و با توجه به موضوع این نوشتار، می‌توان یک الگوی سه‌بعدی از ظلم ارائه کرد و ظلم‌های (اجتماعی) گوناگون را در آن، از هم بازشناخت. یک بعد این الگو، به ظلم‌های آشکار و پنهان اشاره می‌کند، بعد دیگر، ظلم‌های کوچک و بزرگ را شناسایی می‌کند و بعد سوم، ظلم‌های ابعاد اول و دوم را در پیوستاری از سطح حقوق عمومی تا حقوق خصوصی، درنظر می‌گیرد (نمودار ۲).

نمودار ۲. الگوی سه بعدی ظلم شناسی



به این ترتیب، می توان هشت گونه ظلم را در نقاط انتهایی نمودار ۲، در نظر گرفت. در این الگو، ظلم های بزرگ در دو سر یک پیوستار، بین ظلم های بزرگِ پنهان و ظلم های بزرگِ آشکار قرار می گیرند. میزان آشکار یا پنهان بودن ظلم ها را از جنبه های گوناگونی می توان بررسی کرد. ظلم های بزرگِ پنهان یا آشکار، به سبب ماهیت و گستردگی، معمولاً توسط حاکمان، نخبگان، و قدرتمندان صاحب ثروت و مقام انجام می شوند، زیرا توانایی آن ها هم به لحاظ قانونی و جایگاه و هم به لحاظ قدرت مالی و...، این فرصت را برای آن ها فراهم کرده است که بتوانند حقوق دیگران را به گونه ای آشکار یا پنهان، ضایع کنند. حاکمان و نخبگان جامعه، زیر پرچم قانون، می توانند با خط مشی گذاری های نادرست در راستای هدف ها و خواسته های نفسانی خود، حتی حقوق کسانی را که با رأی آن ها زمام امور را در دست گرفته اند، پایمال کنند (براساس الگوی اینگرام و همکاران در نظریه ساخت واقعیت اجتماعی، ظلم های بزرگ یا توسط گروه های هدف برخوردارها و مدعیان اعمال می شوند یا از طریق نفوذ و اعمال فشار آن ها ایجاد می شوند).

ظلم های کوچک نیز در دو سر یک پیوستار قابل بررسی هستند؛ ظلم های

کوچک آشکار و ظلم‌های کوچک پنهان. در عرصه اجتماع، مصداق‌های فراوانی از آن‌ها را می‌توان مشاهده کرد؛ برخی از این ظلم‌ها در محاکم، مورد دادخواهی قرار می‌گیرند و برخی، در جامعه به‌فراوانی قابل مشاهده هستند؛ از سد معبر مغازه‌داران و فروشندگان خرده‌فروش گرفته تا آشغال ریختن در سطح معابر و سرقت اموال مردم. ظلم‌های کوچک پنهان نیز گستره وسیعی دارند که می‌توان از کم‌کاری کارمندان شرکت‌ها تا رفتار ناشایست و غیرقانونی فروشندگان و تولیدکنندگان را جزء آن‌ها به‌شمار آورد؛ برای مثال، مانند حالتی که فروشنده یا تولیدکننده لبنیات، در شیر آب می‌ریزد و به مردم می‌فروشد.

ظلم‌ها افزون‌بر اینکه به‌لحاظ کوچکی و بزرگی و نیز آشکار و پنهان بودن دسته‌بندی می‌شوند، از این منظر که ممکن است حقوق عمومی یا خصوصی را پایمال کنند نیز قابل بررسی هستند. با افزودن مفاهیم حقوق عمومی و حقوق خصوصی، ظلم‌ها و مفاسد تنها به اقدامات کوتاه‌مدت سازمان‌ها و نهادهای دولتی محدود نمی‌شوند، بلکه خط‌مشی‌ها و قوانین کلانی که با سرنوشت مردم و حتی نسل‌های آینده سروکار دارند نیز درنظر گرفته می‌شوند.

مجموعه ظلم‌های کوچک از نوع آشکار یا پنهان در سطح عمومی یا خصوصی، ظلم‌هایی هستند که موجودیت اجتماع را تهدید نمی‌کنند و براساس الگوی اینگرام و همکاران، معمولاً از افرادی صادر می‌شوند که قدرت اندکی دارند. در این‌گونه موارد، با نظارت یا کنترل فاعلان، می‌توان ظلم‌های خرد را کاهش داد، اما ظلم‌های بزرگ از نوع آشکار یا پنهان، در سطح حقوق عمومی یا خصوصی، خانمان‌برانداز هستند؛ عموم مفاسد اقتصادی که کشورها به آن دچار می‌شوند، در زمره همین ظلم‌ها قرار می‌گیرند که افراد عادی و فاقد قدرت، نمی‌توانند مرتکب آن‌ها شوند. این ظلم‌ها گاهی منتسب به نزدیکان رئیس‌جمهور می‌شوند، گاهی ردپای نمایندگان مردم را درنظر می‌آورند، و گاهی شبکه‌ای از چپاولگران را به ذهن متبادر می‌کنند که در هر عرصه‌ای، صندلی خریداری کرده‌اند و مشغول بهره‌برداری از مقام و موقعیت خود هستند. مردم سرزمین ما در سال‌های اخیر با بسیاری از این‌گونه ظلم‌ها سروکار داشته‌اند، هرچند گاهی هرگز متوجه

نشده‌اند. براساس الگوی ظلم‌شناسی، برخی از ظلم‌ها هیچ‌گاه بر آن‌ها آشکار نخواهند شد و در لایه‌های پایین این الگو، سربه‌مهر خواهند ماند؛ اگر شخصی ناله‌ای از اقدام ظالمانه‌ای سردهد و از جفایی که بر او یا هم‌نوعانش رفته است، فریادی برآورد، ممکن است ظلم واقع‌شده (با شکایت شاکی) از لایه پنهان الگو سر برکشیده و در زمره ظلم‌های آشکار قرار گیرد؛ درغیراین‌صورت، ظلم و ظالم هر دو پابرجا خواهند ماند.

ظلم‌ستیزی و مبارزه با همه مظاهر آن، اگرچه وظیفه همه مردم جامعه اسلامی است، اما چنانچه بخواهیم از این مفهوم تأسیسی اسلام در قرن حاضر، براساس نظر شارع مقدس استفاده کنیم، بیش از هر نهاد دیگری، این نظام قضایی کشور است که موردخطاب قرار می‌گیرد. بی‌تردید، زمین بازی قوه قضائیه، عرصه مبارزه با ظالمان و مفسدان و گردن‌کشانی خواهد بود که حقوق مردم را به یغما می‌برند.

براساس الگوی ارائه‌شده، چنانچه دادگاه‌های دادگستری، دادسراها، پلیس، و ضابطان قضایی، باکیفیت و کارا عمل کنند، می‌توانند ظلم‌های کوچک آشکار و پنهان را، چه در بخش حقوق عمومی و چه در بخش حقوق خصوصی، پوشش دهند. ظلم‌های کوچکی که با شکایت شاکی خصوصی و ارائه اسناد اثبات‌کننده به محاکم عرضه می‌شوند، با «عدالت نشسته کارا» حل و فصل می‌شوند، اما رفع ظلم‌های پنهان یا ظلم‌هایی که به دلیل نداشتن شاکی خصوصی، پنهان باقی می‌مانند، نیازمند «عدالت نافذ آگاه» است. نظام قضایی نافذ آگاه، دارای دادستان‌های فعال، ضابطان قضایی آگاه و به‌روز، و نیز قضات مطلع است (نمودار ۳).

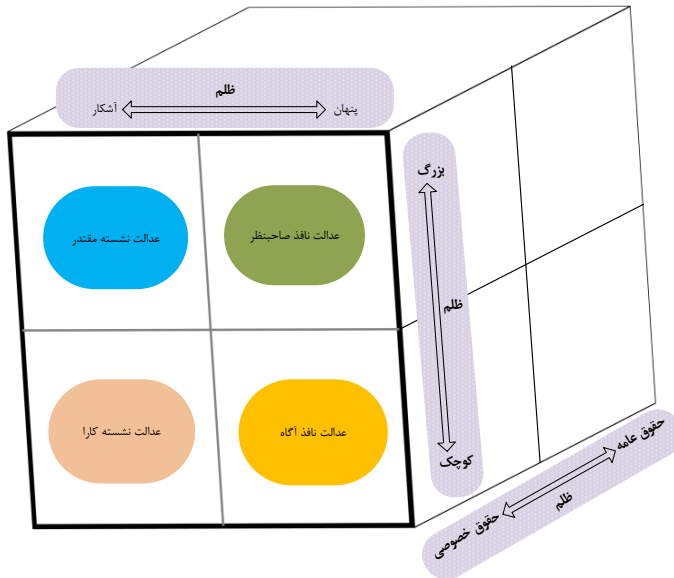
همچنین، برای مبارزه با ظلم‌های بزرگ آشکار، به «عدالت نشسته مقتدر» نیاز داریم. در اینجا، استقلال نظام قضایی، در رسیدگی به این ظلم‌ها اهمیت فراوانی دارد و به‌تعبیر نودورف^۱ (۲۰۱۷)، استقلال قضایی «سرنوشت قانون اساسی» است (نودورف، ۲۰۱۷: ۱). مرتکبان این ظلم‌ها، یا خود از نخبگان جامعه و از زمامداران و خط‌مشی‌گذاران هستند، یا از نزدیکان و منتسبان به مراکز قدرت. ارزیابان قضایی خط‌مشی عمومی، با اتکا به قدرت و استقلال خود، می‌توانند از انواع

ظالمان و مفسدان حساب‌کشی کرده و آنان را وادار به پاسخ‌گویی کنند. اگرچه در این زمینه مثال‌های بسیار زیادی از سال‌های گذشته می‌توان مطرح کرد، اما اشاره اخیر رئیس قوه قضائیه به ظلمی که شرکت‌های خودروساز در حق مردم کرده‌اند، قابل تأمل است؛ ظلمی که سال‌ها است برای مسئولان قضایی (و مردم مظلوم) آشکار است:

اگر سازمانی [شرکت خودروساز] به خود اجازه دهد که تعهدش نسبت به مشتری را به‌صورت یک‌طرفه نقض کند، درواقع، مرتکب نقض حقوق عامه شده است... قطعاً ما با چنین مواردی به‌دلیل نقض حقوق عامه برخورد می‌کنیم. نباید یک شرکت به‌دلیل ایستادن در نقطه قدرت و نیاز مردم به کالای آن، برخلاف موازین شرعی و قانونی اقدام به نقض تعهداتش کند (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۱).

برای مبارزه با ظلم‌های بزرگ پنهان، چه در بخش خصوصی و در چه بخش عمومی، نیازمند «عدالت نافذ صاحب‌نظر» هستیم. در این بخش، کشف ظلم‌ها و فسادها، از توان افراد معمولی جامعه خارج است؛ ظلم‌ها، حتی ممکن است در پوشش قانون و خط‌مشی‌های عمومی، به‌گونه‌ای محرمانه به‌نفع مفسدان و ظالمان مدعی انجام شود؛ ازاین‌رو، ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی، در هر رشته‌ای به‌گونه‌ای تخصصی و دقیق، نیازمند کارشناسان دانشمند و کارآزموده‌ای است که بتوانند با دانش و تخصص خود، دست ظالمان و چپاولگران حقوق مردم را رو کنند، بی‌کفایتی و بی‌خردی مدیران و مسئولان نالایق را آشکار کنند، ضرر و زیان اقدامات و سیاست‌های آنان را ثبت و ضبط کنند، و در صورت امکان، پرونده آنان را به مراجع قضایی ارجاع دهند و امکان تصدی مسئولیت‌های مهم در آینده را از آنان بگیرند.

نمودار ۳. الگوی سه بعدی ظلم شناسی و نوع شناسی عدالت نظام قضایی



به نظر می‌رسد که قوه قضائیه، در حال حاضر با توجه به کاستی‌هایی که در بخش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شد، بیشتر به ظلم‌ها و جرایم و مفسد آشکار و درعین حال کوچک، رسیدگی می‌کند؛ درحالی‌که ظلم‌ها و جرایم و مفسد بزرگ و درعین حال آشکار و پنهانی وجود دارند که حیثیت و موجودیت جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کنند، اما برای رسیدگی به آن‌ها، اثری از قوه قضائیه وجود ندارد. غارتگران حقوق مردم، به تعبیر امیرالمومنین (ع) همچون شتر گرسنه‌ای که در بهار به علف‌زار بیفتد و با ولع عجیبی گیاهان را بلعد، به خوردن اموال مردم مشغول هستند، درحالی‌که شدت عمل قوه قضائیه در جایی هزینه می‌شود که نتیجه آن در چنین شرایطی ناچیز است؛ هرچند اخیراً اقدامات امیدوارکننده‌ای در راستای اصلاح این روند آغاز شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مسئولیت مدنی دولت در برابر خط‌مشی عمومی بررسی شد و تلاش شد با رهیافتی میان‌رشته‌ای در علم حقوق و مدیریت، مسئولیت دولت بررسی و مطالعه شود. باوجود اینکه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دولت‌ها در

برابر مردم را می‌توان نشان‌دهنده میزان تکامل و پیشرفت فرهنگ حاکم بر نظام سیاسی و حقوقی دانست، این موضوع در بسیاری از کشورها فراگیر نشده است. در دانش مدیریت، باوجود اینکه ارزیابان خط‌مشی‌های عمومی، نقش بی‌بدیلی در ارتقای پاسخ‌گویی، بهبود یادگیری، و حتی اطلاع‌رسانی دستاوردهای خط‌مشی ایفا می‌کنند، آن‌گونه که باید، موجب پاسخ‌گو کردن خط‌مشی‌گذاران نشده‌اند. توجه به ارزیابی خط‌مشی عمومی در ایران، در دولت، مجلس، و همچنین در نظام قضایی — که باید حافظ حق‌الناس باشد، و آثار خط‌مشی‌های دولتی را بر حقوق مردم ردیابی کند — مهجور مانده است.

شاید بتوان وظیفه نظام قضایی را در «پاسداری از حقوق مردم و تحقق عدالت» خلاصه کرد. بااین‌حال، این نظام به‌لحاظ مبانی حقوقی، شرایط مناسبی برای ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی و احقاق حقوق مردم ندارد. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که ارزیابی نظام قضایی از خط‌مشی‌های دولتی، آن‌گونه که باید باشد، نیست؛ برای مثال، براساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی مبنی بر نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین توسط سازمان بازرسی کل کشور، این سازمان مسئولیتی در حد یک ارزیاب تمام‌عیار به‌عهده دارد، ولی در عرصه عمل و اقدام، بیشتر در حد تفتیش اعمال و رفتار در سطح خرد و اجرای ظاهری قوانین فعال بوده است، نه ارزشیابی خط‌مشی‌های زیان‌باری که مقدرات و معیشت مردم را تهدید و تحدید می‌کنند.

بسیاری از ظلم‌های بزرگ که حیثیت نظام جمهوری اسلامی را خدشه‌دار کرده‌اند، زیر پوشش اقدامات قانونی و در قالب خط‌مشی‌های عمومی، توسط سازمان‌های عمومی قدرتمند انجام می‌شوند. رسیدگی عادلانه به این خط‌مشی‌های زیان‌بار، دشوارترین بخش وظیفه نظام قضایی بوده و مستلزم مبانی نظری و حقوقی مستحکم و نظام قضایی مستقل و قدرتمندی است. همچنین، برخورداری از تخصص و چشم‌بینا برای ارزیابی و رصد ظلم‌ها و ارزیابی بی‌رحمانه خط‌مشی‌های ناقص خط‌مشی‌گذاران، ضروری است. تأمل در این حوزه، ما را متوجه خسارت سنگینی می‌کند که به‌دلیل بی‌توجهی به وظایف نظام قضایی، بر

جامعه وارد شده است؛ از این رو، تحول در نظام قضایی کشور، یکی از اولویت‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران است؛ نظامی که به تعبیر مقام معظم رهبری، باید یک مجموعه «نجات‌بخش، امیدبخش، و آرامش‌بخش» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶) برای ریشه‌کنی انواع فساد، ظلم، و بی‌عدالتی در سطح جامعه پیشرو و سرآمد باشد.

برای برون‌رفت از شرایط موجود، براساس رهنمودهای دینی، تنها راه نظام قضایی، تغییر زمین بازی و کشاندن میدان، به عرصه مبارزه با ظلم‌های بزرگ خانمان‌برانداز و ظالمان‌ظاهرالصلاح است. باید در ارزیابی خط‌مشی‌های اجراشده، بی‌پرده نگریست، عالمانه اندیشید، و مقتدرانه عمل کرد.

آبرو و اعتبار نظام قضایی نیز به همین امر وابسته است. تا زمانی که بخش عمده تلاش و هزینه قوه قضائیه صرف جرایم، ظلم‌ها، و فسادهای کم‌اهمیت می‌شود، درحالی که مصداق‌های فسادها و ظلم‌های بزرگ و خیانت‌بار، روزانه در مقابل دیدگان مردم، سوهان روح و جان آن‌ها است، دستیابی به نتیجه مطلوب از عملکرد قوه قضائیه، ناممکن خواهد بود. گستره اهداف و وظایف قوه قضائیه ایجاب می‌کند که این نظام برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی، به‌سوی تخصص‌گرایی در ظلم‌شناسی گام بردارد. تا زمانی که ابتدای نظام قضایی، تنها بر مسئولیت مدنی صریح حکومت باشد، ظلم‌های بسیاری از تیررس نظام دادپروور خارج می‌مانند. چنانچه ظلم‌ستیزی در حکومت اسلامی به‌صورت تخصصی محور توجه قوه قضائیه قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود که خط‌مشی‌های غیرمعقول و برنامه‌های غیرکارشناسانه سازمان‌های عمومی، به‌گونه‌ای خردمندانه ارزیابی شوند و از اجرای آن‌ها جلوگیری شود تا از شدت ظلم‌های آن‌ها کاسته شود.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۱۱- کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

۲. أَلَا و ان الظلم ثلاثة: فظلم لا يغفر، و ظلم لا يترك، و ظلم مغفور لا يطلب. فأما الظلم الذي لا يغفر فالشرك بالله، قال الله تعالى: (ان الله لا يغفر أن يشرك به). و أما الظلم الذي يغفر فظلم العبد نفسه عند بعض الهنات، و أما الظلم الذي لا يترك فظلم العباد بعضهم بعضاً.

۳. إِنَّ الشُّرْكَ أَظْلَمُ عَظِيمٌ.

۴. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا (سوره نساء، آیه ۱۰)

منابع

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=37040>

<http://rc.majlis.ir>

<https://www.mizanonline.com/fa/news/533442>

ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۶)، مقدمه، جلد اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ نخست.

ادیبی مهر، محمد؛ سلطانی، عین اله (۱۳۹۷)، «مبانی مسئولیت مدنی در امور مالی دولت از منظر فقه و حقوق موضوعه»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره پنجاه و چهار.

بانک توسعه آسیایی (۱۳۹۵)، چالش‌های اجرای اصلاحات قضایی در دسترسی به عدالت، ترجمه لیلی منفرد، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.

پروین، فرهاد (۱۳۸۲)، «اهداف و وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی»، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶)، سخنان رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۴/۲۷، در دسترس در:

خبرگزاری میزان (۱۳۹۸)، «با خودروسازانی که قیمت و زمان تحویل را به میل خود تغییر دهند برخورد شود»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴، در دسترس در:

خوینی، غفور؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ بحرینی، سید امیرحسین (۱۳۹۷)، «مسئولیت مدنی و اخلاقی دولت در اعمال سیاست‌های مالی بر مبنای ضابطه تقصیر سنگین»، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، شماره ۱.

داناپی‌فرد، حسن؛ جوانعلی آذر، مرتضی (۱۳۹۸)، خط‌مشی‌گذاری عمومی و ساخت واقعیت اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

رضایی‌زاده، محمدجواد؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۲)، «مسئولیت مدنی دولت ناشی از تصویب، تغییر و یا عدم اجرای طرح‌های شهری»، حقوق اداری، سال اول، شماره ۱.

رضوانی‌فر، محمد مهدی (۱۳۹۶)، «بررسی جایگاه و صلاحیت‌های دیوان محاسبات کشور در چرخه نظارت بر سیاست‌های کلی نظام»، دانش حقوق و مالیه، سال اول،

شماره ۲.

صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی مبنا و ماهیت مسئولیت مدنی دولت»، *حقوق تطبیقی*، شماره ۱۰۳.

فیرحی، داوود (۱۳۸۶)، «تأملی بر نظریه ابن‌خلدون درباره عدالت»، *روزنامه ایران*. ۱۰/۰۱/۱۳۸۶، ص ۱۰.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). درگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در دسترس در:

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، *مبانی شناخت، قم: دارالحديث*.

معمارزاده طهران، غلامرضا؛ میرسپاسی، ناصر؛ جلیلی، سودابه (۱۳۹۲)، «ارائه مدل برای ارزیابی اثربخشی اجرای خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بهداشت و درمان»، *رسالت مدیریت دولتی*، سال دوم، شماره چهارم.

نهج البلاغه، مجموعه خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی(ع)، گردآورنده سید رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: یاسین نور.

واعظی، رضا؛ شریف‌زاده، فتاح؛ محمدی، محسن (۱۳۹۵)، «شناسایی و اولویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی»، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، سال دهم، شماره ۴۰.

واعظی، رضا؛ محمدی، محسن (۱۳۹۵)، «الگویی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در ایران (مطالعه خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده)». *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، شماره ۲۹.

الوانی، سیدمهدی؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۸۷)، «بازخوانی دانش سیاست‌گذاری در زمینه پست‌مدرنیسم: شکل‌گیری خط‌مشی در عصر پست‌مدرن»، *فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۴، شماره ۵۶.

هاولت، مایکل؛ رامش، ام. پرل، آنتونی (۲۰۰۶)، *مطالعه خط‌مشی عمومی؛ چرخه‌های خط‌مشی و زیرنظام‌های خط‌مشی*، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: کتاب مهربان.

Anderson, James H; Bernstein, David S. and Gray Chery W. (2005), *Judicial Systems in Transition Economies; Assessing the Past, Looking to the Future*, Washington, D. The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, Washington, D.C.

Armytage, Livingston (2011), "Judicial Reform in Asia Case Study of ADB's Experience: 1990-2007", *Hague Journal on the Rule of Law*, 3: 70-105.

Carrabine, Eamonn. Cox, Pam. Lee, Maggy. Plummer, Ken and South, Nigel (2009), *Criminology: A Sociological Introduction (Second edition)*, by Routledge 270 Madison Avenue, New York, NY 10016.

- Cowling, Mark (2006), "Postmodern Policies? The Erratic Interventions of Constitutive Criminology, *Internet Journal of Criminology*.
- Federico, Giuseppe Di (2012), "Judicial Accountability and Conduct: An Overview", *Judicial Independence in Transition*, pp 87-118.
- Henry, Stuart and Lanier, Mark M (1998), "The Prism of Crime: Arguments for an Integrated Definition of Crime". *Justice Quarterly*, VOL. 15.
- Kim, Joongi (2007), "The Judiciary's Role in Good Governance in Korea", *Policy and Society*, 26: 2, 15-32, DOI: 10.1016/S1449-4035(07)70106-6.
- Madfis, Eric (2014), *Postmodern Criminology; The Encyclopedia of Theoretical Criminology*, First Edition, Edited by J. Mitchell Miller, Blackwell Publishing Ltd.
- Mollah, Awal Hossain (2014), "Judicial Activism and Human Rights in Bangladesh: a Critique", *International Journal of Law and Management*, Vol. 56, Issue: 6, pp.475-494, Permanent link to this document: <https://doi.org/10.1108/IJLMA-07-2013-0029>.
- Neudorf, Lorne (2017), "The Problem of Judicial Independence", *Springer International Publishing*, *The Dynamics of Judicial Independence*, pp 1-45.
- Pierce, Jonathan J., Siddiki, Saba, Jones, Michael D., Schumacher, Kristin, Pattison, Andrew, and Peterson, Holly (2014), "Social Construction and Policy Design: A Review of Past Applications", *The Policy Studies Journal*, Vol. 42, No. 1.
- Schram, Sanford f (1993), "Policy Postmodern Policy Analysis: Discourse and Identity in Welfare Policy", *Poficy Sciences*, No. 26, 249-270, 1993.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعارض‌های فرهنگی فراروی دانشجویان

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره))

محمد رحیم عبوسی*

امیر گروسی**

چکیده

دانشگاه، به عنوان یکی از مهمترین نهادهای آموزشی کشور، مولد فرهنگ در جامعه است. فهم درست از فرهنگ و بازتولید آن به عناصر قابل قبول جامعه، دانشجویان را به عنوان یکی از کنشگران اصلی مواجهه فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی در مقابل فرهنگ غرب قرار داده است و در این رویارویی، می‌بایست نسبت به حل تعارض‌های موجود در دو فرهنگ انتخاب درستی داشته باشد. بنابراین این پژوهش با هدف شناخت علل تعارض‌های فرهنگی ایجاد شده در دانشجویان با روش کیفی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) انجام شده است. روش به‌کاررفته در این مقاله، روش تحلیل مفهومی و قیاسی بوده و در این راستا، با ۱۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه، مصاحبه عمیق تا حد اشباع اطلاعات انجام شده است. افزون‌براین، به‌منظور کامل کردن داده‌ها و رسیدن به اهداف پژوهش، با ۷ نفر از نخبگان و استادان دانشگاه نیز مصاحبه شده است. نتیجه این مصاحبه‌ها پس از قیاس با داده‌های پژوهش‌های گوناگون دیگر در این زمینه، در قالب ۸ علت اصلی تعارض فرهنگی در دانشجویان و ۶ راه‌حل رویارویی با این تعارض‌ها (پیشنهاد) ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه، فرهنگ، تعارض فرهنگی، فرهنگ دانشجویی

* استاد علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
Eivazi.daneshjo@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم تربیتی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران
Amir_garousi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۹

فصلنامه راهبرد/اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۸۳-۱۰۸

مقدمه

نخستین آشنایی ایرانیان با اروپا از طریق کارگزاران فرهنگی، دانشجویان، و سیاحان در قرن ۱۹ و دوران مشروطیت، شکل گرفت و فرهنگ ایرانی-اسلامی از این آشنایی تأثیر پذیرفت. موج نخست اعزام ایرانیان از دارالفنون به اروپا، در عصر ناصری و به‌همت امیرکبیر انجام شد. برگشت آفا‌زاده‌های ایرانی تحصیل‌کرده در سرزمین‌های فرنگ، نما‌های گوناگونی از خود به‌نمایش گذاشت و مسیرهای اولیه آشنایی با فرهنگ غرب به‌روی ایرانیان باز شد. شاید نشانه‌های نخستین تضادهای فرهنگی ایرانیان با فرهنگ غربی نیز در همین‌جا شکل گرفته باشد. همین رویارویی ایران با غرب در زمینه فرهنگی، عامل اصلی تحولات فرهنگی ایران بوده است. غرب‌زدگی طبقه روشنفکران آن دوران باعث شد، زمزمه‌های ورود فرهنگ غربی همراه با علم غربی و برداشت نادرست از مدرنیته و تجددگرایی در ایران شروع شود. میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۴۹) با اشاره به اینکه مقاومت در مقابل سیل ترقی‌خواهی امکان‌پذیر نیست، می‌گوید: «یا باید به‌حکم مصلحت خودتان و به‌حکم مقتضیات دنیا، بلادرنگ ترقی بکنید و یا باید در زیر ترقی [اروپا] به‌کلی محو شوید» (درخشه، ۱۳۸۸: ۴). آمیختگی فرهنگ غربی با سبک زندگی ایرانیان باعث شد که در رفتارها، نگرش‌ها، آداب‌ورسوم، معماری شهری، اخلاق، ادبیات، و بسیاری از عناصر فرهنگ بومی، تضادهای گوناگونی شکل بگیرد.

پس از انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، اهمیت قشر دانشجو، به‌عنوان نقطه کانونی توجه فرهنگی، به‌سبب داشتن دو ویژگی عضویت در جامعه

نخبگانی و جامعه جوان و آینده‌دار کشور، در این مقوله بسیار زیاد بوده است. درواقع، دانشجویان در جامعه، عامل و مولد فرهنگ هستند، به همین علت عوامل مختلفی از جمله، جوان بودن دانشجویان، تأثیرهای رسانه‌ای مدرنیته، و از دست رفتن ایمان به قطعیت و جاودانگی امور (نظریه‌های گفتمانی یا پست‌مدرنیستی)، سبب شکل‌گیری هویتی پیوندی، متشکل از عناصر گوناگونی از گفتمان‌های مختلف سنت (مانند مذهب)، مدرنیته (مانند ملی‌گرایی)، و پست‌مدرنیته (مانند سبک زندگی) و در نتیجه تفاوت قابل توجه دانشجویان با سایر افراد جامعه شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴). مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده درباره مقولۀ هویت فرهنگی در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد، بحران‌هایی مانند احساس ناامیدی، ازخودبیگانگی فرهنگی و بحران هویت، امید بستن به قدرت‌های بیگانه، تضعیف هویت‌های دینی و ملی، و تمایل به الگوپذیری از خارج از کشور، ازجمله آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های امروز کشور به‌شمار می‌آیند (محسنی، ۱۳۸۳: ۱۰). وجود وسایل ارتباط جمعی عصر نوین، از قبیل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، و... که در بین دانشجویان کاربرد زیادی دارد—ورود فرهنگ غربی را تسهیل کرده است. این تفاوت‌های فرهنگی، به‌شدت بر جامعۀ دانشگاهی کشور تأثیر گذاشته و در نتیجه دچار تغییرات سریع‌تری نسبت به بدنۀ جامعه شده است. گفتنی است، این جریان تولیدشده در دانشگاه، می‌تواند سمت‌وسوی جامعه را تعیین کند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «از دانشگاه است که می‌شود یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می‌تواند یک ملتی به تباهی کشیده بشود. این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوان‌های ما را یا طرف غرب می‌کشد یا طرف شرق می‌کشد و آن‌ها را از خودشان تهی می‌کند و وجهۀ آن‌ها را متوجه به غرب و شرق [می‌کند] تا اینکه یا شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه فرهنگ و چیزهای دیگری را از ما بگیرند و به‌جای آن، یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانند و ملت ما را به تباهی بکشند» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۳۰).

اهمیت فرهنگ در دانشگاه نخست، به‌دلیل فرهنگی و فرهنگ‌ساز بودن این

نهاد، دوم، به سبب تنوع بسیار بالای مقوله‌های فرهنگی در دانشگاه، و سوم، به این دلیل است که مطالعه پدیده‌های فرهنگی، متضمن بحث‌های روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، و فلسفی است که در تلقی ما از ماهیت علم و دانش ریشه دارد (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰: ۴۷). نکته چهارم اینکه، از منظر سازمانی، پیچیدگی‌های ذاتی و ماهیتی دانشگاه بر قواعد مشخص و فرهنگ خاص خود متکی است و از نظر بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان، بسیار پیچیده‌تر از سازمان‌های دیگر است (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹).

بررسی موضوع فرهنگ در محیط دانشگاه‌ها، کم‌اهمیت‌تر از فرهنگ جامعه نیست. تحلیل رفتار فرهنگی دانشجویان در رویارویی با عناصر فرهنگی و فرهنگ‌های مختلف، به سبب اجتماع فرهنگ‌های متنوع در دانشگاه، می‌تواند نتایج ارزشمندی در راستای معرفی فرهنگ مناسب در پی داشته باشد. تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک‌سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر در دانشگاه‌ها و آثار و پیامدهای این تعارض‌ها برای کشور، سبب ایجاد بحران‌های فرهنگی عمیقی شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۰). توجه به نقش دانشگاه و نظام آموزش عالی، به عنوان یکی از صدها نهاد موجود در سطح جامعه در کشش با افراد، به دلیل لزوم توجه به خروجی تربیت‌شده، نیز می‌تواند اهمیت موضوع را دوچندان کند.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. فرهنگ

فرهنگ، عنصر بسیار مهم و حساسی است که تعریف‌های بسیار زیاد (در حدود ۱۶۵ تعریف) ارائه شده برای آن، نشان‌دهنده اهمیت این مقوله و تلاش‌های معطوف به تعریف و تبیین آن است. براین اساس، دستیابی به یک تعریف عام و قابل‌پذیرش برای همگان، تا حدودی ناممکن است. «فرهنگ، بیشترین کاربرد را در گفت‌وگوهای علمی و بشری به خود اختصاص داده و بنابر نظر لویی دولو «به مرکز برخورد افکار و عقاید تبدیل شده است». از معنای لغوی فرهنگ که ریشه

اوستایی دارد و از دو قسمت «فر» و «هنگ» تشکیل شده است، قسمت نخست، پیشوند و قسمت دوم، به معنای کشیدن و فرهیختن است (آشوری، ۱۳۸۱)؛ بنابراین، فرهنگ، یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.

تعریفی که تایلر در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه کرده است، به عنوان تعریفی جامع و مانع برای این مفهوم، معروف است: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و درنهایت، تمام عادات، و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را به عهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۳۲).

افزون‌براین، اندیشمندان ایرانی نیز تعریف‌های را برای فرهنگ ارائه داده‌اند. دکتر شریعتی، فرهنگ را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد خاص در طول تاریخ می‌داند (شریعتی، ۱۳۵۹: ۲۵۷).

امام خمینی (ره) درباره اهمیت فرهنگ می‌گوید: «درباره فرهنگ هرچه گفته شود، کم است. می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی‌نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن‌چنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور، آن آورد که در طول ستم‌شاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد فرهنگ می‌فرماید: «ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیقات و ذاتیات بومی یک جامعه و یک

ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش، این‌ها تشکیل‌دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است. این‌ها است که یک ملت را یا شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۰).

کمیته برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و هنر دولت جمهوری اسلامی ایران در نخستین برنامه پنج‌ساله خود، فرهنگ را کلیت درهم‌تافتۀ باورها، ارزش‌ها و آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب، و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی تعریف کرده است (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۶).

فرهنگ، بهترین موازین اخلاقی، اعتقادات مذهبی، تفکر، و آداب‌وسنن را دریافت می‌کند و خود را از آن می‌پرورد. فرهنگ، روش زندگی یک قوم را مشخص می‌کند. چند قوم با مذهب مشترک یا اصول اخلاقی کم‌وبیش مشترک، شیوۀ زندگی کردن و اندیشیدن مشابهی ندارند، زیرا فرهنگ آن‌ها با هم متفاوت است. درعین‌حال، فرهنگ، محصول کار گروهی و نتیجه کوشش‌های همگانی قومی در طول دوران‌های متوالی است. به‌این‌ترتیب، هر فرهنگ ارزنده‌ای، هزاران و میلیون‌ها خدمتگزار ناشناس داشته است که برای تقویت عشق به خوبی و زیبایی و پیشرفت در گمنامی تلاش کرده‌اند؛ بنابراین، در یک تعریف کلی می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها و مفروضه‌های اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات به‌شمار آورد که ادراک‌ها، رفتار، و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهند و هویت آن را می‌سازند.

دراین‌میان، مفهوم فرهنگ دانشگاهی نیز قابل‌توجه است. فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، ازجمله کنش‌ها، گفته‌ها، و تمام مقوله‌های معناداری می‌دانند که افراد دانشگاهی به‌کمک آن، با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجربه‌ها، دریافت‌ها، و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند (فاضلی، ۱۳۹۶: ۸۶). گالتونگ بر این نظر است که هر جامعه‌ای، فرهنگ دانشگاهی خاص خود را ایجاد می‌کند، زیرا فرهنگ دانشگاهی، از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید (فاضلی، ۱۳۹۶: ۸۶).

در تعریف دیگری از فرهنگ دانشگاهی آمده است: «ارزش‌ها و هنجارهای مورد توافق اجتماع علمی در تمام جهان است که از طریق تبلور در رفتار و کنش عالمان، هویت‌دهنده و موجب تفکیک آنان از بخش‌های دیگر اجتماع می‌شود». این تعریف از فرهنگ دانشگاهی، چند تفاوت عمده با فرهنگ دانشگاهی به مثابه سازمان و همچنین تقسیم‌بندی‌های دیگری دارد که در قالب فرهنگ رشته‌ای، فرهنگ نوع دانشگاه، فرهنگ آموزش عالی، و حتی فرهنگ حرفه دانشگاهی ارائه شده‌اند. درواقع، برخلاف این دیدگاه که فرهنگ دانشگاه می‌تواند به تعداد دانشگاه‌های سراسر جهان (براساس مأموریت و رسالت هر دانشگاه، شرایط و موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن) متنوع و دارای تعریف‌های متفاوتی باشد، فرهنگ، فارغ از فضای فیزیکی سازمان مطرح شده و قابل اطلاق به تمام اعضای جامعه علمی در سراسر دنیا، اعم از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، انجمن‌های علمی، اجتماع‌های رسمی و غیررسمی علمی و حتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های وابسته به کلیسا (فارغ از ارزش‌های دینی)، است. از این دیدگاه، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که فرهنگ دانشگاهی «الف» با فرهنگ دانشگاهی «ب» متفاوت است، زیرا در مطالعه فرهنگ حاکم بر دانشگاه، به عنوان یک اجتماع علمی، اساساً وجه سازمانی دانشگاه نادیده گرفته می‌شود؛ ازاین‌رو، در این دیدگاه، به جای بحث درباره «فرهنگ‌ها» به بحث درباره «فرهنگ» پرداخته می‌شود (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷).

۱-۲. تعارض

تعارض، یکی از مفاهیمی است که با زندگی انسان‌ها پیوند خورده و همواره به عنوان یکی از چالش‌های زندگی، نکات مثبت و منفی فراوانی دارد. وجود افراد مختلف در جامعه و در سازمان‌ها، ایجاد پدیده تعارض بین آن‌ها را گریزناپذیر می‌کند. در فرهنگ‌های لغت فارسی، تعارض، به معنای متعارض و مزاحم یکدیگر شدن، با هم مخالفت کردن، و اختلاف داشتن آمده است. این واژه، به صورت‌های گوناگونی معنی، تعبیر، و تفسیر شده است، ولی تعداد زیادی از این تعریف‌ها، وجوه مشترکی دارند. «تعارض، فرایندی است که طی آن شخصی، علایق فرد

دیگری را ناکام گذاشته یا در شرف این کار است» (توماس، به نقل از: محمدزاده و مهرورژان، ۱۳۷۵). در تعریف دیگری از تعارض گفته شده است: «تعارض، فرایندی است که فرد یا گروهی فکر می کند، فرد یا گروه دیگری با علایق، اعتقادات، ارزش ها و ادراک او از واقعیت مخالفت می کند»، یا «به طور کلی، وقتی دو نفر با هم توافق ندارند، تعارض اتفاق می افتد» (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). گاهی نیز تعارض در سبک زندگی مدنظر است که در این صورت، به معنای عدم توافق بر سر انتظارات، ارزش ها، و هنجارهای خانوادگی است (فیشر، به نقل از: معیدفر و صبوری، ۱۳۹۰: ۷۲).

تعارض، هنگامی رخ می دهد که افراد یا گروه ها اعمالی را انجام دهند یا به گونه ای رفتار کنند که برای دیگران، قابل تحمل نباشد یا به نوعی رویارویی محسوب شود. از مظاهر این تعارض در سطوح خرد، می توان به تعارض و اختلاف والدین و فرزندان (نحوه لباس پوشیدن، رفتار کردن، و...)، اختلاف بین معلم و شاگرد، در سطوح سازمانی به تعارض میان کارگر و کارفرما، و در سطوح کلان به تعارض های میان کشورها اشاره کرد (معیدفر و صبوری، ۱۳۹۰: ۷۱).

دفت (۱۳۷۸) به سطح اجتماعی و گروهی تعارض توجه داشته است و بر این نظر است که تعارض، نوعی رفتار، بین گروه های سازمانی است؛ البته هنگامی که عده ای خود را متعلق به یک گروه می دانند، چنین می پندارند که سایر گروه ها، مانع رسیدن آن ها به اهداف و مقاصدشان می شوند. در بسیاری از تعریف های ارائه شده برای تعارض، به دو جنبه اساسی اشاره شده است: جنبه روان شناختی تعارض که به تضادهای درونی و جنبه اجتماعی تعارض که به تضادهای میان افراد و گروه ها اشاره دارد. پژوهشگران و نظریه پردازان علوم رفتاری و مدیریت، به اقتضای مباحث موردنظرشان، هر دو بعد را مبنای پژوهش خود قرار داده اند. تامپسون تعارض را رفتاری می داند که اعضای سازمان در مخالفت با اعضای دیگر انجام می دهند؛ این تعریف هم بر سطح فردی و روان شناختی تعارض تأکید دارد و هم بر سطح اجتماعی و گروهی آن (ایزدی یزدان آبادی، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

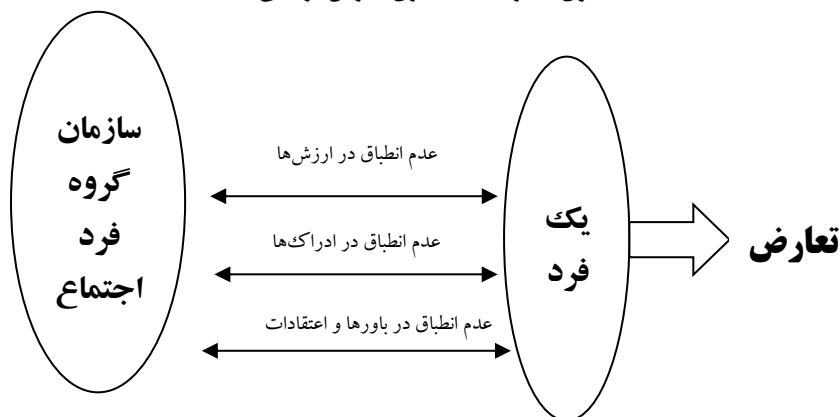
از آنجاکه بحث تعارض در علوم رفتاری مدیریت مطرح می‌شود و اسلام نیز در مورد تربیت افراد و رفتار اشخاص، بسیار حساس است، در مورد تعارض و نتایج آن معتقد است، تعارض، رفتاری دارای پیامدهایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مجادله و خصومت، نزاع و کشمکش، نشان دادن رفتارهای ناشایست از قبیل تهمت، دروغ، افتراء، و غیبت (آقایروز، ۱۳۸۵: ۵۱) که اگر این مسائل در جامعه زیاد شود، سبب هرج و مرج یا ناهنجاری خواهد شد.

۳-۱. تعارض فرهنگی

با توجه به تعریف‌هایی که برای دو مفهوم «تعارض» و «فرهنگ» ارائه شد، در تعریف تعارض فرهنگی باید گفت: اگر فردی در مقابل افراد، گروه‌ها، یا سازمان دیگری قرار بگیرد و فرهنگ آن را از مرزهای مورد قبول خود، با عقاید و ارزش‌های اجتماعی، در تقابل ببیند، به تعارض فرهنگی دچار شده است. این تعارض‌های فرهنگی ممکن است دلایل مختلفی داشته باشند که برخی از علل آن، درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های افراد درون فرهنگ اجتماعی مربوط می‌شود و برخی از علل، بیرونی است و در نتیجه تأثیرپذیری از فرهنگ‌های دیگر به وجود می‌آید.

براساس تعریف بالا، می‌توان الگوی زیر را ترسیم کرد.

الگوی ۱. فرایند شکل‌گیری تعارض فرهنگی



۴-۱. گفتمان‌های فرهنگی

هنگامی که بحث گفتمان فرهنگ دانشجویی مطرح می‌شود، به مجموعه دانشگاهی‌ای اشاره دارد که گفتمان‌ساز باشد و در پاسخ به ابهام‌های هویتی، فرهنگی، تمدنی، و ارزشی عصر جهانی شدن بتواند با گفتمانی برتر به حفظ هویت اصلی و تقویت بنیان‌های فرهنگی جامعه کمک کند. در این عرصه سه نوع گفتمان حاکم است که عبارتند از:

- گفتمان فرهنگ غربی؛
- گفتمان شبه‌روشنفکری تجددگرایی؛
- گفتمان فرهنگی ایرانی-اسلامی؛

فرهنگ دانشگاهی به نظام باورها، انتظارات، و اعمال فرهنگی افراد دانشگاهی گفته می‌شود؛ براین اساس، *فاضلی* (۱۳۸۲: ۸) مهم‌ترین وجه فرهنگ دانشگاهی را کارکرد هویت‌سازی آن می‌داند.

نگاهی به مجموعه گفتمان‌های مطرح‌شده در فضای فرهنگی کشور، ما را به‌سوی بررسی حوزه روشنفکری فضای دانشگاهی هدایت می‌کند. شاید محوری‌ترین بحث فرهنگی در این فضای گفتمانی، تأکید بر سنت و تجدد، یا مدرنیته و سنت باشد که محور اصلی تقسیم‌بندی گفتمان‌های شکل‌گرفته در این عرصه، برپایه اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی هستند؛ بنابراین، در ادامه به تعریف گفتمان‌های یادشده می‌پردازیم.

۴-۱-۱. گفتمان فرهنگی غرب

نفوذ فرهنگ غرب، به‌ویژه از دوران قاجار به‌بعد، سرچشمه بسیاری از تعارض‌های فرهنگی در جامعه ایران است. این‌گونه تعارض‌ها، چیزی است که غرب (آمریکا و اروپا) کمتر آن را تجربه کرده است. درست است که حتی در این کشورها نیز افزون‌بر تعارض‌های قومی، مذهبی، و نژادی ممکن است بین عناصر فرهنگ سنتی مذهبی گذشته و عناصر فرهنگ نوین (مدرن) تعارض‌هایی وجود داشته باشد، اما این وضع با کشورهایی که دچار غرب‌زدگی شده‌اند، بسیار متفاوت است. میردال (۱۳۶۶) در این‌مورد چنین می‌گوید: در جریان بیداری بزرگ

که پس از پایان جنگ با پایان دوران استعمار و آغاز دوران استقلال ملت‌ها روی داد، در میان قشرهای مختلف جوامع استقلال یافته، آرمان‌ها، آرزوها، و علایقی شکل گرفت که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی، آماده پذیرش منظم و اصولی آنها نبودند. یکی از پیامدهای این وضعیت درهم‌ریختگی و واژگونی توالی تاریخی در توسعه اجتماعی اقتصادی این‌گونه کشورها بود، که شیوه زندگی مردم آنها، به سبب تعلقشان به قشرهای گوناگون اجتماع، بسیار متفاوت بود و در نتیجه نگرش‌های گوناگونی در مورد جهان داشتند. در واقع، بسیاری از این افراد، در باطن، معتقد به ارزش‌های متناقضی بودند. در کشورهای مغرب‌زمین نیز این‌گونه اختلاف‌ها وجود دارد، اما در فرایند طولانی همبستگی ملی...، کاهش یافته‌اند (میردال، به نقل از: رحیمی، ۱۳۷۹). فرنس بلیک (۱۳۷۰) بر این نظر است که ویژگی اصلی فرهنگ غرب، گرایش به مکانیکی کردن زندگی انسان و ماهیت آن، تهی کردن انسان از خویشتن است. منظور ما از گفتمان غرب، نه طبیعت جغرافیایی آن، بلکه فلسفه و فرهنگ حاکم بر جوامعی است که برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از: اصالت قدرت، اصالت فایده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، گرایش به تحلیل عقلانی، خودمداری، و اومانیزم (جاودانی شاهدین، ۱۳۸۲: ۹۳)؛ چنین شرایطی ممکن است در جغرافیای شرق یا غرب، حاکم باشد.

۱-۴-۲. گفتمان شبه‌روشنفکری تجددگرایی

جامعه‌شناسان، تجددگرایی و مدرنیسم^۱ را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تلاش برای هماهنگ کردن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن، ولی چون علم، خودش حرف نمی‌زند، ناچار در اختیار شبه‌روشنفکران قرار می‌گیرد تا به‌نام آن و در زیر پوشش آن، در راستای زمینه‌سازی برای گسترش نظام کاپیتالیسم^۲ غربی و کشف بازارهای نو برای مصرف کالاهای کارخانه‌های غول‌پیکر اروپا و امریکا، دست به کار شوند (نقوی، ۱۳۷۷: ۴۶).

آشنایی ایرانیان با فرهنگ غربی، سرآغاز گفتمان تجددگرایی و حضور یک

1. Modernism

2. Capitalism

جریان فرهنگی بین فرهنگ غربی و ایرانی بود. در ایران، جریان اقتباس از غرب، به گونه‌ای پراکنده و جسته‌وگریخته، از دوران شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی آغاز شد، ولی فرایند منظم غرب‌گرایی، پس از شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه و از زمان فتح‌علیشاه قاجار شروع شد و تا مشروطه ادامه یافت. از مشروطه به بعد، مرحله دوم، یعنی دوران غرب‌زدگی آغاز شد (نقوی، ۱۳۷۷: ۵۷).

هنوز هم شرایط گفتمان تجدد در ایران (از منظر مقایسه‌ی شرایط پیش و پس از انقلاب) تفاوت زیادی نکرده است؛ به گونه‌ای که «علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن از گفتمان تجدد در ایران، هنوز ماهیت گفتمان مزبور با آنچه در قرن نوزدهم میلادی بوده است، تفاوت اساسی پیدا نکرده است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

۱-۴-۳. گفتمان فرهنگی ایرانی-اسلامی

این گفتمان در مقابل گفتمان غرب قرار می‌گیرد. در روزگار ما، تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی در رویارویی با فرهنگ جدید جهانی قرار گرفته و در نتیجه این رویارویی و مقایسه، امروزه خودآگاهی در مورد هویت فرهنگی‌مان بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است، تا از یک سو، در همسازسازی ما با پیشرفت‌های سریع جامعه بشری و فرایند جهانی‌شدن یاری‌گرم‌ان باشد و از سوی دیگر، از طریق آن به استعدادهای ذاتی خود، بیشتر پی ببریم و بر اعتماد به نفسمان در فرایند جهانی‌شدن بیفزاییم (مفتخری، ۱۳۷۹: ۳).

فرهنگ ایرانی، ترکیبی از عناصر مختلف است که در طول تاریخ، درهم‌تنیده شده و به صورت مجموعه یکپارچه‌ای، موجودیت یافته است. عناصر باستانی، عناصر اسلامی، و عناصر ناشی از ورود مدرنیسم به ایران، همگی در این بستر تاریخی، به یکدیگر رسیده و در تعامل با هم، نتیجه و حاصلی به دست داده‌اند که به عنوان فرهنگ ایرانی شناخته می‌شود. این وجود فرهنگی، همواره تحت تأثیر روندها و رویدادهای بزرگ تاریخی بوده است. در حالی که دولت‌های پیش از انقلاب اسلامی در صدد زدودن یا کم‌رنگ کردن عناصر اسلامی از فرهنگ ایرانی بودند، با وقوع انقلاب اسلامی در اواخر قرن بیستم، بعد اسلامی هویت ایرانی تقویت شد. این فرهنگ و گرایش به تقویت عناصر اسلامی آن در شرایطی شکل

گرفته است که جامعه ایران، همچون سایر جوامع، با فرایند قدرتمندی به نام جهانی‌شدن روبه‌رو است (قاسمی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۴).

البته ورود اسلام به سرزمین ایران، در برخی موارد، موجب ایجاد چالش میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ ملی ایرانی شد و بعضی از رفتارهای تحقیرآمیز اعراب به این چالش دامن زد، ولی اندیشمندان بزرگ ایرانی با نفی و طرد رفتارهای اعراب و با پذیرش آگاهانه اسلام و تلفیق آن با عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی، موجب شکل‌گیری فرهنگ ایرانی-اسلامی شدند. «فرهنگ ایرانی-اسلامی» هویت تازه‌ای بود و به گونه‌ای در خاک ایران ریشه دواند که دیگر نمی‌توان عناصر فرهنگ ایرانی را از فرهنگ اسلامی جدا کرد و بین آن‌ها تضادی به وجود آورد. این فرهنگ غنی، به‌زودی مرزهای جغرافیایی را یکی پس از دیگری درنوردید و محصولات فرهنگی خویش را به سرزمین‌های هند و چین عرضه کرد (مسعودی‌فر، ۱۳۸۲: ۳۳۲).

امام خمینی در مورد هویت اسلامی-ایرانی می‌فرماید: «اگر مقصود، اخذ و گزینش دستاوردهای تجدد و استفاده از آن‌ها در کنار عناصر هویتی اسلامی و ایرانی باشد، این همان طرح هویتی اسلامی است که در آن با محوریت منطق هویتی اسلام، عناصر هویتی متجدد، گزینش و ادغام می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴۰۶).

بی‌تردید، در سایه استفاده از فرهنگی پویا و حرکت براساس مبانی اسلامی-ایرانی است که تعالی فرهنگ، حاصل می‌شود و پیشرفت، استمرار می‌یابد.

۲. رویارویی دانشجویان با سه گفتمان موجود

دانشگاه و دانشجو، به‌لحاظ تأثیرپذیری فرهنگی و دریافت گفتمان برتر، در مقابل سه گفتمان مطرح‌شده در بالا قرار می‌گیرد. تعارض میان مبانی اساسی سه گفتمان یادشده موجب ایجاد تعارض در فرهنگ دانشجویی شده است. در این عرصه، آموزش عالی در قرن بیست‌ویکم، با چالش‌های زیر روبه‌رو است: سنت و تجدد، هویت، اوقات فراغت، فرهنگ‌های قومی، زبانی و مذهبی، جهانی‌شدن^۱ و تهاجم

فرهنگی، مشارکت جویی، جامعه‌پذیری، و اشتغال (صحبت‌لو و میرزامحمدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

دانشجویان، به‌عنوان فرهنگ‌سازان جامعه، برای پویا نگه داشتن فرهنگ ایرانی-اسلامی، باید عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و مؤلفه‌های مثبت آن را پس از گزینش، تجزیه و تحلیل کرده، در صورت تناسب با فرهنگ بومی، آن را جذب کنند و به‌شکل عنصری از فرهنگ خودی درآورند. افزون‌بر موارد بالا، نکته‌ای که در تبادل فرهنگی باید به‌خاطر داشت، این است که تبادل فرهنگی، با تکیه بر نقاط قوت فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و روندی آگاهانه دارد (تولیت، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل مفهومی به روش قیاسی است. با توجه به اینکه این پژوهش، در پی کشف عوامل و آسیب‌ها بوده و ارتباط نزدیکی با مورد مطالعه دارد، روش کیفی را برگزیده و دراین‌راستا، از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده کرده است؛ به‌این‌ترتیب که از نخستین نمونه دانشجوی شروع شده و تا حد اشباع یعنی ۱۵ دانشجو، ادامه یافته است. نمونه‌گیری از میان تمام دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی روزانه و شبانه (اعم از زن و مرد، ایرانی و غیرایرانی) که تعداد آن‌ها ۴۵۴۰ نفر است، انجام شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

پس از بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده، ۸ مقوله استخراج شد که تعدادی از واحدهای تحلیل آن (به‌صورت جمله) در جدول ۱ نشان داده شده است. این مقوله‌ها در قالب عناصر کلیدی مصاحبه‌ها پس از تطبیق با پژوهش‌های مشابه انجام‌شده- استخراج و نشان داده شده و با ذکر یک نمونه از مصاحبه‌ها، در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

ردیف	مقوله تحلیل	واحد تحلیل (جمله)
۱	عدم شناخت دقیق و آگاهانه از هویت دینی	برای من مهم نیست که چه فرهنگی در جامعه قابل قبول است، فقط مهم اینه که اونی که خوشم میاد را انجام بدم. عامل همین وضعیت بد مالی ما هم همین دینه. الان نگاه کنید تو دنیا فقط مسلمان‌ها هستن که افتادن به جون هم. مطالعه من در زمینه دینی بسیار کم است. بیشتر رمان می‌خونم.
۲	عدم شناخت دقیق و آگاهانه از فرهنگ ایرانی و اسلامی	این مسئله بدحجابی و ارتباط دختر با پسر، الان در جامعه پذیرفته شده و حساسیتی توش وجود نداره و دیگه مشکلی نیست. چرا تهاجم فرهنگی فقط مال کشور ماست. خب این نشون می‌ده هم ما خیلی حساس شدیم و هم فرهنگمون ضعیفه.
۳	عدم توجه مناسب خانواده‌ها به تربیت دینی فرزندان	فکر می‌کنید من از پدر و مادرم چی می‌خوام. جز اینکه منو به کم درک کنند. راستش نسل ما با نسل اونا خیلی متفاوتنه. پدر و مادر من خیلی مذهبین. از اول زندگی تو به زندون، بزرگ شدیم.
۴	نداشتن درک درستی از شرایط جوانان امروزی	بچه مذهبی‌ها اغلب، مطالعه کافی از اسلام نداشتند و عاقبت‌اندیش نیستند و فکر می‌کنند قدرت دست این‌هاست. این به کارشون نیست که! با همه فامیل بریدن، با هیچ کس ارتباط ندارن. خب من اینا رو می‌بینم، حالم از هر چی دینه به هم می‌خوره
۵	عدم تبیین درست ارزش‌ها	اول بذارید بچه‌ها دین خودشونو یاد بگیرن. ببینن مکتبشون چیه بعد بیان با به فرهنگ دیگه آشنا بشن. من هیچ ارتباطی با هیچ کدوم از روحانیون ندارم.
۶	ابهام در جامعه و قوانین	جوونا زیاد براشون مهم نیست، راحت بگم، چیزی که برای جامعه ما خیلی مهمه، ممکنه اگر تغییر پیدا کنه برای جوونا زیاد مهم نباشه. مملکت قانون نداره. هر کس هر کاری دلش می‌خواد می‌کنه. هر دانشگاهی یک رویه‌ای داره. فرهنگی به چیز می‌گه، دانشجویی هم به چیز.
۷	هجمه فرهنگ غربی برای بی‌هویت‌سازی جوانان	فرهنگ غربی، الان تو فکر جوان‌های ما است. الگوی من تو زندگی بیل گیتسه. ما تو خونمون ماهواره استفاده می‌کنیم و هیچ کدوم از فامیلای ما شبکه‌های داخلی نمی‌بینند. به نظرم ما باید سنت رو ول کنیم و بریم به سمت مدرن شدن. قطعاً من زندگی مدرن رو بیشتر از اینی که الان هست، دوست دارم.
۸	اندیشه‌های سکولار	به نظر من، دانشجویان ما دوست دارن مدرنیته زندگی کنند، آزاد زندگی کنند، یا کلاً سکولار زندگی کنند. عیسی به دین خودش، موسی به دین خودش. باید کشور ما توسط یک متخصص اداره بشه، نه یک روحانی دینی.

۴-۱. دلایل بروز تعارضات فرهنگی

۴-۱-۱. عدم شناخت دقیق و آگاهانه هویت دینی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، اطلاعات دانشجویان از دین و مسائل مذهبی، بسیار ضعیف است. نخستین موضوعی که در بررسی فرهنگ ایرانی-اسلامی توجه ما را جلب می‌کند، هویت دینی است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن

بیستم، بُعد اسلامی هویت ایرانی تقویت شد. افزون بر این، این فرهنگ و گرایش به تقویت عناصر اسلامی آن در شرایطی شکل گرفته است که جامعه ایران، همچون سایر جوامع، با فرایند قدرتمندی به نام جهانی شدن روبه‌رو است (قاسمی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۴). آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خویش، بهترین راه برای در امان ماندن از ضربه‌های سخت و مهلک این تهاجم است. نوجوانان و جوانان با روی آوردن به معنویت و تثبیت هویت دینی در روح و روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی مصون خواهند ماند، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ‌سازی دینی، یاری خواهند کرد (نگارش، ۱۳۸۰: ۲۵).

۴-۱-۲. عدم شناخت دقیق و آگاهانه فرهنگ ایرانی-اسلامی

دانشجویان به عنوان فرهنگ‌سازان جامعه — به منظور پویا نگه داشتن فرهنگ ایرانی-اسلامی — باید عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و مؤلفه‌های مثبت آن را پس از گزینش، تجزیه و تحلیل و در صورت تناسب با فرهنگ بومی، آن را جذب کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی درآورند. افزون بر این، نکته‌ای که در تبادل فرهنگی باید به خاطر داشت، این است که تبادل فرهنگی با تکیه بر نقاط قوت فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و روندی آگاهانه دارد (تولیت، ۱۳۸۲: ۱۱۵) در این پژوهش، مشخص شد که عناصر مهم فرهنگ ایرانی-اسلامی که می‌توان با تکیه بر آن‌ها در مقابل فرهنگ‌های بیگانه مقاومت کرد، برای افراد کاملاً مشخص نیست و گویی آن‌ها از فرهنگ خودی، شناختی نداشته و در نتیجه، مشکلات فراوانی در هماهنگ‌سازی آن با وضعیت خود دارند. در مصاحبه‌ها نیز به‌وفور مطالبی مطرح می‌شد که حاکی از عدم شناخت درست فرهنگ ایرانی-اسلامی بود.

۴-۱-۳. عدم توجه مناسب خانواده‌ها به تربیت دینی فرزندان

در این پژوهش مشخص شد که داشتن خانواده خوب و روابط مناسب بین پدر و مادر و فرزندان، یکی از مسائل مهم در راستای عدم تعارض والدین و فرزندان است، زیرا خانواده نخستین بستر تربیتی افراد است و کودک از دوران خردسالی،

تمام ابعاد و عناصر فرهنگ را از خانواده یاد می‌گیرد. زبان، ادبیات، روابط اجتماعی، آشنایی با دین، و... از جمله مواردی هستند که باید در این بستر شکل بگیرند و به‌همین سبب توجه خانواده‌ها به مسائل دینی، فرهنگی، و اخلاقی بسیار مهم است؛ درحالی‌که مشکلات اقتصادی، عاطفی، و فرهنگی، باعث ایجاد روابط سرد بین افراد خانواده می‌شود و این‌گونه روابط، بر انحراف از مسیر و ایجاد بستر افزایش تعارض‌ها بسیار تأثیرگذار هستند.

تعارض موجود در نظام آموزشی، به‌عنوان یک نهاد مستقل در کنار خانواده — که خود از منظر نهادی یک مجموعه فرهنگی به‌شمار می‌آید — تعارضی ساختاری و ماهوی است. خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی که در سایه فرهنگ جامعه در خانواده شکل گرفته‌اند، از یک‌سو و فرهنگ دانشگاه به‌عنوان سازمانی زیرمجموعه دولت و نظام با مبانی فرهنگی مستقل، از سوی دیگر، تضاد زیادی را ایجاد کرده است.

درواقع، رابطه دانشگاه و خانواده، رابطه‌ای دوسویه است، زیرا اگر بخواهیم در آینده فرزندان فیزیکدان، شیمیدان، زیست‌شناس، روان‌شناس، و... داشته باشیم، باید ابتدا آن‌ها را در خانه و مدرسه، در قالب فیزیکدان، ریاضیدان، جامعه‌شناس، و انسان‌شناس «نقش دانشگاهی» تربیت کنیم، زیرا در محیط خانواده است که ارزش‌ها و هنجارهای اولیه در ذهن فرزندان شکل می‌گیرد و به‌مرور با ورود به مدرسه، دانشگاه، و جامعه، قوام یافته یا تغییر می‌کند؛ بنابراین، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده می‌تواند عامل تأثیرگذاری بر نگرش و دیدگاه دانشجویان باشد. براساس همین روابط دانشگاه و خانواده، به‌نظر می‌رسد ممکن است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده بر نوع ارزیابی و نگرش‌های دانشجویان در زمینه‌های کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها نیز مؤثر واقع شود (کلدی، ۱۳۸۸: ۸۴).

دانشجویان مورد‌مصاحبه در این پژوهش، از وضعیت روابط خانوادگی خود نیز گله‌مند بودند. داده‌های مصاحبه‌ها حاکی از ارتباط ضعیف مصاحبه‌شوندگان با پدر و مادرشان و بروز برخی از مشکلات در این زمینه است.

۴-۱-۴. عدم درک درست شرایط جوانان امروزی

جوانان امروز، شرایط و ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از نسل پیشین متمایز کرده است. دانشگاه، خانواده، و جامعه، به‌عنوان نهادهای مرتبط با دانشجو، باید این شرایط و ویژگی‌ها را بشناسند و متناسب با آن‌ها برنامه‌ریزی کنند؛ به‌عنوان مثال، جوان امروزی در عصر اطلاعات آزاد زندگی می‌کند و به‌همین سبب، برخلاف گذشته، آگاهی یافتن از هر مسئله‌ای برای او به‌راحتی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، باید با روش درست و درک احساس‌ها و شرایط او، نیازهای روحی‌اش را برآورده کرد. جوان، در این دوران، در جست‌وجوی کیستی خویش و یافتن خود است. اگر در این راستا راهنمایی شود، در فرایند یافتن خود واقعی و اصیل می‌تواند خدا را بیابد و اگر هدایت درستی انجام نشود، به خودفراموشی دچار خواهد شد که نتیجه آن، فراموشی خداوند خواهد بود (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

در مصاحبه‌ها نیز معلوم شد که نه برنامه‌ریزان شناخت کافی‌ای از موقعیت و وضعیت کنونی جوانان دارند و نه مسئولان رابطه صمیمانه‌ای با این قشر دارند.

۴-۱-۵. عدم تبیین درست ارزش‌ها

ارزش‌ها، باورها، و اعتقادات، عناصر اساسی فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردارند. یکی از راه‌های تقویت هویت دینی، به‌ویژه برای نسل جوان، تبیین ارزش‌ها است. بدیهی است که این کار باید در قالب حرکتی اصولی، سنجیده، و متناسب با مقتضیات دوران جوانی انجام شود. دنیای جوان به‌اعتقاد همه روان‌شناسان—دنیایی سرشار از عاطفه و احساس است. باید بپذیریم که دین‌گریزی نسل جوان ما، دلایل گوناگونی دارد و تا هنگامی که علت‌های این معلول، برطرف نشود، معلول همچنان باقی خواهد ماند و مانند یک بیماری مسری، تمام افراد جامعه را درگیر کرده و آنان را افسرده و رنجور خواهد کرد. در این صورت، هویت دینی و آثار آن از جامعه به‌ویژه در میان نسل جوان—رخت بر خواهد بست. یکی از عوامل مؤثر بر مشوش شدن چهره دین نزد قشر جوان و تحصیل‌کرده، وجود خرافاتی است که مانند غبار سیاهی بر روی گوهر دین نشسته است. دانشمندان ژرف‌اندیش ما باید ساحت

قدسی دین را از آلودگی‌ها و خرافات پاکیزه کنند و جوانان را با چهره زیبا و حقیقی دین، آشنا کرده و موجب گرایش آنان به دین شوند (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۰۲). دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش نیز حاکی از تبیین نادرست ارزش‌ها است که یکی از دلایل مهم دین‌گریزی و وجود تعارض فرهنگی به‌شمار می‌آید.

۴-۱-۶. ابهام در جامعه و قوانین

آنچه در قوانین آمده است و آنچه در عمل انجام می‌شود، بسیار مهم است. اگر قانونی را که به‌نفع ما است، تفسیر به رأی خودمان بکنیم و قانونی را که به‌ضرمان است، کنار بگذاریم، موجب ابهام در قوانین خواهیم شد. این ابهام، ناشی از تفسیرهایی است که متولیان از قانون و مفاد آن استخراج می‌کنند. یکی از نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، وجود ابهام در جامعه و قوانین است. محصول اجرای درست قوانین و احترام گذاشتن به آن‌ها، نظم امور خواهد بود. امروز ارتباطات به‌گونه‌ای است که اگر کسی در جایی قوانین را رعایت نکند، به‌سرعت همه متوجه خواهند شد.

برخورد سلیقه‌ای با قوانین، مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت و آن‌گونه که مشخص است، در مورد برخی از مسائل فرهنگی در دانشگاه‌های کشور، سلیقه‌ای عمل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مصاحبه‌شوندگان در مورد این مسئله، اظهار ناراحتی کرده‌اند. مسئله پوشش دانشجویان، امکانات رفاهی، عمل به قوانین آموزشی، و... از این دست موضوعات هستند. یکی از نتایج مهمی که در این پژوهش به‌دست آمد، این بود که دانشجویان، رفتار مسئولان را صادقانه نمی‌دانستند؛ به‌عنوان مثال، گاهی دوگانگی رفتاری در مورد نیازهای صنفی یک دانشجو، سبب بروز حوادث خشونت‌باری شده است یا در برخی موارد، منشأ درگیری‌های دانشجویان با هم، دوگانگی رفتاری مسئولان بوده است. دانشجویان نیز این دوگانگی را برنمی‌تابند و خواهان صداقت در رفتار مسئولان هستند. اگر مسئولان در رفتار خود و اجرای قوانین تضادی داشته باشند، بی‌تردید این تضاد به تمام جامعه تسری خواهد یافت؛ بنابراین، تثبیت رفتار، بسیار مهم است. مسئولی

که به طور مستقیم با جوانان کار می‌کند، باید حرف و عملش یکسان باشد. دانشجویان، چون دل پاکی دارند و همه چیز را صادقانه می‌بینند، معمولاً دوست دارند رفتار اطرافیانشان — به ویژه کسانی که با آن‌ها ارتباط ویژه‌ای دارند — نیز صادقانه باشد.

۴-۱-۷. هجده فرهنگ غربی برای بی‌هویت‌سازی جوانان

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تهاجم فرهنگی، مسئله بسیار مهمی است. برخی از نکته‌هایی که از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج شد، به وضوح نشان داد که اندیشه‌های غرب در ذهن دانشجویان رسوخ کرده است. آنچه امروز به شکل‌های گوناگونی مانند بی‌اعتنایی به سنت‌ها و آداب و ارزش‌های خودی، بی‌هویتی، گرایش به ابتذال، و... مشاهده می‌شود، در واقع، مبتنی بر مجموعه‌ای از افکار و اندیشه‌های پوچ بیگانه و مادی غرب و برآمده از روحیه جست‌وجوگری جوانان و نسل دانشجویی کشور است. در مصاحبه‌ها، مواردی مانند استفاده از الگوهای غربی، و در برخی موارد، توجه به سبک زندگی غربی بسیار تکرار شد. نتایج پژوهش دیگری که در این مورد انجام شده است نیز این ادعا را ثابت می‌کند که: «تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر، در دانشگاه، آثار و پیامدهایی مانند تعارضات فرهنگی برای کشور داشته است» (بقایی پور و رمضان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۴).

۴-۱-۸. اندیشه‌های سکولار

سکولاریسم^۱، که مبنای فرهنگ غربی است، نخستین نقطه تعارض جدی با مبانی فرهنگ اسلامی-ایرانی است. اگر دین را مبنای فرهنگ خود قرار دهیم، اصول و پایه‌های فرهنگ غرب بر سکولاریسم استوار است. یکی از نتایج روی آوردن به این فرهنگ، کنار گذاشتن دین و استفاده ابزاری از آن به مناسبت‌های مختلف بوده است.

مهم‌ترین عنصر هویت دانشجویی در فرهنگ ایرانی-اسلامی، هویت دینی

است که خود، مؤلفه‌ای از یک واحد بزرگ‌تر، به نام هویت فرهنگی است. در این پژوهش، مشخص شد که دانشجویان ما چنین نگاهی به فرهنگ خود ندارند. اغلب دانشجویان معتقد به سکولاریسم و جدایی دین از مسائل زندگی بودند. تبیین ضعیف دین و مشکلات ناشی از بی‌دینی در جامعه، باعث شده است که بی‌دینی و شخصی فرض کردن دین، در ذهن دانشجویان، بسیار زیبا جلوه کند و حتی عده‌ای از آنان، دین را عامل اصلی برخی از مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها می‌دانستند؛ بنابراین، لازم است که دانشگاه‌ها گامی جدی در راستای تبیین فرهنگ اسلامی-ایرانی و دین بردارند تا سکولاریسم در ذهن دانشجویان نقش نبندد. بی‌تردید، مجرای اصلی گسترش اندیشه‌های سکولار، یا به‌بیانی بهتر، اندیشه‌های غربی، کتاب‌های تدریس‌شده در دانشگاه و مدرسانی خواهند بود که در مقابل اندیشه‌های غربی، نه در جایگاه نقد و بررسی، بلکه درصدد بازخوانی و انتقال اندیشه‌ها به دانشجویان تازه‌وارد به دانشگاه هستند.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با نخبگان، شش پیشنهاد در مورد شیوه رفتار در برابر این تعارض‌های فرهنگی به شرح زیر قابل‌ارائه است.

- توجه جدی به قابلیت‌های افراد: بر مبنای یافته‌های این پژوهش، لازم است که نظام ما، در راستای درمان جدی تعارض‌های فرهنگی و حرکت به‌سوی فرهنگ مطلوب، به قابلیت‌های افراد توجه بیشتری داشته باشد. بی‌تردید، زمانی که این قابلیت‌ها کشف و به مسیر درست هدایت شوند، فرهنگ مطلوب شکوفا خواهد شد. گاهی دانشجویان علاقه دارند که خودی نشان داده یا آنچه را نقطه قوت خود می‌دانند، نمایان کنند؛ بنابراین، توجه به قابلیت‌های درونی هر فرد می‌تواند از برخی از کمبودهایی که موجب بروز مشکلات فرهنگی می‌شود، جلوگیری کند؛

- ایجاد آگاهی کامل در مورد دین و فرهنگ از طریق مطالعه و تفکر: آنچه مشخص است، در کشور ما، سرانۀ مطالعه افراد، بسیار پایین‌تر از حد متوسط جهانی است. در این پژوهش به این مسئله توجه شده و معلوم شد که

مصاحبه‌شوندگان نیز مطالعه کمی دارند. مسئله مهم‌تر این است که بسیاری از این دانشجویان، اگر مطالعه‌ای هم دارند، خارج از حوزه مطالعات فرهنگی و دینی است. درگیر شدن دانشجویان با درس‌های کلاسی و استفاده نامناسب از اوقات فراغت، یکی از دلایل محدود بودن میزان مطالعه آنان است؛ این درحالی است که نخبگان مورد مصاحبه در پژوهش حاضر، بر مسئله تفکر و مطالعه تأکید فراوانی داشتند؛

● الگوسازی مناسب: بستر فرهنگ در دنیای کنونی، سرشار از نمادها و الگوها است و جریان غربی از مسیر این نمادها و الگوها به جوامع بسیاری راه پیدا کرده است. در این مطالعه، معلوم شد که نداشتن الگوی مناسبی برای رفتار و پیمودن مسیر، می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری به فرهنگ خودی بزند. توجه به الگوسازی، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های القای فرهنگ است و جوانان همواره در گرفتن الگو از رفتار، منش، اخلاق، و کردار بزرگان دین و کشور پیشتاز بوده‌اند. در دنیای کنونی نیز که سرشار از نماد است، الگو اهمیت دوچندانی یافته است، ولی القای الگوهای بعضاً تهی از محتوا توسط غرب می‌تواند موجب افزایش تعارض‌های فرهنگی افراد شود؛ بنابراین، لازم است که برای شناسایی و ارائه الگوهای مناسب در کشور، در تمام زمینه‌ها، شتاب کنیم و با شناخت ابعاد مختلف آن الگو، به معرفی درست آن بین جوانان پردازیم، زیرا جوانان، تشنه دریافت الگو هستند.

توجه جدی به الگوسازی هماهنگ با ذائقه ایرانی و اسلامی و معرفی الگوهای مناسب با ذائقه جوانان، مهم‌ترین گام در مسیر هدایت فرهنگی است.

● توجه جدی دانشگاه، استادان و برنامه‌ریزان به مقوله فرهنگ: استادان نخستین الگوهایی هستند که دانشگاه به دانشجویان معرفی می‌کند. تأثیر کلام استاد در دانشجویان بسیار بالا و نیازمند تأمل و توجه جدی است. علاقه دانشجویان به ارتباط با استادان در دانشگاه به‌وضوح دیده می‌شود. اگر استادان، خودشان دست به‌کار شوند و بحث‌ها و مسائل فرهنگی را سرلوحه کار خویش قرار دهند، بی‌تردید، قسمتی از وظایف فرهنگی خود را انجام داده‌اند. توجه به دانشجویان،

ارتباط درست با دانشجوی، و وقت گذاشتن برای دانشجویان، می‌تواند ازجمله راهکارهای این موضوع باشد. بسیاری از نخبگان موردمصاحبه نیز بر توجه جدی به فرهنگ تأکید کرده‌اند.

● توجه جدی خانواده‌ها به مسئله تربیت و جامعه‌پذیری: خانواده، نخستین بستر جامعه‌پذیری افراد است و اگر دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه، آمادگی قرار گرفتن در مقابل فرهنگ دانشگاهی و حتی شهر دیگری را نداشته باشند، بی‌تردید با تعارض روبه‌رو خواهند شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به آموزش‌های جامعه‌پذیری توسط خانواده برای ورود به جامعه، نخستین نیاز هر فردی در عرصه اجتماعی شدن است و حتی تربیت که عنصری از فرهنگ است، نخست از خانواده شروع می‌شود؛

● توجه به مبنای توحیدی فرهنگ ایرانی-اسلامی: مطالعه در مورد فرهنگ در این پژوهش نشان داد که مبنای اصلی فرهنگ مطلوب ما، توحید بوده و رسیدن به این منظور، مستلزم کار و تلاش پیوسته در راستای تبیین فرهنگ اسلامی-ایرانی برمبنای توحید است. درحالی‌که دانشجویان به‌اندازه کافی به این موضوع توجه ندارند و آنچه از دین می‌دانند، فاقد مبنایی دقیق و اصولی است؛ ازاین‌رو، هرگاه با یک تعارض در فرهنگ روبه‌رو می‌شوند، به مشکل برمی‌خورند، اما اگر در سایه توحید قرار گیرند و آن را محور رفتار خود قرار دهند، هرچه بر محور توحید باشد را می‌پذیرند و آنچه با آن مخالفت کند را کنار می‌گذارند. عدم شناخت کامل دین، عدم دسترسی مناسب به متون دینی، مشکل در متون دینی آموزشی نظام آموزشی، کاستی‌های معلمان و مربیان دینی، مشکل در تربیت دینی خانواده‌ها، و درست تبیین نکردن متون دینی، ازجمله مشکلات در این زمینه هستند.

منابع

- ابراهیمی، سیدابراهیم (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگ در دانشگاه»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۱۲۸-۱۰۴.
- آقایروز، علی (۱۳۸۵)، «مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی»، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، شماره ۳۷، صص ۷۰-۴۱.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، *تعاریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰)، *مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: دفتر انتشاراتی اجتماع.
- اصغری، فیروزه؛ غیائی، سعید؛ عباس‌پور، عباس؛ رحیمیان، حمید (۱۳۹۷)، «ضرورت‌های مفهومی و الزامات روشی در مطالعات فرهنگ دانشگاهی»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۴۱، صص ۱۶۴-۱۲۹.
- ایزدی یزدان‌آبادی، احمد (۱۳۷۹)، *مدیریت تعارض*، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- بلیک، فرنس (۱۳۷۰)، «ماهیت فرهنگ غرب»، ترجمه حمید غفاری، *فصلنامه نامه فرهنگ*، شماره ۴، صص ۳۸-۴۷.
- بقایی‌پور، کسری؛ رمضان‌نژاد، محبوبه (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها»، *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلد ۲.
- تولیت، سیدعباس (۱۳۸۲)، «مدیریت دفاع فرهنگی»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۷ و ۸، صص ۱۳۰-۱۰۷.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- جاودانی شاه‌دین، حمید (۱۳۸۲)، «درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۳۵، صص ۸۵-۱۰۹.
- دفت، ریچارد ال (۱۳۷۸)، *تئوری و طراحی سازمان*، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- درخشه، جلال؛ جهان‌بین، فرزاد (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردها در ارتباط با نسبت دین و عناصر مدرنیته در دوره مشروطیت»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۵، صص ۱۰۹-۱۳۸.
- دهقانی فیروزآبادی، حمیده؛ حمیدی، مهرزاد؛ سیف‌پناهی شعبانی، جبار (۱۳۸۹)، «ارتباط پنج بعد شخصیتی و شیوه‌های مقابله با تعارض»، *مجله مدیریت ورزشی*، شماره ۷، صص ۷۳-۹۲.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی متین، حسن (۱۳۹۰)، «کشف (فرهنگ دانشگاه): واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۹، صص ۴۵-۹۸.
- رحیمی، اکبر (۱۳۷۹)، «سرچشمه‌های تعارض‌های فرهنگی در تاریخ معاصر ایران»، *فصلنامه شورای فرهنگ عمومی*، شماره ۵، صص ۴۸-۵۳.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴)، *زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی*، تهران: انتشارات عطار.
- سپهری، صفورا؛ پاکدامن، شهلا (۱۳۸۹)، «الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین»، *مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، شماره ۲، صص ۷۵-۹۲.
- شریعتی، علی (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار: بازگشت*، جلد ۴، تهران: انتشارات الهام.
- صحب‌لو، علی؛ میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، شماره ۲، صص ۷۴-۴۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ قادری، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۸، صص ۳۵-۶۴.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه‌ای انسان‌شناختی بر علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران»، *فصلنامه نامه انسان‌شناسی*، شماره ۳، صص ۹۳-۱۳۲.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۶)، *فرهنگ و دانشگاه*، تهران: انتشارات ثالث.
- قاسمی، حاکم؛ طالبی، معصومه (۱۳۸۸)، «فرهنگ ایرانی و جهانی‌شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *چکیده مقالات نخستین همایش بین‌المللی تحولات ایران و جهان*، به‌کوشش بهرام نوازی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قلی‌زاده، آذر (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی فرهنگی*، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

واحد خوراسگان.

عبدالحمید، فرزانه؛ امیریانزاده، مژگان (۱۳۹۵)، «آسیب شناسی پوشش از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی فارس»، *فصلنامه فرهنگ و دانشگاه*، سال ششم، شماره ۴، صص ۶۲۴-۶۰۱.

مسعودی فر، جلیل (۱۳۸۲)، «حفظ فرهنگ ایرانی-اسلامی در فرایند جهانی شدن»، *مقالات چهاردهمین کنگره دین پژوهان کشور با عنوان جهانی شدن و دین؛ فرصت ها و چالش ها*، ویراسته محمد بدیعی، چاپ اول، قم: نشر نمونه.

محسنی، علی اکبر (۱۳۸۳)، «آسیب های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها»، *دایره المعارف آموزش عالی*، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، چاپ اول، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه فارسی.

معیدفر، سعید؛ صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۰)، «تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۷، صص ۹۷-۶۷.

محمدزاده، عباس؛ مهرورزان، آرمن (۱۳۷۵)، *رفتار سازمانی (نگرش اقتضایی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

محمدزاده، علی (۱۳۹۶)، «بررسی آسیب های فرهنگی-روانشناختی اساسی در بین دانشجویان دختر و پسر»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۷۶-۵۵.

محسنی تبریزی، علی رضا (۱۳۸۱)، «آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی؛ بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۶، صص ۱۸۲-۱۱۹.

محمودی، سیروس (۱۳۹۶)، «آسیب شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه پیام نور»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۱، صص ۶۲-۴۷.

مفتخری، حسین (۱۳۷۹)، «ضرورت بازشناسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، شماره ۳، صص ۶-۳.

مهدوی، سید محمدصادق (۱۳۸۱)، «آسیب شناسی فرهنگی دانشجویان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۱ و ۲، صص ۱۲۴-۹۹.

نقوی، علی محمد (۱۳۷۷)، *جامعه شناسی غرب گرایی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن

احمد شفافزاده*

چکیده

این مقاله درصدد بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن است. برای بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه قرآن با نظریه‌های هیرشی از روش تطبیقی استفاده شده است. تراویس هیرشی که از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید، علت اصلی عدم کج‌روی و بزهکاری فرد را پیوندهای اجتماعی او دانسته و به‌نظر او، هم‌نوایی فرد با جامعه عامل اصلی کنترل اجتماعی و پرهیز از کج‌روی است. از منظر قرآن کریم نیز، شیوه‌های مقابله با کج‌روی، به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کنترل فردی، کنترل اجتماعی، و کنترل قانونی. در این پژوهش، مقوله کنترل قانونی یا نظام مجازاتی اسلام، با موضوعاتی از قبیل اهداف، ویژگی‌های مجازات اسلامی، کارآمدی قضات، و عوامل انتظامی بررسی شده است. همچنین، قرآن برای بازگرداندن کج‌رو از کج‌روی، استفاده از راهکارهای «جامعه‌پذیری دوباره»، «کنترل ارزشی»، و «کنترل عاطفی» را پیشنهاد کرده است. سرانجام، نکته مشترک دیدگاه قرآن و هیرشی این است که میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی، دین‌داری، تشکیل خانواده و نظارت والدین، و میزان حمایت عاطفی، اطلاعاتی و مادی که فرد از دیگران دریافت می‌کند، به تقویت پیوند فرد با جامعه کمک خواهند کرد. دریافت حمایت و احساس وجود منابع حمایتی یا حمایت ادراک شده در تقویت دلبستگی، تعهد، و باور در مورد هنجارهای جامعه و مواظبت از همنشین در کاهش انحراف مؤثر خواهند بود.

واژه‌های کلیدی: کج‌روی، قرآن کریم، کنترل اجتماعی، وابستگی، مواظبت از همنشین، تعهد، باورها، هیرشی، جامعه‌شناسی

* عضو هیئت علمی دانشکده معارف دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، البرز، ایران

Dr.ahmad_shafazadeh@kiauo.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۳-۱۰۹

مقدمه

جامعه‌شناسان کارکردگرا، در راستای تبیین نظم و هم‌نوایی^۱ اجتماعی، بر جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی تأکید کرده و به ساختارها و کارکردهای نهادهایی که این دو وظیفه را انجام می‌دهند، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. مذهب، یکی از این نهادهای مهم است که بسیاری از جامعه‌شناسان به نقش آن در درونی کردن پایبندی‌ها و پیروی از هنجارها و ایجاد ترس در هنگام تخلف از هنجارها اشاره کرده‌اند و پژوهشگرانی همچون آلن برگین^۲ (استاد روانشناسی دانشگاه بریگام یانگ که موفق به دریافت جایزه از انجمن روانشناسی آمریکا شد) در عرصه کنترل اجتماعی، توانایی دین‌داران را در قانونمداری، عدم مصرف الکل، مواد مخدر، و اطاعت از هنجارهای اجتماعی تأیید کرده‌اند؛ هرچند پیش‌بینی میزان تأثیر دین‌داری بر انواع مختلف جرایم، به ساختار مذهبی جامعه و نقش مذهب در اجتماع‌های گوناگون بستگی دارد.

با تکیه بر پیش‌فرض واقعی بودن جهان‌ماورای طبیعت، می‌توان کارکردهای بیرونی این نوع کنترل را پذیرفتنی و واقعی به‌شمار آورد و آن را فرایندی دانست که رفتار افراد را به کمک پدیده‌های خاص تشویقی و تنبیهی، کنترل می‌کند؛ پدیده‌هایی که بر نیروهای ماورای طبیعی متکی هستند. براین‌اساس، بدیهی است که گروهی چنین استدلال می‌کنند که افراد از طریق اطاعت اجباری به‌سبب ترس از قدرت یک نیروی ماورای طبیعی غیرتجربی در این دنیا یا جهان پس از مرگ، محدود و

1. Conformity

2. Allan bergin

کنترل می‌شوند. گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که: «تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی همسویی دارد». آن‌ها مدعی شده‌اند که تربیت مذهبی به درونی کردن تعهدات اخلاقی — که انگیزه‌ای برای تنظیم رفتار و دوری از گناه است — کمک می‌کند. عده دیگری بر این نظرنند که تجربیات مذهبی، هم از طریق مرتبط کردن افراد به شبکه‌ای از دین‌داران و هم با ایجاد کنترل غیررسمی، سبب کاهش فرصت‌های رفتارهای انحرافی می‌شود (Hirshish, 2003: 63). در مورد دلایل کج‌روی، نظریه‌های گوناگونی با رویکردهای متفاوت ارائه شده است که الگوی «کنترل اجتماعی» تراویس هیرشی — که گاهی با عنوان «نظریه پیوند» از آن یاد می‌شود — یکی از مهم‌ترین آن‌ها است (Regoli, 2009: 203). هیرشی بر این نظر است که رفتار انحرافی، نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه است. در نظریه او چهار عنصر برای سنجش پیوند فرد با جامعه یا دیگران، دیده شده است که عبارتند از:

- دلبستگی: میزان توجه، و حساسیت فرد به دیگران و دیدگاه‌ها و

خواسته‌هایشان؛

- تعهد: میزان هماهنگی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و نابهنجار افراد؛

- درگیر بودن: مدت‌زمانی که فرد برای فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛

- باور داشتن: میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد، با میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی هر عنصر، یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است.

تازمانی که فردی با گروه‌های عادی جامعه ارتباط دارد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند، ولی اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شود، احتمال منحرف شدن افزایش می‌یابد. به نظر هیرشی، مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. با وابستگی تدریجی فرد به دیگران، احتمال بزه‌کار شدن او بسیار کمتر می‌شود. نخستین وابستگی‌ها و تعاملات با

والدین است و در پی آن، وابستگی به هم‌قطاران، رهبران مذهبی، و اعضای دیگر جامعه بروز می‌کند (Hirshish, 2003: 16).

البته بعدها هیرشی در نظریه «خودکنترلی»، نکته کامل‌کننده‌ای بر نظریه خود درباره کنترل ارائه کرد مبنی بر اینکه ریشه بزهکاری یا بهنجاری، کنترل یا عدم کنترل خود است^۱. در این دیدگاه، بر تربیت والدین بسیار تأکید می‌شود، زیرا این عامل، منبع رفتار اجتماعی‌ای به‌شمار می‌آید که سبب کنترل خود می‌شود؛ هرچند ممکن است عوامل دیگری نیز در رفتار اجتماعی درست یا نادرست، نقش جدایی‌ناپذیری داشته باشند.

از آنجاکه پیشگیری از بزه یا همان «گناه» و شیوه‌های پیشگیری از آن، یکی از اصلی‌ترین محورهای رسالت ادیان است، قرآن کریم نیز توجه ویژه و برنامه جامعی در این مورد داشته است و استخراج آموزه‌های آن در این‌باره می‌تواند به‌گونه‌ای مؤثر به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی کمک کند. به‌طورکلی از متون دینی، شواهد مختلفی مبنی بر توجه دین به کنترل اجتماعی به‌دست می‌آید. دین در سیاست کنترلی خود، هم به کنترل‌های رسمی توجه داشته است و هم به کنترل‌های غیررسمی. افزون‌براین، سازوکارهای کنترلی دین به‌گونه‌ای طراحی شده است که سازوکارهای رسمی و غیررسمی به‌گونه‌ای همسو با هم عمل می‌کنند و این مسئله، یکی از نقاط قوت سیاست کنترلی دین به‌شمار می‌آید، زیرا کنترل‌های غیررسمی، اهرم‌ها و سازوکارهای درونی را در خود جای داده‌اند و کنترل‌های رسمی و بیرونی زمانی کارآمد خواهند بود که با اهرم‌های درونی همساز باشند (کوشا، ۱۳۸۹: ۷۸).

روی هم‌رفته، دین به واکنش‌های روانی افراد به بازدارنده‌های غیررسمی توجه داشته، میزان بازدارندگی بازدارنده‌های غیررسمی را به‌نمایش گذاشته، و همچنین، بر روحیه «پاداش‌خواهی» و «تنبیه‌گریزی» انسان تأکید فراوانی کرده است. از بسیاری آیه‌ها و روایت‌ها چنین برمی‌آید که رفتار انسان‌ها به‌گونه‌ای قابل توجه، متأثر از کنترل اجتماعی است. به عبارت روشن‌تر، انسان‌ها به اهرم‌های کنترلی

واکنش نشان می‌دهند. براین اساس، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «وجوه اشتراک و افتراق نظریه هیرشی با قرآن کریم درباره کنترل اجتماعی چیست؟»

مقایسه نتایج به‌دست‌آمده از نظریه هیرشی و آموزه‌های قرآنی با یکدیگر، مسیر را برای تشخیص بهترین شیوه کنترلی هموار می‌کند. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به کنترل اجتماعی و همچنین، تأکید فراوان دین، به‌ویژه آموزه‌های قرآنی، بر مقابله با تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی، بررسی این مقوله مهم برای کمک به ایجاد امنیت فضای اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت فراوانی دارد.

۱. مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱. کنترل اجتماعی

کنترل را «توان اعمال قدرت، هدایت، یا پیشگیری از اعمال دیگران» تعریف کرده‌اند؛ ازاین‌رو، کنترل اجتماعی، فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارند، در پی تحقق همناوایی رفتاری اعضای خویش و مقابله با کج‌روی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۴۵۲).

۱-۲. کج‌روی^۱

کج‌روی را با تعبیرهای متفاوتی تعریف کرده‌اند که برخی از نمونه‌های آن عبارتند از: رفتار منع‌شده یا مشمول اهرم‌های کنترل اجتماعی؛ رفتار شکننده هنجار یا رفتاری که قواعد، برداشت‌ها یا توقعات هنجاری نظام‌های اجتماعی را نقض می‌کند؛ و رفتار ناهمنوا با هنجارهای اجتماعی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۶).

۱-۳. تأثیر نیازها بر کنترل اجتماعی

فرضیه زیربنایی نظریه «نیازهای اساسی» مازلو، این است که در پی بروز هر دسته از نیازها، رفتار شخص و همه کنش‌ها و واکنش‌های او در راستای ارضای آن قرار

می‌گیرد؛ برای مثال، حمله کارگزاران کنترل اجتماعی به «نیاز امنیت» در شخص کج‌روی که نیازمند برآمدن آن است، این معنا را می‌یابد که جامعه، برآمدن این نیاز را به پیروی او از هنجارها مشروط کرده است. در اینجا مازلو، پیامد این حمله را روی‌آوری چنین فردی به پیروی از هنجارها می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۴۷۱).

۱-۴. نظریه خودکنترلی بزهکاری

تراویس هیرشی در سال ۱۹۹۰، نظریه عمومی جرم را مطرح کرد. این نظریه کنترل، در مقایسه با آنچه وی بیست سال پیش ارائه کرده بود، پالوده‌تر و کامل‌تر بود. سرانجام، این نظریه سودمندگرایانه به این نتیجه رسیده است که کنترل خود، یک مفهوم کلی است که تمام حقایق شناخته‌شده درباره جرم را می‌توان حول آن جمع کرد (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۴: ۸۵). نظریه عمومی جرم، مانند علل بزهکاری، مدعی است که نظریه‌های دیگر به اندازه کافی به ماهیت واقعی ارتکاب جرم توجه نکرده‌اند؛ واقعیت این است که افراد به منظور لذت‌جویی و گریز از درد، مرتکب جرم می‌شوند. این نظریه نیز مانند نظریه پیشین هیرشی درباره مجرمیت، یک نظریه کلاسیک به‌شمار می‌آید. باید توجه کرد که نظریه کلاسیک و مفهوم کنترل خود، تا حد زیادی قابل انطباق هستند (براون‌فیلد، ۲۰۰۵: ۲۴۴).

۱-۵. انواع کنترل اجتماعی

در قالب یک تقسیم‌بندی کلی و انتزاعی، می‌توان انواع کنترل اجتماعی را به‌شرح زیر برشمرد.

۱-۵-۱. کنترل رسمی^۳

کنترل اجتماعی رسمی، دربردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، به‌منظور مقابله با وقوع جرم و کج‌روی در جامعه انجام می‌دهند. این اقدام‌ها به‌سبب متکی بودن به ضمانت‌های اجرایی دولتی، ازیک‌سو، به‌طور عمده الزام‌آور و متکی به قهر و

1. Hirschi, & Gottfredson

2. Brownfield

3. Official Control

اجبار هستند و از سوی دیگر، به گستره خاصی از هنجارهای اجتماعی (هنجارهای رسمی) محدود می‌شوند که با تکیه بر همان ضمانت اجراهای حکومتی، تعریف می‌شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۲۵).

۱-۵-۲. کنترل غیررسمی^۱

کنترل غیررسمی، گونه‌ای از کنترل اجتماعی است که در گستره‌ای به تناسب جامعه، توسط هریک از اعضا و در محیط‌های متفاوت خانواده، مدرسه، محل کار، مکان‌های مذهبی، و... انجام می‌شود. این گونه از کنترل، در نقطه مقابل کنترل رسمی و مبتنی بر اصول اخلاقی، ارزش‌ها، و هنجارهای متعارف است. ضمانت اجراهای اصلی کنترل غیررسمی عبارتند از:

- متغیرهای درونی: مانند ترس از پذیرفته نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد شدن توسط اطرافیان، و...؛
- اهرم‌های بیرونی، مانند تمجید و تشویق رفتارهای راست‌روانه و درمقابل، تمسخر، سرزنش و حتی طرد کج‌رو توسط دیگران (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۰۷).

۱-۵-۳. کنترل بیرونی^۲

کنترل بیرونی را مجموعه‌ای از سازوکارهای کنترل اجتماعی شکل می‌دهند که هدف آن‌ها کاستن از فرصت‌های ارتکاب جرم و کج‌روی و درونمایه‌شان، ایجاد و اعمال محدودیت‌های مادی و فیزیکی است. این فرایند، رفتار فرد را از طریق اجبار فیزیکی محدودیت‌های بیرونی یا تحت تأثیر آثار روانی ناشی از این محدودیت‌ها، کنترل می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

۱-۵-۴. کنترل فیزیکی (تنبیه بدنی)^۳

ویژگی عمده کنترل فیزیکی، یا رنج و دردی است که بر فرد تحمیل می‌شود، یا محدودیتی که آزادی و امنیت جسمی او را به خطر می‌اندازد؛ بنابراین، به‌کارگیری

1. Unofficial Kontrol

2. External Kontrol

3. Physical Kontrol

این نوع کنترل را می‌توان در شکل‌هایی مانند «ایجاد آزارها و دردهای جسمی»، «سلب آزادی»، و حتی «سلب حیات» مشاهده کرد. فرد در رویارویی با اهرم‌های این کنترل، نیازهای اساسی «جسمی» و «ایمنی» خود را در خطر می‌بیند و در نتیجه، از خود واکنش نشان می‌دهد. یکی از این واکنش‌ها این است که بکوشد رفتاری را که او را با این خطر روبه‌رو کرده است، ترک کند (داوری و سلیمی، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

۱-۵-۵. کنترل اقتصادی^۱

اهرم‌های کنترل اقتصادی، فرد را با خطر برآورده نشدن گستره وسیعی از نیازها (از آب و غذا گرفته، تا نیاز به ابزار و امکانات تأمین معاش بهتر یا ارتقای منزلت شغلی، علمی و مانند آن) روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین، می‌توان گفت، کنترل اقتصادی به نیازهای متنوع «جسمی»، «ایمنی»، و حتی «خودشکوفایی» حمله می‌کند؛ فرد در واکنش به این حمله و برای حفظ برخورداری‌های لازم برای ارضای آن نیازها، خواهد کوشید تا از درگیر شدن در فعالیت‌هایی که او را در معرض این محرومیت‌ها قرار می‌دهند، پرهیز کند. جریمه‌های مالی، پرداخت خسارت، و محرومیت‌های مالی و شغلی از جمله اهرم‌های این نوع کنترل به‌شمار می‌آیند. امروزه نیز شاهد رونق یافتن دیدگاه‌هایی هستیم که بر ضرورت جایگزین کردن این نوع کنترل با انواع اهرم‌های کنترل خشن تأکید دارند. این گروه از پژوهشگران، در استدلال بر مدعای خود به این نکته توجه می‌دهند که اهرم‌های اقتصادی، کمتر حیثیت اجتماعی کج‌روان را در مخاطره قرار می‌دهد و از نظر عاطفی، کمتر زمینه بازگشت آنان را به جامعه از بین می‌برد (صدیق اورعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱-۵-۶. کنترل درونی^۲

کنترل درونی، نوعی سازوکار کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید که در نتیجه آن، فرد خود را از درون به انجام رفتار موردانتظار از خویش ملزم می‌بیند؛ بدون نیاز به اینکه وجود انواعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی، یا اعمال آن‌ها

1. Economic Control

2. Internal Control

را در راستای الزام به انجام آن رفتار احساس کرده باشد. برخی جامعه‌شناسان، هنگام بحث از انواع متفاوت ضمانت اجراهای کنترل رفتار، پیش از هرچیز خاطرنشان می‌کنند که به‌هیچ‌روی نمی‌توان آن‌دسته از نظام‌های کنترل اجتماعی را که تنها بر تشویق‌ها و تنبیه‌های بیرونی متکی هستند، نظام‌های کارآمدی به‌شمار آورد. توجه به راهکارهای مورد استفاده در این نوع کنترل نشان می‌دهد که ماهیت سازوکارهای درونی کنترل اجتماعی را می‌توان از نوع تأکید بر ابعاد اخلاقی یا عاطفی شخصیت افراد، حمله به ارزش‌ها، باورها و عواطف آنان، یا حتی روبه‌رو کردن آن‌ها با «شناختی» به‌شمار آورد که از احتمال ارضا نشدن «نیازهای جسمی» یا «نیازهای ایمنی» حکایت دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۱-۵۰۸).

۱-۵-۷. کنترل ارزشی^۱

«نیاز به احترام» از جمله نیازهای اساسی انسان است. این نیاز، در بیانی کلی، متکی به مفاهیم ارزشی و ضرورتی است که فرد، برای دستیابی به «تأیید خود، توسط خود» و «تأیید خود، توسط دیگران»، در خود احساس می‌کند و براساس آن، می‌کوشد «دارای ارزش» باشد و از آنچه ضدارزش به‌نظر می‌رسد، دوری گزیند. اثرگذاری فرایند ارزشی کنترل کج‌روی در مواردی موجب می‌شود که فرد — به‌هر دلیل — گزینه‌های کج‌روانه را «مهم‌تر» از برآمدن «نیاز به احترام» می‌بیند. فرایند این اثرگذاری به‌شرح زیر است:

فرد، نیازمند این است که «ارزشمندی» خود را از دست ندهد؛ جامعه به او می‌آموزد که چگونه می‌توان «ارزشمند» بود و «ارزشمند» ماند؛ گاهی با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که نیاز به «ارزشمندی» را — دست‌کم به‌طور موقت — به گزینه‌ای برتر تبدیل کند؛ در چنین موقعیتی، جامعه تدابیری را اتخاذ می‌کند که فرد، همچنان به خود بیاوراند که «ارزشمند» ماندن، بهتر است (پیش از کج‌روی)؛ بپذیرد که مرتکب «ضدارزش» شده است (پس از کج‌روی). به‌بیان دیگر، در کنترل ارزشی، نیاز به «ارزشمندی» در فرد تقویت می‌شود؛ یا به ارزشیابی مثبتی که درباره خود دارد، حمله می‌شود. تدبیر نخست سبب می‌شود که فرد، در موارد تعارض

شناختی، اولویت را به حفظ این شناخت و برآوردن این نیاز بدهد (از رفتارهای کج روانه، دوری کند)؛ و تدبیر دوم، با برانگیختن و مطرح کردن دوباره نیاز به «احترام» یا با ایجاد احساس گناه یا اضطراب، فرد را از ادامه مسیر پیشین، باز می‌دارد (داوری و سلیمی، ۱۳۹۱: ۵۱۵).

۱-۵-۱. کنترل عاطفی^۱

روانشناسان، عواطف را احساسات و هیجان‌های مرتبط با عناصر وابستگی و تعلق و مهر و محبت می‌دانند؛ در تعابیر دیگر، «عاطفه» به انواعی از گرایش‌های انسانی گفته می‌شود که براساس تمایل به حفظ و بقای زندگی جمعی و تعلق به غیر، شکل می‌گیرد و توجه انسان را آگاهانه، از «خود» دور و به «غیر» معطوف می‌کند. به این ترتیب، غریزه در نقطه مقابل آن قرار داده می‌شود، زیرا دربردارنده امیال و کشش‌های ضامن حفظ و بقای حیات فردی است؛ عناصری مانند شرم، خجالت، سرافکندگی، گناه، و حتی تکبر که سهم مهمی در مهار رفتار فرد دارند و آگاهانه یا ناخودآگاه— او را وامی‌دارند که رفتار و حتی افکارش را به سمت و سویی که خود متوجه آن است، هدایت کند. در عین حال، از آنجاکه عواطف انسانی بیشتر در بستر کنش متقابل اجتماعی و در پیوند و رویارویی با افراد دیگر شکل می‌گیرد، فشار آن‌ها نیز وی را به مسیری رهنمون می‌شود که عموماً به لحاظ اجتماعی قابل قبول است (صدیق اورعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱-۵-۲. کنترل ماورای طبیعی^۲

در سازوکار درونی این نوع کنترل، ضمانت اجرا، باور افراد به وجود اراده و نیروی تنبیه‌گر و پاداش‌دهنده‌ای است که در جهان پس از مرگ، یا در همین جهان، آنان را به پاداش یا مکافات عملش می‌رساند. این باور، اثرات کارکردی خود را از جمله در جمع با آثار متغیرهای زیر به دست می‌آورد: باور به وجود جهان پس از مرگ و زندگی انسان در آن؛ باور ممکن بودن عذاب یا محرومیت از

1. Emotional Control

2. Natural Supra Control

نعمت‌ها و برخورداری‌های آن‌جهانی (خواه در این جهان و خواه در آن جهان). این عنصر سبب می‌شود که فرد، خود را با احتمال برآورده نشدن انواع نیازهای «جسمی»، «ایمنی»، و «خودشکوفایی» در زندگی آن جهان مواجه ببیند. وابستگی عاطفی به موجودات فراطبیعی و این باور که رفتارهای نادرست، او را در هر دو جهان از آنان دور می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۷-۵۱۵)، سبب پرهیز او از رفتارهایی می‌شود که این محرومیت‌ها را در پی دارند.

۲. پیشینه پژوهش

متولی‌زاده نایینی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات و روایات؛ با تأکید بر تعاون و حمایت» به این نتیجه رسیده است که برقراری وفاق، نظم، و همبستگی در امت اسلامی و ایجاد پیوند میان افراد و جامعه از مهم‌ترین مسائل موردتوجه در آموزه‌های قرآن است.

محمدی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «باورهای مؤثر بر هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم» به این نتیجه رسیده است که رفتارهای اعضای سازمان، نقش مهمی در موفقیت و شکست سازمان‌ها دارد. اهمیت این نقش، بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران را ترغیب کرده است که در مورد هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی پژوهش کنند. با توجه به محوریت انسان در رفتار سازمانی و مدیریت، ضروری است که در جوامع اسلامی که افراد از باورها و ارزش‌های اسلامی پیروی می‌کنند، با رویکرد اسلامی به رفتار سازمانی نگریسته شود. این پژوهش در پی آن بوده است که با کندوکاوی در آیه‌های قرآن کریم، باورها و ارزش‌هایی را که در هدایت و کنترل رفتار سازمانی مؤثر هستند، شناسایی کند.

اورعی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم» انجام داده است. در این پژوهش آمده است که دین اسلام، برنامه‌جامعی برای کنترل و پیشگیری از کج‌روی دارد؛ بنابراین، استخراج آموزه‌های اسلامی دراین باره می‌تواند کمک مؤثری به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی باشد. یکی از محورهای مهم دراین باره، آگاهی از دیدگاه قرآن درباره مجازات خشن است. براساس یافته‌های پژوهش یادشده،

راهکارهای کنترل خشن از دیدگاه قرآن عبارتند از: اعدام، قطع کردن دست و پا، قطع کردن دست، شلاق زدن، بازداشت، تبعید، و محدودیت در ارتباط با دیگران. این نوع مجازات‌ها برای تعداد اندکی از کج‌روی‌ها و در مورد کسانی اجرا می‌شود که با اختیار خود از کج‌روی باز نمی‌گردند و سایر کنترل‌های غیر خشن نیز نمی‌توانند سبب بازگشت آنان از کج‌روی شوند.

معین، افشاری، و بوستانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «کنترل و نظارت از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه و سیره نبوی(ص)» اشاره کرده‌اند که نظارت پروردگار در عالی‌ترین شکل، دقیق‌ترین کیفیت، لطیف‌ترین شیوه، و مشتاقانه‌ترین و بزرگوارانانه‌ترین صورت‌ها است. جامعه‌ای که تمایل دارد براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و در راستای تحقق اهداف اسلامی عمل کند، باید نظام‌های کنترلی و نظارتی خود را نیز با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگ و در این چارچوب اعتقادی و ارزشی طراحی کند.

آقاجانی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود با عنوان «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که به‌کارگیری انواع سیاست‌های کنترلی در رویارویی با انحرافات اجتماعی، یکی از راهبردهای اساسی قرآن کریم است. در این رویکرد، از یک‌سو دین، به‌سبب نقش محوری نظارت درونی و تأثیری که می‌تواند در ابعاد مختلف نگرشی، احساسی، و رفتاری ایجاد کند، به‌عنوان بهترین شیوه پیشگیری از کج‌روی معرفی شده است و از سوی دیگر، بر تأثیر عوامل مختلف دیگری مانند تعلیم و تربیت، الگوها و گروه‌های مرجع، قوانین اجتماعی، عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، و اقتدار حکومتی، به‌عنوان عوامل نظارت بیرونی در پیشگیری تأکید شده است، و سرانجام، از موانع پیشگیری، مانند تعارض هنجاری و تعارض ساختاری نیز سخن به‌میان آمده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش که به‌صورت تطبیقی انجام شده است، برای تحلیل آیه‌های قرآن از روش کیفی و برای کدگذاری آیه‌ها نیز از نرم‌افزار maxqda^۱ کرده است. در پایان نیز شاخص‌های استخراج‌شده از قرآن با نظریه هیرشی مقایسه شد. جامعه آماری

این پژوهش با توجه به قلمرو موضوعی آن—دربردارنده آیه‌های قرآنی و احادیث و نظریه هیرشی در مورد کنترل اجتماعی است. تأمین روایی و پایایی این پژوهش مبتنی بر روش تأمین پایایی و روایی مطالعات کیفی است که با توجه به اعتبار متن قرآن، در مورد اعتبار سندی گزاره‌ها و داده‌های انتخابی، مشکل خاصی وجود نداشت، اما با توجه به اهمیت اعتبار گزاره‌های قرآنی به لحاظ دلالت، انتخاب آیه‌های مرتبط و کدگذاری اولیه براساس فهم متن عربی قرآن و ترجمه‌های قرآن از آقایان ناصر مکارم شیرازی و محمدمهدی فولادوند انجام شد. برای تأیید موارد ترجمه‌شده، به ترجمه‌های آقایان سیدجلال‌الدین مجتبوی، سیدعلی موسوی گرمارودی، و محمدعلی رضایی اصفهانی نیز مراجعه و موارد مشکل‌دار حذف شد.

۴. یافته‌ها

قرآن کریم، برای اشاره به کج‌روی، از مفاهیم و مصادیق متنوع و مختلفی استفاده کرده است که در پژوهش حاضر با توجه به گستردگی این مفاهیم—به برخی از آن‌ها در پنج سوره نخست قرآن اشاره شده است (جدول ۱).

جدول ۱. آیه‌های مربوط به کنترل اجتماعی در پنج سوره آغازین قرآن کریم

سوره و شماره آیه	مفاهیم و مصادیق	متن آیه و ترجمه
الفاتحه/۷	گمراهی	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ همانان که نه درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان.
البقره/۸	نفاق	وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَاكُومُ الْآخِرَ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ و برخی از مردم می‌گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند.
البقره/۱۶	ضلالت: گمراهی	أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبَّحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ همین کسانی که گمراهی را به [بهایی] هدایت خریدند، در نتیجه دادوستدشان سود [ی به‌بار] نیاورد و هدایت‌یافته نبودند.
البقره/۲۷	فساد	الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند و در زمین به فساد می‌پردازند، آنانند که زیانکارانند.
البقره/۲۶	فسق: نافرمانی	وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ و جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند.

۳۹/ البقره	کفر	وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و [الی] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنانند که اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.
۵۸/ البقره	خطیئه: گناه	وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ و [نیز به یاد آرید] هنگامی را که گفتیم: «بدین شهر درآیید، و از هرکجای آن خواستید، فراوان بخورید، و سجده کنان از در [بزرگ] درآیید، و بگویید: [خداونداه] گناهان ما را بریز، تا خطاهای شما را ببخشاییم، و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود.
۶۱/ البقره	تعدی: (از حد گذراندن)	وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبِ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند، چراکه آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند. این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند.
۸۱/ البقره	سئیه: بدی	بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَخَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ آری، کسی که بدی به دست آورد، و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار خواهند بود.
۱۶۹/ البقره	سوء: بدی فحشاء: زشتی	إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسَّوِّ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد، و [وامی‌دارد] تا بر خدا، چیزی را که نمی‌دانید برینداید.
۱۸۷/ البقره	خیانت به خود	عَلِمَ اللَّهُ أَنَكُمْ كُنتُمْ تَخَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ... خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت.
البقره/ ۱۸۸	رشوه	وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ و اموالتان را میان خودتان به‌ناروا مخورید، و [به‌عنوان رشوه قسمتی از] آن را به قضات مدهید، تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، درحالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید.
البقره/ ۱۹۰	اعتداء: (از حد گذراندن)	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَتَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، و [الی] از اندازه درنگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.
البقره/ ۱۹۵	خودکشی	وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.
البقره/ ۱۹۷	فسق	وَلَا فَسُقْ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ در اثنای حج، گناه و جدال [روا] نیست.
البقره/ ۲۱۷	ارتداد: برگشت از دین	وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فِيمَتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و کسانی از شما که از دین خود برگردند و درحال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.
البقره/ ۲۶۴	ریاکاری	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. به‌دست

		آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.
البقره/ ۲۶۷	خبیث	وَلَا تَتِمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید.
البقره/ ۲۶۸	فحشاء: زشتی	الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد و [الی] خداوند از جانب خود به شما وعده آموزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست.
البقره/ ۲۷۶	رباخواری	يَمْحَقِ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ خدا از [برکت] ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.
آل عمران/ ۱۹	بغی(حسد)	إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ درحقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند، مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد؛ آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت و هرکس به آیات خدا کفر ورزد، پس [بداند] که خدا زودشمار است.
آل عمران/ ۱۱	ذنب: گناه	كَذَابَ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ [آنان] به شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند، آیات ما را دروغ شمردند؛ پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت، و خدا سخت کیفر است.
آل عمران/ ۳۰	سوء: بدی	يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخْصَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُخَذَّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْغِيَاةِ روزی که هرکسی آنچه کار نیک به‌جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود. و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [درعین‌حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است.
آل عمران/ ۹۹	ممانعت از مسیر خداوند	قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا بازمی‌دارید و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهید؟» و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست.
آل عمران/ ۱۰۴	منکر	وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.
آل عمران/ ۱۱۸	خیال: (نابکاری)	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْمُرُكُمْ بِحَالًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] هم‌راز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند.
آل عمران/ ۱۳۷	دروغ‌گویی	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ قطعا پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است؛ پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.
آل عمران/ ۱۷۹	خبیث	مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ... خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید، واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند.
آل عمران/	بخل	وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمْ مِنَ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و کسانی که بخشنده نیستند، از آنچه خداوند از فضل خود بر آن‌ها می‌بخشد، بدتر است؛ بلکه بدتر است؛ آن‌ها را طوق خواهد کرد؛ و خداوند میراث آسمان و زمین است و خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است.

۱۸۰		و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به‌زودی آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.
النساء/ ۲	حبیب؛ حوب (گناه بزرگ)	وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدَلُوا الْخَيْبَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ خُوبًا كَبِيرًا و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، و [مال] پاک و [مرغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا درحقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرومی‌برند، و به‌زودی در آتشی فروزان درآیند.
النساء/ ۱۴	عصیان و تعدی از حدود	وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ و هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است.
النساء/ ۱۵	زنا	وَاللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِّنكُمْ فَإِنِ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ تَيَوَّغُنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُخْلَعَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید، پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.
النساء/ ۱۷	سوء: گناه	إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به‌زودی توبه می‌کنند. اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است.
النساء/ ۲۲	فاحشه؛ زشتکاری	وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند، نکاح نکنید، مگر آنچه پیش‌تر رخ داده است، چراکه آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بدراهی بوده است.
النساء/ ۲۷	انحراف بزرگ	وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند، می‌خواهند شما دست‌خوش انحرافی بزرگ شوید.
النساء/ ۲۹	خودکشی	وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است.
النساء/ ۵۰	دروغ بستن بر خداوند	انظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ببین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند. و بس است که این، یک گناه آشکار باشد.
النساء/ ۷۹	سیئه: بدی	مَا أَصَابَكُم مِّنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكُم مِّنْ سَيِّئَةٍ فَمِن نَّفْسِكُمْ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا هرچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد، از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از خود توست و تو را به پیامبری، برای مردم فرستادیم، و گواه بودن خدا بس است.
النساء/ ۹۳	قتل عمد	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمَّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا و هرکس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.
النساء/ ۱۰۵	خیانت	إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته،

		داوری کنی، و زنهار جانبدار خیانتکاران مباح.
النساء/ ۱۱۱	اثم: گناه	وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ غَلِيمًا حَكِيمًا و هر کس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زبان خود مرتکب شده، و خدا همواره دانای سنجیده کار است.
النساء/ ۱۱۲	خطیئه: اثم: گناه	وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی گناهی نسبت دهد، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.
النساء/ ۱۲۸	ناسازگاری شوهر	وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح یا یکدیگر، به آشتی گرایند که سازش بهتر است.
النساء/ ۱۶۷	مانع از راه خدا	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا بی تردید، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند.
المائدة/۳۳	محاربه با خدا و پیامبر(ص) فساد	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ سزای کسانی که با [دوست‌داران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.
المائدة/۳۸	دزدی	وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به‌عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، و خداوند توانا و حکیم است.
المائدة/۶۲	حرام‌خواری؛ اثم: تعدی	وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرام‌خواری خود شتاب می‌کنند. واقعاً چه اعمال بدی انجام می‌دادند.

قرآن کریم، راهبردهای کنترل کج‌روی را از مرحله هنجارگذاری آغاز کرده و سپس، «نظارت» درست و کامل بر اجرای آن را مدنظر قرار داده است. این نظارت به دو شکل نظارت مستقیم خداوند با ابزارهای مختلف —به‌عنوان حاکم بر کنش‌های انسان— و لزوم نظارت انسان‌ها بر کنش‌های یکدیگر، انجام می‌شود. از دیدگاه قرآن کریم، افزون‌بر جعل هنجارهای مناسب و قابل دفاع، یکی از شرط‌های اساسی کارآمد شدن این نظارت، «مقبولیت ناظران و حاکمان و قدرت آنان بر تنبیه کج‌روان» است. با توجه به اینکه یکی از ابزار کنترل کنش‌های کج‌روان انسان، تنبیه و مجازات است، قرآن کریم با تعیین مجازات‌های مختلف دنیوی و ماورای طبیعی برای کج‌روان، سعی در کنترل کنش‌های کج‌روان آنان دارد. سایر راهکارهای ارائه‌شده از دیدگاه قرآن در این باره، عبارتند از: «نظارت خانواده بر کنش‌های اعضای آن»، «انتخاب کارگزاران و مدیران کاردان و شایسته»، «حمایت

اجتماعی و حمایت از قربانی کج روی». همچنین، قرآن برای بازگرداندن کج رو از راه کج، استفاده از راهکارهای «جامعه پذیری دوباره»، «کنترل ارزشی»، «کنترل عاطفی»، و مجازات اقتصادی را پیشنهاد می کند، و سرانجام، برای کسانی که با این روش ها قابل اصلاح نیستند، مجازات فیزیکی (تنبیه بدنی) را به عنوان آخرین مرحله، مطرح می کند.

جدول ۲. عناصر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

چهار متغیر کنترل کننده رفتار از نظر هیرشی	مفاهیم و مصادیق	یافته ها
دلبستگی	دلبستگی منسوب به احساسات و علایقی است که یک شخص به دیگران دارد. وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط، و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه هایی است که فرد، خود را از این طریق به جامعه پیوند می دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می شود که او نگران به خطر افتادن روابط اجتماعی خود نباشد؛ برای مثال، امکان دزدی یا خودکشی فرد مجرد، بیشتر از فرد متاهل است و این امر به دلیل پیوندهای اجتماعی و وابستگی های شخص متاهل است.	هیرشی بر این نظر است که هنگامی که این تقیدات، تعلقات، و تعهدات ضعیف، و در نتیجه، پیوند افراد با جامعه سست شود (احتمال کج روی) بیشتر خواهد بود.
تعهد	افراد هر جامعه ای به منظور دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، وقت و انرژی خود را صرف می کنند و به فعالیت های متداول زندگی متعهد هستند؛ از این رو، به منظور حفظ موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده اند، مرتکب رفتارهای مجرمانه نخواهند شد.	
درگیری (مشارکت)	عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت، در نقش ها و فعالیت های اجتماعی است. مشارکت در فعالیت های اجتماعی و امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، و... هستند، کمتر فرصت هنجارشکنی پیدا کرده و وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارند، اما اشخاصی که در فعالیت های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری برای انجام رفتارهای مجرمانه می یابند؛ به همین دلیل، آسیب شناسان اجتماعی معتقدند، افزایش سال های تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن امکانات ورزشی، باعث کاهش بزه کاری در میان جوانان می شود.	
اعتقاد (باور)	آخرین مؤلفه نظریه پیوند اجتماعی، اعتقاد یا باور است. هیرشی بر این نظر است که به هر میزان که اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی ضعیف تر باشد، احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه توسط او بیشتر خواهد بود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی ای را برای هم نوابی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود متصور نیست.	

هیرشی، مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی سازی ترجیح می دهد، چون وابستگی را می توان مستقل از رفتار انحراف آمیز اندازه گیری کرد، ولی درونی سازی را نمی توان این گونه سنجید. تعهد، جزء عقلانی رعایت هنجارها و به معنای ترس از رفتار قانون شکنانه است. هنگامی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می افتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه گذاری پیشین خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر بگیرد. چنانچه فرد توانسته باشد آوازه مثبتی از خود بر جای بگذارد، تحصیلات ارزشمندی به دست آورد، خانواده حمایت کننده ای به وجود آورد، یا اعتبار و شهرتی در دنیای تجارت به هم بزند، با نقض قانون، ضرر هنگفتی را متحمل خواهد شد. مجموعه های اجتماعی ای که فرد در سرتاسر عمر خود انباشت می کند، نشان دهنده ضمانت دادن به جامعه است که این فرد به ارزش های متعارف، متعهد است. او با نقض قانون، چیزهای بیشتری را از دست می دهد. نه تنها فرد با چیزهایی که به دست آورده است، به رعایت هنجارها متعهد می شود، بلکه حتی امید به دست آوردن دارایی به شیوه های متعارف می تواند تعهد او را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند. در مقابل، کسی که رفتاری می کند که چیزی ندارد که از دست بدهد.

هیرشی بر این نظر است که هنگامی که فرد، درگیر فعالیت های متعارف باشد، وقتش به حدی گرفته می شود که نمی تواند به رفتار انحراف آمیز کشیده شود. مفهوم درگیری، سرچشمه برنامه هایی با تمرکز بر فعالیت های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است.

ویژگی اعتقاد، به وجود یک نظام ارزشی مشترک در جامعه ای که هنجارهایش نقض می شوند، اشاره دارد. احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آن ها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است. هیرشی بر این نظر است که افراد، به لحاظ عمق و میزان اعتقاد با یکدیگر تفاوت دارند، و این تفاوت ها، به میزان وابستگی به نظام هایی بستگی دارد که نشان دهنده اعتقادات مورد نظر هستند. می توان نتیجه گرفت، بر مبنای این نظریه، هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر، و معتقد باشند، «پیوند» آن ها با جامعه سست تر و احتمال

کج رفتاری شان بیشتر خواهد بود. براساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، هرچه این چهار منبع ضعیف تر شوند، تعهدات افراد به جامعه کمتر شده و ضعف تعهد سبب رفتار انحرافی می شود (Vazsonyi, 2010: 564).

جدول ۳. وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه های هیرشی و آموزه های قرآن در مورد کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی از منظر هیرشی	کنترل اجتماعی از منظر قرآن	وجوه اشتراک	وجوه افتراق نظریه هیرشی با قرآن
کنترل درونی و مبارزه با نفس؛ حکیمانه بودن هنجارها؛ مقبولیت دعوت کنندگان به بازگشت از کج روی؛ نظارت محسوس و نامحسوس؛ مقبولیت ناظران و حاکمان؛ قدرت ناظران و حاکمان بر تنبیه کج روان؛ پیشگیری از همنشینی با کج روان؛ نهادینه شدن نظارت همگانی (امربه معروف و نهی از منکر) در جامعه؛ حمایت از اشخاص در معرض خطر و قربانی کج روی؛ فراهم بودن زمینه پذیرش کج رو، پس از بازگشت او از کج روی؛ پاسخ مناسب به توجیه های کج روان.	کنترل از طریق چهار عنصر: وابستگی تعهد درگیری اعتقاد	وجوه اشتراک	هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی سازی ترجیح می دهد، در حالی که قرآن کریم، کنترل درونی و مبارزه با نفس را مقدمه کنترل اجتماعی دانسته است. در نظریه اول هیرشی، کنترل خود جایگاه مهمی نداشته و این در حالی است که قرآن کریم، کنترل خود را عامل مهمی برشمرده است. همچنین، هیرشی در نظریه متأخر خود، ریشه بزهکاری یا بهنجاری را کنترل خود می داند، نه کنترل اجتماعی، ولی قرآن، کنترل اجتماعی و قانون گذاری، اطلاع رسانی، کنترل ارزشی، و کنترل عاطفی را دخیل می داند؛ بنابراین، در هر دو نظریه هیرشی، وجه افتراقی وجود دارد.

نتیجه گیری

بین هنجارها و نظارت اجتماعی، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه هنجار دینی در جامعه بهتر تحقق پیدا کند (از طریق امر به معروف و نهی از منکر)، نظارت و کنترل اجتماعی بیشتر تقویت می شود و جامعه به سوی نظم اجتماعی حرکت می کند و در نتیجه، میزان جرایم کاهش می یابد. از آنجاکه داشتن باورهای درست یکی از مهم ترین ارکان اسلام است، قرآن کریم، مهم ترین کج روی ها را به این حوزه مربوط دانسته و برخی از آنها را نابخشودنی می داند. شرک به خدا یکی از این موارد است؛ بی تردید، خدا شرک را نمی بخشد و غیر از آن را برای

هرکه بخواهد، می‌بخشاید، و هرکس به خدا شرک ورزد، به یقین گناه بزرگی مرتکب شده است.

برخی دیگر از کج‌روی‌ها، به حوزه امور اخلاقی و سلامت اخلاقی جامعه مربوط می‌شوند (مانند مواردی از قبیل اشاعه فحشاء، تهمت، غیبت، منت گذاشتن، دروغ، خیانت، نقض عهد، بخل، و...) و هدف از ارائه راهکارهای کنترلی در این باره، برقراری نظام اخلاقی سالم در جامعه است. برخی دیگر از این کج‌روی‌ها، تخلف از هنجارها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و خانوادگی هستند. مواردی مانند رباخواری، دزدی، اکل مال به باطل، و رشوه، از تخلف‌های اقتصادی هستند. هدف از ارائه راهکارهای کنترلی در این حوزه، تنظیم نظام اقتصادی سالم برای جامعه است.

به لحاظ مفهومی نیز برخی از مفاهیم، به‌طور کلی، بر انواع مختلف کج‌روی دلالت دارند و به مصداق خاصی اشاره نمی‌کنند؛ مواردی از قبیل اثم، اذی، تعدی، انحراف، خبیث، خطیئه، ذنب، سوء، سیئه، ظلم، فساد، فحشاء، فسق، منکر، و... از این نوع مفاهیم هستند. همچنین، اهرم‌های کنترلی‌ای مانند حیا، ترس، ستایش و نکوهش، مراقبت، و امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش کج‌روی و هدایت شدن افراد می‌شوند. براساس نظریه کنترل اجتماعی می‌توان از متغیرهایی مانند میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی، دین‌داری جوانان، ساخت خانواده، و نظارت والدین برای تبیین آسیب‌های اجتماعی و جرم استفاده کرد. میزان حمایت عاطفی، اطلاعاتی، و مادی‌ای که فرد از دیگران دریافت می‌کند، به تقویت پیوند او با جامعه کمک خواهد کرد. دریافت حمایت و احساس وجود، منابع حمایتی یا حمایت ادراک‌شده‌ای برای تقویت دلبستگی، تعهد و باور به هنجارهای جامعه، و سرانجام کاهش انحراف و جرم خواهند بود. براساس نظریه هیرشی، این عناصر، با یکدیگر همبستگی زیادی دارند؛ به گونه‌ای که تضعیف یک عنصر، موجب ضعیف شدن بقیه عناصر خواهد شد.

هیرشی، رفتار سازشی را نتیجه پیوندهای اجتماعی قوی با جامعه می‌داند و بر این نظر است که زمانی که فرد به جامعه وابستگی دارد، به جامعه و موفقیت

علمی متعهد می‌شود، در فعالیت‌های مرتبط با جامعه درگیر می‌شود، و اعتقاد پیدا می‌کند که قوانین و سیاست‌های جامعه منصفانه هستند؛ در چنین شرایطی، احتمال انجام فعالیت‌های مجرمانه کم خواهد بود. هیرشی ادعا می‌کند که اگر همه عناصر پیوند اجتماعی سالم باشند، فرد از قوانین جامعه پیروی خواهد کرد. نظریه کنترل، بیش از سایر نظریه‌ها، بر محوریت نقش پیوند با جامعه تأکید می‌کند، ولی یکی از فرایندهایی که در قرآن برای کنترل کج‌روی مطرح شده است، امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم، نظارت بر کنش‌های اشخاصی را که به آگاهی از نظارت خداوند اهمیت نمی‌دهد، به عهده سایر اعضای جامعه گذاشته است. نظارت همگانی بر کنش‌های انسان‌ها، سبب می‌شود که شخص متخلف از هنجار، با عدم تأیید یا مخالفت شدید دیگران، به ویژه دیگران مهم، روبه‌رو شود، و حتی در مواردی، می‌تواند به از دست دادن دوستی و محبت آنان منجر شود؛ این وضعیت سبب می‌شود که شخص، منافع ازدست‌رفته را در برابر منافع حاصل از کج‌روی، با ارزش‌تر ببیند و از ادامه و تکرار کج‌روی صرف‌نظر کند. البته روش‌های اجرای این فرایند و دستورالعمل‌های اختصاصی آن، در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه مراجع تقلید، بیان شده است. بیان جزئیات احکام امر به معروف و نهی از منکر، نیازمند مراجعه به دیدگاه فقها و پژوهش مستقل فقهی است.

در این پژوهش، براساس آیه‌های قرآن، به بحث‌های کلی این فرایند، به ویژه اهمیت، جایگاه، و روش‌های آن اشاره شده است. با توجه به تأثیرگذاری همنشین بر اشخاص و اثرپذیری آنان از همنشین، قرآن کریم ضمن هشدار پیاپی در این باره، اشخاص را از همنشینی با انسان‌های کج‌رو، منع کرده و افراد مؤمن و باتقوا را به عنوان الگوهای مناسب برای همنشینی معرفی می‌کند. همچنین، قرآن، انسان‌ها را از وجود شیطان و همنشینی او با انسان، آگاه می‌کند و یادآوری می‌کند که شیطان در مواردی می‌تواند با وسوسه خود، زمینه کج‌روی را برای انسان‌ها فراهم کند. در مقایسه دیدگاه قرآن با راهکارهای مطرح شده (همان‌گونه که در جدول تطبیقی آمد) ویژگی ممتاز الگوی ارائه‌شده از دیدگاه آموزه‌های قرآن، جامع بودن آن است، درحالی‌که هیچ‌یک از تبیین‌های کج‌روی، به تنهایی با این نگرش جامع به

موضوع کنترل کج روی نپرداخته‌اند، بلکه هریک از نظریه‌پردازان با توجه به میزان شناختی که از انسان، جامعه خود، و آسیب‌های آن داشته‌اند، به تبیین محدود کج روی پرداخته و سپس، راهکارهای متناسب با این تبیین‌ها را ارائه کرده‌اند که جزء محدودیت‌های تحقیق است.

پیشنهادهای این پژوهش نیز عبارتند از:

- لزوم تلاش برای انجام پژوهش‌های نظری و پیمایشی به منظور ارائه الگویی مناسب و معرفی نتایج تحقیق به مبلغان دینی برای استفاده از مقاله‌های برگرفته از این پژوهش در سخنرانی‌ها؛
- ایجاد فرهنگ یکدست در جامعه؛
- ایجاد فرصت‌های نسبتاً برابر (کاهش تفاوت‌های موقعیتی و پایگاهی)؛
- اصلاح قوانین و ساختارها در راستای این هدف که برای کج روی پاداشی وجود نداشته باشد؛
- اجرای کامل و سالم فرایند جامعه‌پذیری، به گونه‌ای که هم جامعه‌پذیر شوند و هم دارای سلامت روان باشند؛
- فعال و مؤثر شدن فرایند کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی در جامعه؛
- رفع نیازهای فرد کج‌رو: اگر کسی نیازمند بود و برای رفع آن دست به کج روی زد، تاجایی که ممکن است، نیاز او از طریق مشروع برآورده شود. کمک و تعاونی که حکومت و همچنین، اجتماع‌های مسلمانان در نماز اعیاد اسلامی می‌توانند در این زمینه به‌عهده بگیرند، اقدامات مثبتی هستند که نقش مؤثری در درمان انحراف دارند.

منابع

قرآن کریم

ابروش، رضا (۱۳۹۱)، «بررسی سازوکارهای نظام کنترل تعاملی در سیره امام علی(ع)»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دوم، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۲۸.

آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۲)، «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۹.

حیدر کوشا، غلام (۱۳۸۹)، «کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات»، معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۶۹-۸۸.

محمدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم»، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱۳.

سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی، و آموزشی دختران دانش‌آموز سراسر کشور»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۱۹.

صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم»، اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۵، شماره ۹.

_____ (۱۳۸۶)، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، تدوین محسن طوسی، قم: دارالحديث.

متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۳۹۶)، «نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات و روایات؛ با تأکید بر تعاون و حمایت»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال نهم، شماره ۳۳.

معین، سعیدرضا؛ افشاری، نادر؛ بوستانی، زینب (۱۳۹۰)، «کنترل و نظارت از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه، و سیره نبوی (ص)»، نهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران: گروه پژوهشی صنعتی آریانان.

Brownfield, David and Marie Sorenson, Ann (2005), Self-Control and Juvenile Delinquency: Theoretical Issues and an Empirical Assessment of

- Selected Elements of a General Theory of Crime", *Deviant Behavior*, No.14, pp243-264.
- Hirschi, Travis and Gottfredson, Michael (1993), "Commentary: Testing the General Theory of Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30(1), pp 47-54.
- Regoli, Robert M, Hewitt, John D and Delisi, Matt (2009), "Delinquency in Society", Jones and Bartlett Publishers, Vol. 18, Issue 3, pp 219–343.
- Starks, H., Brown Trinidad, S. (2007), "Choose Your Method: A Comparison of Phenomenology, Discourse Analysis, and Grounded Theory", Grasmick, Harold G., Charles R. Tittle, Robert J. Bursik, Jr., and Bruce J, pp.5-29.
- Vazsonyi, Alexander T, Jenkins, Dusty D. (2010), "Religiosity, Self-Control, and Virginity Status in College Students from the Bible Belt: A Research Note", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 49 (3), 561–568.

گونه‌شناسی الگوهای ذهنی شهروندان در توسعه فرهنگی غرب کشور (مطالعه موردی استان‌های کردستان، کرمانشاه، و ایلام)

خلیل نوروزی*

احسان ملانوری شمسی**

حامد ملانوری شمسی***

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی الگوهای ذهنی توسعه فرهنگی شهروندان استان‌های غرب کشور با استفاده از روش‌شناسی کیو انجام شده است. روش پژوهش، آمیخته بوده و روش گردآوری داده‌ها کیفی، از نوع کیو است. تالار گفتمان پژوهش، دربردارنده مدیران سازمان‌های دولتی و استادان دانشگاهی مرتبط با حوزه فرهنگ بوده‌اند که در این عرصه پیشینه مطالعاتی یا زمینه‌های اجرایی‌ای در سطح استان داشته‌اند. جامعه آماری پژوهش، دربردارنده شهروندان سه استان کرمانشاه، کردستان، و ایلام است که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، تعداد ۴۹ گزاره کیو استخراج شد. در گام بعد، براساس نتایج آزمون کیو، ۶ گونه ذهنیت دینی و مذهبی، سنت‌گرا، مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)، خلاقیت‌گرا و علم‌گرا، قانون‌گرا و ملی‌گرا، و عدالت‌گرا و فردگرا شناسایی شدند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که ذهنیت مشارکت‌کنندگان در الگوهای ذهنی اول و دوم براساس دیدگاه نظریه‌پردازان نوسازی، با ویژگی‌های جوامع سنتی، همسو است و الگوهای ذهنی مشارکت‌کنندگان قرارگرفته در دسته‌های سوم و چهارم، کمتر معتقد به زیست‌بوم منطقه و متمایل به جریان‌های توسعه غربی هستند. درنهایت، یافته مهم پژوهش حاضر این است که پیگیری جریان توسعه براساس الگوهای شهرهای بزرگ کشور، نتیجه معکوسی در آن استان‌ها دربر خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، الگوی ذهنی، غرب کشور، مناطق کردنشین، سنت و مدرنیته

* استادیار دانشکده و پژوهشکده مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه امام حسین (ع)

Khalilnoruzi@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (نویسنده مسئول)

Ehsan.noori72@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق

Hmollanouri@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۳

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۶۶-۱۳۵

مقدمه

توسعه و توسعه‌یافتگی از مفاهیم رایج قرن اخیر و از بحث‌برانگیزترین و مهم‌ترین موضوعات در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی هستند. توسعه، مفهومی است که نظریه‌پردازان این حوزه آن را از آغاز دوران مدرنیته برای کشورهای مطرح کردند که دچار سطح پایین رشد اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بودند. هدف اولیه نظریه‌پردازان از طرح مفهوم توسعه، ارائه الگویی برای حرکت جوامع مختلف به سبک کشورهای توسعه‌یافته غربی بود (استرگارد^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

هریک از اندیشمندان حوزه علوم انسانی و اجتماعی به تناسب دیدگاه فکری و مکتبی خود، تعریفی از توسعه ارائه داده‌اند، ولی همه آن‌ها در این مورد توافق دارند که توسعه، تنها به معنای افزایش کمی ثروت در جامعه نیست، بلکه تغییر کیفی در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز دربر می‌گیرد. مایکل تودارو، توسعه را جریانی چندبُعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری، و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (ازکیا، ۱۳۸۱: ۸). بسیاری از جامعه‌شناسان بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در بحث توسعه تأکید دارند و آن را دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خاص توسعه می‌دانند؛ فرایندی که تجدید سازمان و سوگیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد و دربردارنده دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین، نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه که در بسیاری از

موارد، حتی عادات‌ها و رسوم، ارزش‌ها، عقاید، و ابعاد دیگر زندگی بشر را دربر می‌گیرد (گازیلو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰)، از نیازهای انسانی آغاز می‌شود تا به مسائل مربوط به زندگی معنوی انسان برسد.

همان‌گونه که از تعریف‌های توسعه پیداست، این مفهوم، نگاهی به بهبود وضعیت کنونی جامعه دارد که این بهبود و ساماندهی می‌تواند در بسترهای متفاوتی (براساس جامعه مورد مطالعه) رخ دهد. ایران، همچون کشورهای در حال توسعه دیگر، در دهه‌های اخیر در صدد دستیابی به توسعه بوده است. تاریخ نشان می‌دهد که روند توسعه و اصلاح‌طلبی در ایران، از جنبش مشروطه به این سو آغاز شد؛ هرچند با موفقیت‌های کاملی همراه نبود. در دوره سلطنت پهلوی، سران حکومت نیز در صدد بودند که جامعه ایران را، با به‌کارگیری رویه‌ای استبدادی و حرکت از بالا، وارد فرایند نوسازی کنند. آن‌ها بر این تصور بودند که با کنار گذاشتن برخی سنت‌ها و عادات‌های فرهنگی، مانند حجاب، یا وارد و جایگزین کردن ارزش‌ها و عناصر فرهنگی غربی می‌توانند درهای تمدن و توسعه را به‌روی جامعه باز کنند، اما با توجه به دیدگاه‌ها و الگوهای حاکم بر توسعه و نیز اولویت داشتن منافع مادی و صنعتی جوامع در این دوره تاریخی — که همه‌چیز را در رشد اقتصادی خلاصه می‌کرد — بنیان‌گذاران نوسازی جامعه، بدون توجه به عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر توسعه و مدرن شدن، اقداماتی را انجام دادند که پایدار نبود. با انقلاب اسلامی و پس‌از آن نیز تلاش‌هایی به‌عمل آمد تا شاید جامعه ایران، پله‌هایی از ترقی را بپیماید، اما آن‌گونه که شایسته است، موفق نبوده و هنوز به‌عنوان کشوری در حال توسعه شناخته می‌شود (دهکردی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

با وجود این، ایران در حال حاضر با اتکا به ظرفیت‌های داخلی (با وجود تحریم‌های ظالمانه) در بسیاری از عرصه‌ها، گوی سبقت را از همه کشورهای منطقه ربوده است، اما در این میان، استان‌های کردستان، کرمانشاه، و ایلام (مناطق کردنشین) به‌عنوان بخشی از کشور بزرگ ایران اسلامی، نتوانسته‌اند آن‌گونه که

1. Gazzillo

2. Dehkordi

شایسته شرایط و موقعیتشان است، در مسیر رشد قرار گیرند. آنچه در این میان بیش از هر چیزی قابل مشاهده است، بی توجهی به عنصر فرهنگ و عوامل فرهنگی و اجتماعی مثبت یا منفی موجود در بطن جامعه است که روند توسعه را تقویت یا برعکس، سد می کند؛ در حالی که توجه به این عوامل می تواند بنیان یک توسعه درونزا و مستمر را پی ریزی کند.

نظر بسیاری از برنامه ریزان و اقتصاددانان طرفدار نوسازی و توسعه این است که برای دستیابی به پیشرفت و رشد اقتصادی، باید فرهنگ بومی و سنتی را به عنوان عامل بازدارنده توسعه کنار گذاشت یا بدون توجه به ساختار سنتی جامعه، به امر توسعه و نوسازی اقدام کرد. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی الگوهای ذهنی شهروندان این سه استان در زمینه توسعه فرهنگی است. دلیل انتخاب این سه استان را می توان نقاط اشتراک فراوان فرهنگی آن ها دانست. قومیت این سه استان، کرد است و به همین دلیل، در آداب و رسوم، نوع پوشش، زبان، موسیقی، و... با یکدیگر مشترک هستند؛ البته اختلاف هایی مانند مذهب نیز بین آن ها وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. افزون بر این، نزدیکی جغرافیایی این سه استان، قرار داشتن آن ها در دهک هفتم بودجه استان های کل کشور، و در نهایت، شناسایی آن ها به عنوان «مناطق کردنشین ایران» — که نشان دهنده وحدت در میان این اقوام است — دلایل انتخاب استان های سه گانه مورد پژوهش بوده است.

سؤالات پژوهش:

۱. شهروندان استان های کردستان، کرمانشاه و ایلام در خصوص توسعه فرهنگی از چه ادراک و دیدگاهی برخوردارند؟
۲. الگوی ذهنی غالب شهروندان این سه استان در زمینه توسعه فرهنگی چگونه است؟

۱. پیشینه پژوهش

اینکلهارت و بیکر در پژوهشی با عنوان «نوسازی، تغییر فرهنگی، و پایداری ارزش های سنتی»، نقش توسعه اقتصادی را در تغییر یا دوام ارزش های سنتی

بررسی کرده‌اند. آن‌ها در این پژوهش مشخص کردند که سنت‌های فرهنگی، دارای دو وضعیت تغییرات گسترده و همچنین، پایدار هستند. به نظر این دو پژوهشگر، توسعه اقتصادی باعث می‌شود که تغییرات در ارزش‌ها، با تغییر از ارزش‌ها و هنجارهای مطلق و قطعی، به سوی ارزش‌هایی پیش برود که عقلانی، مشارکتی، و دارای همکاری بالا هستند (Inglehart and Baker, 2000).

حبیب‌پور گتایی و غفاری، در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی زنان؛ مطالعه موردی استان قم» براساس سه دسته از نظریه‌های فمینیستی، نوسازی، و سرمایه اجتماعی و از طریق روش پیمایشی، ماهیت و عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگی را در بین ۵۳۲ نفر از زنان قم بررسی کرده‌اند. آنان نشان داده‌اند که میزان توسعه فرهنگی زنان، از حد متوسط و نرمال پایین‌تر است. این پژوهشگران، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگی زنان در این استان را، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نوگرایی، و سرمایه اجتماعی مطرح کرده‌اند و بر این نظرند که ماهیت توسعه فرهنگی زنان استان قم، از نوع عامیانه است (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰).

نوابخش و کریمی، در پژوهشی با عنوان «موانع فرهنگی توسعه سرمایه‌داری در شیراز»، با به‌کارگیری دیدگاه ماکس وبر و از طریق روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه، نشان داده‌اند که در جامعه مورد مطالعه، روحیه و منش سرمایه‌داری نتوانسته است رشد کند و ضعیف است؛ هرچند این منش، خود با تأثیرپذیری از ویژگی‌های فردی، اجتماعی، و فرهنگی افراد، تغییرپذیر است. جامعه آماری این پژوهش، سرپرستان خانوار شهر شیراز به تعداد ۲۲۵ هزار نفر بودند که ۴۳۶ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه، مشخص شده و در نهایت، نمونه‌ها با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و روش تصادفی منظم انتخاب شده‌اند.

این پژوهشگران، بر این نظرند که برخی از مؤلفه‌های فرهنگی در راستای ایجاد روحیه و منش سرمایه‌داری و تقویت‌کننده آن و برخی دیگر، متضاد و تضعیف‌کننده آن هستند. آن‌ها شاخص‌هایی مانند میزان تحصیلات، کنش عقلانی، سطح درآمد، منزلت اجتماعی بالا، و حسابگر بودن افراد را به عنوان شاخص‌های

تقویت‌کننده و موافق این روحیه، و مؤلفه‌هایی مانند کنش سستی و متعصبانه، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح سواد، و دین‌دار بودن را در تضاد و تضعیف‌کننده منش و روحیه یادشده می‌دانند (نوابخش و کریمی، ۱۳۸۷).

افشار سیستانی، در مقاله‌ای با عنوان «بازدارنده‌های فرهنگی توسعه در استان ایلام» ضمن اشاره به توانمندی‌ها و پیشینه فرهنگی-تاریخی استان ایلام، به بررسی و تعیین برخی از موانع فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه در این استان پرداخته است؛ موانعی مانند یورش فرهنگی، میزان سواد، وضعیت بهداشتی-درمانی، وضعیت آموزش عالی، مرز خاکی طولانی با کشور عراق، و ناآگاهی فرهنگی (افشار سیستانی، ۱۳۸۳).

کرمی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موانع فرهنگی توسعه در نظام ارزش‌ها» تلاش کرده است با به‌کارگیری دیدگاه‌های مرتبط با توسعه‌نیافتگی، موانع فرهنگی توسعه در حوزه نظام اعتقادی و ارزشی جامعه ایلام را مشخص کند. مهم‌ترین این موانع عبارتند از: خردگریزی، فردگرایی، تقدیرگرایی، قطعی‌نگری، گذشته‌گرایی در برابر زمانه آگاهی و آینده‌نگری، خویشاوندسالاری، پیرسالاری، دنیاگریزی، ضعف انگیزه پیشرفت، و بحران هویت، که هر یک از این موارد می‌توانند سد محکمی در مسیر توسعه جامعه باشند و باید شکسته شوند تا این مناطق در مسیر واقعی توسعه قرار گیرند (کرمی، ۱۳۸۳).

۲. چارچوب نظری

نظریه‌هایی که در این مقاله به‌کار رفته‌اند، نظریه‌های حوزه نوسازی اجتماعی و روانی و حاصل تلفیق نظریه‌های تالکوت پارسونز^۱، دانیل لرنر^۲، اینکلس و اسمیت^۳، دیوید مک‌کله‌لند^۴، اورت هیگن^۵، و اورت راجرز^۶ هستند. همه این

-
1. Talcott Parsons
 2. Daniel Lerner
 3. Inkeles and Smith
 4. David McClelland
 5. Everett Hagen
 6. Everett Rogers

متفکران، در قالب مکتب‌نوسازی به بحث توسعه جوامع توجه کرده‌اند. طرفداران این مکتب، بر این نظرند که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای‌های نو سازی کرد. پارسونز در مورد بحث نو سازی و تطور جوامع بر این نظر است که ما «می‌توانیم تمام انواع رفتارهای اجتماعی را بفهمیم و طبقه‌بندی کنیم، به شرط اینکه بتوانیم طبقه‌بندی ارزش‌هایی که انسان‌ها را در انتخاب کنش‌هایشان هدایت می‌کنند را به‌دست آوریم» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۹۵).

۲-۱. طرفداران دیدگاه الگوهای ارزشی

پارسونز در نظریه کنش خود، الگوهای ارزشی را مدنظر قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که این الگوها براساس روابطشان با شیوه‌های سه‌گانه جهت‌گیری، دسته‌بندی می‌شوند. کنش با شیوه‌های شناختی، عاطفی، و ارزش‌یابانه جهت‌گیری می‌شود و طبقه‌بندی الگوها براساس این سه نوع جهت‌گیری، زمینه‌ای را برای تحلیل کنش فراهم می‌کند (Parsons and Shils, 1962: 72-73). در بحث نو سازی اجتماعی، از متغیرهای الگویی پارسونز برای تبیین مفهوم توسعه استفاده شده است. متغیرهای الگویی، روابط اجتماعی مهمی هستند که در بستر نظام فرهنگی قرار داشته و از دوام و پایداری مناسبی برخوردار هستند. او این جهت‌گیری‌های ارزشی ناظر بر کنش انسان را به‌صورت دوقطبی و تفاوت در معنایی به‌شرح عاطفی / غیرعاطفی، جمع‌گرایی / فردگرایی، خاص‌گرایی / عام‌گرایی، انتساب / اکتساب و نقش‌های اختصاصی / آمیختگی نقش‌ها، مطرح می‌کند (سو، ۱۳۹۲: ۳۱-۲۸). به‌نظر پارسونز در هر نظام اجتماعی‌ای، الگوهای ارزشی متفاوتی بر رفتار فرد در ارتباط با افراد دیگر جامعه حاکم است؛ برای مثال، در جوامع سنتی، بیشتر جنبه‌های عاطفی روابط، خاص‌گرایی، انتساب، و جمع‌گرایی غالب است و افراد تنها در قبال اطرافیان و نزدیکان خویش احساس مسئولیت و تعهد می‌کنند، درحالی‌که در جوامع مدرن و توسعه‌یافته، بیشتر الگوهای رفتاری غالب بر ارزش‌های غیرعاطفی، عام‌گرایانه، دگرخواهی، و اکتسابی تأکید دارند؛ بنابراین، فرد در برابر اطرافیان و همچنین، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و به آن تعلق دارد، احساس مسئولیت می‌کند.

۲-۲. طرفداران دیدگاه شخصیت خلاق

هیگن، اقتصاددانی است که سعی کرده است اصول روانشناسی را در نظریه توسعه اقتصادی بگنجانند. به نظر او، توسعه اقتصادی باید از منظر دیدگاه «شخصیت خلاق» بررسی شود (Hagen, 1962: 351). هیگن در کتاب خود با عنوان «درباره نظریه‌های تحول اجتماعی» تلاش کرده است خارج از روال معمول اقتصاددانان دیگر به جست‌وجوی تعریفی معقول از توسعه بپردازد و در این راستا نظریه‌های اقتصادی موجود توسعه را کنار گذاشته است. «وی با طرح این موضوع که توسعه ممکن است حاصل متغیرهای غیراقتصادی باشد، کمک کرده است تا ضربه مؤثری به اصل مفروض اشتغال خرده‌نظام اقتصادی وارد کند؛ اصل مفروضی که با عادت‌های بد تقسیم کار تحمیل شده است؛ با تقسیم کاری که ویژگی آن، عدم انعطاف و بی‌هنجاری است تا انتخاب عقلانی» (بودون، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

به نظر هیگن، «نقطه آغازین و شروع تربیت و اجتماعی شدن طفل، تأثیر قاطعی بر رفتار آینده او دارد؛ به گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش نوآوری شود. او بر این نظر است که بی‌تحولی جوامع سنتی، معلول ایجاد شخصیتی استبدادی در افراد است و بروز این شخصیت استبدادی در افراد، معلول تربیت خشک و اطاعت‌آمیز آنان در کودکی است که با تنبیه‌های سختی همراه است. برای درهم شکستن این قالب، لازم است که احساس نیاز به پیشرفت، تقویت شود» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

۲-۳. طرفداران دیدگاه تقدم فرهنگ بر نوآوری

به نظر راجرز، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی در بحث توسعه اهمیت زیادی دارند و می‌توانند مانع یا تسهیل‌کننده روند توسعه باشند. او تأکید می‌کند، برای رسیدن به توسعه و مدرن شدن، نیازمند پذیرش تغییر در ارزش‌ها و باورهای ذهنی افراد جامعه هستیم. چنانچه در این حوزه مقاومت انجام گیرد، نوسازی به تأخیر می‌افتد. «او بر این نظر است که پذیرش نوآوری، به فرهنگ بستگی دارد، زیرا در بعضی فرهنگ‌ها، نسبت به فرهنگ‌های دیگر، زمینه بیشتری برای نوآوری وجود دارد» (Rogers, 1969: 24).

«براساس دیدگاه راجرز، نوسازی جامعه یک رشد چندجانبه است که در آن شیوه زندگی سنتی و ابتدایی افراد به شیوه متحول و پیشرفته‌ای از فناوری تغییر می‌یابد» (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۴۳). او بحث «خرده‌فرهنگ دهقانی»^۱ را در مقوله نوسازی مطرح کرده و «با تأکید بر متغیرهای فردی و مربوط به نظام‌های شخصیتی افراد، به پویش‌های نوگرایی در میان روستاییان پرداخته است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

راجرز خرده‌فرهنگ دهقانی را دربردارنده انگیزه‌ها^۲، ارزش‌ها^۳، و وجهه نگرش‌ها^۴ افراد دانسته و هریک را این‌گونه تعریف می‌کند: «وجهه نظرها، همان آمادگی ذهنی و روانی‌ای است که یک فرد انسانی به‌منظور عمل کردن له یا علیه یک هدف معین به خود می‌گیرد. ارزش‌ها، همان امور مطلوب و تصورات کلی‌ای هستند که افراد جامعه طالب و خواهان آن بوده و به آن ارج می‌نهند، و انگیزه‌ها نیز عبارتند از: نیازها و علائق در مورد انواع خاصی از فعالیت‌ها که نمایانگر عدم تعادل یا عدم رضایت در مورد برخی از اهداف هستند» (ازکیا، ۱۳۷۴: ۳۵).

۲-۴. طرفداران دیدگاه جامعه‌شناختی-روان‌شناختی

لرنر، از جامعه‌شناسانی است که با رویکرد جامعه‌شناختی-روان‌شناختی به مطالعه نوسازی پرداخته است. این نظریه‌پرداز فردگرای نیمه دوم قرن بیستم، بر اهمیت زمینه‌های ذهنی و فرهنگی جوامع و نقش آن‌ها در حرکت به‌سوی توسعه تأکید دارد. «اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار می‌گیرد و متکی به این ایده است که با گسترش و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم، جریان نوسازی و تجدد به‌وقوع می‌پیوندد» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۰۸). به‌نظر او، مدرن شدن مستلزم این است که شرایط روانی و ذهنی لازم در ذهنیت افراد جامعه شکل بگیرد. وی بر این نظر است که الگوی غربی پیشروی به‌سوی جامعه

1. Subculture of Peasantry

2. Motives

3. Values

4. Attitude

نوین، از چهار مرحله پیاپی عبور می‌کند: «شه‌رنشینی»، «سوادآموزی»، «استفاده از رسانه‌ها»، و درنهایت، ادغام در «جامعه نوین مشارکتی» که توسعه اقتصادی و سیاسی را در پی دارد؛ «الگوی غربی نوگرایی، ابعاد و مراحل ویژه‌ای را نشان می‌دهد که جنبه جهانی دارند؛ به عنوان مثال، هر جا شه‌رنشینی افزایش یافته، به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده است که مردم از رسانه‌ها بیشتر استفاده کنند و هرگاه بیشتر از همیشه تحت پوشش رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی و سیاسی اوج گرفته است. الگوی غربی نوگرایی یک واقعیت تاریخی است» (محمودی و آقائی و جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۹ - ۱۲۷).

لرنر چنین نتیجه می‌گیرد که رشد در هریک از این قلمروها، رشد سایر قلمروها را تحریک می‌کند و این فرایند، جامعه را به سوی نوگرایی می‌کشاند (مولانا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰).

۲-۵. طرفداران دیدگاه بستر تغییر

اینکلس و اسمیت، دو تن از اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی هستند که به مسئله توسعه و تغییر توجه کرده و بر ابعاد روانی تغییر اجتماعی و مدرن شدن تأکید داشته‌اند. به نظر آن‌ها «هدف هرگونه توسعه اقتصادی، دستیابی به سطح مطلوبی از زندگی برای انسان است و این روند را تغییر از سنت‌گرایی به نوگرایی فردی به‌شمار می‌آورند» (Inkeles and Smith, 1974: 289) که خود، نیازمند وجود ویژگی‌ها و عادت‌های جدید و مدرن شدن است. دیوید مک‌کله‌لند، یکی از اندیشمندان حوزه مکتب روانشناسی اجتماعی، تأکید می‌کند که برخی ویژگی‌های خاص در درون جوامع توسعه‌یافته، باعث شده‌اند که این جوامع بهتر بتوانند گام در راه توسعه بگذارند. این ویژگی خاص، انگیزه موفقیت^۱ (ویروس N.A) نام دارد (McClelland, 1961: 205).

از مجموع دیدگاه‌های مطرح شده می‌توان دریافت که انسان مدرن و نوینی که در ادبیات غرب به آن اصالت داده شده است، انسانی است که از نظر ویژگی‌های روانی، ذهنی، و شخصیتی با انسان سنتی تفاوت دارد و دارای یک سری

ایده‌آل‌های ذهنی متفاوت و برپایه خرد منقطع از وحی (۱) است. به نظر آن‌ها «ویژگی برجسته انسان جدید، دو جنبه دارد: یکی داخلی و دیگری خارجی، یکی به محیط وی مربوط می‌شود و دیگری به وجهه‌نظرها، ارزش‌ها، و احساسات او. آن‌ها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی مانند شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه، و... می‌بینند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

یکی از نکته‌هایی که باید به آن توجه ویژه‌ای داشت این است که در بیشتر نظریه‌های توسعه، سنت‌ها، منکوب می‌شوند و مدرن شدن، معیار جدی‌ای برای توسعه به‌شمار می‌آید؛ درحالی‌که گذر از بسیاری از این سنت‌ها، برابر با تغییر ذات و ماهیت آن جامعه است. توسعه را نباید به‌معنای دگرگونی کامل به‌شمار آورد، بلکه باید آن را به‌معنای گسترش، تحول، و رشد در نظر گرفت، اما این مسئله، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه به‌درستی درک نشده است و همه در پی تغییراتی بنیادین و حذف سنت‌ها هستند تا بتوانند در مسیر توسعه، با سرعت بیشتری حرکت کنند؛ به‌عنوان مثال، یکی از سنت‌های جامعه ایرانی-اسلامی، توجه فراوان به خانواده به‌عنوان یک نهاد بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ درحالی‌که در مسیر مدرن شدن و مدرنیته، این مسئله یک ضدارزش به‌شمار می‌آید؛ بنابراین، اگر بخواهیم با بسیاری از معیارهای غربی در مسیر توسعه گام برداریم، دچار مشکلات فراوانی خواهیم شد. به‌همین دلیل باید به این مسئله توجه ویژه‌ای شود که لزوماً نباید تجربه غرب در مسیر توسعه را موبه‌مو اجرا کرد. به عبارت روشن‌تر، توسعه به‌معنای غربی شدن نیست.

یکی از راهکارهایی که در راستای توسعه، بدون نفی کامل ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جوامع پیشنهاد شده است، تحول در چارچوب توسعه فرهنگی است. به عبارتی در توسعه فرهنگی این امکان برای ما وجود دارد که کماکان ارزش‌ها، آداب، رسوم و سنت‌های حاکم بر جوامع را حفظ کنیم.

تعریف توسعه فرهنگی: فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی، و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورهای

شخصیتی ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است (ازکیا، ۱۳۸۱: ۲۰).

۳. روش پژوهش

این پژوهش که روش به کاررفته در آن، تلفیقی از روش‌های کیفی- کمی است، به لحاظ پارادایم، تفسیری، از نظر هدف، کاربردی، به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات اکتشافی، به لحاظ معیار زمانی، مقطعی، و از نظر روش گردآوری داده‌ها کیفی از نوع کیو است. اگر هدف پژوهشگر در یک مطالعه، سنجش افکار، نگرش‌ها، اعتقادات، ادراک‌های فردی باشد، مناسب‌ترین راهکار، مطالعه نظام‌مند ترکیبی، مانند روش کیو است (Tilen et al., 2008: 700). در این مقاله، به منظور شناسایی گزاره‌های اصلی موردنیاز برای تالار گفتمان پژوهش از دیدگاه مجموعه مدیران و استادان دانشگاهی (۷ نفر از کارکنان و مدیران سازمان‌های دولتی دخیل در امر توسعه فرهنگی با تحصیلات بالاتر از لیسانس، ۷ نفر از استادان دانشگاه دارای پیشینه مطالعات در زمینه توسعه، به روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند) و برای تحلیل داده‌های آماری از روش‌شناسی کیو، و تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. روش‌شناسی کیو، فنی است که ذهنیت افراد مورد مطالعه را می‌سنجد. درواقع، این روش، به ویژه به منظور مطالعه پیچیدگی و طبقه‌بندی مجزا و مناسب از درک مشترک مشارکت‌کنندگان در جامعه موردتحقیق یا جوامع متخصص، تعریف شده است (لاجوردی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

معمولاً روش کیو را پیوند بین روش‌های کیفی و کمی می‌دانند، زیرا ازیک سو، انتخاب شرکت‌کنندگان از طریق روش‌های نمونه‌گیری احتمالی انجام نمی‌شود، بلکه نمونه‌ها به گونه‌ای هدفمند و با اندازه‌ای کوچک انتخاب می‌شوند که آن را به روش کیفی نزدیک می‌کند و ازسوی دیگر، یافته‌ها از طریق تحلیل عاملی و به صورت کاملاً کمی به دست می‌آیند (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). تفاوت اصلی روش کیو با سایر روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، این است که در روش‌شناسی کیو، به جای متغیرها، افراد تحلیل می‌شوند (Brown, 1996). در این مقاله به منظور آشکارسازی الگوهای ذهنی، پنج مرحله مختلف طی شده است

(Watts & Steener, 2012):

- ایجاد فضای گفت‌وگو و مجموعه کیو؛
- انتخاب مشارکت‌کنندگان ارزش‌گذاری کیو؛
- مرتب‌سازی عبارت‌های کیو؛
- تحلیل داده‌های اطلاعاتی؛
- تفسیر عامل‌ها یا الگوهای ذهنی.

در نخستین مرحله باید مجموعه کیو — که دربردارنده گزینه‌های کیو است — تشکیل شود. برای تنظیم گزینه‌های کیو، لازم است که فضای گفت‌وگو ایجاد شود که دربردارنده مجموعه‌ای از نظرها و عقاید است که می‌تواند در قالب جمله‌ها و عبارت‌ها، عکس، تصویر، صدا، و فیلم بازتاب یابد. گزینه‌ها یا عبارت‌های به‌دست‌آمده باید به‌صورت خبری باشند و — براساس نظر استفنسون — به‌گونه‌ای تعیین شوند که افراد بتوانند با آن مخالف، موافق، یا بی‌نظر باشند (Pnina, 2009). در این روش، جامعه نمونه، «گزینه‌های کیو» هستند که به آن‌ها «مجموعه کیو» گفته می‌شود.

جدول ۱. معرفی شرکت‌کنندگان در مرحله شناسایی گزاره‌های کیو

گروه مصاحبه‌شوندگان	سوابق و تحصیلات	دلیل انتخاب	نگرش غالب در مورد فرهنگ	تعداد
مدیران	کارشناسی (۲ نفر)، کارشناسی ارشد (۱)؛ دارای بیش از ۱۵ سال پیشینه مدیریتی در موضوع موردپژوهش	پیشینه طولانی، فهم عمیق مسائل به‌صورت تجربی	طرفدار سنت‌گرایی	۳
	کارشناسی ارشد (۲)، دکتری (۲)؛ دارای کمتر از ۱۵ سال پیشینه مدیریتی در موضوع موردپژوهش	پیشینه مرتبط و فهم عمیق مسائل به‌صورت علمی و تجربی	طرفدار نسبی تعادل بین سنت و مدرنیته	۴
دانشگاهیان	دکتر (۴)؛ دارای بیش از ۱۵ سال پیشینه تدریس	زیست علمی و عملی با موضوع در منطقه موردبررسی	سنت‌گرا	۴
	دکتر (۳)؛ دارای کمتر از ۱۵ سال پیشینه تدریس	تسلط به مبانی نظری توسعه	غرب‌گرا	۳
مجموع افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های شناسایی گزاره‌های کیو: ۱۴ نفر				

در این گام از بین مجموعه گسترده‌ای از گزینه‌های بالقوه، تعداد مناسبی از عبارت‌ها از کل دیدگاه‌ها در مورد پیش‌برنده‌های عرصه فرهنگ انتخاب شدند و با

ارزیابی، ویرایش، حذف عبارت‌های مشابه و تکراری، و کاهش ابهام معانی، جمله‌بندی‌ها اصلاح شدند و پس از انجام روایی صوری و محتوایی گزینه کیوها، هر گزینه بر روی یک کارت نوشته شد و به این ترتیب، کارت‌ها یا نمونه کیوی نهایی، طراحی شدند. در این مرحله، یعنی انتخاب عبارت نمونه کیو، ابتدا ۷۱ عبارت برگزیده شدند که با همکاری گروه پژوهش و افراد شرکت‌کننده در تالار گفتمان و حذف گویه‌های تکراری و همسان، به ۴۹ عبارت کاهش یافتند.

پس از آن، سعی شد ۴۹ عبارت گزینش شده، به گونه‌ای واقعی نماینده تالار گفتمان باشند. هریک از گویه‌هایی که از این مرحله به دست آمد، به طور جداگانه بر روی کارت‌های هم‌شکل و هم‌اندازه نوشته شد و در نهایت، ۴۹ کارت کیو آماده شدند.

پس از آماده شدن کارت‌ها و طراحی نمودار کیو، برای اطمینان‌یابی از روایی محتوایی، افزون بر استفاده از مثلث‌سازی در فضای گفتمان، از تعدادی از اعضای هیئت علمی با پیشینه مطالعه در زمینه توسعه، تقاضا شد که با مطالعه عبارت، بررسی کنند که آیا گویه‌ها و عبارت‌ها می‌توانند به خوبی ذهنیت‌های شهروندان را در مورد پیش‌برنده‌های توسعه بسنجند؟ در این زمینه پس از انجام اصلاح‌های مورد نظر آنان، و نیز رضایت آنان از ظرفیت و قابلیت عبارت‌ها برای نشان دادن ذهنیت شهروندان، روایی عبارت‌های کیو، تأیید شد.

در گام دوم، مشارکت‌کنندگان، با طرح پرسش زیر، انتخاب شدند: «آیا همه افرادی که انتخاب می‌شوند، اطلاعات لازم را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مورد نظر دارند؟»؛ بنابراین، سعی شد که از مرتبط‌ترین افراد با موضوع مورد مطالعه، استفاده شود. در مورد تعداد افراد شرکت‌کننده، در منابع مختلف، پیشنهادهای متفاوتی مطرح شده است. برخی منابع، تعداد بین ۲۰ تا ۸۰ شرکت‌کننده را ذکر کرده‌اند و در منابع دیگری، چنین عنوان شده است که تعداد مشارکت‌کنندگان باید حداکثر نصف تعداد عبارت‌های کیو باشند؛ بنابراین، معیار قطعی‌ای برای تعیین تعداد مشارکت‌کنندگان وجود ندارد (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲). در این مطالعه پس از مشورت با صاحب‌نظران در روش‌شناسی کیو، تعداد ۲۱ نفر از

شهروندان فرهنگی از این سه استان — که از نظر پژوهشگر، اطلاعات لازم را دارند و می‌توانند درک درستی از عبارت‌های کیو داشته باشند — به صورت هدفمند در نظر گرفته شدند.

جدول ۲. معرفی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌های کیو

تعداد	دلیل انتخاب	سوابق و تحصیلات			گروه پاسخ‌دهندگان
		تحصیلات تکمیلی	دیپلم تا کارشناسی	زیر دیپلم	
۷	عضویت در یک تشکل فرهنگی مهم محله، شناسایی به‌عنوان ریش‌سفید یا جوان صاحب ایده در محله، عضو سرای محله، عضو هیئت امنای مسجد محل	۱	۵	۱	شهروندان کردستانی
۷		۲	۳	۲	شهروندان ایلامی
۷		۱	۴	۲	شهروندان کرمانشاهی
مجموع پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های کیو: ۲۱ نفر					

در گام سوم، عبارت‌های کیو، رتبه‌بندی و مرتب‌سازی شدند. در این مرحله برای جدول رتبه‌بندی عبارت‌های کیو، از توزیع شبه‌نرمال — که شکل استاندارد جدول رتبه‌بندی در روش‌شناسی کیو است — در قالب توزیع اجباری، استفاده شد؛ به این معنا که شکل و توزیع کارت‌ها از قبل مشخص شده بود و شرکت‌کنندگان را ملزم می‌کرد که مشخص کنند که هریک از عبارت‌های کیو، براساس طیف (خیلی موافقم یا خیلی مخالفم) تاچه‌حد در مورد آن‌ها صدق می‌کند (نمودار ۱). نمودار ۱ دربردارنده ۴۹ خانه است و بازه رتبه‌بندی از «۶-» برای خیلی مخالف تا «۶+» برای خیلی موافق انتخاب شده و عدد صفر (بیانگر بی‌نظر) در میانه بازه قرار گرفته است. به منظور دریافت دیدگاه مشارکت‌کنندگان، ۴۹ عبارت تدوین شده برای انجام پژوهش، بر روی ۴۹ کارت چاپ شده و از آنان خواسته شد که کارت‌ها را یک‌به‌یک مطالعه کرده و در وهله نخست، آن‌ها را در سه دسته موافق، مخالف، و ممتنع دسته‌بندی کنند. سپس، توزیع فراوانی پژوهش برای آن‌ها توضیح داده شد و از آن‌ها خواسته شد که کارت‌ها را براساس توزیع فراوانی مربوطه تکمیل کنند.

شبه‌منظور بررسی پایایی ابزار پژوهش، از آزمون بازآزمایی استفاده شد؛ به این معنا که یک هفته پس از جاگذاری کارت‌ها در نمودار کیو، از ۵ نفر از

عاملی که برای دسته‌بندی داده‌ها به کار می‌رود، متغیرهایی را جست‌وجو می‌کند که یک خانواده یا یک گروه را تشکیل دهند. در این پژوهش، برای تحلیل عاملی از روش ریاضی مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها، از روش واریمکس استفاده شده است. درنهایت، با توجه به مقدار KMO، می‌توان گفت، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. مقدار KMO و بارتلت برای داده‌های گردآوری‌شده

KMO	آماره بارتلت	df	سطح معناداری
.۷۴۳	۸۲۶٫۷	۲۱۰	.۰۰۰

در ادامه، جدول همه‌داشت (همگنی)^۱ هر نمودار کیو ارائه شده است (جدول ۴).

جدول ۴. جدول همه‌داشت نمودارهای کیو

مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی	مشارکت‌کنندگان	مقدار همگنی
۱	.۹۲	۸	.۷۳	۱۵	.۸۸
۲	.۴۶	۹	.۸۰	۱۶	.۶۵
۳	.۷۵	۱۰	.۹۰	۱۷	.۶۷
۴	.۸۷	۱۱	.۸۲	۱۸	.۷۵
۵	.۸۵	۱۲	.۸۷	۱۹	.۷۲
۶	.۵۰	۱۳	.۷۴	۲۰	.۶۹
۷	.۷۴	۱۴	.۸۹	۲۱	.۸۵

جدول همگنی نشان می‌دهد که عامل‌های شناسایی شده تاچه‌حد قادر به بیان دیدگاه مشارکت‌کنندگان هستند؛ یعنی اینکه هرچه میزان همگنی بالاتر باشد، شرکت‌کننده موردنظر ذهنیت عام‌تری در مورد موضوع دارد و درنتیجه، نقش دیدگاه‌های او در عامل‌های شناسایی شده بیشتر است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). براساس روش تحلیلی شاخص‌های اصلی و چرخش به شیوه واریمکس و با توجه به ماتریس عاملی و درصد واریانس تبیین‌شده از مجموع ۴۹ پرسش، ۶ عامل استخراج شد که این ۶ عامل روی هم ۷۶/۴ درصد کل واریانس‌های متغیرها (دیدگاه‌های مشترک شرکت‌کنندگان) را دربر می‌گیرد (جدول ۵).

جدول ۵. مقدار ویژه و درصد واریانس انباشته عامل‌های چرخیده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	۴/۳۱	۲۰/۵۲	۲۰/۵۲
۲	۲/۸۰	۱۳/۳۷	۳۳/۸۹
۳	۲/۶۹	۱۲/۸۳	۴۶/۷۳
۴	۲/۶۷	۱۲/۷۳	۵۹/۴۵
۵	۱/۸۰	۸/۵۸	۶۸/۰۴
۶	۱/۷۶	۸/۴۰	۷۶/۴۴

داده‌های جدول ۵ بیانگر این است که ذهنیت ۲۰/۵۲ درصد از مشارکت‌کنندگان در چارچوب عامل نخست و ۸/۴۰ درصد ذهنیت شرکت‌کنندگان به عامل ششم، اختصاص داشته است.

۴-۲. شناسایی ذهنیت مشارکت‌کنندگان

بر مبنای منطق روش‌شناسی کیو، هریک از مشارکت‌کنندگان، موافقت و مخالفت خود را با گزاره‌ها نشان می‌دهند؛ افرادی که میزان موافقت یا مخالفت آن‌ها به هم نزدیک باشد، ذهنیت مشابهی خواهند داشت. برخلاف روش مرسوم تحلیل عاملی که تلاش می‌کند چند متغیر را در یک سازه پنهان قرار دهد، در روش‌شناسی کیو تلاش بر این است که افراد، با توجه به نزدیکی دیدگاهشان به یکدیگر، در یک دسته قرار گیرند. یکی دیگر از خروجی‌های آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، ماتریسی است که به آن ماتریس بارهای عاملی چرخشی گفته می‌شود. این ماتریس به دو پرسش مهم پاسخ می‌دهد: نخست اینکه افراد در چند گروه قابل دسته‌بندی هستند و دوم اینکه هر فرد در کدام گروه قرار داشته و به چه افرادی نزدیک است (جدول ۶).

جدول ۶. ماتریس بارهای عاملی چرخشی درباره ذهنیت‌های شناسایی شده

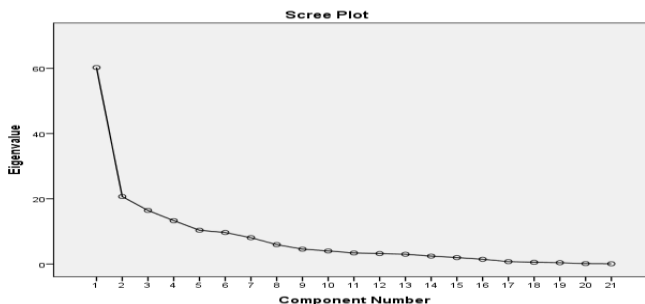
مشارکت‌کنندگان	ذهنیت					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	.۹۰	.۱۵	.۲۸	.۰۹	.۰۰۱	.۰۳
۱۲	.۸۰	.۱۰	.۲۲	.۰۵	.۰۲	.۰۴
۱۵	.۸۹	.۱۵	.۲۶	.۰۹	.۰۱	.۰۳
۲۱	.۶۵	.۳۱	.۰۱	.۵۵	.۱۶	-.۰۲
۱۶	.۵۸	.۵۰	.۱۶	.۰۵	.۱۵	.۱۱
۵	.۱۶	.۹۰	.۰۱	.۰۱	.۰۶	.۰۸

۴	۰.۲۳	۰.۸۹	۰.۰۵	۰.۰۵	۰.۰۷	۰.۱۲
۳	۰.۲۰	۰.۱۱	۰.۸۲	۰.۰۵	-۰.۰۳	۰.۰۹
۱۳	۰.۳۰	۰.۰۳	۰.۷۲	۰.۳۰	۰.۰۹	۰.۱۷
۱۱	۰.۱۷	-۰.۱۲	۰.۶۸	۰.۲۹	۰.۴۳	-۰.۲۱
۱۸	۰.۲۵	۰.۵۴	۰.۵۶	۰.۱۷	-۰.۲۲	۰.۱۰
۱۴	۰.۰۸	۰	۰.۳۹	۰.۸۰	-۰.۰۶	۰.۲۹
۱۰	۰.۱۰	۰.۰۵	۰.۳۸	۰.۷۸	-۰.۰۰۴	۰.۳۶
۹	۰.۵۲	۰.۲۰	-۰.۰۱	۰.۶۸	۰.۰۹	۰.۰۶
۶	۰.۴۲	۰.۰۹	-۰.۰۳	-۰.۵۰	-۰.۰۱	۰.۲۹
۲	۰.۳۲	۰.۰۸	۰.۳۲	۰.۳۴	۰.۲۲	۰.۲۸
۷	۰.۲۰	-۰.۳۰	۰.۰۵	-۰.۰۹	۰.۷۵	۰.۱۹
۲۰	-۰.۲۱	۰.۳۸	۰.۰۵	۰.۲۰	۰.۷۱	-۰.۰۶
۱۷	۰.۲۲	۰.۳۶	۰.۲۱	۰.۱۸	۰.۵۸	۰.۲۹
۸	-۰.۲۰	-۰.۰۰۲	۰.۱۹	۰.۱۴	۰.۲۱	۰.۷۷
۱۹	۰.۲۸	۰.۲۸	-۰.۰۵	۰.۰۸	-۰.۰۱	۰.۷۴

همان گونه که از داده‌های جدول ۶ مشخص است، مشارکت‌کنندگان شماره (۱۶، ۲۱، ۱۵، ۱۲، ۱، ۶) به طور مشترک، در گونه ذهنی نخست (عامل نخست) قرار دارند. این گونه ذهنی با اختصاص دادن امتیاز ۲۰/۵۲ به خود، بیشترین مقدار واریانس را توضیح می‌دهد. به همین ترتیب، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۵، ۴) به طور مشترک، گونه ذهنی دوم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۱، ۱۸، ۳، ۱۳) ذهنیت سوم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۱۰، ۹، ۲، ۱۴) به طور مشترک، گونه ذهنی چهارم، مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۷، ۲۰، ۱۷) ذهنیت پنجم، و مشارکت‌کنندگان شماره‌های (۸، ۱۹) به طور مشترک، تشکیل‌دهنده گونه ذهنی ششم بوده‌اند.

در روش‌شناسی کیو برای نشان دادن مهم‌ترین عامل‌ها به لحاظ میزان واریانس تبیین شده از نمودار سنگ‌ریزه استفاده می‌شود (نمودار ۲). در این مقاله، براساس واریانس تبیین شده گنجانده شده در نمودار سنگ‌ریزه، ۶ الگوی ذهنی مختلف استخراج شد. در این نمودار، عامل‌ها با مقادیر ویژه بالای یک — که نشان‌دهنده الگوهای ذهنی هستند — کاملاً مشخص شده‌اند.

نمودار ۲. نمودار سنگریزه



۳-۴. تفسیر ذهنیت‌های شناسایی شده

پس از پایان تحلیل عاملی، یعنی استخراج و چرخش عامل‌ها و به دست آمدن بارهای عاملی معنادار و عامل‌های مهم، نوبت به تفسیر دقیق عامل‌ها، یعنی تعیین معنا و تعریف آن‌ها می‌رسد. برخلاف تحلیل عاملی معمولی که پژوهشگر با مراجعه مستقیم به بارهای عاملی می‌تواند به تفسیر عامل‌ها دست یابد، در تحلیل کیو نمی‌توان به طور مستقیم از بارهای عاملی به این هدف دست یافت، زیرا بارهای عاملی، رابطه مشارکت‌کنندگان را با عامل‌ها نشان می‌دهند، درحالی‌که تفسیر عامل‌ها به محتوای عبارت‌ها وابسته است. برای تفسیر عامل‌ها و درواقع، ذهنیت‌های شرکت‌کنندگان، می‌توان از امتیاز عاملی (آرایه‌های عاملی)، آرایه‌های توافقی، و آرایه‌های متمایزکننده استفاده کرد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۷۳). امتیاز عاملی عبارت‌ها، بین محتوای عبارت‌ها و عامل‌ها پیوند برقرار می‌کند و به این ترتیب، می‌توان عامل‌ها را تفسیر کرد.

در جدول ۷، تعداد ۴۹ گزاره و امتیازهای عاملی^۱ به دست آمده برای هر ۶ الگوی ذهنی، نمایش داده شده است.

جدول ۷. امتیاز عاملی گزاره‌ها در ذهنیت‌های شناسایی‌شده

ردیف	گزاره	ذهنیت ۱	ذهنیت ۲	ذهنیت ۳	ذهنیت ۴	ذهنیت ۵	ذهنیت ۶
۱	پابندی به فروع دین و احکام شرعی	۲/۵	۱/۹۶	-۰.۴۷	-۱/۶	-۰.۴۵	-۱/۲۱
۲	گرایش به شرکت در مناسک دینی	۱/۸۸	.۷۳	-۰.۴۷	-۱/۴۹	-۰.۲۲	-۱/۲۳
۳	احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی	۲/۵۹	.۴۰	-۱/۵۰	-۱/۱۴	.۴۰	.۲۹
۴	احساس غرور ملی و رضایت از آن	.۰۲	۱/۲۴	-۰.۷۶	.۸۴	۲/۹۲	-۰.۰۲
۵	تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی	-۰.۰۹	.۴۵	.۰۸	۱/۱۸	۲/۱۸	-۲/۰۱
۶	اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه	۱/۰۹	۱/۲۲	۱/۱۵	.۱۵	.۰۳	۱/۶۰
۷	حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی	-۰.۶۸	۲/۸۳	.۷۱	.۴۱	-۰.۰۸	-۰.۷۶
۸	اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط	۱/۱۷	-۱/۲۱	۱/۴۶	.۵۴	۱/۶۷	-۰.۸۴
۹	تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری	.۸۹	۱/۲۹	.۳۳	۱/۰۷	۱/۱۱	.۱۴
۱۰	اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی	.۱۱	.۱۷	۱/۲۷	.۶۴	-۱/۳۲	.۰۱
۱۱	توجه به رعایت آداب‌ورسوم	۱/۰۳	.۲۲	-۱/۰۲	.۳۵	-۱/۴۷	.۲۰
۱۲	گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها	-۰.۶۷	-۰.۴۰	-۰.۰۳	۱.۹۶	۱/۳۰	.۰۶
۱۳	اعتماد به نفس در پذیرش مسئولیت	-۰.۲۵	-۰.۵۱	۱/۸۱	.۷۷	-۰.۴۴	-۱/۲۶
۱۴	اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان اکثر بیماری‌ها	.۶۱	-۲/۵۳	-۰.۲۲	۱/۲۷	-۱/۳۳	-۰.۰۷
۱۵	اعتقاد به اندیشیدن قبل از اقدام و عمل	۱/۰۷	.۳۱	.۱۷	۱/۰۷	.۴۳	.۸۵
۱۶	اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان در حل مشکلات جامعه	۱/۰۷	-۱/۰۴	-۱/۴۹	۱/۳۷	-۰.۲۱	-۰.۲۵
۱۷	پرهیز از رفتارهای هیجانی در امور و مسائل مختلف	.۳۶	-۰.۰۳	-۰.۰۵	.۶۴	-۱/۵۵	.۴۵
۱۸	اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها	-۰.۶۳	.۱۹	۱/۱۸	۱/۰۲	.۰۷	.۲۷
۱۹	اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری	.۵۲	-۱/۳۷	.۴۵	.۷۹	.۷۶	.۵۹
۲۰	اعتقاد به تقدیرگرایی	-۱/۱۹	۲/۳۱	-۰.۲۶	-۰.۸۰	-۰.۴۷	-۰.۴۷
۲۱	پرهیز از تعصب و پیش‌داوری در بررسی مسائل	.۳۱	.۴۳	-۰.۰۷	.۵۹	-۰.۲۵	.۲۲
۲۲	عدم دسترسی برابر افراد در فرصت‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی	۱/۵۳	-۰.۷۳	.۳۸	-۰.۳۲	-۰.۷۸	-۱/۶۴
۲۳	انتقادپذیری	.۷۴	-۱/۵۱	.۶۳	.۰۵	-۰.۵۷	.۸۱
۲۴	عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات	.۱۳	-۱/۷۲	-۰.۶۹	.۰۳	۱/۲۳	-۰.۸۸

۲۵	ترجیح افراد غریبه بر آشنایان در برقراری روابط	-۰.۹۱	-۰.۱۸	-۰.۲۱	۰.۳۵	۰.۳۶	-۱.۴۵
۲۶	پیشگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران	-۰.۳۶	۰.۷۴	-۰.۵۲	-۰.۷۹	-۰.۱۹	۱/۷۲
۲۷	رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری	-۰.۳۱	-۰.۲۴	۰.۴۲	-۰.۳۰	۰.۲۱	۰.۸۹
۲۸	اعتقاد به تلاش مسئولان در دفاع از حقوق مردم و افراد	-۱/۲۸	-۰.۷۹	۱/۵۲	-۱/۱۶	-۱/۲۳	-۱/۴۳
۲۹	شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها	-۰.۵۲	۱/۸۹	۰.۴۶	۲.۲۶	۰.۳۲	-۲/۰۵
۳۰	وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی	-۰.۵۹	-۰.۵۲	-۰.۳۰	۰.۰۷	۱/۲۰	-۱/۱۲
۳۱	اعتقاد به برنامه‌ریزی برای پیشبرد امور	۰.۴۴	-۰.۲۶	-۰.۵۵	۱/۴۹	۱/۰۹	۰.۴۸
۳۲	دلبستگی به نمادهای ملی مشترک (سرزمین، سنت‌های ملی، پرچم و...)	-۱/۳۳	۱/۰۸	-۰.۱۲	۰.۱۶	۰.۳۵	۰.۶۲
۳۳	به رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، و احترام به آن‌ها	-۰.۳۷	-۰.۰۰۲	۱/۲۶	-۰.۵۵	-۱/۳۸	۰.۵۰
۳۴	اعتقاد به پیشگویی، سحر و جادو در حل مسائل جامعه	-۱/۸۰	-۰.۷۷	-۱/۰۲	-۱/۰۲	-۱/۲۵	-۰.۸۳
۳۵	تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی در عین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی	-۰.۵۲	۰.۳۲	-۰.۷۸	۰.۵۹	۰.۹۶	-۰.۶۵
۳۶	عدم تمایل به تغییر و ریسک	-۰.۹۱	۰.۷۱	۰.۱۹	-۰.۹۹۱	-۰.۲۴	۰.۳۱
۳۷	احساس وظیفه و تلاش برای حل مشکلات مردم	-۰.۶۵	۰.۵۴	۱/۳۴	-۰.۵۳	-۰.۵۲	۰.۸۸
۳۸	رضایت از زندگی و محیط اجتماعی	۰.۱۵	-۱/۲۶	-۱/۱۶	۰.۴۳	۰.۳۶	-۰.۵۰
۳۹	وجود روحیه تعاون در میان مردم	-۱/۱۳	۰.۲۴	۰.۷۹	۰.۶۶	-۰.۷۴	-۱/۲۲
۴۰	ضرورت پس‌انداز و سودمندی تشویق یکدیگر به آن	۰.۱۹	-۰.۲۲	۰.۳۵	-۰.۸۱	۰.۱۷	۰.۴۱
۴۱	توجه به تجربه و تخصص افراد در استخدام آن‌ها	۰.۷۷	-۱.۲۱	-۰.۳۷	-۰.۲۹	۰.۶۸	۰.۹۱
۴۲	اعتقاد به پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط	-۱/۴۴	۲/۳۶	-۰.۹۸	-۱/۰۸	۰.۲۱	۱/۴۵
۴۳	عدم امکان دستیابی افراد شایسته به جایگاه‌های بالاتر	-۰.۴۴	-۰.۷۲	-۰.۶۹	-۰.۳۷	-۰.۱۸	۰.۵۳
۴۴	اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت	۱/۵۷	-۰.۰۵	-۰.۵۳	-۱/۵۳	-۰.۳۹	۰.۰۰
۴۵	تولید ثروت حلال به عنوان یک ارزش انسانی و اجتماعی	-۰.۱۲	۰.۴۶	۰.۱۵	-۰.۹۰	۰.۶۶	-۰.۳۶
۴۶	توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری برای حل چالش‌ها	-۰.۹۶	-۰.۸۲	-۰.۸۱	۱/۰۱	-۰.۰۲	۰.۴۰
۴۷	ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی	-۰.۳۳	-۰.۲۰	۰.۸۳	-۱/۳۴	-۰.۶۰	۲/۰۸
۴۸	اعتقاد به داشتن غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی	۰.۲۹	۰.۹۸	-۰.۷۰	-۱/۲۳	۰.۷۲	-۰.۱۰
۴۹	پرهیز از زهد ناصواب و ترک دنیا	-۱/۶۱	۰.۱۸	۰.۱۶	-۰.۶۹	-۰.۸۰	۰.۲۲

در گام بعدی برای تفسیر عاملی، گزاره‌های دارای امتیازهای عاملی بالای ۷/، مبنای مقایسه و تفسیر دیدگاه‌ها قرار گرفتند. در عمده مطالعات روش‌شناسی کیو، امتیاز عاملی بالای ۷/ مهم و معنادار در نظر گرفته شده است (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). با توجه به تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS و نتیجه به‌دست‌آمده از آن، درنهایت، ۶ الگوی ذهنی (دینی و مذهبی، سنت‌گرا، مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)، خلاقیت‌گرا و علم‌گرا، قانون‌گرا و ملی‌گرا، و عدالت‌گرا) شناسایی و با توجه به ماهیت گزاره‌ها نام‌گذاری شدند (جدول ۸)

جدول ۸. گزاره‌های دارای امتیاز عاملی

ردیف	گزاره	امتیاز عاملی	عنوان عامل
۱	احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی	۲/۵۹	ذهنیت دینی و مذهبی
۲	پابندی به فروع دین و احکام شرعی	۲/۵	
۳	گرایش به شرکت در مناسک دینی	۱/۸۸	
۴	اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت	۱/۵۷	
۵	عدم دسترسی برابر افراد در فرصت‌ها و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی	۱/۵۳	
۶	توجه به رعایت آداب و رسوم خانوادگی	۱/۰۳	
۷	اعتقاد به تقدیرگرایی	۲/۳۱	ذهنیت سنت‌گرا
۸	اعتقاد به پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط	۲/۳۶	
۹	تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری	۱/۲۹	
۱۰	اعتقاد به داشتن غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی	۰.۹۸	
۱۱	حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی	۲/۸۳	
۱۲	عدم تمایل به تغییر و ریسک	۰.۷۱	
۱۳	اعتمادبه‌نفس در پذیرش مسئولیت	۱/۸۱	ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا)
۱۴	اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی	۱/۲۷	
۱۵	اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها	۱/۱۸	
۱۶	اعتقاد به تلاش مسئولان برای دفاع از حقوق مردم	۱/۵۲	
۱۷	وجود روحیه تعاون در میان مردم	۰.۷۹	
۱۸	به‌رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی و احترام به آن‌ها	۱/۲۶	
۱۹	احساس وظیفه و تلاش برای حل مشکلات مردم	۱/۳۴	ذهنیت خلاقیت‌گرا و علم‌گرا
۲۰	شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها	۲/۲۶	
۲۱	گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها	۱/۹۶	
۲۲	اعتقاد به برنامه‌ریزی در پیشبرد امور	۱/۴۹	
۲۳	اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان در حل مشکلات جامعه	۱/۳۷	
۲۴	اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان بسیاری از بیماری‌ها	۱/۲۷	

	۲۵	توانایی در تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری برای حل چالش‌ها	۱/۰۱
	۲۶	اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری	۰.۷۹
	۲۷	اعتقاد به اندیشیدن پیش از اقدام و عمل	۱/۰۷
ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا	۲۸	احساس غرور ملی و رضایت از آن	۲/۹۲
	۲۹	تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی	۲/۱۸
	۳۰	اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط	۱/۶۷
	۳۱	عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات	۱/۲۳
	۳۲	وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی	۱/۲۰
	۳۳	تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی درعین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی	۰.۹۶
ذهنیت عدالت‌گرا	۳۴	ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی	۲/۰۸
	۳۵	پیگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران	۱/۷۲
	۳۶	اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه	۱/۶۰
	۳۷	رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری	۰.۸۹
	۳۸	انتقادپذیری	۰.۸۱

۴-۴. الگوی نخست (ذهنیت دینی و مذهبی)

افرادی که در قالب این الگو قرار گرفته‌اند، بر این نظرند که اگر در جامعه به احساس تعلق به فرهنگ و سبک زندگی اسلامی، پابندی به فروع دین و احکام شرعی، شرکت در مناسک دینی، اعتقاد به دعا برای حل مشکلات و بیماری‌های سخت، عدم دسترسی برابر افراد به فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، رعایت آداب و رسوم خانوادگی، بیشتر توجه شود، جامعه در مسیر توسعه فرهنگی قرار خواهد گرفت. در این الگو مهم‌ترین و معنادارترین دیدگاه‌ها درباره توسعه فرهنگی وجود دارد، زیرا بیشترین مقدار ویژه (۴/۳۱ درصد) و بالاترین مقدار واریانس تبیین‌شده (۲۰/۵۲ درصد) را از مجموع واریانس ۷۶/۴۴ به خود اختصاص داده است. در این الگوی ذهنی، ۶ گزاره، به ترتیب اهمیت امتیاز عاملی قرار گرفتند که مقدار امتیاز عاملی آن‌ها بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است.

۴-۵. الگوی دوم (ذهنیت سنت‌گرا)

اعضای تشکیل‌دهنده ذهنیت دوم، نگرش سنت‌گرایانه‌ای به بحث توسعه دارند. در این الگو عبارت‌هایی مانند اعتقاد به تقدیرگرایی، اعتقاد به پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط، تأکید بر اهمیت داشتن منافع شخصی نسبت به وجدان کاری،

اعتقاد به غیرت و تعصب در بررسی مسائل اجتماعی، حاکمیت روابط بر ضوابط در استخدام و واگذاری سمت‌های مدیریتی، و عدم ریسک‌پذیری مطرح شده‌اند. در الگوی ذهنی دوم، ۶ گزاره قرار گرفته‌اند که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۸۰، ۱۳/۳۷ درصد واریانس را به خود اختصاص دهند.

۴-۶. الگوی سوم (ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا))

مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌گرایی، صفت‌ها و ویژگی‌هایی هستند که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در الگوی سوم بر آن تأکید داشته‌اند. در این الگوی ذهنی، ۷ گزاره قرار گرفته‌اند که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۶۹، ۱۲/۸۳ درصد واریانس موضوع مورد مطالعه را به خود اختصاص دهند. این افراد بر این نظرند که گزاره‌هایی مانند اعتماد به نفس در پذیرش مسئولیت، اعتقاد به محترم بودن مالکیت مادی و معنوی، اعتقاد به اهمیت نظم در انجام امور و مسئولیت‌ها، اعتقاد به تلاش مسئولان برای دفاع از حقوق مردم، وجود روحیه تعاون در میان مردم، به رسمیت شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی و احترام به آن‌ها، احساس وظیفه، و تلاش برای حل مشکلات مردم از مهم‌ترین عواملی هستند که باید در فرایند سرعت‌بخشی به توسعه فرهنگی در نظر گرفته شوند.

۴-۷. الگوی چهارم (ذهنیت خلاقیت‌گرا و علم‌گرا)

کسانی که در این گروه قرار گرفته‌اند، به ویژگی‌های خلاقانه افراد در بحث توسعه فرهنگی توجه داشته‌اند. آنان بر این نظرند که پایه اصلی توسعه فرهنگی، توجه به علم و برخورداری از ویژگی‌های خلاقانه و نوآورانه است. افراد خلاق و علم‌گرا بر شاخص‌هایی مانند شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در واگذاری مسئولیت‌ها، گسترش زمینه‌های لازم برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادها، اعتقاد به برنامه‌ریزی برای پیشبرد امور، اعتقاد به توانایی بیشتر دانشگاهیان برای حل مشکلات جامعه، اعتقاد به کارآمدی علم پزشکی در درمان بسیاری از بیماری‌ها، توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در جامعه و نوآوری در حل

چالش‌ها، اعتقاد به ارزشمندی ابتکار و نوآوری و اعتقاد به اندیشیدن پیش از اقدام و عمل، تأکید کرده‌اند. در این الگوی ذهنی، ۸ گزاره قرار گرفته است که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۲/۶۷، ۱۲/۷۳ درصد واریانس مربوط به توسعه فرهنگی را به خود اختصاص دهند.

۴-۸. الگوی پنجم (ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا)

احساس غرور ملی و رضایت از آن، تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی، وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی، اعتقاد به حاکمیت ضوابط بر روابط، عدالت آموزشی و فرهنگی و دسترسی همگانی به امکانات، وجود قوانین حقوقی برای دفاع از حقوق شهروندی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت و منافع ملی در عین وفاداری به هویت و منافع قومی و فردی، از مهم‌ترین دیدگاه‌های مشترک معتقدان به این الگوی ذهنی هستند. در الگوی ذهنی یادشده، ۶ گزاره قرار گرفته است که توانسته‌اند با دارا بودن مقدار ویژه ۱/۸۰، ۸/۵۸ درصد واریانس مربوط به توسعه فرهنگی را به خود اختصاص دهند.

۴-۹. الگوی ششم (ذهنیت عدالت‌گرا)

مشارکت‌کنندگانی که در این الگو جای گرفته‌اند، بر این نظرند که لازمه دستیابی به توسعه فرهنگی، محور قرار دادن عدالت است. طرفداران این الگو، مواردی مانند ترجیح ارزش‌های انسانی بر ارزش‌های مادی و دنیوی، پیگیری منافع شخصی بدون آسیب رساندن به حقوق دیگران، اعتقاد به محترم بودن حقوق شهروندی برای همه، رعایت حقوق دیگران در رفتارهای اجتماعی و اداری، و انتقادپذیری را مهم دانسته‌اند. ضعیف‌ترین دیدگاه‌ها درباره توسعه فرهنگی در این الگو قرار دارند، زیرا کمترین مقدار ویژه (۱/۷۶ درصد) و کمترین مقدار واریانس تبیین شده (۸/۴۰ درصد) را از مجموع واریانس ۷۶/۴۴ به خود اختصاص داده‌اند. در این الگوی ذهنی، ۵ گزاره، به ترتیب اهمیت امتیاز عاملی، قرار گرفته‌اند که مقدار امتیاز عاملی آن‌ها بالاتر از ۰/۷ محاسبه شده است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف شناسایی الگوهای ذهنی شهروندان سه استان کردستان، کرمانشاه، و ایلام در زمینه توسعه فرهنگی با استفاده از روش‌شناسی کیوانجام شد. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در مورد توسعه فرهنگی، ذهنیت‌های متفاوتی داشته‌اند که در قالب شش گروه جداگانه دسته‌بندی شده‌اند. این گروه‌ها عبارتند از: ذهنیت دینی و مذهبی (۲۰/۵۲)، ذهنیت سنت‌گرا (۱۳/۳۷)، ذهنیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر (تعهدگرا) (۱۲/۸۳)، ذهنیت خلاقانه (۱۲/۷۳)، ذهنیت قانون‌گرا و ملی‌گرا (۸/۵۸)، و ذهنیت عدالت‌گرا (۸/۴۰) که روی‌هم‌رفته، ۷۶/۴۴ واریانس توسعه فرهنگی (دیدگاه‌های مشترک شرکت‌کنندگان) را دربر می‌گیرند.

نتایج پژوهش، بیانگر این است که از میان شش الگوی ذهنی به‌دست‌آمده، الگوی ذهنی اول و دوم (ذهنیت دینی و مذهبی) و (ذهنیت سنت‌گرا)، الگوهایی هستند که هر دو بیشترین امتیاز عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. پاسخ‌گویانی که در این دو الگوی ذهنی قرار داشته‌اند، بر این نظر بوده‌اند که رعایت مناسک دینی، آداب و رسوم خانوادگی، اعتقاد به غیرت و تعصب، توجه به خویشاوندان و افراد فامیل، و... در زندگی آن‌ها از اولویت بالایی برخوردار است. با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان حوزه نوسازی، ویژگی‌های خاص‌گرایی، تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، روحیه غیرت و تعصب، و... به جوامع سنتی و پیشامدرن مربوط می‌شوند؛ بنابراین، ذهنیت الگوهای یادشده با آنچه نظریه‌پردازان نوسازی بر آن تأکید داشته‌اند، همخوان است؛ به‌این‌معنا که ذهنیت غالب (۳۳/۸۹ درصد) مشارکت‌کنندگان، در سطح دینی و سنتی است. به عبارت روشن‌تر، می‌توان گفت، ذهنیت مشارکت‌کنندگان در مورد توسعه فرهنگی در بین این الگوها، مبتنی بر داشته‌های فرهنگی اصیل منطقه‌گردنشین است. این نگرش در برخی جوامع، مانند ایران، می‌تواند سبب استحکام بنیان‌های اجتماعی، به‌ویژه خانواده شود. نتایج به‌دست‌آمده با آنچه در مطالعات حبیب‌پور کتابی و غفاری (۱۳۹۰)، کرمی (۱۳۸۳)، و نوابخش و کریمی (۱۳۸۷)، مطرح شده‌اند — که در آن مؤلفه‌هایی مانند

کنش سنتی، دین دار بودن، در تضاد و تضعیف کننده منش و روحیه سرمایه داری و توسعه- همسو است.

در مقابل، الگوهای ذهنی سوم تا ششم (ذهنیت مشارکتی و مسئولیت پذیر (تعهدگرا)، ذهنیت خلاقانه، ذهنیت قانون گرا و ملی گرا، و ذهنیت عدالت گرا) که هر یک بخش کوچکی از ذهنیت مشارکت کنندگان را تبیین می کند، بیانگر این است که از مجموع ۷۶/۴۴ درصد واریانس نگرش در مورد توسعه فرهنگی، حدود ۴۲/۵۴ درصد در این الگوها قرار دارند. این نکته نشان می دهد که ذهنیت مشارکت کنندگان و نگرش آن ها به توسعه با استناد به نظریه های نو سازی، در مسیر مدرنیته و شیفتگی به سوی غرب قرار دارد و این مسئله خود می تواند زنگ خطری باشد برای برهم خوردن نظم حاکم بر جوامع و از بین رفتن برخی از رفتارهای اجتماعی.

مشارکت کنندگانی که در الگوهای ذهنی سوم و چهارم قرار گرفته اند، نگرش بسیار خوبی در مورد پیشرفت فرهنگی داشته اند. آن ها به ارزش هایی مانند حس تعهد، مشارکت، و نوآوری توجه داشته اند که بیانگر ویژگی هایی است که بسیاری از اندیشمندان حوزه نو سازی این روحيات و ویژگی ها را خاص جوامع توسعه یافته می دانند و با مطالعات اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰) همسو است، اما الگوهای ذهنی پنجم و ششم، روی هم رفته پایین ترین درصد (۱۶/۹۸) را به خود اختصاص داده اند. نگرش پاسخ گویان در مورد توسعه، در الگوهای سوم تا ششم با الگوهای اول و دوم، تفاوت زیادی دارد؛ به گونه ای که در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند.

با توجه به بافت فرهنگی مردم این سه استان و پابندی فراوان آن ها به دین و مذهب، سنت ها، و آداب و رسوم، انتظار می رفت که نگاه مثبتی به مدرنیته نداشته باشند. این مسئله از جنبه های بسیاری مثبت است و اتفاقاً باید مورد تأکید و توجه بیشتری قرار گیرد.

پابندی مردم این سه استان به خانواده و روابط خویشاوندی بسیار مثبت است، اما اعتقاد به تقدیرگرایی، پایمال شدن حقوق افراد بدون روابط، تأکید بر

اهمیت داشتن منافع شخصی و نادیده گرفتن وجدان کاری و مسائلی از این دست، مشکلات و موانع بسیار جدی این سه استان در مسیر توسعه فرهنگی هستند که باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای حل آن‌ها انجام شود.

بافتار فرهنگی این سه استان در رویارویی با پدیده توسعه با نوعی مقاومت مثبت همراه است. تأکید بر حفظ سرمایه‌های فرهنگی، ضمن حرکت عقلایی و هدفمند به سوی تعاملات فرهنگی، وجه مشترک غالب است، اما در کنار این رویه کلی، جوانان بیشتر به سوی غرب گرایش دارند و دوست دارند غربی زندگی کنند و دلیل عقب‌ماندگی را تداوم سنت‌های قدیمی و دست‌وپاگیر در مناطق کردنشین می‌دانند؛ درحالی‌که برخی از آنان موتور پیشرفت منطقه کردنشین را در عدم عقلانیت خلاصه می‌کنند.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ سوم، تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، تهران، نشر کلمه.
- _____ (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ چهارم، تهران: نشر کیهان.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۳)، «بازدارنده‌های فرهنگی توسعه در ایلام»، مجموعه مقالات همایش ملی موانع فرهنگی توسعه با نگاه به ایلام.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۶)، خط‌مشی‌گذاری عمومی برای تقویت و تثبیت فرهنگ توسعه در ایران، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- بودون، ریمون (۱۳۸۹)، ارزیابی انتقادی نظریه‌های تغییر اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: نشر علمی.
- حبیب‌پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، «توسعه فرهنگی زنان (مطالعه موردی استان قم)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۲، صص ۷۷-۹۶.
- خوشگویان‌فر، علیرضا (۱۳۸۶)، روش‌شناسی کیو، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما.
- دانایی‌فرد، حسن؛ حسینی، سید یعقوب؛ شیخها، روزبه (۱۳۹۲)، روش‌شناسی کیو: شالوده‌های نظری و چارچوب انجام پژوهش، تهران: انتشارات صفار.
- سو، الوین‌ی (۱۳۹۲)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، چاپ ششم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرمی، سید نظر (۱۳۸۳)، «بررسی موانع فرهنگی توسعه در نظام ارزش‌ها»، مجموعه مقالات همایش ملی موانع فرهنگی توسعه با نگاه به ایلام.
- لاجوردی، سمانه؛ رحیم‌نیا، فریبرز؛ مرتضوی، سعید؛ کردنائیچ، اسدالله (۱۳۹۵)، «کاربرد روش کیو در شناخت الگوهای ذهنی: ارزش‌گذاری عوامل بهره‌وری منابع انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی»، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۲۸-۵.

مولانا، حمید (۱۳۸۷)، گذر از نوگرایی؛ ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه یونس شکرخواه، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

میرک‌زاده، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۵)، «نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه نسبت به آینده شغلی خود»، پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۳۸، صص ۲۹-۱۸.

نوابخش، مهرداد؛ کریمی، مجیدرضا (۱۳۸۷)، «موانع فرهنگی توسعه سرمایه‌داری در ایران (مطالعه موردی شهر شیراز)»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۶.

محمودی، ایرج؛ آقائی، هادی؛ جعفری، عطاله (۱۳۸۹)، «جهانی شدن صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و راهبردهای فرهنگ مصرف ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، شماره ۸.

- Brown, S.R. (1996), "Q Methodology and Qualitative Research", *Qualitative Health Research*, 6(4), 561-567.
- Hagen, Everett E. (1962), *On the Theory of Social Change*, Howewood: The Dorsey Press Inc.
- Inglehart, Ronald and Wayne E. Baker (2000), "Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values", *American Sociological Review*, Vol.65, NO.1, pp.19-51.
- Inkeles, Alex and Smith, David H. (1974), *Becoming Modern*, Cambridge: Harvard University Press.
- McClelland, David C. (1961), *The Achieving Society*, New York: The Free Press.
- Pnina, S. (2009), "Using Q Method in Qualitative Research", *International Journal of Qualitative Method*, 8(1), 93-97.
- Parsons, Talcot and Edward A. Shils (1962), "Values, Motives and Systems of Action", in: Parsons, Talcot and Edward A. Shils (eds), *Toward a General Theory of Action*, Cambridge: Harvard University Press, pp.47-109.
- Rogers, Everett M. (1969), *Modernization Among Peasants: The Impact of Communication*, New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc.
- Tielen, M., vanStaa, A.L., Jedeloo, S., vanExel, N.J.A., Weimer, W. (2008), Q Methodology to Identify Young Adult Renal Transplant Recipients at Risk for Nonadherence. *Transplantation*, 85(5), 700-706. doi:10.1097/tp.0b013e318166163e.

- Watts, S. and P. Stenner (2012), "Doing Methodology: Theory, Method and Interpretation", *Qualitative Research in Psychology*, No.2, pp. 67-91.
- Stergaard, Poul Alberg, Neven Duic, Younes Noorollahi, Hrvoje Mikulcic, and Soteris Kalogirou (2020), *Sustainable Eevelopment Using Renewable Energy Technology*, pp.2430-2437
- Gazzillo, Francesco, Ramona Fimiani, Emma De Luca, Nino Dazzi, John T. Curtis, and Marshall Bush (2020), "New Developments in Understanding Morality: Between Evolutionary Psychology, Developmental Psychology, and Control-mastery Theory", *Psychoanalytic Psychology*, Vol.37, No. 1, p. 37
- Dehkordi, Sara Reisi, Marina Ismail, Norizan Mat Diah, and Lusiana Syaiful (2019), "A Case Study on Design Considerations for Motion Interaction Game Focusing on Children with Developmental Disability in Iran", In: *IEEE 9th Symposium on Computer Applications & Industrial Electronics (ISCAIE)*, pp. 177-181.

شناسایی و اولویت‌بندی موانع و تبیین الگوی ساختاری-تفسیری توسعه گردشگری ورزشی ایران

زهرا کیوانی هفشجانی*

علی محمد صفانیا**

محمد پورکیانی***

محسن باقریان فرح‌آبادی****

چکیده

لزوم توجه به افزایش درآمدزایی در کشور و اهمیت و جایگاه گردشگری ورزشی در این زمینه، توجه به این مهم را بیش‌ازپیش ضرورت می‌بخشد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی موانع و آشنایی با الگوی ساختاری-تفسیری موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی ایران است. این پژوهش که با رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) انجام شده است، در بخش کیفی از نوع اکتشافی و در بخش کمی به‌صورت پیمایشی است. جامعه آماری کیفی، که دربردارنده ۱۵ نفر از خبرگان گردشگری، گردشگری ورزشی، و مدیریت ورزشی بوده است، براساس نمونه‌گیری هدفمند، و جامعه آماری در سطح کمی که ۳۷۹ نفر از مربیان و داوران، دست‌اندرکاران و مدیران ارشد برگزاری مسابقات، بازیکنان، و تماشاچیان را دربر می‌گیرد، به‌صورت تصادفی گزینش شده‌اند. در این پژوهش، با مرور اسناد و مدارک و مصاحبه با خبرگان، موانع گردشگری ورزشی ایران، شناسایی و براساس پرسش‌نامه محقق‌ساخته رتبه‌بندی شد و سپس، روابط بین موانع با استفاده از روش الگوسازی ساختاری-تفسیری، تعیین شد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده،

* دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
Zahrakeivani@yahoo.com

** استاد مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
A.m.safania@gmail.com

*** استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
M.pourkiani46@gmail.com
**** استادیار مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Mohsenbaqerian@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۲

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۶۷-۱۹۱

۸ مانع به عنوان مهم ترین موانع، شناسایی شدند. پس از تعیین این موانع هشت گانه، میزان اثرپذیری و اثرگذاری آن ها با استفاده از روش تحلیل میک-مک^۱ بررسی شد که براساس نتایج به دست آمده، موانع دولتی و قانونی با قدرت نفوذ ۸، بالاترین تأثیر را بر موانع دیگر عدم توسعه گردشگری ورزشی داشته اند. نتایج این پژوهش به سیاست گذاران کمک می کند تا خط مشی ها و راهبردهای هوشمندانه تری اتخاذ کنند.

واژه های کلیدی: موانع فرا روی توسعه گردشگری، گردشگری ورزشی، الگوسازی

ساختاری-تفسیری

مقدمه

صنعت گردشگری، پس از صنعت نفت، خودروسازی، و اسلحه‌سازی، چهارمین صنعت مهم جهان به‌شمار می‌آید. این صنعت، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهان و «ورزش» نیز به‌عنوان یکی از صنایع بزرگ و بااهمیت در دنیای کنونی، یکی از شگفت‌انگیزترین صنایع خدماتی مدرن را به‌نام صنعت «گردشگری ورزشی» به‌وجود آورده‌اند (جاوید و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۳). گردشگری ورزشی، سه رفتار عمده را دربر می‌گیرد که عبارتند از: گردشگری ورزشی فعال^۱ (شرکت کردن: شامل کسانی که برای انجام و مشارکت در ورزش سفر می‌کنند)، گردشگری ورزشی رویداد^۲ یا غیرفعال (تماشا کردن: شامل کسانی که برای تماشای یک رویداد ورزشی سفر می‌کنند)، مشتاقان گردشگری ورزشی^۳ (شامل بازدیدکنندگان از موزه‌های ورزشی، مکان‌های ورزشی مشهور و شرکت‌کنندگان در سفرهای دریایی ورزشی و بازدیدکنندگان از شخصیت‌های ورزشی) (خسروی‌مهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

کشورهای مختلف دنیا به گردشگری ورزشی به‌عنوان یک صنعت درآمدزا ارج نهاده و برای توسعه و گسترش آن بسیار تلاش کرده‌اند (ویکرم‌تن و کماری^۴، ۲۰۱۶: ۳۸-۳۳)؛ به‌گونه‌ای که برخی از آن‌ها، با توجه به استعدادها و قابلیت‌هایشان، اقدام به ایجاد مراکز ورزشی با محوریت یک یا چند رشته خاص

-
1. Active sport tourism
 2. Event sport tourism
 3. Nostalgic sport tourism
 4. Wickramaratne Kumari

کرده‌اند، زیرا درواقع، توجه به توسعه گردشگری ورزشی، به‌طورکلی سبب بالا رفتن استانداردهای زندگی مردم مناطق می‌شود (کیم^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۲-۲۱). اما اگر قرار باشد منطقه میزبان، گردشگری ورزشی خود را توسعه دهد، باید به تدریج برنامه‌هایی را اعمال کند که ظهور انجمن‌های خصوصی و تغییردهی در فرایند میزبانی بخشی از این برنامه‌ها به‌شمار می‌آید (کیانی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹: ۷-۱۰).

داشتن برتری ویژه در برخی زمینه‌ها نیز به کشورها کمک می‌کند تا در این زمینه موفق‌تر از کشورهای دیگر عمل کنند، که شرایط ویژه آب‌وهوایی یا داشتن تیم‌های ورزشی قدرتمند در سطح جهان، ازجمله این نقاط قوت به‌شمار می‌آیند. این درحالی است که ایران، افزون‌بر داشتن شرایط آب‌وهوایی مناسب، در برخی رشته‌ها مانند کشتی، والیبال، کبدی صاحب‌نظر است، اما بی‌توجهی به توسعه گردشگری ورزشی در کشور باعث شده است که به‌رغم داشتن قابلیت‌های فراوان در زمینه جذب گردشگران ورزشی، فوایدی از جنبه‌های مختلف فرهنگی اجتماعی، زیست‌محیطی، و اقتصادی را از دست بدهد (شوشی‌نسب، ۱۳۹۱: ۱) و درنتیجه متأسفانه به‌دلیل عدم برنامه‌ریزی درست در این زمینه، تعداد رویدادهای بین‌المللی ورزشی که در ایران برگزار می‌شود، اندک است و گردشگری ورزشی جایگاه خود را نیافته است (ذبیحی، ۱۳۹۵: ۱).

در چنین شرایطی، رشد سریع گردشگری ورزشی در جهان، وجود جوانان و علاقه‌مندان به ورزش و گردشگری در کشور، نقش گردشگری ورزشی در ایجاد اشتغال دائم و فصلی (با توجه به مشکل بیکاری در کشور)، قرار گرفتن رشد این صنعت در زمره مؤلفه‌های توسعه اقتصادی جامعه (جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲-۲۳) و همچنین، لزوم رفع مشکل اتکای بیش‌ازحد به درآمدهای نفتی، سبب شده است که صنعت گردشگری به‌مثابه فرصت مناسبی برای رشد به‌شمار آید.

با توجه به شرایط موجود و لزوم توجه بیشتر به صنعت گردشگری ورزشی

1. kim et al

2. Kiani

به‌عنوان یکی از عوامل توسعه اقتصادی کشور، انجام پژوهش‌های جامع در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد. در این راستا لازم است با بررسی‌های بیشتر و تعیین موانع توسعه گردشگری ورزشی، سطح‌بندی این موانع، و تعیین رابطه آن‌ها با هم و با گردشگری ورزشی، از قابلیت‌های موجود استفاده کنیم و در جهت پیشرفت کشورمان گام برداریم.

پژوهش حاضر درصدد است با در نظر گرفتن برخی کاستی‌های پژوهش‌های پیشین در این زمینه، با نظرخواهی از خبرگان و با توجه به داده‌های موجود، نوعی الگوی ساختاری-تفسیری برای توسعه گردشگری ورزشی ارائه دهد. این پژوهش با استفاده از روش میک-مک، پس از سطح‌بندی موانع، رابطه موانع با هم و میزان اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر یکدیگر را تعیین کرده است، که خود می‌تواند ضعف‌های الگوهای پیشین در این زمینه را پوشش دهد، برای توسعه گردشگری ورزشی کشور به‌کار گرفته شود، و مورد استفاده پژوهشگران دیگر نیز قرار گیرد.

در این راستا پرسش‌های مورد بررسی این مقاله عبارتند از:

- موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران کدامند؟
- اولویت‌بندی موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران چگونه است؟
- ارتباط موانع با هم و با توسعه گردشگری ورزشی چگونه است؟

۱. ادبیات پژوهش

ایران به‌سبب سرآمد بودن در رشته‌های ورزشی‌ای مانند کشتی، والیبال، و کبدی و داشتن آب‌وهوایی مناسب، در صورت شناخت موانع و سعی در برطرف کردن آن‌ها، می‌تواند تعداد زیادی گردشگر را به خود جذب کند، اما متأسفانه، عواملی مانند بی‌توجهی مسئولان مربوطه به انجام پژوهش‌های علمی و برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه (شوشی نسب، ۱۳۹۱: ۹۵)، وجود دیدگاه منفی و تبلیغات سوء در مورد ایران، نظام اطلاع‌رسانی ناقص، فقدان درک درست مردم و مسئولان از گردشگری، بی‌توجهی به رشته‌های تحصیلی مرتبط با آن، و در یک نگاه کلی‌تر، برخی عوامل زیربنایی، سیاسی، فرهنگی، دولتی، انسانی، مدیریتی، اقتصادی (محرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰-۱) سبب شده است که در زمینه جذب گردشگر

ورزشی توفیق چندانی نداشته باشیم.

براین اساس در راستای بررسی و شناسایی عوامل و موانع رشد گردشگری ورزشی در کشور پژوهش‌هایی انجام شده است و هریک برخی از عوامل را در این زمینه تأثیرگذار دانسته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

خسروی‌مهر و همکاران در پژوهشی با عنوان «ارائه راهبردهای توسعه گردشگری ورزشی (مطالعه موردی: شهرستان مینودشت)»، مهم‌ترین ضعف‌های موجود در عرصه گردشگری ورزشی را فقدان حامی مالی، اطلاع‌رسانی نامطلوب، و تبلیغات کم، و مهم‌ترین تهدیدها در این عرصه را نیز عدم حمایت جدی دولت و کیفیت پایین خدمات آموزشی دانسته‌اند (خسروی‌مهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۱۰۳).

میرزازاده و عبدالملکی، در پژوهش خود با عنوان «طراحی مدل موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی مشهد»، با طراحی یک الگو، هفت مورد را به‌عنوان موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور بررسی کرده‌اند که عبارتند از: موانع فرهنگی-اجتماعی، تحقیق و پژوهش، زیرساخت، بازاریابی، مدیریتی، و قانونی (میرزازاده و عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۲۵).

امینی و همکاران نیز در پژوهش خود با عنوان «تبیین شاخص‌های تأثیرگذاری موانع گردشگری ورزشی ایران با استفاده از روش "AHP" گروهی؛ با تأکید بر نقش اطلاعاتی و ارتباطی»، عوامل مدیریتی، زیرساختی، اطلاعاتی، و ارتباطی را ازجمله موانع مهم در مقابل موفقیت صنعت گردشگری دانسته‌اند (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵-۲۶).

کیانی و همکاران در مقاله خود بر این نظر بوده‌اند که گردشگری ورزشی به بهبود کیفیت زندگی و توسعه محلی کمک می‌کند و برای دستیابی به بهترین نتایج باید، برای توسعه امکانات و خدمات حمل‌ونقل، بهبود مراکز اقامتی، طراحی و اجرای برنامه‌های مختلف، بازاریابی، طراحی و توسعه مدیریت اطلاعات، امنیت، و هماهنگی بین‌سازمانی برنامه‌ریزی و تلاش کرد (۲۰۱۹: ۷-۱۰).

واشه^۱ نیز عدم همکاری درست بین سازمان‌ها را مانعی در مسیر توسعه گردشگری ورزشی به‌شمار می‌آورد (واشه، ۲۰۱۵: ۵۴۲).

براساس نتایج پژوهش فیروزجاییان با عنوان «کاربرد تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری در مطالعات گردشگری»، موانع توسعه گردشگری در ایران عبارتند از: عدم حمایت دولت، فقدان طرح جامع توسعه، ناآگاهی عمومی از مزایای گردشگری، ضعف نظام حمل‌ونقل، نبود بازاریابی مناسب، تبلیغات منفی علیه ایران، محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی، عدم تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری، و نبود نیروی انسانی متخصص (فیروزجاییان، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۲۹).

بنا به نظر میسر^۲، ظرفیت خطوط هوایی نامناسب، شرایط نامناسب قطارها، کمبود بهداشت، فقدان مسافرخانه‌های مناسب، و نبودن سامانه‌های اطلاعاتی به‌روز، ازجمله عوامل مهمی هستند که رشد گردشگری در هند را محدود کرده‌اند (میسرا، ۲۰۱۶: ۴۵-۳۲).

انجام یک برنامه‌ریزی درست در زمینه توسعه گردشگری ورزشی و توجه به اینکه چه نوع فعالیتی و در چه سطحی می‌تواند برای توسعه این صنعت در جامعه میزبان مهم و سودآور باشد، می‌تواند به گسترش هرچه بیشتر آن کمک کند.

اما بررسی ادبیات این حوزه نشان می‌دهد، موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی به‌گونه‌ای جامع بررسی نشده‌اند و در نتیجه تجزیه و تحلیل موانع، تشخیص ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با گردشگری ورزشی، سطح‌بندی موانع به‌گونه‌ای دقیق، و ارائه یک الگوی ساختاری-تفسیری برای توسعه گردشگری ورزشی در ایران لازم و مفید به‌نظر می‌رسد؛ ازاین‌رو پژوهشگران بر آن شدند تا به تبیین الگوی توسعه گردشگری ورزشی در ایران بپردازند. به بیان روشن‌تر، یک رابطه سلسله‌مراتبی، فراهم و ساختار جامعی از مجموعه پیچیده‌ای از مفاهیم ایجاد می‌شود و با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توان تقدم و تأخر تأثیرگذاری عناصر بر یکدیگر را مشخص کرد.

1. Wasche

2. Roy and Misra

رویکرد الگوسازی ساختاری-تفسیری، روشی است که برای ایجاد یک الگوی کیفی-کمی به کار می‌رود و روش مؤثر و کارآمدی برای بررسی موضوعاتی است که در آن متغیرهای کیفی در سطوح مختلف اهمیت، بر یکدیگر آثار متقابلی دارند. با استفاده از این فن می‌توان ارتباطات و وابستگی‌های بین متغیرهای مسئله را کشف کرد (باقری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). درواقع، ایده اصلی در الگوسازی ساختاری-تفسیری، تجزیه یک سیستم پیچیده به چند زیرسیستم با استفاده از تجربه عملی و دانش خبرگان به منظور ساخت یک الگوی ساختاری چندسطحی است.

در این مقاله، عوامل اصلی توسعه گردشگری ورزشی، پس از بررسی ادبیات موضوع و مصاحبه با خبرگان، شناسایی شدند و برای تفسیر روابط بین ابعاد و شاخص‌های آن از الگوسازی ساختاری-تفسیری استفاده شد، زیرا این الگو، یک روش استقرایی مطلوب برای شناسایی و تحلیل روابط بین ابعاد و شاخص‌ها است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمای عملی برای مدیران و سیاست‌گذاران صنعت گردشگری ورزشی به شمار آید و با به کارگیری این الگو می‌توان از منابع موردنیاز، ازجمله منابع مالی و نیروی انسانی در توسعه صنعت گردشگری، به گونه‌ای مفیدتر استفاده کرد.

۲. روش پژوهش

در این مقاله، روش پژوهش در بخش کیفی، از نوع اکتشافی و در بخش کمی، از نوع پیمایشی است. پژوهش حاضر به صورت متوالی در دو بخش اصلی موانع توسعه گردشگری ورزشی و تدوین الگو انجام شد. برای گردآوری داده‌های متناسب با اهداف پژوهش، از روش کتابخانه‌ای، برای بخش توصیفی، و از روش پیمایشی (به صورت بررسی‌های میدانی از طریق ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه) برای بخش کمی استفاده شد؛ بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) انجام شده است. جامعه آماری کیفی، دربردارنده ۱۵ نفر از خبرگان گردشگری، گردشگری ورزشی، و مدیریت ورزشی (۹ نفر، دکترای مدیریت ورزشی و هیئت علمی دانشگاه، ۳ نفر کارمند اداره میراث فرهنگی و گردشگری، و ۳ نفر راهنمای

تور) است که براساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و جامعه آماری در سطح کمی، دربردارنده ۳۷۹ نفر از مربیان، داوران، دست‌اندرکاران، و مدیران ارشد برگزاری مسابقات، بازیکنان و تماشاچیان گزینش شده به صورت تصادفی طبقه‌ای هستند.

در این مطالعه، با مرور اسناد و مدارک و مصاحبه با خبرگان (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تا حد رسیدن به اشباع نظری انجام شد) موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران شناسایی و براساس پرسش‌نامه محقق‌ساخته رتبه‌بندی شدند و سپس، روابط بین موانع با استفاده از روش الگوسازی ساختاری-تفسیری تعیین شد. روایی پرسش‌نامه محقق‌ساخته از طریق روایی صوری و محتوایی در دست ۱۵ نفر از خبرگان موردتأیید و با تحلیل عاملی اکتشافی، موانع اصلی، مشخص و سپس با تحلیل عاملی تأییدی موردتأیید قرار گرفتند. برای تعیین و شناسایی موانع، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و پیش از انجام تحلیل عاملی، برای اطمینان از کافی بودن تعداد نمونه از معیار کایرزمی-یراولکین^۱ و تعیین همبستگی بین متغیرها، آزمون بارتلت^۲ به کار گرفته شد.

افزون‌براین، برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از آمار توصیفی و استنباطی، به منظور بررسی مهم‌ترین متغیرهای نمونه پژوهش از آزمون ناپارامتریک و آزمون فریدمن، برای بررسی وضعیت داده‌ها، از بسته نرم‌افزاری spss19، و در راستای تنظیم الگو از نرم‌افزار smartPLS استفاده شده است. به منظور طراحی نیز فن ISM و برای تعیین نوع عوامل و سنجش میزان نفوذ و وابستگی آن‌ها، روش تحلیل میک‌مک به کار گرفته شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

با توجه به اهداف موردنظر پژوهش، پژوهشگران به یافته‌های زیر دست یافتند. در شناسایی و تعیین موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران، ۲۳ مؤلفه و ۸ مانع اصلی توسعه گردشگری ورزشی مشخص شد. نمونه آماری شامل ۲۴۵ نفر مرد و

1. Kaiser- Meyer-Oklin Measure of Sampling Adequacy (KMO)

2. Bartlett' Test of Sphericity

۱۱۵ نفر زن و ۲۲۱ نفر با تحصیلات کارشناسی، ۱۰۹ نفر با تحصیلات کارشناسی ارشد، و ۲۹ نفر با تحصیلات دکترا بودند. در مورد رتبه‌بندی موانع توسعه گردشگری ورزشی، بالاترین اولویت مربوط به «موانع دولتی و قانونی» بود.

جدول ۱. اولویت‌بندی موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی در ایران

میانگین رتبه	گویه
۶/۱۸	موانع دولتی و قانونی
۶/۱۸	ضعف زیرساختی و مطلوبیت
۵/۲۰	موانع سیاسی-مذهبی
۴/۸۹	ضعف فرهنگی-آموزشی
۴/۵۷	مشکلات مدیریتی
۴/۲۲	موانع بازاریابی و تبلیغات
۳/۳۶	موانع اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری
۱/۴۰	موانع امنیتی

موانع دولتی و چارچوب‌های قانونی عبارتند از: ۱. تنگناهای قانونی از سوی دولت و مشکلات حقوقی و اجرایی در دستورالعمل‌ها و قوانین توسعه این صنعت؛ ۲. عدم حمایت جدی دولت از مقوله گردشگری و گردشگران ورزشی و مشکل بودجه؛ ۳. تعدد مراکز سیاست‌گذار و عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دست‌اندرکار در صنعت گردشگری و گردشگری ورزشی و فقدان تعامل مناسب بین واحدهای تصمیم‌گیر؛ ۴. محدودیت‌های تحمیلی از جمله محدودیت‌های مربوط به تملک دارایی گردشگران که مانع ورود و انتخاب منطقه به‌عنوان منطقه گردشگری می‌شوند؛ ۵. وجود قوانین مختلف سخت در تهیه ویزا و روادید و گمرکات و مدت اقامت گردشگران.

براساس سنجش‌ها، موانع دولتی و چارچوب‌های قانونی، با بار عاملی ۶/۱۸، نخستین موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی در ایران به‌شمار می‌آیند. موانع و تنگناهای قانونی ایجادشده توسط دولت، عدم حمایت جدی دولت از صنعت گردشگری ورزشی، و عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌های ذی‌ربط، از مهم‌ترین زیرمؤلفه‌های عدم توسعه گردشگری ورزشی در کشور هستند.

موانع زیرساختی و مطلوبیت عبارتند از: ۱. عدم ارائه خدمات مناسب توسط هتل‌ها و مراکز اقامتی در کشور و نداشتن دسترسی مناسب به امکانات بهداشتی در

برخی مناطق؛ ۲. ضعف امکانات زیربنایی و زیرساختی، فقدان مکان‌های مناسب ورزشی، و کمبود امکانات رفاهی و پزشکی برای گردشگران ورزشی؛ ۳. ضعف سامانه حمل‌ونقل کشور (ضعف در سامانه حمل‌ونقل زمینی، هوایی، و ریلی) و تسهیلات موردنیاز مسافران. براساس سنجه‌ها، موانع زیرساختی و مطلوبیت با بار عاملی ۶/۱۸ نیز ازجمله موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی در ایران به‌شمار می‌آیند. بالاترین اولویت مربوط به «ضعف امکانات زیربنایی و زیرساختی، فقدان مکان‌های مناسب ورزشی، و کمبود امکانات رفاهی و پزشکی برای گردشگران ورزشی» است؛ بنابراین، ضعف امکانات زیربنایی و زیرساختی، فقدان مکان‌های مناسب، و کمبود امکانات برای گردشگران از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور به‌شمار می‌آید.

موانع سیاسی-مذهبی عبارتند از: ۱. تعصب‌های مذهبی و نژادی، محدودیت‌های موجود برای گردشگران زن در ایران، و محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی؛ ۲. ارائه تفسیرهای بازدارنده توسط برخی از افراد به‌دلیل بیم از اثرات مخرب حضور گردشگران خارجی بر فرهنگ اسلامی؛ ۳. تحریم‌های دنباله‌دار سیاسی-اقتصادی کشورهای دیگر علیه ایران. براساس سنجه‌ها، موانع سیاسی-مذهبی با بار عاملی ۵/۲۰، ازجمله موانع فراروی توسعه گردشگری در ایران به‌شمار می‌آیند؛ بنابراین، محدودیت‌های سیاسی-مذهبی می‌تواند از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور باشد.

مؤلفه ضعف فرهنگی-آموزشی نیز دربردارنده عوامل زیر است: ۱. محدودیت‌هایی در زمینه آموزش پیوسته، روزآمد کردن دانش کارشناسان و متخصصان این حرفه، بالا بردن سطح آگاهی مردم و یادگیری مطالب جدید در کشور میزبان، و ایجاد رشته گردشگری ورزشی در دانشگاه‌ها؛ ۲. بی‌اطلاعی مبلغان گردشگری از مهم‌ترین موانع مؤثر و عدم شناخت کامل آن‌ها از پدیده‌های جذاب گردشگری ورزشی و ظرفیت‌ها و مناطق گردشگری؛ ۳. کمبود اطلاعات در مورد نیازها و خواسته‌های گردشگران، عدم شناخت سلیقه‌های گردشگران، و کمبود اطلاعات در مورد جاذبه‌های طبیعی و منابع موجود در کشور؛ ۴. ناآگاهی

عمومی و عدم درک درست مردم و مسئولان از ارزش واقعی گردشگری ورزشی و مزایای آن، رفتار نامناسب و دیدگاه منفی در مورد گردشگران خارجی، و مقاومت در برابر این صنعت. براساس سنجه‌ها، موانع فرهنگی-آموزشی با بار عاملی ۴/۸۹، موانعی در مسیر توسعه گردشگری ورزشی در ایران هستند و بالاترین اولویت در این زمینه مربوط به «کمبود اطلاعات در مورد نیازها و خواسته‌های گردشگران، عدم شناخت سلیقه‌های گردشگران، و کمبود اطلاعات در مورد جاذبه‌های طبیعی و منابع موجود در کشور» است؛ بنابراین، موانعی مانند ناآگاهی عمومی، عدم درک درست مردم و مسئولان از ارزش واقعی گردشگری ورزشی، دیدگاه منفی مردم و مسئولان در مورد صنعت گردشگری و گردشگران خارجی، و محدودیت‌های موجود در زمینه آموزش کارشناسان و متخصصان و مردم، می‌تواند از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور باشد.

موانع مدیریتی عبارتند از: ۱. فقدان برنامه و دیدگاه جامع‌نگر و دوراندیشانه به توسعه گردشگری در کشور؛ ۲. تنگناهای ناشی از مدیریت و سازماندهی و فقدان برنامه‌ریزی درست، دقیق، و علمی برای توسعه گردشگری ورزشی؛ ۳. نداشتن برنامه مناسب در زمان‌های آزاد، کافی نبودن زمان برنامه‌ریزی برای سفر، و بی‌توجهی به دغدغه‌های شغلی گردشگران ورزشی در فصل‌های خاصی از سال؛ ۴. کم بودن تعداد مدیران متخصص و نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده در امر گردشگری ورزشی و نامشخص بودن حدود وظایف بخش‌های مسئول در این حوزه؛ ۵. عدم استفاده از نیروهای داوطلب به منظور هدایت و راهنمایی گردشگران ورزشی. براساس سنجه‌ها، موانع مدیریتی با بار عاملی ۴/۵۷، ازجمله موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی در ایران هستند و بالاترین اولویت در این میان، مربوط به «فقدان برنامه و دیدگاه جامع‌نگر و دوراندیشانه به توسعه گردشگری در کشور» است. اگر صنعت گردشگری ورزشی، فاقد مدیران و افراد توانمند برای رسیدن به اهدافش باشد و از پژوهش و تحقیق برای پیشبرد و گسترش آن‌ها بهره‌ای نبرده باشد، قادر به تأمین اهداف موردنظر برای توسعه نخواهد بود. مدیریت و سازماندهی، اصول و عوامل بسیار مهمی در به‌ثمر رساندن اهداف

توسعه گردشگری ورزشی هستند و مدیران آگاه، به‌ویژه در عرصه گردشگری، زمانی می‌توانند سازماندهی منسجم و درستی در مجموعه کاری خود داشته باشند که کاملاً با جزئیات اجرای امور محول‌شده آشنایی داشته باشند و واقعیت‌ها و کمبودها و کاستی‌های آن را درک کنند؛ در نتیجه، فقدان برنامه مناسب، نبود دیدگاه جامع‌نگر و دوراندیشانه، و کمبود مدیران متخصص و نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده می‌تواند از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور باشد.

موانع بازاریابی و تبلیغات عبارتند از: ۱. نبود بازاریابی و تبلیغات مناسب و به‌موقع رسانه‌های جمعی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری ورزشی کشور؛ ۲. وجود دیدگاه منفی و تبلیغات سوء در مورد ایران؛ ۳. فقدان یک برنامه منسجم و مدون بازاریابی و ضعف در بخش بازاریابی؛ ۴. سامانه اطلاع‌رسانی ناقص و روابط عمومی ضعیف با گردشگران و فقدان شبکه اطلاع‌رسانی درست و به‌موقع در کشور. براساس سنجه‌ها، موانع بازاریابی و تبلیغات با بار عاملی ۴/۲۲، ازجمله موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران به‌شمار می‌آیند و بالاترین اولویت از میان آن‌ها، مربوط به «فقدان یک برنامه منسجم و مدون بازاریابی و ضعف در بخش بازاریابی» است؛ بنابراین، فقدان یک برنامه منسجم و مدون برای بازاریابی، ضعف در بخش بازاریابی، سامانه اطلاع‌رسانی ناقص، روابط عمومی ضعیف، و تبلیغات سوء می‌توانند از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور باشند.

موانع اقتصادی و سرمایه‌گذاری عبارتند از: ۱. ناکافی بودن سرمایه برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف به‌منظور توسعه و رشد گردشگری ورزشی در کشور؛ ۲. عدم تشویق بخش خصوصی، عدم حمایت دولت از سرمایه‌گذاران در بخش خصوصی گردشگری، و محدودیت‌های مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی؛ ۳. فقدان حامیان مالی. براساس سنجه‌ها، موانع اقتصادی و سرمایه‌گذاری با بار عاملی ۳/۳۶، هفتمین مجموعه موانع فراروی توسعه گردشگری به‌شمار می‌آیند و بالاترین اولویت در میان آن‌ها مربوط به «عدم تشویق بخش خصوصی، عدم حمایت دولت از سرمایه‌گذاران در بخش خصوصی گردشگری، و محدودیت‌های مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی» بود. محدودیت‌های مشارکت سرمایه‌گذاران

خارجی و فقدان حامیان مالی می‌تواند از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور باشد.

موانع امنیتی عبارتند از: ۱. خطرات احتمالی، مانند برخورد فیزیکی و فقدان امنیت اجتماعی برای گردشگران، اختلافات داخلی و درگیری‌های قومی-قبیله‌ای در برخی از مناطق کشور؛ ۲. وقوع پرخاشگری و دزدی در مورد گردشگران ورزشی. براساس یافته‌ها، موانع امنیتی با بار عاملی ۱/۴۰، آخرین موانع مؤثر بر توسعه گردشگری به‌شمار می‌آیند که در میان آن‌ها، بالاترین اولویت مربوط به «خطرات احتمالی مانند برخورد فیزیکی و فقدان امنیت اجتماعی در برخی از مناطق کشور برای گردشگران» است.

به‌منظور ترسیم الگوی ساختاری-تفسیری موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی مراحل زیر انجام شد: ابتدا برای تشکیل ماتریس تعامل ساختاری یک ماتریس شامل شاخص‌ها، تشکیل شد و دراختیار اعضای شورای راهبری قرار گرفت و آنان ماتریس‌ها را براساس اصول زیر ماتریس‌ها را تکمیل کردند.

به‌ازای هر «j و i» ارتباط میان این دو متغیر در چارچوب بررسی زیر است.

V: هدف سطر i برای رسیدن به هدف ستون j کمک می‌کند.

A: هدف ستون j برای رسیدن به هدف سطر i کمک می‌کند.

X: اهداف ستون j و سطر i برای رسیدن به همدیگر کمک خواهند کرد.

O: اهداف ستون j و سطر i بدون ارتباط هستند.

نتیجه ماتریس خودتعاملی^۱ در جدول ۲- براساس پرسش الگوی ساختاری تفسیری مبنی بر اینکه «موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی در ایران کدامند؟»- ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی (SSIM)

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
توسعه گردشگری ورزشی								
۱ موانع دولتی و قانونی		X	V	V	V	V	V	V
۲ مشکلات مدیریتی			X	V	O	V	O	V
۳ ضعف زیرساختی و مطلوبیت				X	A	V	O	V

۴	موانع اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری						
۵	موانع سیاسی-مذهبی						
۶	موانع بازاریابی و تبلیغات						
۷	موانع امنیتی						
۸	ضعف فرهنگی-آموزشی						

برای دستیابی به ماتریس دستیابی (RM) باید نمادهای ارائه شده در جدول ۲ به صفر و یک تبدیل شوند. چنانچه i, j در ماتریس SSIM به صورت V باشد، در ماتریس دستیابی (i, j) به یک و (j, i) به صفر تبدیل می شود. چنانچه (i, j) در ماتریس SSIM به صورت A باشد، در ماتریس دستیابی (i, j) به صفر و (j, i) به یک تبدیل می شود. چنانچه (j, i) به صورت x وارد شود، (j, i) در ماتریس دستیابی به یک و (i, j) نیز به یک تبدیل می شود. چنانچه (i, j) به صورت O وارد شود، i, j و j, i صفر می شود. پس از تهیه ماتریس دسترس پذیری اولیه، لازم است که سازگاری درونی آن برقرار شود؛ به عنوان نمونه، اگر هدف ۱ سبب تغییر هدف ۲ شود و هدف ۲ موجب تغییر هدف ۳ شود، هدف ۱ نیز باید سبب تغییر هدف ۳ شود.

جدول ۳. ماتریس خودتعاملی موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی (RM)

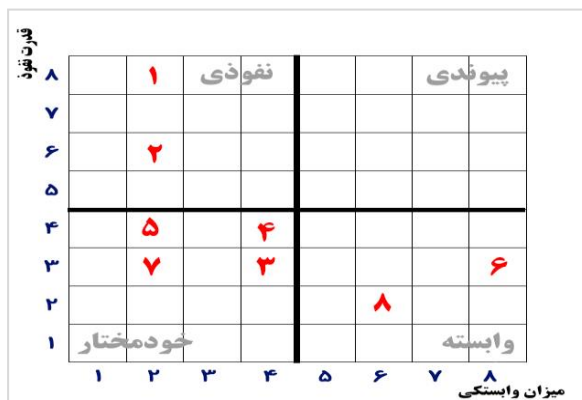
توسعه گردشگری ورزشی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	قدرت نفوذ
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	موانع دولتی و قانونی
۲	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	مشکلات مدیریتی
۳	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	ضعف زیرساختی و مطلوبیت
۴	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	موانع اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری
۵	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	موانع سیاسی-مذهبی
۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	موانع بازاریابی و تبلیغات
۷	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	موانع امنیتی
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	ضعف فرهنگی-آموزشی
میزان وابستگی	۲	۲	۴	۴	۲	۸	۲	۶	

در جدول ۳ قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از عوامل محاسبه شده است؛ به‌عنوان نمونه، قدرت نفوذ «موانع دولتی و قانونی» ۸ است؛ به‌این‌معنا که بر ۸ عامل تأثیر می‌گذارد و میزان وابستگی آن ۲ است، یعنی ۲ عامل بر موانع دولتی و قانونی تأثیر می‌گذارند. تحلیل میک‌مک نتیجهٔ میزان وابستگی و قدرت نفوذ را برای هریک از عوامل (اهداف) نشان می‌دهد. براین‌اساس، موانع ۱ و ۲ در منطقه نفوذی، موانع ۷، ۵، ۴، ۳ در منطقه خودمختار (مستقل)، و موانع ۸ و ۶ در منطقه

وابسته هستند.

موانع خودمختار، دربردارنده موانعی هستند که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف و متوسطی دارند. موانع وابسته، قدرت نفوذ کم، ولی وابستگی نسبتاً بالایی دارند. این راهبردها معمولاً متغیرهای نتیجه یا عامل هستند. موانع پیوندی، قدرت هدایت زیاد و وابستگی زیادی دارند و موانع نفوذی، نیز موانعی هستند که قدرت نفوذ زیاد، ولی وابستگی کمی دارند (آذر و همکاران ۱۳۹۲).

شکل ۱. نتیجه تحلیل میک-مک



برای تعیین سطح عوامل و اولویت آن‌ها، مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر عامل تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی هر راهبرد، شامل عواملی می‌شود که از این راهبرد تأثیر می‌پذیرند و مجموعه پیش‌نیاز، شامل عواملی می‌شود که بر این راهبرد تأثیرگذار هستند. این تأثیر و تأثرها با استفاده از ماتریس دستیابی به‌دست می‌آید. پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز هر عامل، عناصر مشترک این دو مجموعه برای هر عامل تعیین می‌شود و در صورت یکسان بودن مجموعه دستیابی با مجموعه اشتراک‌ها، آن عامل (اهداف) به‌عنوان سطح بالا در نظر گرفته می‌شود (ابراهیم پزشکی، ۱۳۹۳). هرچه یک عامل دارای اثرگذاری بالاتری بر سایر عوامل باشد، در مدل ISM در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد.

جدول ۴. تعیین سطح اهداف (سطح اول)

اهداف	مجموعه دستیابی (خروجی)	مجموعه پیش‌نیاز (ورودی)	مشترک	سطح
۱	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸	۱ و ۲	۱ و ۲	
۲	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸	۱ و ۲	۱ و ۲	
۳	۳، ۴، ۶، ۸	۱، ۲، ۳، ۴	۳ و ۴	
۴	۳، ۴، ۶، ۸	۱، ۲، ۳، ۴	۳ و ۴	
۵	۵، ۶	۱ و ۵	۵	
۶	۶، ۸	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸	۶ و ۸	سطح اول
۷	۶، ۷	۱ و ۷	۷	
۸	۶، ۸	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸	۶ و ۸	سطح اول

براساس داده‌های جدول ۴، عواملی که مجموعه دستیابی و مجموعه مشترک آن‌ها دارای بیشترین یکسانی باشند، در سطح اول قرار می‌گیرند؛ بنابراین، عوامل ۶ و ۸ (ضعف فرهنگی-آموزشی، و موانع بازاریابی و تبلیغات) در سطح اول و بالاترین سطح قرار می‌گیرند. حال برای تعیین عامل (عوامل) سطح دوم، عوامل ۶ و ۸ از جدول ۴ حذف می‌شوند.

جدول ۵. تعیین سطح عوامل (سطح دوم)

اهداف	مجموعه دستیابی (خروجی)	مجموعه پیش‌نیاز (ورودی)	مشترک	سطح
۱	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷	۱ و ۲	۱ و ۲	
۲	۱، ۲، ۳، ۵	۱ و ۲	۱ و ۲	
۳	۳ و ۴	۱، ۲، ۳، ۴	۳ و ۴	سطح دوم
۴	۳ و ۴	۱، ۲، ۳، ۴	۳ و ۴	سطح دوم
۵	۵	۱ و ۵	۵	سطح دوم
۷	۷	۱ و ۷	۷	سطح دوم

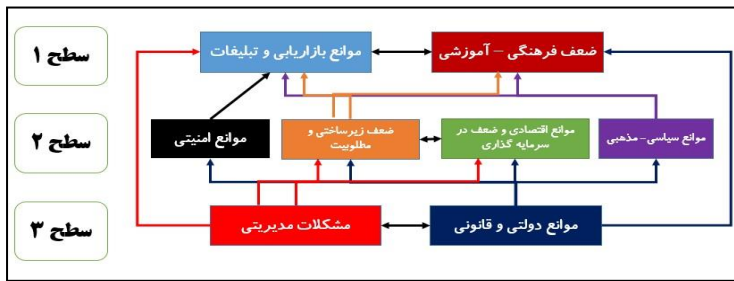
براساس داده‌های جدول ۵، عواملی که مجموعه دستیابی و مجموعه مشترک آن‌ها یکسان باشند، در سطح دوم قرار می‌گیرند؛ بنابراین، عوامل ۳، ۴، ۵، و ۷ (موانع اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری، موانع سیاسی-مذهبی، موانع امنیت، ضعف زیرساختی، و مطلوبیت) در سطح دوم قرار می‌گیرند. حال برای تعیین عامل (عوامل) سطح سوم، عوامل ۳، ۴، ۵، و ۷ از جدول ۵ حذف می‌شوند.

جدول ۶. تعیین سطح عوامل (سطح سوم)

اهداف	مجموعه دستیابی (خروجی)	مجموعه پیش‌نیاز (ورودی)	مشترک	سطح
۱	۱ و ۲	۱ و ۲	۱ و ۲	سطح سوم
۲	۱ و ۲	۱ و ۲	۱ و ۲	سطح سوم

براساس داده‌های جدول ۶، عواملی که مجموعه دستیابی و مجموعه مشترک آن‌ها یکسان باشند، در سطح سوم قرار می‌گیرند؛ بنابراین، عوامل ۱ و ۲ (موانع دولتی و قانونی، و مشکلات مدیریتی) در سطح سوم قرار می‌گیرند.

شکل ۲. الگوی ساختاری-تفسیری موانع مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی



الگوی نهایی موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی دارای (۳) سطح است. سطح (۱) شامل ضعف فرهنگی-آموزشی، موانع بازاریابی، و تبلیغات؛ سطح (۲) شامل موانع سیاسی-مذهبی، موانع اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساختی و مطلوبیت، و موانع امنیتی؛ سطح (۳) شامل موانع دولتی و قانونی، و مشکلات مدیریتی است. در این الگو، سطح (۳) دارای بیشترین نفوذ بر موانع دیگر و سطح (۱) دارای بیشترین تأثیرپذیری از موانع دیگر است. هرچه یک عامل دارای اثرگذاری بالاتری بر سایر عوامل باشد، در الگوی ISM در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

گردشگری ورزشی، یکی از بخش‌هایی است که در صنعت گردشگری در تمام دنیا از بیشترین سطح رشد برخوردار بوده است. ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای منحصربه‌فرد جهان به‌لحاظ آب‌وهوا و همچنین، جذابیت‌های فرهنگی، باستانی، و مذهبی، می‌تواند به مقصدی با ظرفیت‌های بالا برای توسعه گردشگری ورزشی تبدیل شود. در این پژوهش، ۸ مانع اصلی فراروی توسعه صنعت گردشگری ورزشی، انتخاب شدند. در پژوهش/فتنه و سودی (۱۳۹۵) موانع توسعه گردشگری ورزشی در قالب عدم آگاهی و آموزش، عدم حمایت و مشارکت،

ضعف مدیریت، عوامل فردی و شخصی، و عامل روانشناختی شناسایی و اولویت‌بندی شده‌اند که شناسایی این موانع براساس پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است، اما در روش‌شناسی پژوهش حاضر، برای شناسایی موانع توسعه گردشگری ورزشی از مصاحبه نیمه‌ساختاری و مطالعات عمیق استفاده شد و شاخص‌ها و موانع به گونه‌ای کامل‌تر و از طریق مصاحبه و نظرخواهی از خبرگان گردشگری و گردشگری ورزشی شناسایی شدند و هریک از آن‌ها براساس تحلیل عاملی اکتشافی تأیید و دسته‌بندی، و موانع اصلی مشخص و اولویت‌بندی شدند.

براساس نتایج پژوهش خسروی‌مهر و همکاران (۱۳۹۵) مهم‌ترین ضعف‌های موجود در گردشگری ورزشی عبارتند از: فقدان حامیان مالی، اطلاع‌رسانی نامطلوب، و تبلیغات کم و مهم‌ترین تهدیدها نیز عبارتند از: عدم حمایت جدی دولت و کیفیت پایین خدمات آموزشی و در پژوهش حاضر با شناسایی ۸ مانع اصلی، موانع موجود اولویت‌بندی شدند و مؤلفه‌هایی مانند اطلاع‌رسانی نامطلوب، و تبلیغات کم در پژوهش خسروی‌مهر و همکاران از زیرگروه‌های مانع اصلی ضعف بازاریابی، تبلیغات و مؤلفه عدم حمایت جدی دولتی یکی از زیرگروه‌های مانع اصلی دولتی و قانونی، کیفیت پایین خدمات آموزشی، زیرگروه مانع اصلی ضعف فرهنگی-آموزشی، و فقدان حامیان مالی، زیرگروه مانع اصلی اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری در تحقیق حاضر هستند که نشان‌دهنده این است که در پژوهش حاضر، مؤلفه‌ها و موانع توسعه گردشگری ورزشی به گونه‌ای دقیق‌تر شناسایی و اولویت‌بندی شده‌اند.

اولویت‌بندی موانع براساس سنجه‌ها به‌ترتیب شامل موانع دولتی و چارچوب‌های قانونی، ضعف زیرساختی و مطلوبیت، موانع سیاسی-مذهبی، ضعف فرهنگی-آموزشی، مشکلات مدیریتی، موانع بازاریابی و تبلیغات، موانع اقتصادی و سرمایه‌گذاری، و موانع امنیتی هستند. موانع و گویه‌ها در برخی موارد، همسو با نظر پژوهشگرانی از جمله رحیمی و همکاران (۱۳۹۵)، فیروزجاییان و همکاران (۱۳۹۲)، جمله‌امینی و همکاران (۱۳۹۵)، خسروی‌مهر و همکاران (۱۳۹۵)، روی و میسرا (۲۰۱۶)، و میرزازاده و عبدالملکی (۱۳۹۵) است.

در اولویت بندی موانع، موانع دولتی و قانونی و ضعف زیرساختی و مطلوبیت جزء مهم ترین موانع گردشگری ورزشی ایران تعیین شدند که در پژوهش اسلامی و همکاران (۱۳۹۵) نیز این دو مانع جزء مهم ترین موانع بودند. در پژوهش حاضر، به عنوان مثال، موانع دولتی و قانونی، دربردارنده تنگناهای قانونی ایجاد شده توسط دولت و مشکلات در دستورالعمل ها و قوانین توسعه این صنعت، عدم حمایت جدی دولت از مقوله گردشگری، تعدد مراکز سیاست گذار، فقدان هماهنگی لازم بین سازمان ها و وزارتخانه های دست اندرکار در صنعت گردشگری و گردشگری ورزشی، و فقدان تعامل درست بین واحدهای تصمیم گیر است و موانع زیرساختی و مطلوبیت، دربردارنده ضعف امکانات زیربنایی و زیرساختی، ضعف در سامانه حمل و نقل کشور، و عدم ارائه خدمات مناسب توسط مراکز اقامتی در کشور به عنوان مهم ترین موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی در ایران مشخص شدند و نیاز است که برای رسیدن به توسعه در این زمینه، مورد توجه مسئولان قرار گیرند و سیاست گذاران کشوری برای توسعه گردشگری ورزشی در منطقه، تدابیر مناسبی بیندیشند تا با از بین رفتن ضعف ها یا کمتر شدن موانع، شرایطی برای توسعه این صنعت و در پی آن، توسعه در منطقه در ابعاد فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، و ورزشی فراهم شود و کشور هرچه بیشتر در مسیر توسعه قرار گیرد.

در پژوهش / مینی (۱۳۹۶) نیز موانع مدیریتی، زیرساختی، و اطلاعاتی به عنوان اساسی ترین موانع مطرح شده اند و به موانع دولتی و قانونی که از مهم ترین موانع در اولویت بندی پژوهش حاضر بودند، اشاره ای نشده است، زیرا ایشان از نظریه و روش پژوهش متفاوتی استفاده کرده اند.

موانع توسعه گردشگری ورزشی در الگوی پژوهشی میرزازاده و عبدالملکی (۱۳۹۵) با اساسی ترین موانع مورد نظر مقاله حاضر همسو بود، اما به موانع اقتصادی، سرمایه گذاری، و امنیتی اشاره ای نشده بود که در پژوهش حاضر، شناسایی شدند، زیرا نویسندگان پژوهش حاضر در بخش روش شناسی از مصاحبه نیمه ساختاری و مطالعات عمیق استفاده کرده اند و پس از شناسایی ۸ مانع

اصلی، موانع مشخص‌شده اولویت‌بندی و در مرحله بعدی با استفاده از مدل ساختاری-تفسیری رابطه بین آن‌ها، سطح‌بندی موانع، و میزان نفوذ و وابستگی موانع بر یکدیگر با تحلیل میک-مک انجام شد و در روش پژوهش و الگو با پژوهش یادشده متفاوت بود.

در الگوی ساختاری-تفسیری گردشگری در پژوهش فیروزجانیان (۱۳۹۲) مؤلفه‌های گردشگری بررسی شده‌اند که پژوهش حاضر، در شناسایی برخی از مؤلفه‌ها با پژوهش یادشده همسو بود، اما در تحقیق حاضر، موانع توسعه گردشگری ورزشی و زیرمؤلفه‌های مربوط به هریک از موانع، شناسایی، موانع اصلی، سطح‌بندی و میزان نفوذ و وابستگی موانع اصلی نیز تعیین شد و درواقع، پژوهش کامل‌تری در زمینه گردشگری ورزشی انجام شد.

براساس الگوی ساختاری-تفسیری ارائه‌شده در پژوهش روی و میسرا (۲۰۱۶) در هند، موانع مهم رشد گردشگری عبارتند از: ۱. ظرفیت نامناسب خطوط هوایی؛ ۲. شرایط بد قطارها؛ ۳. کمبود بهداشت؛ ۴. فقدان مسافرخانه‌های مناسب؛ و ۵. فقدان سامانه‌های اطلاعاتی به‌روز، درحالی‌که پژوهشگران در پژوهش حاضر، افزون‌بر شناسایی ۲۹ زیرمؤلفه، ۸ مانع اصلی مربوط به موانع توسعه گردشگری ورزشی در ایران را شناسایی کرده‌اند.

در این مقاله برای ارائه الگوی نهایی، از روش الگوسازی ساختاری-تفسیری استفاده شد و میزان اثرپذیری و اثرگذاری موانع نیز با به‌کارگیری تحلیل میک-مک مشخص شد. براین‌اساس، موانع دولتی و قانونی و مشکلات مدیریتی، در پایین‌ترین سطح، بالاترین تأثیر و نفوذ را بر دیگر موانع دارند؛ بنابراین، لازم است که سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، و مدیران کشوری برای رفع مشکلات و ضعف‌های مربوطه تدابیری بیندیشند. به‌نظر می‌رسد، این الگو می‌تواند برای پژوهش‌هایی با تعداد زیاد متغیرهایی که ماهیت و رابطه آن‌ها مشخص نیست، مفید باشد، زیرا می‌توانیم با استفاده از نظر خبرگان فن، پیچیدگی‌های موضوع را کاهش دهیم و به درک قابل‌قبولی از مفاهیم برسیم. این پژوهش، بینش جدیدی را در مورد گردشگری ورزشی در کشور ارائه کرده است. به‌منظور توسعه گردشگری

ورزشی باید برای هریک از موانع، چاره‌اندیشی کرد و مدیریت و برنامه‌ریزی قوی می‌تواند راهگشایی در این زمینه باشد. کشف کاستی‌ها و راه‌های رفع موانع، از مؤلفه‌های پیشرفت در هر زمینه‌ای است و دراین‌راستا، مقایسه تفاوت‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌تواند کمک‌رسان باشد و برنامه‌ریزان و پژوهشگران باید در راستای شکل‌گیری و توسعه این صنعت تلاش کنند تا در آینده نزدیک، شاهد توسعه آن باشیم.

در ادامه، برخی از راهکارهای کاربردی پیشنهادی برای بهبود گردشگری ورزشی ارائه شده است:

۱. مسئولان و سیاست‌گذاران کشور باید با توجه به وجود موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی کشور و با درنظر گرفتن اولویت‌بندی موانع (موانع دولتی و قانونی، ضعف زیرساختی و مطلوبیت، موانع سیاسی-مذهبی، موانع فرهنگی-آموزشی، مشکلات مدیریتی، موانع بازاریابی و تبلیغات، موانع اقتصادی و ضعف در سرمایه‌گذاری، و موانع امنیتی) ضمن انجام برنامه‌ریزی دقیق، در راستای رفع مشکلات و موانع موجود بر سر راه افزایش سرعت عمل در توسعه گردشگری ورزشی کشور تلاش کنند؛

۲. با توجه به اینکه موانع دولتی و قانونی و مشکلات مدیریتی، بالاترین میزان نفوذ و تأثیرگذاری را بر موانع دیگر دارند، لازم است که برای دستیابی به توسعه گردشگری ورزشی کشور، موردتوجه بیشتری قرار گیرند و تدابیری برای رفع آن‌ها اندیشیده شود؛

۳. تدابیری برای رفع تنگناهای قانونی از سوی دولت، رفع مشکلات حقوقی و اجرایی در دستورالعمل‌ها و قوانین توسعه این صنعت، حمایت جدی دولت از مقوله گردشگری ورزشی، ایجاد هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دست‌اندرکار، و تعامل درست بین واحدها، برای توسعه گردشگری ورزشی، لازم است.

۴. شایسته است پژوهش‌هایی به‌صورت مقایسه‌ای با سایر کشورها در زمینه الگوی ساختاری-تفسیری توسعه گردشگری ورزشی انجام شود.

منابع

- اسلامی، صدیقه؛ همتی، جمشید؛ زرینی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «شناسایی و رتبه‌بندی موانع ورود گردشگر ورزشی به کشور ایران»، *فصلنامه وزارت ورزش و جوانان*، سال ۱۵، شماره ۳۳، صص ۱۸-۱.
- الفته، مرضیه؛ سواد، مهدی (۱۳۹۵)، «شناسایی و اولویت‌بندی موانع گردشگری ورزشی در فضاهای عمومی شهری»، *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، سال ۶، شماره ۴، صص ۸۳-۹۷.
- امینی، مرجان؛ امینی، مژگان؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن؛ قاسمی، حمید (۱۳۹۶)، «تبیین شاخص‌های تأثیرگذاری موانع گردشگری ورزشی ایران با استفاده از روش (AHP) گروهی با تأکید بر نقش اطلاعاتی و ارتباطی»، *مجله مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، سال ۴، شماره ۳۵، صص ۲۶-۱۵.
- باقری‌نژاد، زهرا؛ برادران کاظم‌زاده، رضا؛ اسدی، روح‌انگیز (۱۳۹۲)، «شناسایی و اولویت‌بندی فاکتورهای کلیدی موفقیت در لجستیک معکوس صنعت خودرو با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری»، *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره ۱۷، شماره ۱.
- جاوید، مجید؛ اسدی، حسن؛ گودرزی، محمود؛ محمدی ترکمانی، احسان (۱۳۹۱)، «نقش اینترنت و رسانه‌های نوین در بازاریابی گردشگری ورزشی»، *پژوهش‌های کاربردی مدیریت علوم زیستی در ورزش*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۴۹-۴۳.
- جاوید، مجید؛ الماسی، حسن؛ نقی‌پور، بهنام (۱۳۹۴)، «گردشگری ورزشی و اثرات اقتصادی آن بر جوامع میزبان»، *مطالعات مدیریت ورزشی*، دوره ۷، شماره ۳۲، صص ۲۳-۴۲.
- خسروی‌مهر، حمیده؛ قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۹۵)، «ارائه راهبردهای توسعه گردشگری ورزشی (مطالعه موردی: شهرستان مینودشت)»، *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، سال ۵، شماره (۳) ۱۹، صص ۱۱۳-۱۰۳.
- سعیدی، علی‌اصغر؛ بهشتی، محمد؛ رضوانی، رضا (۱۳۹۱)، «موانع اساسی سیاست‌گذاری گردشگری از نظر نخبگان»، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، سال ۱، شماره ۲، صص ۵۶-۳۳.

- شوشی نسب، پروین (۱۳۹۱)، «تدوین برنامه راهبری توسعه صنعت گردشگری ورزشی کشور»، رساله دکترای دانشگاه خوارزمی، تهران.
- رحیمی، محمد؛ علی دوست قهفرخی، ابراهیم؛ جلالی فراهانی؛ جعفری حجین، افسر (۱۳۹۵)، «ارائه مدل توسعه گردشگری ورزشی در رویدادهای بین المللی ورزشی ایران در رشته والیبال»، نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۳۵-۴۷.
- ذبیحی، اسماعیل (۱۳۹۵)، «طراحی مدل بازاریابی گردشگری ورزشی استان مازندران»، رساله دکترای رشته تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران.
- غفوری، فرزاد (۱۳۹۳)، «الگوی توسعه گردشگری بر مبنای بازی های بومی و محلی در کشور»، مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۷۴-۱۵۳.
- فیروزجائیان، علی اصغر؛ فیروزجائیان، مجتبی؛ هاشمی پطودی، سیدحمید؛ غلامرضا، فاطمه (۱۳۹۲)، «کاربرد تکنیک مدل سازی ساختاری تفسیری در مطالعات گردشگری»، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۵۹-۱۲۹.
- قزلسفلو، حمیدرضا؛ سفیری کلاته، معصومه؛ قربانزاده زعفرانی، سیدقاسم؛ چورلی، علی (۱۳۹۴)، «بررسی چالش های جذب گردشگر ورزشی در جشنواره بازی های بومی و سنتی استان گلستان (مطالعه موردی: مسابقات اسب دوانی و کشتی گورش)»، نشریه پژوهشنامه مدیریت ورزش و رفتار حرکتی، سال یازدهم، شماره ۲۲، صص ۲۱۸-۲۱۱.
- میرزاده، زهراسادات؛ عبدالملکی، حسین (۱۳۹۵)، «طراحی مدل موانع فراروی توسعه گردشگری ورزشی مشهد»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۳۹-۲۵.
- محرابی، جواد؛ خلیلی شورینی، سیاوش؛ خلفی، احمد (۱۳۹۱)، «بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، سال ۴، شماره ۹، صص ۱-۱۰.
- Kiani, Mohammad Saeid, Nazari, Leila, Shahbazzpour Kiani, Leila (2019), "Sport Tourism and Sustainable Local Development for Host Cities for Sporting Events", *American Journal of Sports Science*, Vol. 7, No. 1, pp. 7-10.
- Kim, Wonyoung, Jun, Ho Mun, Walker, Matthew, Drane, Dan (2015), "Evaluating the Perceived Social Impacts of Hosting Large-Scale Sport Tourism Events", *Scale Development and Validation: Tourism Management*, Vol. 48, pp. 21-32.
- Lee, M. H. (2012), "A Study on the Effects of Between Festival Experience and

- Brand Equity", *Korean Corporation Management Review*, Vol. 19, pp. 169-184.
- Roy, S. Misra, S. (2016), "Interpretive Structural Modelling (ISM) of Travel and Tourism Enablers", *Science Arena Publications Specialty Journal of Psychology and Management*, Vol. 2 , No. 2, pp.32-45. Available at: www.sciarena.com.
- Taleghani, GH R . Ghafari, A (2014), "Providing a Management Model for the Development of Sports Tourism", *The 3rd International Geography Symposium-GEOMED*, Vol. 120, No.2, pp.289-298.
- Wickramaratn, Vimukthi Charika, Kumari, Prasansha (2016), "The Impact of Sports Tourism on Small Scale Business Development in Sri Lanka: International Cricket Match", *International Journal of Research in Humanities and Social Studies*, Vol. 3, pp. 33-38.
- Wasche, Hagaen (2015), "Interorganizational Cooperation in Sport Tourism: A Social Network Analysis", *Sport Management Review*, Vol. 18, No. 4, pp. 542-554.